

کارزار سوزی در اشرف

کفتلو با مجاهدان شهر اشرف



مسنور جوی - آذر ۱۳۸۸

کارزار سیروزی در اشرف

لفکو با مجاهدان شهر اشرف

مسعود رجوی - آذر ۱۳۸۸

کارزار پیروزی در اشرف
مسعود رجوی - آذر ۱۳۸۸

فهرست

۷	پیشگفتار
۱۱	فصل اول – کارزار پیروزمند
۱۳	زیارت عاشورا
۱۶	خویشترنداری در مقابل سه اقدام کثیف
۱۶	پیروزی کارزار بهار
۱۸	خوابهای پنبه‌دانه‌یی
۲۰	کارزار جهانی دفاع از اشرف
۲۵	قطعنامه نمایندگان کنگره آمریکا
۲۶	اشرف، متحد استراتژیک مردم عراق
۲۷	دفاع از حقوق قانونی اشرف
۴۱	شکست خفت‌بار توطئه رژیم
۴۲	گزارشی از پیروزی ۱۵ دسامبر
۴۳	اعتراض لرد کوربت
۴۶	سوابق نوری مالکی
۵۳	استقلال شگفت‌انگیز مجاهدین
۵۵	عقب‌ماندگی و کودنی سیاسی!
۵۶	طرح اتهامها و دروغهای سخیف، فراخوان به شرکت در دادگاه بین‌المللی
۷۴	باز هم تأکید بر حقوق قانونی
۷۵	پایان پیروزمند کارزار بهار ۶

۷۶	نیروی تروریستی قدس رژیم یا القاعده؟
۸۰	افشاگری قابل توجه
۸۳	انگشت رژیم در پشت انفجارهای بزرگ بغداد
۸۶	رژیم دیکته میکند
۸۶	خلع ید از رژیم، شعار همگانی مردم عراق
۸۸	اشرف، کانون استراتژیکی نبود
۸۹	نامه کمیته در جستجوی عدالت به مالکی
۹۵	رادیکالیزه شدن قیام پس از ۱۶ آذر
۹۸	مسأله اصلی، رهبری قیام
۱۰۰	نقش پیشتاز
۱۰۱	اعتراف به پیروزی آشکار، از موضع درماندگی و استیصال
فصل دوم - انقلاب اسلامی عراق و حزب الدعوه	
۱۰۵	انعکاس نقش رژیم
۱۱۰	انعکاس رژیم در رسانه‌ها
۱۰۷	از بطن جمهوری اسلامی متولد شد
۱۱۴	اعتراف سرمداران ریز و درشت رژیم به مزدوری ۹ بدر
۱۱۴	رابطه مستمر جریان مالکی با نیروی تروریستی قدس و نعل وارونه زدن
۱۱۷	حضور مجاهدین در عراق به عنوان یک مقاومت مشروع
۱۲۲	دعوت به دادگاه بین المللی و ارائه اسناد
۱۳۰	گرفتن سلاح از نیروی تروریستی قدس
۱۳۱	چندپادآوری و گزارش سی ان ان
۱۳۴	انقلاب اسلامی عراق و ۹ بدر
۱۳۵	تاسیس به دستور خمینی
۱۳۸	دوستند دیگر
۱۴۲	چند نمونه ردیلا نه از نعل وارونه و فرار به جلو و قیحانه رژیم
۱۴۵	اسناد استقلال مجاهدین
۱۴۶	نامه رسمی مدیرکل اداره بازرسی ملی عراق
۱۵۶	اسناد سلاحهای غنیمتی ارتش آزادیبخش
۱۶۲	اعتراف خمینی
۱۶۶	گزارش وزارت خارجه آمریکا
۱۶۸	

۱۷۰	بزرگترین لشکر سوار زرهی جهان
۱۷۰	بیانیه رسمی سنتکام
۱۷۲	اسناد خرید خودروها
۱۷۹	اسناد پرداخت هزینه آب و برق اشرف
۲۱۶	یکسال محاصره ضدانسانی و جنایتکارانه دروغپردازی در باره کشتن شیعیان و کردهای عراقی
۲۱۹	نامه هوشیار زیباری
۲۲۱	نامه جلال طالبانی
۲۲۷	فصل سوم - اذعان و پافشاری بر حقوق قانونی
۲۳۰	تعهد آمریکا به حفاظت از اشرف تا فرجام نهایی
۲۳۲	اعلامیه فرمانده نیروهای چند ملیتی در عراق
۲۳۴	حفاظت از اشرف توسط سازمان ملل
۲۳۹	فصل چهارم - شکست رژیم در کارزارهای سیاسی و حقوقی
	گزارشی از شکست مفتضحانه حربه کثیف به کارگیری خانواده
۲۴۱	برای فشار به فرزندان
۲۴۴	نتیجه مزدوری و تیز کردن تیغ جلا
۲۴۴	یک سند طلایی!
۲۴۹	فصل پنجم - جایگاه ایدئولوژی و انقلاب مریم
۲۵۱	اهمیت انقلاب ایدئولوژیک درونی
۲۵۵	رمز پایداری
۲۵۷	معیار سنجش مجاهدین
۲۵۹	گوشه‌یی از جنایت مافوق تصور رژیم در ۵مهر ۱۳۶۰
۲۶۳	فصل ششم - ضمایم
	موافقتنامه روش جاری برای دفاع از خود در اشرف-نوامبر ۲۰۰۶
	دعوت و نتیجه بازرسی سه روزه از اشرف با یکان سگ های پلیسی-آوریل ۲۰۰۹
	اسناد استقلال و سرفرازی مجاهدین و ارتش آزادی - نشریه مجاهد شماره ۹۱۵

پیشگفتار

کمیته سرکوب اشرف در نخست وزیری عراق اعلام کرده بود در روز ۱۵ دسامبر ۲۰۰۹ (۲۴ آذرماه ۱۳۸۸) به جابجا کردن مجاهدان بی سلاح اشرف مبادرت می کند و آنها را به زندانی در یک منطقه صحرایی نزدیک به مرز عربستان سعودی در جنوب غربی عراق منتقل خواهد کرد. این توطئه مشترک خامنه ای و مالکی برای سرکوب و انهدام مجاهدین در پی آزادی ۳۶ گروهان مجاهد خلق از چنگال دژخیمان مالکی و نیروی تروریستی قدس بود.

آزادی گروهانها و «بازگشت فاتحان» به اشرف، بعد از ۷۲ روز اعتصاب تر و خشک و پس از یک کارزار گسترده ملی و بین المللی در ۱۵ مهر ۱۳۸۸ محقق شد. ۱۲ روز بعد در روز ۲۷ مهر، علی الیاسری نماینده مالکی (رئیس رسمی کمیته سرکوب) به اشرف آمد و در حضور نماینده سازمان ملل و یک ژنرال آمریکایی، اولتیماتوم پر تهدید جابه جایی اجباری در روز ۱۵ دسامبر ۲۰۰۹ به سماوه (در ۹۰۰ کیلومتری اشرف) را ابلاغ کرد. وی مدعی بود که اشرف وسعتی بیش از کشور

بحرین دارد (!) و بایستی برای استفاده عراقیان تخلیه شود... در روز ۱۵ آذر ۱۳۸۸ (۹ روز قبل از موعد ۱۵ دسامبر)، رهبر مقاومت «کارزار بهار-شماره ۶» برای در هم شکستن توطئه خامنه ای - مالکی و دفاع جهانی از اشرف را اعلام کرد. در ۱۶ آذر مالکی نخست وزیر عراق در سایت خود و روزنامه نیمه رسمی الصباح «راجع به اخراج افراد سازمان مجاهدین از عراق یا انتقالشان به صحرای سماوه» گفت: «تصمیم به اخراج آنها از عراق است و اجازه نخواهیم داد آنها در عراق باقی بمانند و اقدامات ضروری را در زمان اتمام مهلت اتخاذ خواهیم نمود. انتقال به نقره سلمان گامی در راه اخراج آنهاست زیرا حضورشان در استان دیالی (در اشرف) خطرات زیادی دارد...»

در روزهای بعد رژیم آخوندی و اطلاعات و رسانه‌ها و سایتها و مزدوران آن سراز پا نمی شناختند و در صدها خبر و تفسیر از انتقال سریع‌السیر مجاهدان اشرف به «نقره سلمان» سخن گفتند که «دمای شنهای داغ آن در زیر تشعشع مستقیم آفتاب تا ۷۰ درجه سانتیگراد می‌رسد». جایی که حتی گیاهان «در زیر شنهای متحرک مدفون شده و بسیاری دیگر با اینکه ریشه‌های خیلی عمیقی دارند از جا کنده شده و همراه با گرد و غبار فراوان به دهها کیلومتر دور تر منتقل می‌شوند».

در ۱۸ آذر رژیم آخوندی و اطلاعات بدنام آن در واکنش به برانگیختگی افکار عمومی علیه جابه‌جایی خونین و اجباری، شماری از مزدوران خود را برای تبلیغ و لجن‌پراکنی علیه مجاهدین، به محل پارلمان اروپا برد.

در ۱۹ آذر دباغ، سخنگوی مالکی تحت فشارهای روز افزون بین‌المللی برای مقابله با توفان مخالفت افکار عمومی، یک گام عقب نشست و اعلام کرد در گام اول در روز ۱۵ دسامبر ساکنان

اشرف به جای سماوه به ساختمانهایی در بغداد منتقل می‌شوند. منظور او، انتقال به خانه‌های امن دژخیمان مالکی بود ... در ۲۰ آذر شخصیتها و نیروهای ملی عراق، رسانه‌های بین‌المللی و هم‌چنین سخنگوی وزارت خارجه آمریکا علیه جابه‌جایی اجباری موضعگیری کردند.

در ۲۳ آذر سخنگوی مالکی، با جنجال در این باره که شهر و جزیره مستقلی «به نام اشرف» وجود ندارد، از جابه‌جایی خونین با اعمال قهر و خشونت عقب نشست.

در ۲۴ آذر (۱۵ دسامبر) نیروهای تحت امر مالکی وارد اشرف شده و با بلندگو ساکنان را به ترک اشرف و برخورداری از امتیازات انتقال به کشورهای اروپایی و پذیرایی توسط دولت مالکی در مکانهای دیگر (غیر از اشرف) دعوت کردند. اما کسی حاضر به پذیرش این ننگ نشد و خبرنگاران گزارش کردند اتوبوسهای مالکی به‌طور کامل خالی برگشتند و حتی یک تن از ساکنان اشرف حاضر به این کار نشد...

آنچه می‌خوانید، گفتگوی مسعود رجوی با مجاهدان اشرف در پایان کارزار پیروزمند بهار ۶ است که توسط ناشر نوشتاری و ویراستاری شده است.

فصل اول

کارزار پیروزمند



سلام و تهنیت!

شما یکبار دیگر پیروز شدید!

اشرف و مریم یکبار دیگر پیروز شدند و پوزۀ رژیم را به خاک مالیدند! به مناسبت اول ماه محرم، نخستین روز سال هجری قمری، در ارض امام حسین و در سرزمین امام حسین، که از روز اول در همین جا به او اعلام پناهندگی کردیم، و نه به احدی دیگر و هرگز هم نخواهیم کرد، به مناسبت پیروزی در ۲۴ آذر (مصادف با ۱۵ دسامبر ۲۰۰۹) پیروزی کارزار بهار شماره ۶، بار دیگر می گویم:

السلام علیکم یا انصار ابی عبدالله الحسین، الشهید، المظلوم، السلام علیک یا ثارالله وابن ثاره.

زیارت عاشورا

صحبت را با سلام و درود و سر ساییدن بر آستان خون خدا، سیدالشهدا، پیامبر جاودان آزادی باید آغاز کرد.

السلام علیک و علی الارواح التي حلت بفنائک. سلام به تو و همه روانهای پاک و پاکیزه‌یی که در آستان تو فرود آمدند؛ از روز عاشورا، از اشرف و موسی و جاودانه

فروغها، تا ۶ و ۷ مرداد در خاک خودت.
فلعن الله امةً اسست اساس الظلم و الجور علیکم. لعنت خدا بر آنانی که پایه و اساس
ظلم و ستم را علیه تو و مجاهدات بنا گذاشتند لعنت بر خمینی و مزدورانش و
همدستانش و پشتیبانانش.
و لعن الله امةً قتلتکم. لعنت خدا بر آنهایی که بر روی تو و مجاهدات تیغ و شمشیر
کشیدند و شلیک کردند.
و لعن الله الممهدين لهم في التمكين من قتالکم. و آنهایی که اسباب کار را آماده کردند،
تبلیغ کردند و زمینه ساختند، راه را هموار کردند، جاده را صاف کردند، کم یا زیاد. و
چه سعادت‌ی بالاتر از این که امروز مجاهدان تو سرفراز، پناه می‌برند و بیزاری می‌جویند
به‌جانب خدا.
برئت الی الله و الیکم، و به‌جانب تو و جبهه تو و اردوگاه تو، از مرتجعان حق‌ستیز و
مزدورانشان در همین عراق.
منهم و من اشباعهم و اتباعهم و اولیائهم. و از پشتیبانان و تحت‌امراهیشان.
یا ابا عبدالله انی سلم لمن سالمکم،
این صدای مجاهدین است! ای حسین در صلح و صفایم یا هر کسی که با تو در صلح
و صفا باشد.
و حرب لمن حاربکم، و در جنگ و ستیز ابدی و دائمی‌ام با مرتجعان حق‌ستیز حاکم
بر ایران برای سرنگونی آنها.
الی یوم القیامه، تا روز رستاخیز.
و لعن الله آل زیاد و آل مروان و آل خمینی! و لعن الله بنی‌امیه و بنی‌خمینی قاطبةً و
لعن الله ابن‌مرجانه و لعن الله عمر بن سعد و لعن الله شمرا. و لعن الله امةً اسرجت و الجمث
و تنقبت لقنالك. لعنت خدا بر آنهایی که اسب زین کردند، زرهپوش از روی مجاهدان
تو عبور دادند، به‌جانب آنها شلیک کردند. آنها را در دخمه بردند، گروگان گرفتند،
آسیب رساندند و شکنجه کردند.
لعنت دائمی بر شما باد و این پایداری و این مقاومت را ما الگو و نمونه‌ی برای تاریخ
قرار خواهیم داد.

بابی انت و امی، پدر و مادرم فدای تو باد.
ای مردم ایران، هل من ناصر ینصرنی! یاری کننده‌ی هست به‌جانب آزادی و به‌جانب
حاکمیت مردم ایران برای رهایی از ستم رژیم پلید آخوندی، مظهر شرک و کفر و
ارتجاع، جرئومه جاهلیت و بربریت. و خطاب به مولایمان در روز اول محرم؛
ولّی لمن والاکم و عدوکم عاداکم. در خضوع و دوستی و فروتنی‌ام با هر کس که با
تو و در جبهه توست، و در ستیز و دشمنی‌ام با هر آن کس که با تو و ارزشهای تو، که
ارزشهای پیامبر جاودان آزادی است، ستیزه می‌کند.
اللهم ان هذا یومٌ تبرکت به بنو امیه، در زیارت عاشوراست روزی که در آن میمون‌وار و
با سخافت قتلۀ سیدالشهدا شادی کردند.
و ابن آکله الاکباد اللعین، و بنوخمینی اللعین ابن اللعین، علی لساتک و لسان نبیک.
لعنت بر آنها از جانب خدا، و رسول خدا و ائمه هدی.
اللهم العن العصابة التي جاهدت الحسین و المجاهدين. خدایا آن گروه و دستجاتی را
که هم‌چون شمر و یزید و خمینی و تابعان و مزدوران آنها در هر کجا و در هر سرزمینی
بر روی حسین و رهروانش و شیعیانش و مجاهدانش تیغ و تبر کشیدند، به‌لعنت ابدی
و نفرین دائمی گرفتار کن.
و شایعت و بایعت و تابع علی قتلہ و قتلهم.
آنهايي که همراهی کردند، گام برداشتند، شلیک کردند، داس و تبر زدند، بر قتل او و
مجاهدینش.
السلام علی الحسین و علی علی ابن الحسین، و علی اولاد الحسین و علی اصحاب
الحسین و علی مجاهدی الحسین.
بله بله! این جنایتها، این فضاحتها، و این کارهای کثیف و ردیبلانه چیزهایی نیستند
که در تاریخ ایران و در تاریخ عراق فراموش بشوند، نخواهیم گذاشت، هرگز نخواهیم
گذاشت.

خویشتنداری در مقابل سه اقدام کثیف

رژیم و مزدورانش بعد از این که در ۱۵ مهر، در موضوع ۳۶ گروگان پوزه‌شان به خاک مالیده شد، درست ۱۲ روز بعد، از ۲۷ مهر برای جابه‌جا کردن اجباری مجاهدان اشرف خیز برداشتند، ۵۷ روز طول کشید تا این که در ۲۴ آذر (برابر با ۱۵ دسامبر) دیدیم آنچه را که دیدیم؛ یک جنبش عظیم بین‌المللی که مجاهدین خلق و خلق ایران و مردم برادر عراق و عشایر و شیوخ و آلترناتیو ملی عراق را و نمایندگان کنگره آمریکا و پارلمان بریتانیا تا ۲۱۷۲ شهردار فرانسوی را دربرمی‌گرفت. وجدان بشریت این چنین برانگیخته شد.

از همه شما تشکر می‌کنم؛ که با خونسردی و تسلط کامل همه درها و مقرها را باز گذاشتید و در مقابل اقدامات کثیف، مثل پخش اوراقی که املا و انشای وزارت اطلاعات رژیم ایران را در جمله به‌جمله و کلمه‌به‌کلمه‌اش نمی‌توان پنهان کرد، خویشتنداری کردید؛ «کاغذ پاره پاره، ملا شده بیچاره»!

در برابر زست کثیف پلیسی با بلندگو، در جمع فرزندان رشید ملت ایران، در یک جمع انقلابی که یادآور اقدامات و ردیلهای گزیده‌های شاه و شیخ در اوین و سایر زندانهاست، خویشتنداری کردید.

در مقابل یک اقدام پلیسی کثیف دیگر که وارد کردن عوامل اطلاعات و نیروی تروریستی قدس در پوشش خیرنگار بود، خشم خودتان را فروخوردید و کنترل کردید.

پیروزی کارزار بهار ۶

یادتان هست که در سلسله عملیات تدافعی مروارید هم، چنان که رفسنجانی بعداً گفت، رژیم از دیواری بالاتر از قد خودش می‌خواست بالا برود، اما با ۷ تیپ و لشکر نتوانست به‌دهانش زدید و برگشت. در آنجا هم اتوبوس آورده بود که دسته‌دسته مجاهدانی را که اسیر خواهد کرد در اتوبوس انداخته و مانند اسیران کربلا در شهرهای ایران بچرخاند و به بارگاه یزید و ابن زیاد ببرد.

این بار هم قرار بود که طبق طرح و برنامه‌های رژیم دستکم ۲۰ اتوبوس بیاید و هر کدام چهل، پنجاه نفر - حدود هزار نفر - را با خود ببرد. بعد شنیدم که هموطنانمان

در داخل و خارج ایران شعار می‌دادند که: «دروغگو، دروغگو، بیست اتوبوست کو؟» و این‌که: «کاغذ تو در اشرف، رذالت، کثافت...»

شگفتا که بعد از فروغ ایران و قیام اشرف، فتح مبین دیگری را شما، تک تک شما، محقق کردید. سلام بر شما و گوارای شما!

و امروز هموطنان ایرانی ما هستند که در اینسو و آنسو جهان می‌گویند «تبر و تبر، بولدوزر، اتوبوس و بلندگو دیگر اثر ندارد».

نمی‌دانم چرا این دولت عراق که اینقدر در مورد مجاهدین در خصوص حاکمیت خودش سختگیر است و مو را از ماست می‌کشد، اصلاً مسأله‌ی برایش نیست که چه کسی در محل تجمع خبرنگاران برای آمدن به اشرف بمب منفجر کرد. آقای مالکی در این مورد چرا ساکت هستی؟

وقتی که رژیم دید کار از کار گذشته و غیر از مزدوران خودش تحت پوشش خبرنگار، و مزدورانی که کمیته سرکوب اشرف می‌خواست بیاورد، دیگرانی هم اعلام آمادگی کرده و برای آمدن به اشرف تجمع کرده‌اند، آن وقت مثل همیشه اقدام به میبگذاری کرد. و ما بر سؤال خودمان پا می‌فشاریم که آقای مالکی چرا در مورد انفجار بمب در محل تجمع یا مسیر خبرنگاران، ساکت هستی؟

جواب البته روشن است؛ توافق دوجانبه دم خروس ملاست!

خوب، به مدت ۵۷ روز خط و نشان کشیدند و از جابه‌جایی به زندانهای قدیمی عراق در نزدیکی مرز سعودی یا سماوه، المثنی و سایر استانها صحبت کردند. بعد وقتی ززهپوش، بولدوزر، شلیک، داس و تبر مؤثر واقع نشده، اتوبوس و کاغذ و بلندگو!

بیچاره شب‌پرستان، بیچاره مرتجعان، نمی‌دانند با چه کسی طرف هستند؛ کسانی که شاه و شیخ را کهنه کرده‌اند، کسانی که از قتل‌عام زندانیان سیاسی‌شان به‌دستور خمینی جلاد عبور کرده‌اند، از نسل صدهزاران و نسل بی‌شماران...

امروز در دنیا چه کسی نمی‌داند که این محاصره و این جنایت فقط به‌دستور ولایت است؟!۱۴

اما، تک درخت بیده، شاد و پر امید؛ اشرف و مروارید صحرا را می‌گوییم. شاد و پایدار و پیروز و سرفراز باقی ماند. اصطلاح و نامگذاری مروارید صحرا را در خیرهای برخی از

این تلویزیونهای عربی خواندم که به نقل از مردم عراق - فکر کنم بخش «عظیم» بود - می گفت این مردم بین خودشان به اشرف مروارید صحرا می گویند. چون به رغم این که در یک منطقه صحرایی است ولی پر از انواع درختها، باغها و باغچه های زیباست که در آن همه نوع خدماتی وجود دارد: «از پروژه های آبرسانی تا دریاچه، فواره های آب، باغهای بزرگ، ساختمانها، مسجد، راهها و جادهها...»

بعد هم شنیدیم که در همین بحبوحه و در همین ایام، عده ای سرمایه دار خوش خیال هم، برای پر کردن جیبهایشان طراحی می کردند، آن چنان که سایت سومریه گفته است: خوب، وقتی که روز سه شنبه مجاهدین رفتند، اینها بیایند اینجا را تبدیل به مرکز تبادل تجاری بزرگ بین اقلیم کردستان و بغداد کنند. جالب است که حتی دعوا هم با همدیگر داشته اند، یکی می گفته است اینجا را تبدیل به مرکز تبادل تجاری کنیم و یکی هم از سمت «عظیم» می گفته است که آقا این منطقه در محدوده جغرافیایی ماست و خیلی به آن نیاز داریم تا در آن سرمایه گذار بهای مختلف انجام بدهیم!

خوابهای پنبه دانه بی

تلاش می کنیم که در عملمان، به بخش ولایت فقیه در دولت عراق، مقداری هم قانون و حقوق آموزش بدهیم که دنیا چندان هم که گمان کرده اید بر «این همانی» بین شرایط عراق و رژیم ولایت فقیه نمی چرخد، و بین شرایطی که رژیم در ایران حاکم کرده با وضعیت عراق مقداری تفاوت هست. یادتان هست که آن حکیم از قضا در همین ایام، شش سال پیش در ۹ دسامبر ۲۰۰۳ هوا برش داشته بود و در مقام رئیس شورای حکومتی منحل در روز ۱۸ آذر سال ۱۳۸۲ می گفت مجاهدین باید سه هفته بی عراق را ترک کنند، و می خواست از هرگونه فعالیت آنها تا هنگام خروج از عراق جلوگیری کند.

همه دنیا می بینند که حتی در زمانی که مجاهدین در لیست تروریستی اتحادیه اروپا بودند حق بیان آزاد، حق تظاهرات، حق اجتماعات، حق فعالیت داشتند. لیست تروریستی به طور عمده روی ویزا انگشت می گذارد. یعنی ویزا و اجازه ورود نمی دهد؛ و نه حساب مالی و نه چیز دیگر. برای همین، وقتی که در سال ۷۹-۸۰ خودمان، دولت

ديالى تعرض معسكر أشرف للاستثمار بعد إخلائه من "منظمة خلق"

العدد: ٥٢
الجزء: ٥٢
الطبعة: ١٠٠٩
العدد: ٥٢

السومرية نيوز/ديالى

أعلنت إدارة محافظة ديالى، اليوم الأربعاء، عن نيتها فتح باب الاستثمار في معسكر اشرف بعد إخلائه من اعضاء منظمة مجاهدي خلق الإيرانية المتطرفة خلال الازمة المقبلة، مؤكدة وجود مستثمرين ابدوا رغبتهم باستثماره وخطه مدينة سياحية متكاملة الخدمات.

ويقال مستشار محافظ ديالى لتكوين العلاقات العامة والسيور الحاف في حديث لـ"السومرية نيوز"، إن "إدارة المحافظة لديها خطة لاستثمار معسكر اشرف بعد إخلائه من اعضاء منظمة خلق الإيرانية حسب قرار الحكومة المركزية، مضمناً "أن "المعسكر يضم مطاراً يمكن استئجاره وتحويله الى مطار مدني لتطوير النقل الجوي بين المحافظة وبقية أنحاء البلاد.

وكان رئيس الحكومة العراقية نوري المالكي أعلن، اليوم الأربعاء، في مؤتمر صحافي عقده في مبنى رئاسة الوزراء وحضرته لـ"السومرية نيوز"، ان "الحكومة قررت إخلاء معسكر اشرف من اعضاء منظمة خلق الى خارج العراق".

وكانت الحكومة العراقية أعلنت استلامها المهام الامنية داخل المعسكر من الممعدة الحسنيات بداية العام الجاري واطلقت نسفة مخيم العراق الجديد عليه بدلته آب الماضي.

وأضاف دلصور، "أن إدارة المحافظة تعزم خط معسكر اشرف واجهة سياحية كبيرة وستعرض امام المستثمرين ليكون متنفساً للفوائل مما يساهم في دعم الاقتصاد المحلي".

من جهة أكد نائب رئيس مجلس المحافظة صادق الحسيني في حديث لـ "السومرية نيوز"، بأن "هناك مشاورات تجريها القيادات المحلية في مجلس إدارة المحافظة من اجل الإسراع باستثمار معسكر اشرف وخطه بقطعة سياحية ومركز تبادل تجاري كبير بين اقليم كردستان العراق وهداد، لاهلاً الى، "أن "معسكر اشرف يضم كل المقومات الأساسية لاجلته مدينة سياحية مميزة".

من جانبه قال مدير ناحية العظيم عبد الجبار العبيدي، "إن "المجلس البلدي جرت على استثمار معسكر اشرف بعد إخلائه من اعضاء منظمة خلق وإعلانه الى الإدارة المحلية باعتباره يقع ضمن الحدود الإدارية لناحية العظيم"، على حد قوله.

ويطلق الأهالي في ناحية العظيم ٥٥ كم شمال شرق بقرية، على معسكر اشرف تسمية "لؤلؤة الصحراء" نظراً لكثرة الأشجار والحدائق الجميلة فيه رغم انه يقع في منطقة صحراوية حيث تنمو فيه جميع الخدمات من مشاريع مئة وبحيرات وأقنارات وحدائق كبيرة وصناعات ومساحات وطرق إضافة الى مطار كبير يستخدم في نهاية الثمانينات لانطلاق الميوجيات والطائرات المغلطة.

يذكر أن منظمة خلق، الإيرانية المتطرفة اتخذت من معسكر اشرف قرب ناحية العظيم ٥٥ كم شمال بقرية مركز محافظة ديالى، مقراً لها منذ العام ١٩٨٤ وسبلغ عدد اعضائها قرابة ٢٤٠٠ الف إيراني فيما تزيد مساحة المعسكر عن ٢٥ كم مربع.

السومرية نيوز: استان ديالى قرار گاه اشرف را پس از تخلیه توسط سازمان مجاهدين خلق، در معرض سرمایه گذاری قرار می دهد!

انگلیس سازمان مجاهدین را در لیست ممنوعه برد، بسیاری در آن زمان گفتند که فقط دو جا سازمان مجاهدین در لیست ممنوعه هست، یکی رژیم آخوندی و یکی انگلیس آقای جک استراو که آن داستانتها گذشت. الان مجاهدین در دو جا ممنوعه هستند، یکی در حکومت فعلی و بخش ولی فقیه در عراق، و دیگری حکومت خود ولی فقیه ارتجاع.

به هر حال، شش سال پیش هم در همین ایام، آن عبدالعزیز حکیم که سوابقش روشن است، وسالهای سال یک مأمور دین پایه اطلاعات آخوندها و ستاد تروریستی امور عراق (ستاد نصر)، در قم و تهران بود. با دیگر نوکیسه‌گان، همین که بعد از اشغال عراق فرود آمدند، می‌گفتند مجاهدین سه هفته‌یی باید بروند، ممنوعه هم هستند، سلاحها و اموال و داراییهایشان هم باید مصادره شود و الی آخر...
آرزویی که هم شاه و هم خمینی به‌گور بردند و کسانی هم که هنوز این آرزو را دارند، بدون شک آن را به‌گور خواهند برد.

در مثل است که آزموده را آزمودن خطاست، اما اگر رژیم و عوامل و مزدورانش در عراق باز هم می‌خواهند مجاهدان اشرف را و مریم را بیازمایند؛ بفرمایید این گوی و این میدان؛ بیا، بیا، بیا...!

بله، بله! سنگ بنای پیروزیهای شما در انقلاب مریم است، با این تکیه‌گاههای آرمانی و با این گوهران بی‌بدیل.

کارزار جهانی دفاع از اشرف

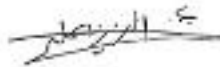
روز قبل از ۲۴ آذر ۱۳۸۸ (۱۵ دسامبر) ملل متحد و نماینده ویژه دبیر کل، نسبت به یک فاجعه انسانی دیگر که قطعاً ابعادش به مراتب بیشتر بود، هشدار دادند.
قبل از آنهم - تقریباً دو هفته قبل از ۱۵ دسامبر - نایب رئیس پارلمان اروپا و رئیس کمیته بین‌المللی در جستجوی عدالت، در نامه به نخست‌وزیر عراق هشدار داد: «کمیته در جستجوی عدالت که ۲۰۰۰ پارلمانترا در اروپا و آمریکا در برمی‌گیرد به شما هشدار می‌دهد». هم‌چنین کمیته بین‌المللی حقوقدانان در دفاع از اشرف که ۸۵۰۰ حقوقدان را در برمی‌گیرد و ۱۶ کمیته پارلمانی در ۱۶ کشور جهان، هم، به این کارزار پیوستند.

بسم الله الرحمن الرحيم

قرار (١٢٦)

بالنظر لتتاريخ الإرهابي الأسود لمنظمة مجاهدي خلق الإيرانية
الإرهابية وما قامت به من جرائم بحق شعبنا وجيراننا، واستناداً إلى
قرارات مجلس الحكم السابقة المتعلقة بمحاربة المنظمات الإرهابية،
قرر مجلس الحكم بالإجماع بجلسته الاعتيادية (٦٥) المنعقدة
بتاريخ ٢٠٠٣/١٢/٩ ما يأتي:

١. طرد عناصر منظمة مجاهدي خلق الإيرانية من الأراضي العراقية
وخلال فترة أقصاها نهاية العام الحالي .
٢. غلق مقرات منظمة مجاهدي خلق الإيرانية ومنعهم من ممارسة أي
نشاط ولحين مغادرتهم.
٣. مصادرة أموال المنظمة وأسلحتها وضمها إلى صندوق تعويضات
ضحايا النظام القاسي البائد.
٤. للأفراد والمؤسسات العراقية مقاضاة هذه المنظمة لجرائمها بحق
الشعب العراقي ومطالبتها بالتعويض عن ذلك، ومن أموالها داخل
و خارج العراق.



عبد العزيز الحكيم

رئيس مجلس الحكم

٢٠٠٣/١٢/٩

حكم شوراي حكومتي منجله

Convention, prevent their expulsion and forcible displacement, and lift the blockade against them. Sadly, however, the opposite occurred and we were forced to witness the events of July.

an Iraqi Army Intelligence Captain and is currently persecuting Ashraf residents, fabricating legal files against them, threatening the lives of their families, arresting suppliers of goods to Ashraf, fabricating false reports about alleged comings and goings of Ashraf residents from outside the Camp in cooperation with the American forces.

You obviously have not concealed your intentions of violating the rights of Ashraf residents. On November 28, in an interview with the "Law Abiding Government" website you praised economic and trade relations with Iran and threatened that if the PMOI does not leave Iraq, then "the Iraqi people will run out of patience due to its behavior, interference in Iraq and past record." You also told Al-Alam TV on January 2 that "We are going to make them leave Iraq."

We, at the European Parliament and ISJ, closely follow up developments in Iraq and Iran and we are aware of pressures by the Iranian regime to suppress Ashraf residents as a precondition to lend support to you in the upcoming parliamentary elections in Iraq. Visit to Iraq by Speaker of Iran's Parliament, Ali Larijani, and his remarks on elections in Iraq and the state of the PMOI, combined with the activities and remarks by Iran's ambassador to Baghdad, Kazemi Qomi, one of Quds force commanders, leave no doubts about it.

But, as the friends of a democratic fascism ruling Iran, which today h Iranian people, has no future who nothing but hatred from the nation international scene.

These actions are unprecedented even in war zones or occupied territories. They also openly contradict international standards, as well as Ashraf traditions and the teachings of

You are certainly aware that on 7 under the principles of universal investigate the crimes committed court's decision relies on the fact court sees as protected persons an violation of that convention.

Dozens of between 2 2008 and 1 well talked

As an elected member from Spain, has the jurisdiction to investigate anywhere that justice has not yet judges can issue international war against Ashraf residents.

I have no people's i demands there are 1 you have 1 Committee North Am

Over the past several months, ma such as Amnesty International, th various national parliaments, hav resolution passed on April 24, 2009 government to respect the rights

I also was doubt led in while on the police, the legal force and

European

European Parliament, ASP 11E205.

We in ISJ causes an known as state of th

For every committee stated to continued the forces are the intelligence detection, the Camp

The Inter-Koltrayor Iranian re

EUROPEAN



2 December 2009

Honourable Nuri al-Maliki
Prime Minister
Baghdad
Republic of Iraq

Dear Prime Minister,

As Vice President of the European Parliament and the President of the International Committee in Search of Justice (ISJ) comprised of 2,000 parliamentarians from both sides of Atlantic, I am writing to express my strong protest against suppression of Camp Ashraf residents, members of the People's Mojahedin Organization of Iran (PMOI).

Following a decision by the Spanish Court to launch an investigation on the murder of Ashraf residents on July 28 and 29 by Iraqi forces, I particularly wish to warn you that continuing with this kind of behavior, which blatantly violates international laws and norms, would undoubtedly have serious adverse impact on the policies of International community, especially those of the European Union, towards Iraq.

Inhumane siege on Ashraf and sanctions on its residents, including total ban on allowing medical doctors to the Camp, barring medicine and fuel, disrupting entry of food and other essential items in addition to preventing families of Ashraf residents, their lawyers, human rights activists and parliamentarians from entering Ashraf, all point to the fact that your government is rather far from a democratic and an independent Iraq desired by absolute majority of the Iraqi people.

Barring physicians and medicine into Ashraf takes place at a time when those wounded in the deadly attacks of late July desperately need medical care and treatments. In those attacks 130 residents of Ashraf were maimed, 370 wounded in addition to 11 others who were killed by Iraqi forces.

نامه
هشدار
نایب رئیس
پارلمان
اروپا، دکتر
آخو ویدال
کوادراس

از روی نامه نایب رئیس پارلمان اروپا، دکتر آخو ویدال کوادراس دو هفته قبل از ۱۵ دسامبر، خطاب به مالکی می‌خوانم:

«ما به‌شما نسبت به جابه‌جایی اجباری ساکنان اشرف که بدون شک دهها برابر ۲۸ و ۲۹ زوییه کشته و زخمی و خسارت بر جای خواهد گذاشت، هشدار می‌دهیم، به‌خصوص که از شما نقل می‌شود (در آن تهاجم مرگبار) دستور شلیک نداده بودید و پلیس و نیروهای عراقی به‌طور سر خود مرتکب این جرایم شده‌اند. اگر این را باور کنیم (یعنی باور کنیم که آقای مالکی خودت این دستور را نداده‌ای)، نتیجه یک چیز بیشتر نیست که آنها دستورات خود را مستقیماً از فاشیسم دینی حاکم بر ایران و نیروی قدس و وزارت اطلاعات دریافت کرده‌اند. گزارشهای دقیقی که از منابع ایرانی - عراقی و طرفهای ثالث به کمیته بین‌المللی در جستجوی عدالت رسیده است و ما آنها را تدقیق کرده‌ایم، نشان می‌دهد کمیته‌یی که در نخست‌وزیری عراق تحت عنوان کمیته یسنن اشرف تشکیل شده است، یک دستگاه سرکوب است که منویات فاشیسم دینی حاکم بر ایران را پیش می‌برد و بسیاری از افراد آن در ارتباط مستقیم با این رژیم قرار دارند و دستورات خود را از آن دریافت می‌کنند.»

در ادامه این نامه چند مثال مشخص زده شده و اسامی مشخصی را از سپاه بدر و مجلس اعلاء انقلاب اسلامی عراق آورده و بعد ادامه می‌دهد: «شما (یعنی مالکی)، نیز البته مقاصد خود را در مورد نقض حقوق ساکنان اشرف پنهان نکرده‌اید، در روز ۲۸ نوامبر در مصاحبه‌یی که روی سایت دولت قانون متعلق به‌شما درج شده است ضمن تمجید از روابط اقتصادی و تجاری با ایران تهدید کردید که اگر مجاهدین عراق را ترک نکنند، صبر عراقیان از رفتار و دخالتها و سابقه آنان لبریز می‌شود. شما آقای مالکی در ابتدای سال ۲۰۰۹ در روز ۲ ژانویه نیز به تلویزیون العالم متعلق به رژیم ایران گفته بودید "آنها را ناچار خواهیم کرد در عراق باقی نمانند".

ما که در پارلمان اروپا و در کمیته بین‌المللی در جستجوی عدالت تحولات ایران و عراق را دنبال می‌کنیم از فشارهای رژیم ایران برای سرکوب ساکنان اشرف به‌عنوان پیش‌شرط برای حمایت از شما در انتخابات پارلمان عراق مطلعیم. سفر لاریجانی، رئیس مجلس ملایان به عراق، اظهاراتش در مورد انتخابات و مجاهدین و تحرکات و

اظهارات کاظمی قمی یک فرماتده نیروی قدس و سفیر رژیم در بغداد، شکی در این باره باقی نمی‌گذارد. ما به‌عنوان دوستان یک عراق دموکراتیک و مستقل به‌شما اطمینان می‌دهیم فاشسیم دینی حاکم بر ایران که امروزه با قیام سراسری ایران هیچ آینده‌یی ندارد، دوستی و همپیمانی با آن جز انزجار مردم ایران و عراق و بدنامی در سطح بین‌المللی حاصلی نخواهد داشت.

شما آقای مالکی حتماً مطلعید که روز ۲۶ نوامبر دادگاه اسپانیا در حکمی براساس اصل صلاحیت بین‌المللی که در کنوانسیونهای ژنو پایه‌ریزی شده است، صلاحیتش را برای تحقیق پیرامون جنایات روزهای ۲۸ و ۲۹ ژوئیه علیه ساکنان اشرف اعلام کرد. تصمیم دادگاه مبتنی بر این واقعیت است که حمله علیه اشرف می‌تواند نقض کنوانسیون چهارم ژنو باشد که دادگاه، ساکنان اشرف را به‌عنوان افراد حفاظت‌شده تحت این کنوانسیون به رسمیت می‌شناسد. مشاوران حقوقی شما به‌خوبی می‌دانند که قضات این دادگاه در موقع مقتضی می‌توانند احکام جلب بین‌المللی برای عاملان و آمران جنایتهایی صادر کنند که علیه ساکنان اشرف روا شده و روا می‌شود.

در ماههای گذشته بسیاری از مراجع سیاسی و حقوق بشری در سطح بین‌المللی نظیر عفو بین‌الملل، مجمع پارلمانی شورای اروپا و پارلمانهای کشورهای مختلف، بارها و بارها بر حقوق ساکنان اشرف تأکید کرده‌اند. قطعنامه ۲۴ آوریل ۲۰۰۹ پارلمان اروپا از شما و دولت عراق خواسته بود به حقوق ساکنان اشرف در چارچوب کنوانسیون چهارم ژنو احترام بگذارید، از اخراج و جابه‌جایی اجباری آنان جلوگیری کنید و محاصره آنها را لغو کنید. اما ما به‌عکس، متأسفانه شاهد حوادث ژوئیه گذشته بودیم و حالا یک دادگاه با صلاحیتهای بین‌المللی است که بر نقض حقوق اشرفیان از سوی دولت عراق تأکید می‌کند. به این ترتیب آقای مالکی مطمئن باشید که ادامه سرکوب ساکنان اشرف به‌ویژه ادامه محاصره و جابه‌جایی اجباری آنها دهها برابر وقایع ژوئیه گذشته عکس‌العمل و نفرت بین‌المللی و منطقه‌یی را برمی‌انگیزد که قطعاً لطفهای فاشسیم دینی حاکم بر ایران قادر به‌جبران آن نخواهد بود.

امیدواریم شما آقای مالکی به ندای وجدان، به تمایل اکثریت قاطع مردم عراق، به فراخوانهای بین‌المللی و پیام عدالت گوش بسپارید و حقوق ساکنان اشرف را مورد

احترام قرار بدهید و از تجاوز و تعدی و محاصره و جابه‌جایی اجباری آنها جلوگیری کنید و احترام مردم عراق و جامعه بین‌المللی را به‌دست بیاورید.»
خوب، از دو هفته پیش از ۱۵ دسامبر همه چیز گفته شده بود و هیچ چیزی ناگفته نماند.

قطعنامه نمایندگان کنگره آمریکا

قطعنامه پیشنهادی نمایندگان کنگره آمریکا که تا امروز ۱۳۰ امضا داشته و خشونت مستمر توسط نیروهای امنیتی عراق در اشرف را محکوم می‌کند، به دولت آمریکا فراخوان می‌دهد که حفاظت و سلامت ساکنان اشرف را تضمین کند و از رئیس‌جمهور آمریکا می‌خواهد که برای پایبندی به تعهدات ایالات متحده و موافقتنامه‌یی که با تک‌تک ساکنان اشرف به ازای گردآوری سلاحها و مهماتشان امضا کرده بود، همه اقدامات لازم و مناسب را اتخاذ کند. فقط این رژیم است که می‌خواهد آمریکا تعهداتش را زیر پا بگذارد و لاغیر.

بعد هم موضعگیریها و صحبت‌های تعدادی از نمایندگان کنگره را شنیدیم که گفتند مگر این دولت عراق همان نیست که ما این همه پول، سرمایه و جان و خونمان را برایش مایه گذاشتیم، آنجا چه خبر است! همه این کارها را انجام دادیم که یک دولت دموکراتیک در عراق روی کار بیاید یا یک دولت دست‌نشانده رژیم ایران؟!

خانم جکسون لی بود که فریاد کشید؛ دولت عراق کسانی که قبلاً چنین توفانهایی را پشت سر گذاشتند و چنین خونی از آنها ریخته شده را می‌خواهد کجا بفرستد؟ بیابان و کویر، در جایی که تابستان ۷۰ درجه گرماست و هیچ درخت و سبزه‌یی در آن نیست؟ آیا دیگر شکی باقی می‌ماند دولتی که می‌خواهد این کارها را بکند، یک دولت دست‌نشانده رژیم ایران است و نه یک دولت عراقی؟!

یعنی شاهد بودیم که در روزهای قبل و مخصوصاً در روز ۱۵ دسامبر، چه برانگیختگی فوق‌العاده بین‌المللی و چه التهایی ایجاد شده بود!

آن نماینده دیگر گفت تنها کسانی که من می‌شناسم و از پس این رژیم دیکتاتوری در ایران برمی‌آیند، اینها هستند، همینهایی که در اشرف هستند. نباید گذاشت که

اینها در عراق به دیوار زده بشوند، باید به این دولت عراق گوشزد کرد که بهای آن را به‌سختی خواهی پرداخت. این دیگر حرف ما نبود، این حرف "روہرا باکر" بود که گفت: بوی تعفن مشام آزار دولت عراق و ملاءهای دیکتاتوری ایران به‌مشام می‌رسد و آمریکا نباید کنار بایستد و اجازه دهد چنین کاری انجام شود. این موضوع نگرانی ماست. به طور شبانه‌روزی آن را کنترل و نظارت می‌کنیم.

اشرف، متحد استراتژیک مردم عراق

استناد دولت عراق به لیست تروریستی هم یاوه است. اصول جهاتشمول حقوق بشر و قانون حقوق بشر بین‌المللی مگر لیست می‌شناسد؟ بگذریم که خود آن لیست، استمالتی از حاجی خاتمی در آن سالیان بوده است. مگر دیگر تردیدی هست که مخصوصاً در آستانه انتخابات (عراق)، رژیم تا کجا مجاهدین را مانع اشغال و بلعیدن این کشور توسط خودش می‌داند؟ همین امروز و همین الان خیر اول اغلب تلویزیونها در این منطقه از جهان، این است که رژیم روی چاه نفتی در منطقه فکه جنگ انداخته، پرچم خودش را هم روی آن زده و دارد کار خودش را انجام می‌دهد. عجیباً به‌نظر می‌رسد منظور رژیم از نعره‌های قدس، قدس از طریق کربلا، بیشتر فکه و عراق باشد! همه خبرگزاریها خبر فوری مخابره می‌کنند، عراق هم به این خاطر جلسه شورای امنیت ملی خودش را تشکیل داد.

حرف که خیلی واضح است؛ بارها مردم عراق گفته‌اند که در مقابل رژیم ولایت‌فقیه و تجاوزاتش، ما این مجاهدین را شریک استراتژیک خودمان می‌دانیم، چرا؟ اقتضای این ژئوپولیتیک، همین شراکت استراتژیکی نیروهای ملی، دموکراتیک و مردمی در ایران و در عراق است. در برابر چه چیز؟ در برابر این جنگ انداختن ولایت‌فقیه با صدور تروریسم و ارتجاع، با بحران‌سازی و با جنگ.

هنوز داستان آوردن اتوبوس برای جابه‌جایی افراد اشرف تمام نشده، شاهد جنگ انداختن رژیم روی چاه نفتی هستیم. ضمن این که همه می‌دانند که در جنوب عراق در این سالیان، نفت را چه کسی بالا می‌کشید؛ چند سال پیش که مریم افشا کرد، دستکم ۲۰ میلیارد دلار تا سال ۱۳۸۴ بود.

موضوع خیلی روشن است؛ مردم عراق هم در بیانیه ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار و هم در بیانیه ۵ میلیون و ۲۰۰ هزار گفتند که راه حل، خلع ید از این رژیم است. و مردم و مقاومت ایران و همین مجاهدین، شریک و متحد استراتژیکی ما هستند. واشینگتن پست شهریور سال ۸۶ هم نوشت: چشم‌انداز حاکمیت مشترک آمریکایی - ایرانی در عراق موجب وحشت کشورهای منطقه شده است.

این میدانی که رژیم پیدا کرده است، جز خلق و مجاهدین خلق ایران چه کسی از پس آن برمی‌آید؟ بسیاری از آمریکاییها، تحلیلگرها، نماینده‌ها و سناتورها حرفشان این بوده و این هم هست که اشغال عراق، چنین فرصت یادآورده‌یی را برای رژیم فراهم کرد. رژیم به ظاهر می‌گوید جنگ نمی‌خواست، اما ما که می‌دانیم؛ چه کسی بود که همان حکیم را به ملل متحد و به آمریکا می‌فرستاد و اسناد جعلی ارائه می‌داد که عراق سلاح کشتار جمعی دارد و در فرارگاههای مجاهدین هم هست! معلوم است که رژیم بود. چه کسی بود که این داستان سلاح کشتار جمعی را راه انداخت، سند و مدرک برایش جعل می‌کرد و به مزدورهای عراقی می‌داد که می‌بردند و به این و آن می‌دادند؟ هیچگاه مردم عراق - طبق حرف خودشان - دوست، متحد، شریک، یار و یاور استراتژیکی بهتری در برابر رژیم ولایت فقیه حاکم بر ایران، مثل مجاهدین نخواهند یافت. اینها هستند که می‌توانند بلای رژیم را از سر این کشور دور کنند. خوب، رژیم هم خواستهای خنثی کردن همین است.

دفاع از حقوق قانونی اشرف

شب قبل از ۱۵ دسامبر، وقتی که ملل متحد موضعگیری کرد، دیدیم که آقای دباغ سخنگوی همین دولت عراق، شتابان به تلویزیون الحرة رفت و گفت که نه، نه! ما آنها را به‌زور به محلی برخلاف خواست خودشان جابه‌جا نخواهیم کرد! متشکریم که آقای دباغ به این ادعان کرد، هر چند که گفت مسأله ما حاکمیت است! هر چند که گفت اینها هیچ «استاتویی» ندارند.

برو بابا جان! چه کسی از تو «استاتو» (موقعیت قانونی) خواسته، کسر شأن مجاهدین است که از تو «استاتو» بخواهند، ما از روز اول، از اباعبدالله الحسین «استاتوی» خود



«یا اباالشهدا به ما گفته اند - در آن جا که تا دیشب بودیم- که علیه خمینی فعالیت نکنید و الا پناهندگی سیاسی در کار نخواهد بود و ما گفتیم شگفتا! ان ارض الله واسعه"، همانا که زمین خدا پهناور و وسیع است و حال به تو پناه آوردیم به تو و یارانت و انصارت، به تو و پدر بزرگوارت علی ابن ابیطالب...»
نیایش در قتلگاه سیدالشهدا در کربلا- بامداد ۱۸ خرداد ۱۳۶۵

را خواسته و اعلام کرده‌ایم:

«به‌خدا سوگند که طنین صدای تو که فریاد "صبرا بنی‌الکرام" را در زیر آسمان این دشت طنین‌افکن ساخته همچنان به‌گوش می‌رسد؛ «سمعنا و اطعنا»، و هم‌چنین طنین فریاد "هل من ناصر" تو در سراسر خاک ایران طنین‌افکننده است که امروز تمامی خاک وطن ما کربلا و تمامی ایام آن عاشورا است».

بله مجاهدین بودند که یکسال قبل از جنگ، در فروردین ۸۱، ندای هیبات سر دادند و پرچم هیبات من‌الذله را بلند کردند؛ بعد دیدیم که در تظاهرات و اعتراضات و قیام خلق قهرمان و دانشجویانش تکثیر و توزیع شد.

چه کسی از تو «استاتو» خواست؟ هرگز، هرگز، هرگز! اما سرسوزنی از حقوق خودمان کوتاه نمی‌آییم و همین امشب هم مقداری به تو آموزش حقوق خواهیم داد، تا بدانی در جهان، چیزی هست به‌نام حق و حقوق و قانون!

می‌گویند ما می‌خواهیم حاکمیت خودمان را اعمال کنیم، اهلاً و سهلاً تا آنجایی که حاکمیت عراق است، اهلاً و سهلاً، بر روی چشم ما! اما اگر صورت مسأله، سرقت این حاکمیت توسط دیکتاتوری دینی حاکم بر ایران باشد، آنوقت چه می‌گویید؟!

ما بارها و بارها گفتیم، پیوسته هم گفتیم که دعوا با حاکمیت عراق نیست، دعوا با حاکمیت رژیم است بر عراق، و دعوا با حاکمیت مزدوران این رژیم است بر عراق.

پس این از موضوع حاکمیت، دیگر حاکمیت را به‌رخ ما نکش! اگر راست می‌گویید از این همه نقض حاکمیت عراق، از اشغال عراق، از خونریزی در عراق، از جرم و جنایت‌هایی که رژیم در هفت سال گذشته در عراق انجام داده، بگویید، حداقل یک کلام بگویید!

یادتان هست، آن موفق ربیعی همیشه سعی داشت دخالت‌های رژیم را سمبل کند، چون که مأمور بود و می‌گفت، نه، نه رژیم نیست! پس این بمبها و تسلیحاتی که پشت سر هم آمریکاییان در این سالها می‌گیرند و بعضاً برخی از آنها را نشان می‌دهند - عمدتاًش را هم نشان نمی‌دهند که با مارک رژیم، با آرم رژیم و با نفرات رژیم است - از کجا آمده؟ آیا اینها نقض حاکمیت نیست؟ اما مجاهدین در اشرف حاکمیت تو را نقض می‌کنند؟! نه بابا جان! درد تو حاکمیت رژیم است، این دیگر درد تو رفته‌ی است.

ضمناً چیزی هست در این جهان به نام قانون و حقوق که بر جرثومه‌های عصر جاهلیت و بربریت شناخته نیست. قانون و حقوق می‌گوید نمی‌توان به نام حق حاکمیت کوره آدم‌سوزی راه انداخت والا فاشیسم هیتلری هم می‌گوید خوب، من حق حاکمیت دارم! به نام حاکمیت نمی‌توان اوپن و کهریزک درست کرد، والا رژیم آخوندی می‌گوید که حق حاکمیت دارم! ولی جامعه بین‌المللی ۶۵ بار تا به حال محکومش کرده است.

آن که ملل متحد و دبیرکل آن است، می‌گوید «آرتویی»، یعنی مسئولیت حفاظت، یعنی یک دولت باید ساکنان روی خاک خودش را حفاظت کند، چه شهروند، چه غیر شهروند و این مسئولیت حفاظت، متحد و تقویت‌کننده حق حاکمیت است و نه در تعارض با آن، دوستش است، نه دشمن. به نظر می‌رسد که این آقایان، بیش از هر چیز مسئولیت حفاظت از تجاوزات رژیم ایران را به عهده دارند!

چه کسی در این سالیان این همه دانشمند، طبیب و متخصص، خلبان، استاد و کارشناس عراقی را ربود و کشت، چرا؟ چرا؟ آیا اینها را مجاهدین کردند؟ و چرا ساکتید؟ آقای مالکی بگو ببینیم چرا ساکتی؟! چرا این اصلاً به حق حاکمیت تو بر نمی‌خورد؟ مگر یکان سگهای پلیس‌ات را به اشرف نفرستادی و همه جا را بو کشید و سند مکتوب شد که چیزی یافت نشد؟ پس مجاهدین حق حاکمیت تو را نقض کرده‌اند؟ درد تو چیست؟!

آقای دباغ می‌گوید، آخر اشرف که جزیره مستقل در عراق نیست، اینها چرا روی تابلو ورودی اشرف نوشته‌اند: «به شهر اشرف خوش آمدید»، که البته آقای دباغ به زبان فارسی خیلی سلیس «به شهر اشرف خوش آمدید» را گفت!

آخر مگر ما می‌گوییم اشرف جزیره مستقل است؟ چه وقت چنین چیزی گفته‌ایم؟ مگر ما در ورودی اشرف، خودمان برای بیمارستان عراق جدید، پرچم عراق را نصب نکردیم؟ مگر در ابتدای سال ۲۰۰۹ وقتی که حفاظت را از آمریکاییها تحویل می‌گرفتید، خودمان برای شما جشن ترتیب ندادیم؟ مگر حتی دسته موزیکس را ما نگذاشتیم؟ مگر تریبون و بلندگویش را ما نگذاشتیم؟ مگر ما با صدها هزار دلار برجهای بیرون سیاح اشرف را که گردان عراقی از آن استفاده می‌کند، نساختیم؟

مگر دهها میلیون دلار ساختمان که با کار و جانفشانی ۲۴ ساله مجاهدین و هزینه

مجلس اجتماع
الائتلاف الثاني - يناير 2019

من اول تامين المدينة العراقية لعصافى الطرف المتعاون سكان مدينة النجف
من فوج مدينة النجف، يتبعها الجيش في الامارات العربية :
1. يتم الشتاء اربعة ابراج في اركان المعسكر الاربعة من الفراج مع الشتاء
سائر اركان معسكر يقاس 11x11 مترًا) على قلعة مدينة النجف، ومن ثم يتم
تسليمه الى فوج المدينة.
2. حياض تعليل وتسطيح طريق المواصلات بين الابراج من قبل مدينة النجف .
3. تخصيص مدينة النجف لفرقة نقل ابراج لاستراحة لفرقة الفوج .
4. تخصيص مدينة النجف لكل ابراج وفرقة حوكم 2 تانك أو سعة 6 كيلو واط
وإزاحة ماء 1-1 لتر ورافق مدينة ميه ميه، لتأمين الوقود وتأمين المواصلات
وماء الفرائض سيكون على عاتق الفوج .
5. تأمين قلعة مستلزمات وتجهيزات الابراج يكون على عاتق الفوج.
6. يتم البدء في تنفيذ هذه الخطة اعتبارًا من يوم 22 كانون الثاني - يناير 2019
7. يتم توقيع الخطة المنقحة من قبل ممثل سكان النجف الى امر فوج المدينة
ومن ثم يتم نقل قوات فوج المدينة الى الابراج لتسيمة واجبات مدينة النجف
الشارح لجنة النجف

مجلس سكان مدينة النجف
القرار رقم 12
2019/1/11
قائمة اعضاء اللجنة
2019/1/11

مجلس التسليم والتسلم

في تسليم الفوج الجنوبي الشرقي خارج بالمرافد من قبل سكان النجف
الى الفوج الثالث من الفرقة الثالثة العراقية

تاريخ 11/1/2019 تم تسليم الفوج الجنوبي الشرقي خارج بالمرافد من قبل سكان
النجف الى الفوج الثالث من الفرقة الثالثة لتسهيل مهمة الحماية للامراء، وفي ما يلي
مواصفات الفوج

- 1- كروان يكمل الجيش 9 في 25 متر
- 2- مرافق ممتدة
- 3- موكلة خمس كوربات
- 4- درون كور 3
- 5- برج كمان طوله 100 متر
- 6- حصة الاراضي 1000 متر
- 7- حوزة ماء 1000 لتر
- 8- ممر ارضي يقاس 150*50 متر
- 9- حصة حاكمي

التسليم
القرار رقم 12
2019/1/11

مجلس التسليم والتسلم

في تسليم الفوج الجنوبي الشرقي
الى الفوج الثالث

تاريخ 11/1/2019 تم تسليم الفوج الجنوبي الشرقي خارج بالمرافد من قبل سكان النجف
الى الفوج الثالث من الفرقة الثالثة لتسهيل مهمة الحماية للامراء، وفي ما يلي
مواصفات الفوج

- 1- كروان يكمل الجيش 9 في 25 متر
- 2- مرافق ممتدة
- 3- موكلة خمس كوربات
- 4- درون كور 3
- 5- برج كمان طوله 100 متر
- 6- حصة الاراضي 1000 متر
- 7- حوزة ماء 1000 لتر
- 8- ممر ارضي يقاس 150*50 متر
- 9- حصة حاكمي

التسليم
القرار رقم 12
2019/1/11

مجلس التسليم والتسلم

في تسليم الفوج الشمالي الغربي خارج بالمرافد من قبل سكان النجف
الى الفوج الثالث من الفرقة الثالثة العراقية

تاريخ 11/1/2019 تم تسليم الفوج الشمالي الغربي خارج بالمرافد من قبل سكان
النجف الى الفوج الثالث من الفرقة الثالثة لتسهيل مهمة الحماية للامراء، وفي ما يلي
مواصفات الفوج

- 1- كروان يكمل الجيش 9 في 25 متر
- 2- مرافق ممتدة
- 3- موكلة خمس كوربات (2 حصة)
- 4- درون كور 3
- 5- برج كمان طوله 100 متر
- 6- حصة الاراضي 1000 متر
- 7- حوزة ماء 1000 لتر
- 8- ممر ارضي يقاس 150*50 متر
- 9- حصة حاكمي

التسليم
القرار رقم 12
2019/1/11

خودشان ساخته شده به شما هدیه نکردیم؟ مگر در ابتدای همین سال! پیشنهادهای خودمان را در صورتجلسه (محضر اجتماع) - که امضا نکردید مکتوب نکردیم و به دست شما ندادیم؟

آیا صورت مسأله این است که مجاهدین اشرف را جزیره مستقل در عراق می بینند یا صورت مسأله این است که رژیم می خواهد عراق را بخورد و مزدوران خودش را سر کار بیاورد و آلترناتیو ملایی، آلترناتیو ولایت فقیه را به عراق قالب کند! صورت مسأله کدام است؟!؟

حرف ما چیست؟ ثابت شده که شما صلاحیت حفاظت ندارید، نیت حفاظت هم ندارید، توانش را هم ندارید، یعنی نه نیتش را دارید، نه صلاحیتش را دارید و نه توانش را. والا، بعد از جنگ جهانی دوم یک تشکیلات بین المللی ایجاد شده است که ۱۹۳ دولت هم عضو آن هستند و اسمش هست سازمان ملل متحد!

بر اساس منشور ملل متحد و بر اساس قوانین بین المللی، سازمان ملل یک وظیفه و مسئولیت صلحیانی یعنی نگاهیانی از صلح دارد. جزء مدارک سازمان ملل است که روی سایتهاش هست و به سادگی قابل دسترس است. می گوید: صلحیانی من، نگاهیانی صلح توسط من، امنیت ضروری را برای میلیونها نفر از مردم در سراسر جهان تأمین می کند.

آیا نیروهای ملل متحد که در کشورهای مختلف جهان هستند، جزیره مستقل درست کرده اند؟ کدام جزیره مستقل؟! پس این حرف را قبل از ما به ملل متحد بگو! به شورای امنیت و به قوانین بین المللی بگو!

اگر از سازمان ملل بپرسید، می گوید همین الان در ۱۷ عملیات صلح، ۱۱۶ هزار پرسنل اش در چهار قاره دنیا شرکت دارند - سازمان ملل می گوید هل و اینها روی زندگی صدها میلیون نفر از بابت صلح تأثیر گذار هستند.

سازمان ملل می گوید ۸۲ هزار پرسنل عضو در حال خدمت دارم که نیروی نظامی و ناظران آنها هستند، ۱۰ هزار پرسنل پلیس دارم و بیشتر از ۶۰ هزار پرسنل غیرنظامی، ۱۵ هزار پرسنل غیرنظامی محلی و ۲۲۰۰ داوطلب هم دارم. این آمار ملل متحد در ۱۶۰ کشور است.

کمالین که به انتخابات عراق هم کمک می‌کند، چون در شرح وظایفش نوشته شده که سازمان ملل به برگزاری انتخابات به شیوه درست کمک می‌کند و این یک وظیفه ضروری است. پشتیبانی از انتخابات در جاهایی که جنگ وجود داشته مثل نپال، افغانستان، بروندي، هائیتی، لیبریا و مثل همین عراق...

برای تشویق کشورها در نشریاتش، روی تابلوهای اعلانات و روی سایتهايش، ۲۰ کشور اولی را که برای مأموریت صلح بودجه می‌دهند، خودش اعلام می‌کند، هم‌چنین ۲۰ کشور اولی که برایش نیرو می‌دهند، مثل پاکستان، بنگلادش، هند، نیجریه، نپال، رواندا، غنا، اردن، ایتالیا، فرانسه، مصر، اتیوپی، سنگال، چین، آفریقای جنوبی، اندونزی، مراکش، برزیل، بنین و... را هم اعلام می‌کند.

این مأموریتها از بدو تأسیس سازمان ملل بوده؛ در خاورمیانه، هند و پاکستان، قبرس، سوریه، لبنان، صحرای غربی، کوزوو، کنگو، هائیتی، ساحل عاج، دارفور، بروندي، آفریقای مرکزی، چاد و الی آخر... آیا اینها جزیره تشکیل داده‌اند؟ یا مأموریت چیز دیگری است؟! سازمان ملل همیشه این آمار را منتشر می‌کند.

سازمان ملل می‌گوید یک چارچوب و یک اصول راهنمایی برای عملیات صلحیانی ما وجود دارد:

اول - قانون حقوق بشر بین‌المللی است که بخش جدایی‌ناپذیر چارچوب عملیات صلح ملل متحد است.

دوم - درک روشن از قانون بشردوستانه بین‌المللی است.

اینها دو چیزند. این یکی قانون بشر دوستانه بین‌المللی است که کنوانسیونهای ژنو در این مجموعه است.

خوب، ملل متحد، خودش توضیح می‌دهد که اینها را برای چه می‌خواهد؛ در شرح وظایف برایش نوشته شده، برای جلوگیری از درگیری، برای استقرار صلح، برای حفظ صلحی که برقرار شده، برای تضمین صلح و برای ساختن صلح که هر کدام از اینها خود بایی است.



Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights

International Covenant on Civil and Political Rights

Adopted and opened for signature, ratification and accession by General Assembly resolution 2200A (XXI) of 16 December 1966

entry into force 23 March 1976, in accordance with Article 49

Preamble

We, the States Parties to the present Covenant,

Considering that, in accordance with the principles proclaimed in the Charter of the United Nations, recognition of the inherent dignity and of the equal and inalienable rights of all members of the human family is the foundation of freedom, justice and peace in the world,

Recognizing that these rights derive from the inherent dignity of the human person,

Recognizing that, in accordance with the Universal Declaration of Human Rights, the ideal of free human beings enjoying civil and political freedom and freedom from fear and want can only be achieved if other rights, especially economic, social and cultural rights,

Convinced that the individual has duties to other individuals and to the community to which he belongs, it is incumbent upon States to promote as well as to protect an equal respect for, and observance of, human rights and freedoms,

Realizing that the individual, having duties to other individuals and to the community to which he belongs, is under a responsibility to strive for the promotion and observance of the rights recognized in the present Covenant,

Agreed upon the following articles:

PART I

Article 1

1. All peoples have the right of self-determination. By virtue of that right they freely determine their political status and freely pursue their economic, social and cultural development.
2. All peoples may, for their own ends, freely dispose of their natural wealth and resources without prejudice to any obligations arising out of international economic co-operation, based upon the principle of mutual benefit, and in accordance with law. In no case may a people be deprived of its own means of subsistence.
3. The States Parties to the present Covenant, including those having responsibility for the administration of non-self-governing and Trust Territories, shall approve the inclusion of the right of self-determination and shall respect that right, in conformity with the provisions of the Charter of the United Nations.

کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی



Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights

International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights

Adopted and opened for signature, ratification and accession by General Assembly resolution 2206A (XVI) of 16 December 1966

entry into force 3 January 1976, in accordance with article 27

Preamble

The States Parties to the present Covenant,

Considering that, in accordance with the principles proclaimed in the Charter of the United Nations, recognition of the inherent dignity and of the equal and inalienable rights of all members of the human family is the foundation of freedom, justice and peace in the world,

Recognizing that these rights derive from the inherent dignity of the human person,

Recognizing that, in accordance with the Universal Declaration of Human Rights, the idea of free human beings enjoying freedom from fear and want can only be achieved if conditions are created whereby everyone may enjoy his economic, social and cultural rights, as well as his civil and political rights,

Considering the obligation of States under the Charter of the United Nations to promote universal respect for, and observance of, human rights and freedoms,

Realizing that the individual, having duties to other individuals and to the community to which he belongs, is under a responsibility to strive for the promotion and observance of the rights recognized in the present Covenant,

Agree upon the following articles:

PART I

Article 1

1. All people have the right of self-determination. By virtue of that right they freely determine their political status and freely pursue their economic, social and cultural development.
2. All people may, for their own ends, freely dispose of their natural wealth and resources without prejudice to any obligation arising out of international economic co-operation, based upon the principle of mutual benefit, and international law. In no case may a people be deprived of its own means of subsistence.
3. The States Parties to the present Covenant, including those having responsibility for the administration of Non-Self-Governing and Trust Territories, shall promote the realization of the right of self-determination, and shall respect that right, in conformity with the provisions of the Charter of the United Nations.

کنوانسیون بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

کنفرانس بین‌المللی ۱۵۰۰ حقوق‌دان برای حذف برچسب تروریستی علیه مجاهدین

ترویج استابیدن مجاهدین در مابیت نقض اصول و در شکل نقض پرونده‌های حقوقی است



بنیاده کنفرانس بین‌المللی حقوق‌دانان در پاریس
۲۰۰۴

بنیاده کنفرانس بین‌المللی حقوق‌دانان در پاریس، ۲۰۰۴، با هدف ترویج استابیدن مجاهدین در مابیت نقض اصول و در شکل نقض پرونده‌های حقوقی است. این کنفرانس با حضور ۱۵۰۰ حقوق‌دان از ۱۲۰ کشور جهان برگزار شد. در این کنفرانس، شرکت‌کنندگان بر لزوم حذف برچسب تروریستی از مجاهدین تأکید کردند و خواستار بازنگری در پرونده‌های حقوقی آنها شدند. همچنین، آنها بر اهمیت نقض اصول حقوقی در فرآیندهای قضایی تأکید کردند و خواستار شفافیت و عدالت در رسیدگی به پرونده‌های حقوقی شدند.

این کنفرانس در پاریس، فرانسه برگزار شد و به مدت سه روز به طول انجامید. در این کنفرانس، شرکت‌کنندگان از ۱۲۰ کشور جهان حضور داشتند. در این کنفرانس، شرکت‌کنندگان بر لزوم حذف برچسب تروریستی از مجاهدین تأکید کردند و خواستار بازنگری در پرونده‌های حقوقی آنها شدند. همچنین، آنها بر اهمیت نقض اصول حقوقی در فرآیندهای قضایی تأکید کردند و خواستار شفافیت و عدالت در رسیدگی به پرونده‌های حقوقی شدند.

این کنفرانس در پاریس، فرانسه برگزار شد و به مدت سه روز به طول انجامید. در این کنفرانس، شرکت‌کنندگان از ۱۲۰ کشور جهان حضور داشتند. در این کنفرانس، شرکت‌کنندگان بر لزوم حذف برچسب تروریستی از مجاهدین تأکید کردند و خواستار بازنگری در پرونده‌های حقوقی آنها شدند. همچنین، آنها بر اهمیت نقض اصول حقوقی در فرآیندهای قضایی تأکید کردند و خواستار شفافیت و عدالت در رسیدگی به پرونده‌های حقوقی شدند.



**Convention (IV) relative to the Protection of Civilian Persons in Time of War. Geneva, 12 August 1949.
Full text**

Preamble

The undersigned Plenipotentiaries of the Governments represented at the Diplomatic Conference held at Geneva from April 21 to August 12, 1949, for the purpose of establishing a Convention for the Protection of Civilian Persons in Time of War, have agreed as follows:

Part I. General Provisions

Article 1. The High Contracting Parties undertake to respect and to ensure respect for the present Convention in all circumstances.

Art. 2. In addition to the provisions which shall be implemented in peace-time, the present Convention shall apply to all cases of declared war or of any other armed conflict which may arise between two or more of the High Contracting Parties, even if the state of war is not recognized by one of them.

The Convention shall also apply to all cases of partial or total occupation of the territory of a High Contracting Party, even if the said occupation meets with no armed resistance.

Although one of the Powers in conflict may not be a party to the present Convention, the Powers who are parties thereto shall remain bound by it in their mutual relations. They shall furthermore be bound by the Convention in relation to the said Power, if the latter accepts and applies the provisions thereof.

Art. 3. In the case of armed conflict not of an international character occurring in the territory of one of the High Contracting Parties, each Party to the conflict shall be bound to apply, as a minimum, the following provisions:

(1) Persons taking no active part in the hostilities, including members of armed forces who have laid down their arms and those placed hors de combat by sickness, wounds, detention, or any other cause, shall in all circumstances be treated humanely, without any adverse distinction founded on race, colour, religion or faith, sex, birth or wealth, or any other similar criteria.

To this end the following acts are and shall remain prohibited at any time and in any place whatsoever with respect to the above-mentioned persons:

- (a) violence to life and person, in particular murder of all kinds, mutilation, cruel treatment and torture;
- (b) taking of hostages;
- (c) outrages upon personal dignity, in particular humiliating and degrading treatment;
- (d) the passing of sentences and the carrying out of executions without previous judgment pronounced by a regularly constituted court, affording all the judicial guarantees which are recognized as indispensable by civilized peoples.

(2) The wounded and sick shall be collected and cared for.

An impartial humanitarian body, such as the International Committee of the Red Cross, may offer its services to the Parties to the conflict.

The Parties to the conflict should further endeavour to bring into force, by means of special agreements, all or part of the other provisions of the present Convention.

The application of the preceding provisions shall not affect the legal status of the Parties to the conflict.

Art. 4. Persons protected by the Convention are those who, at a given moment and in any manner whatsoever, find themselves, in case of a conflict or occupation, in the hands of a Party to the conflict or Occupying Power of

در واقع، ملل متحد می‌گوید: من یک نیروی بیطرفم و می‌خواهم قانون حقوق بشر بین‌المللی و قانون بشر دوستانه بین‌المللی، مراعات شود والا از صلح خبری نیست، والا خونریزی می‌شود. پس باید از درگیری جلوگیری شود، باید صلح ایجاد شود. مستقر شود، حفظ شود، تضمین شود و ساخته شود.

بسیار خوب، اگر این اسمش جزیره و نقض حاکمیت است، پس بفرمایید که شما کوره آدم‌سوزی می‌خواهید. پس بفرمایید که شما اوین و کهریزک می‌خواهید، پس بفرمایید که شما خانه‌های امن و شکنجه‌گاههای مخفی را می‌خواهید.

در یک گزارش خواندم که دانشجویان در تظاهرات دانشگاه تهران یا یکی از دانشگاههای دیگر شعار می‌دادند: «گفتی عراق دموکراسی، کو، کو، کو»!

خوب، اگر در عراق قرار است دموکراسی باشد بسم‌الله، قانون بشر دوستانه بین‌المللی و حقوق بشر بین‌المللی که الفبا است، بقیه را هم خواهیم گفت:

قانونی وجود دارد تحت عنوان «کنوانسیون حقوق مدنی و فرهنگی» که عراق جزء امضاکننده‌های آن است.

قانون دیگری هست تحت عنوان «کنوانسیون بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و سیاسی».

بعد هم کنوانسیونهای لاهه وجود دارد که در کنفرانس بین‌المللی نوامبر سال ۲۰۰۴ حقوقدانها در مورد اموال و مالکیت‌های مجاهدین به آن استناد کردند.

اصول دیگری در حقوق است به نام «اصل حقوق مسلم»، و هم چنین «حقوق مکتسبه»، ولی انگار نه انگار که اینها به گوش آقایان خورده باشد!

از همه روشن‌تر، ساده‌تر و در دسترس‌تر ماده سوم مشترک در کنوانسیونهای زنو است؛ چه کنوانسیون سوم و چه کنوانسیون چهارم.

همه کنوانسیونهای زنو یک ماده سوم مشترک دارد، ماده سوم می‌گوید: در کشوری که تخاصمی صورت گرفته - مثل وضعیت عراق - افرادی هستند که در این جنگ نقش فعال نداشتند (مثلاً مجاهدین در جنگی که در عراق بوده نقش فعال نداشتند و عضو نیروی مسلح هیچکدام از طرفین جنگ نبوده‌اند)، در تمامی شرایط بدون هیچگونه تبعیض و استثنایی باید مورد رفتار انسانی قرار بگیرند؛ صرفنظر از عقیده‌شان،

مذهبتان، نژادشان، پوستشان، جنسیتشان، محل تولدشان، دارایی‌شان و هر چیز دیگر.

به چه معنا؟ نه این که دولت عراق در حرف بگوید، رفتار انسانی، رفتار انسانی...! آقا رفتار انسانی را که واژگونه تفسیر نمی‌کنند!

معانی رفتار انسانی در ماده سوم مشترک در کنوانسیونهای ژنو نوشته شده، اینها خط قرمزهای قانون و قوانین بین‌المللی است:

الف: خشونت در قبال حیات و زندگی فرد به‌ویژه هرگونه قتل، نقص عضو، رفتار بیرحمانه و شکنجه،

ب: گروگان گرفته شدن،

ج: تجاوز به حیثیت فردی، به‌ویژه رفتار توهین‌آمیز و تحقیرآمیز،

د: صدور احکام و اجرای اعدام بدون هرگونه قضاوتی که توسط یک دادگاهی که طبق استانداردهای لازم تشکیل شده باشد، یعنی ارائه تمامی تضمینهای قضایی که از سوی جوامع متمدن الزامی دانسته شده است.

ه: مداوای زخمیها و بیماران.

چه کسی بود که بعد از ۶ و ۷ مرداد مانع شد که ما نتوانیم مجروحان را به بیمارستان منتقل کنیم، یا پزشک متخصص و پزشک بیهوشی نتواند بر بالینشان بیاید؟ چه کسی بود؟

اگر قوانین بین‌المللی، اگر کنوانسیونهای بین‌المللی، اگر مسئولیتهای ملل متحد و وظایفش، دخالت در حق حاکمیت شماست؛ خوب این را بفرمایید و خلاصمان کنید! والا ما می‌گوییم تا وقتی که در بر روی این پاشنه می‌چرخد، تا وقتی که این دولت عراق بندناف خودش را از رژیم قطع نکرده، ببین آقا! نه نیت داری، نه توان داری و نه صلاحیت داری که از اشرف حفاظت کنی! حفاظت باید برعهده ملل متحد باشد. اگر هم آمریکا نمی‌خواهد وظایفش را انجام بدهد، پس سلاح را برای چه گرفتید؟ پس ۲۰ هزار تن مهمات و ۲۰ هزار قطعه سلاح شامل ۸۰۰-۹۰۰ زرهی را برای چه گرفتید؟ رسیدهایش که هست.

چه جالب! می‌گوید اتوبوس می‌آوریم شما سوار شوید بروید! بله؟! چه غلطها! خوشم

می‌آید که مجاهدین نشان دادند تا کجا به رهنمود امام حسین پایبند هستند که انماالحيوه عقیده و جهاد. ماشاءالله، لاحول و لا قوه الا بالله.

خبر! ما جزیره مستقل در کشور شما نمی‌خواهیم، خیر! ما هیچگونه تخطی به حاکمیت شما نمی‌خواهیم، آن کسی که می‌خواهد شما را در جیب بگذارد و ببلعد، افعی ولایت است و نه مجاهدین. مگر این که خط او را پیش ببرید.



طارق هاشمی

مگر آقای طارق هاشمی، نایب رئیس جمهور کشور نیست که می‌گوید: آقا نمی‌توانی، استعفا بده دیگر، آخر چقدر مردم را می‌کشید؟ چقدر به حقوق مردم تجاوز می‌کنید؟ (این هم ما هستیم؟)

طارق هاشمی می‌گوید: مزدورهای رژیم را آورده‌اید که با ۱۰۰ دلار و ۲۰۰ دلار خودروهایی می‌گذارید شده را از نقاط ایست و بازرسی عبور بدهند. تا کی؟!

به مجاهدین که می‌رسد، شلیک است و تیغ و داس و تبر، اما ما به آرزو ماندیم که یکبار هم همین آقای مالکی و این آقای دباغ از جتایتهای رژیم بگویند، از بمبهای رژیم و از مداخلات رژیم بگویند.

در مقابل مجاهدین خلق و خلقی چقدر گردن کش و شقی و سبب، با فورانی از اتهامها و لجن پراکنی که یک‌به‌یک آن را خواهم گفت، اما در برابر رژیم، کرنش! هیئات منالذله. حالا این آقای طارق هاشمی است که می‌گوید: مسئولیت شرعی و اخلاقی و سیاسی ات اقتضا می‌کند که کنار بروی. یادتان هست از روز اول که این آقای مالکی نخست‌وزیر شد، روز ۲۶ تیر دیدن کاظمی قمی می‌رود، ۲۸ تیر اولین حرف و موضع‌گیری علی‌ه مجاهدین است که آنها ۶ ماهه باید بروند، حالا هم که هفته‌ها و روزهای پایانی او است، قبل از او عبدالعزیز حکیم هم شانس خود را آزمایش کرد. اما مجاهدین ایستادند همچون کوه. خوشا به این پایداری پرشکوه با پیروزیهایی که یکی بعد از دیگری به دنبال می‌آورد.

در هر حال من یکبار دیگر هم از شما سیاستگزارم که در مقابل سه اقدام بسیار کثیف

خویشترنداری کردید: آوردن عوامل رژیم به فرارگاه اشرف تحت پوش خبرنگار، راه انداختن بلندگو و ریختن کاغذ پاره که از عراق تا آمریکا و اروپا و داخل ایران خون هر انسان آزاده‌یی را به جوش می‌آورد. چون آقا حرفت را که زدی دیگر این کارها چیست؟ این ادا و اطوار کنیف پلیسی برای وادار کردن مجاهدین خلق ایران به کرنش و تسلیم در برابر ولی فقیه ارتجاع چیست؟ آنهم در زمانی که مردم ایران، جوانهای ایران، دانشجویهای ایران در خیابانها، روز روشن، رژیم را با اوراقش و با عکسهای خمینی و خامنه‌ای به آتش می‌کشند. چه خیال کردید، این چه کثافتکاری است؟! ننگ بر این فضیحت.

شکست خفت‌بار توطئه رژیم

اما مجاهدین عکس‌العمل نشدند و همه درها و دروازه‌ها و مقرها را بازگشودند. جهان دید که در ۶ و ۷ مرداد هم مقصر چه کسی بوده است. والا خوب، آنروز هم اگر می‌خواستید ایستگاه پلیس بزنید، اگر قصد کشتار نداشتید، اگر چنانکه نایب رئیس پارلمان اروپا نوشته، قصد نداشتید که آنها را ناگزیر به رفتن کنید - همچنان که روز دوم ژانویه ۲۰۰۹ گفتید - خوب، چرا آن روز هم از حضور و ورود خبرنگاران ممانعت کردید؟! این بار هم البته رژیم بمبش را ترکاند، ولی به رژیم هم تحمیل شد که جلو چشم جهانیان انجام بشود و همه گفتند که اتوبوسها خالی برگشت و پوزه او به خاک مالیده شد. مبارک!

خوب است در جریان باشید که روز قبلش، ما در یک نامه رسمی مراجع بین‌المللی، به‌خصوص ملل متحد را در جریان قرار داده بودیم که طبق اطلاعاتی که به دست آورده‌ایم، قرار است عوامل رژیم در پوش خبرنگار و مشخصاً تحت عنوان تلویزیونهای العالم و الفرات که شبکه‌های عرب زبان رژیم آخوندی هستند، به اشرف بیایند و این کاری است بسیار تحریک کننده و ما مخالفیم چون علیه امنیت ماست و تا آنجایی که به ما مربوط می‌شود، می‌خواهیم اوضاع بی‌تنش پیش برود. اما در هر حال، از راه دادن به عوامل رژیم در پوش خبرنگار تلویزیون و مطبوعات معذور هستیم شاید به‌همین خاطر باشد که مزدوران رژیم مجبور شدند آرمهای مربوط به رسانه‌های مزدور خودشان را مخفی کنند والا که قطعاً با صراحت و بی‌تعارف از ورود آنها ممانعت می‌شد و اخراج می‌شدند.

گزارشی از پیروزی ۱۵ دسامبر

مهدی براعی: من هم مثل بقیه بچه‌ها می‌گویم که واقعاً این پیروزی کلان و بزرگ و فتح مبین جای تبریک دارد و در صحنه می‌توانیم آثار این را به‌خوبی ببینیم. روز ۲۴ آذر (۱۵ دسامبر) یکسری افراد وزارت دفاع و چند نفر از وزارت حقوق بشر با فرمانده گردان و فرمانده پلیس این‌جا آمده بودند، هیأت بزرگی بود.

همان‌طور که در اطلاعیه شورا بود، اول گفتند برای ملاقات بیایید، خواهر مزگان گفتند پیام بدهید که اگر مسأله جابه‌جایی اجباری است، ما ملاقات نمی‌آییم و ملاقات نداریم. دوباره یک هیأت با یکی از افسران‌شان را فرستادند که گفت: هیچ بحث جابه‌جایی اجباری نیست و داوطلبانه است، رفت و برگشت پیامها با هیأت یکساعت و نیم طول کشید، بعد ما به ملاقاتشان رفتیم.

رئیس هیأت عراقی گفت، علی یاسری، در ملاقات با شما ابلاغ کرد که دولت عراق می‌خواهد جابه‌جایی ساکنان اشرف را از ۱۵ دسامبر شروع کند و ما الزامات و اماکن مناسب را در بغداد فراهم کرده‌ایم و امروز هم برای اجرا آمده‌ایم. از این لحظه هر کس از ساکنان که بخواهد می‌تواند خود را تحویل نیروهای عراقی مستقر در اشرف بدهد، ما گفتیم جابه‌جایی به‌صورت داوطلبانه است یا جابه‌جایی اجباری است؟ گفت امروز ما به‌شکل داوطلبانه این کار را می‌کنیم تا اگر کسی خواست برود و می‌گفت ما رعایت حقوق بشر را خواهیم کرد.

ما هم در ۵ یا ۶ محور نکاتمان را به او گفتیم: ما به حاکمیت عراق احترام می‌گذاریم، امروز هم می‌بینید که هیچ مانعی برای ورود نیروهای عراقی و هیأت عراقی و خبرنگاران نیست. جابه‌جایی هم نقض حقوق بشر و کنوانسیون‌های بین‌المللی است، این نظر همه و کلا و همه پارلمان‌ها و تمامی اینهاست که اینجا خانه ۳۴۰۰ نفر تلقی می‌شود.

گفتیم اگر دولت عراق هم مخالف حضور ماست، ما قبلاً شروطمان برای رفتن به ایران و بعد هم رفتن به کشورهای اتحادیه اروپا را اعلام کردیم. بنابراین، اگر شما می‌خواهید جابه‌جایی اجباری انجام بدهید، یعنی می‌خواهید ساکنان اشرف را سرکوب کنید و قصد دارید وقایعی مثل ۲۸ و ۲۹ ژوئیه را ایجاد کنید دهها و صدها بار فاجعه آن بیشتر خواهد بود.

البته ساکنان اشرف هم تصمیم گرفته‌اند و وکلایشان هم به آنها گفته‌اند که در مورد جابه‌جایی مذاکره‌یی ندارند و این را حق خودشان می‌دانند و نمی‌خواهند حقوقشان زیر پا گذاشته شود. و این که تک‌تک ساکنان اشرف با هیأت وزارت حقوق بشر در آوریل ۲۰۰۹ مصاحبه کردند، نیروهای آمریکایی هم حضور داشتند و صلیب هم اشرف داشت. آنها همه انتخاب کردند که در اشرف بمانند و این انتخاب همه است، در نتیجه این را هم ما می‌خواستیم به شما بگوییم. در واقع او حرفهایش را زد و ما هم حرفهایمان را گفتیم و بعد هم همین حرفها را با خبرنگاران مطرح کردیم.

کمیته سرکوب از قبل به خبرنگاران گفته بود ساکنان اشرف را تحریک به مقابله‌جویی کرده‌اند، ولی وقتی خبرنگاران آمدند و اشرف را از نزدیک دیدند، انتظار چنین وضعیتی را نداشتند و گویی شوکه شده بودند. خبرنگاران اساساً در خیابانها بودند و نمی‌گذاشتند به قسمتها وارد شوند و همین که خبرنگاران برای دیدن دوتا از قسمتها وارد شدند، آنها به سرعت خبرنگاران را از محل دور کردند و این نشان داد که تا کجا تیرشان به سنگ خورده و در واقع مطلقاً نتوانستند به هدفشان برسند. آن روز از هر بابت یک شاهکار بود. مشاهده این جمع که واقعاً خودشان را برای هر لحظه و با هر وضعیتی آماده کرده‌اند. فی الواقع افتخارآمیز بود. بچه‌ها واقعاً به صورت یک تن واحد عمل می‌کنند و در صحنه سیاسی هم تک‌تک خواهران و برادران، همان مقدار را که من حضور داشتم و دیدم و گزارش خواندم و شنیدم، واقعاً خیلی خیلی جای تقدیر و سیاست‌گذاری دارد و در درجه اول ما در تک‌تک اینها عملکرد انقلاب خواهر مریم را می‌دیدیم، که صحنه‌ها همان صحنه نبرد فاتحان بود؛ ۳۶ تن یک الگو بود و حالا کل اشرف به صورت یک تن واحد تحت فرماندهی خواهر مزگان و خواهر صدیقه عمل می‌کند.

اعتراض لرد کوربت

در روز سه‌شنبه ۲۴ آذر (۱۵ دسامبر ۲۰۰۹)، یک برانگیختگی شدید بین‌المللی در یک فضای بسیار ملتهب ایجاد شده بود. لرد کوربت یکی از قویترین اعتراضات را به عمل آورد و گفت: دولت عراق در یک اقدام مسخره، از خبرنگاران دعوت کرده که در یک نقطه بغداد جمع بشوند؛ جایی که اتوبوسها آنها را به اشرف می‌برند تا تماشاگر این

اقدام به اصطلاح انسانی توسط ارادل و اوباش عراقی در لباس پلیس و نیروهای امنیتی باشند. اما درست قبل از حرکت، بمب منفجر شد و ۵ دقیقه بعد تلویزیون دولتی خبرش را داد و گفت که مجاهدین خلق در همکاری با القاعده این انفجار را انجام دادند! لرد کوریت گفت: چه حرفهای چرند و مزخرفی! ۳۴۰۰ عضو مجاهدین خلق، در آنجا تحت محاصره‌اند، یکسال است خانواده‌شان را نمی‌گذارند وارد شوند، و کلایشان را نمی‌گذارند وارد شوند، حالا به‌طور سحرامیز وسط شهر بغداد اینها بمب منفجر کردند. شاهکار است، نه؟!

لرد کوریت ادامه می‌دهد: اکنون فقط به مالکی نخست‌وزیر عراق می‌گویم خیلی مواظب باش که چکار می‌کنی، برای این که دموکراسی که مدعی‌اش هستی با رفتاری که با پناهندگان بی‌دفاع در اشرف می‌کنی، آزمایش می‌شود و محک می‌خورد. آقای مالکی باید بیاموزی که یکی از آزمایشهای یک دولت به واقع دموکراتیک این است که چگونه به تعهدات و تضمینهای بین‌المللی احترام می‌گذارد و به آنها عمل می‌کند؛ فارغ از این که راجع به کسانی که تحت حفاظتش هستند، چه فکر می‌کند. هیچ کس از تو نمی‌خواهد مجاهدین را دوست داشته باشی. ولی چیزی که ما روی آن پافشاری می‌کنیم این است که به حقوق آنها تحت قانون بشر دوستانه بین‌المللی احترام بگذاری. تمام حرف همین است، تو و سخنگوی دولت، به‌طور مکرر تضمینهای کتبی و شفاهی به ارگانه‌های مختلف سازمان ملل و سازمانهای دیگر داده‌اید که به حقوق آنها احترام می‌گذارید و سلامت و امنیت ساکنان اشرف را تضمین می‌کنید. باید بی‌محایا به شما بگویم که این حرفهای شما، تماماً دروغ است. شما هر تعهدی را که داده‌اید، نقض کرده‌اید. به‌یاد بیاورید که آوریل امسال، پلیس عراق با همه ساکنان به‌طور انفرادی، چک هویت انجام داد و در مصاحبه‌های خصوصی، همه آنها انتخاب خود را برای ماندن در اشرف گفتند.

هم‌چنین شما خوب می‌دانید که هیچ سلاحی در این کمپ نیست و نامه‌یی با همین مضمون امضا کرده‌اید که در آنجا نه سلاحی یافت شد و نه مهمات. اما در ۲۸ و ۲۹ ژوئیه وقتی که این اوباش آمدند و با زنجیر، تیر، قطعات بزرگ چوب با میخ حمله کردند و با گلوله‌های واقعی شلیک کردند، آنها با چه واکنشی مواجه شدند؟ یا مقاومت

بردبار بدون خشونت. آقای مالکی و افرادش قسمتی از داستان را می‌گویند، می‌گویند که عراق تحت قانون بین‌المللی حق دارد حاکمیت خود را اعمال کند، کاملاً درست است، اما ابتدا شواهدی در دست نیست که نشان دهد مجاهدین خلق با آن مخالفند یا حاکمیت عراق را به چالش کشیده‌اند. درست بر عکس. رهبری مجاهدین در اشرف در بیانیه‌های خود به‌طور مکرر این را تأکید کردند که به حاکمیت عراق احترام می‌گذارند. لرد کوربت هم‌چنین گفت که این رژیم یک درخت پوسیده است، آقای مالکی! زیاد به این رژیم تکیه نکن، اشتباه نکن، اوضاع به‌نحو بازگشت‌ناپذیر در ایران چرخیده است. من به آقای مالکی می‌گویم، از فرصت استفاده کن و به عقل بیا و به حقوق پناهندگان در اشرف احترام بگذار، و باید بگویم که علاوه بر هزاران نفری که در کشور خودت هستند، میلیونها نفر در سراسر جهان از این ایرانیان هستند که پسران، برادران، دختران، پدران و دوستانشان را فدا کرده‌اند، میلیونها نفری که در سراسر جهان برای دموکراسی در ایران فداکاری کرده‌اند.

در ادامه هم از قول آن مقام وزارتخارجة انگلیس که بعد از ۶ و ۷ مرداد با او ملاقات کرده است، گفت عذرخواهی کرد که در اشرف زیاده‌روی شده و بسیاری از ما بعد از آن خشونت ماه ژوئیه احساس شرم کردیم. و من - یعنی کوربت - به‌صراحت به دولت عراق و به دولت خودمان - یعنی دولت انگلیس - باید بگویم اصلاً لازم نیست که شما از آنها خوشتان بیاید و لازم نیست با آنها موافق باشید، بحث این نیست، بحث قوانین بین‌المللی و حقوق به‌رسمیت شناخته شده آنهاست. بحث این است که این حقوق را زیر پا نگذارید. همین، و نه چیز دیگر.

اگر یادتان باشد، در سال ۱۳۶۶، شیراک، نخست‌وزیر فرانسه شانسش را آزمایش کرد. شیراک، تعدادی از مجاهدین را دستگیر کرد و به گابن فرستاد، بعد عیناً مثل همین ۳۶ نفر مجبور شد آنها را برگرداند.

در سال ۱۳۸۲ فرانسه نخست‌وزیری داشت که خیلی در حرف - مثل همین مالکی - علیه مجاهدین زیاده‌روی کرد، اما به‌جایی نرسید. صمیمانه می‌خواهم عرض کنم، دوستانه می‌خواهم عرض کنم که: آنجا که عقاب پر بریزد...!

اگر خیلی دلت برای حاکمیت عراق و امنیت عراق سوخته، قبل از این که فرارگاه اشرف

را جمع کنی و ببندی، بی‌زحمت خودت را در بغداد جمع‌وجور کن!
جمع کن بساط دروغ‌پدازی و لجن‌پراکنی و اقدامات کثیف را، مثل این سه کار کثیفی
که در اشرف انجام دادی!

سوابق نوری مالکی

آقای مالکی روز بعد از ۱۵ دسامبر - در بعدازظهر چهارشنبه ۱۶ دسامبر - یک کنفرانس
مطبوعاتی گذاشت که در آن دو سؤال راجع به وقایع روز قبل در اشرف بود.

کنفرانس مطبوعاتی نوری مالکی

تلویزیون العراقیه ۸۸/۹/۲۵ (۱۶ دسامبر ۲۰۰۹)

...ماجد حمید از تلویزیون الرشید: ... بسیاری از کانالهای تلویزیونی و خبرگزاریها
به تناقض بین اظهارات جناب نخست‌وزیر و سخنگوی رسمی (دولت) در مورد
سازمان مجاهدین خلق اشاره کردند، آیا انتقال این سازمان به اطراف بغداد یا خارج
بغداد خواهد بود و آیا این انتقال مقدمه‌یی برای اخراج آنها به خارج از کشور است
یا همیشگی است؟

المالکی: ... اما در رابطه با سازمان مجاهدین خلق، این سازمان دارای سوابق بدی
در عراق می‌باشد. جنایاتی را در حق مردم عراق مرتکب شده. رژیم گذشته از آن
به‌عنوان یک دستگاه امنیتی استفاده کرد و در نماز جمعه مرتکب کشتار شده و
هم‌چنین در کفری و کلار علیه افراد مرتکب جنایاتی شده است. این سازمان در
لیست بسیاری از کشورهای جهان به‌عنوان یک سازمان تروریستی متهم می‌باشد.
قانون اساسی ما و سیاست ما و اهدافمان می‌گوید که عراق نمی‌تواند نه محل اقامت
و نه معبر هیچ سازمان تروریستی باشد... و هم‌چنین به‌خاطر حفظ وحدت عراق
و تمامیت و حاکمیت آن، این سازمان نمی‌تواند در عراق حضور داشته باشد و این
اقدامات تنها اقدامات اولیه برای خلاص شدن از حضورشان است، با کشورهای
جهان صحبت کردیم که هر کسی می‌خواهد اینها را بپذیرد ما از آن استقبال
می‌کنیم. ما این سازمان را مجبور به بازگشت اجباری به ایران نخواهیم کرد و آنها

را تحویل نخواهیم داد. اما این سازمان که متهم به تروریسم است، اجازه نخواهیم داد که در خاک عراق بماند. فکر نمی‌کنم در اقداماتی که اتخاذ شده تناقضی در اظهارات باشد. این انتقال چیزی جز مقدمات نیست. اخراج آنها از این قرارگاه مقدمه‌یی است برای انتقال آنها به خارج و به هر کشوری که آنها را بپذیرد یا این که از عفوی که ممکن است دولت ایران به آنها بدهد، استفاده کنند.

جلال الخالدی از ماهواره الکوثر (رژیم): جناب نخست‌وزیر، ما دیروز طی توری که دفتر آقای علی الدباغ فراخوانش را داده بود، به قرارگاه اشرف رفتیم. طبعاً وقتی که با ساکنان قرارگاه برخورد کردیم، اغلب آنها با خروج از این قرارگاه مخالفت کردند و چنین استدلال کردند که هیچ تضمین امنیتی در خارج از این محل برایشان نیست. این یک موضوع است. اما در صورتی که ساکنان این قرارگاه با خروج از قرارگاه اشرف مخالفت کنند، آیا سقف زمانی توسط دولت عراق برای اخراج آنها از این محل وجود دارد؟ متشکرم.

مالکی: مسأله انتخاب به این معنا نیست که آنها بتوانند هر محلی را که می‌خواهند انتخاب کنند. این کشور حاکمیت و یک دولت مسئول دارد. ما برای آنها جایی را که باید در آن باشند، انتخاب می‌کنیم و هر کسی که اصرار دارد که او انتخاب می‌کند، اشتباه می‌کند. اما این که این تأخیر انداختن غیر محدود باشد، این طوری نیست. چرا که هر چیزی نهایت و حدی دارد. ما هم آن را به پایان خواهیم رساند و همه جهان پیام روشن ما را شنیدند که عراق نمی‌تواند هرگز مقر اقامت این سازمان باشد.

به نظر می‌رسد که این صحبت بیشتر مصرف رژیمی داشته است. با این حال چون آقای مالکی حرف خود را زداند، من هم باید نکاتی را به استحضار برسانم. می‌گویم که این سازمان تروریست است، پس طبق قانون اساسی ما، لا مقر و لا ممر لها.

فکر می‌کنم دیگر این برجسب تروریستی حربه زنگزده‌یی است. ۶ سال پیش در نوامبر سال ۲۰۰۲ آقای نام نانکریدو، نماینده کنگره آمریکا جواب را داده و من به‌همان جواب اکتفا می‌کنم. در خانه اگر کس است، یک حرف بس است. نانکریدو گفت فقط وقتی تو یک آخوند در ایران باشی، یک ملا در ایران باشی، مجاهدین را تروریست خواهی دید. خوب وقتی شما یک ملا در ایران باشی قطعاً آنها را به‌عنوان تروریست می‌بینی. آنها

که تهدیدی برای کشور ما نیستند. آنها که مطلقاً تهدیدی متوجه آمریکا نکرده‌اند. در واقع آنها یک سرمایه عظیم هستند. آنها بودند که از جمله همه اطلاعات در مورد ماجراجویی انمی را که ما از آن اطلاع داریم، افشا کردند.

علاوه بر این، هر کس که به مجاهدین بگوید تروریست، دستکم این برجسب به آقای مالکی نیامده، چرا؟ چون با ۸ سال در پادگان غیور به‌عنوان سرباز امام - حرف خودش است. و بیعت با ولی فقیه ارتجاع و فاشیسم دینی حاکم بر ایران، این ادعاها دیگر زیادی است.

سابقه ایشان را ملاحظه کنید؛ این فقط حرف ما نیست، از جمله:

- آسوشیتدپرس، ۱۱ ژوئن ۱۹۸۷ از رادیو رژیم نقل قول می‌کند که: «سپاه پاسداران انقلاب ایران گفت اگر آمریکا ناو جنگی در خلیج فارس بیاورد، این گروههای عراقی را که تحت امر ما هستند، می‌فرستیم علیه کشتیهای شما عملیات انتحاری بکنند. هم‌چنان که این شبه نظامیان شیعه از حزب الدعوه در سفارتهای فرانسه و آمریکا در کویت بمبگذاری کرده‌اند».

رادیو تهران گفت: «واحد نظامی مجلس اعلاى انقلاب اسلامى عراق، در صورت حرکت ماجراجویانه استکبار جهانی در خلیج فارس، به عملیات شهادت طلبانه میبادرت خواهد کرد. عبارت استکبار جهانی توسط رهبران ایران، برای اشاره به آمریکاست». رادیو تهران به نقل از این گروه در بیانیه‌ی گفت: «هر زمان که مقامات جمهوری اسلامی ایران فرمان دهند، ما منطقه را به گورستان سربازان آمریکا و مزدوران مستکبران تبدیل می‌کنیم».

این را در گیومه از بیانیه خودشان دارد نقل می‌کند که هر زمانی رژیم به ما فرمان بدهد، یعنی تحت امر رژیم هستیم.

مجلس اعلاى انقلاب اسلامى عراق، سازمان مادر چندین گروه شبه نظامی مسلمان شیعه مخالف عراقی است از جمله حزب الدعوه مسئول بمبگذاری انتحاری در سفارتهای فرانسه و آمریکا در کویت.

بفرمایید! این هم یک مقاله مستند از نیوزویک ۱۵ ژوئن ۲۰۰۹، یعنی ۲۵ خرداد ۱۳۸۸ که قسمتهایی از متن را می‌خوانم:

AP Associated Press

June 11, 1987

Revolutionary Guard, Iraqi Dissident Group Threaten U.S.

NICOSIA, Cyprus - An Iranian Revolutionary Guards leader boasted Thursday that his fast gunboats could and would destroy any American warship that tried to attack islands off his nation's coast.

Earlier, a Tehran-based Iraqi dissident group warned it would launch suicide operations against Americans if they carried out attacks. Tehran radio reported.

Guards deputy commander Afshar derided American officials that

Iranian land-to-ship missiles installed at the vital Strait of Hormuz.

Afshar, quoted by the state-run Islamic Republic News Agency in a dispatch monitored in Nicosia, said his gunboats could destroy the intruding warships even from a long distance.

"If the Americans try to land forces on Iranian and Persian Gulf islands, and in Iranian bases, the navy of the corps ... will destroy all their facilities with full force by using missile systems," he was quoted as saying in a report on Tehran radio, also monitored in Nicosia.

The group is an umbrella organization for several militant Shiite Moslem Iraqi opposition factions, including the Daawa party, responsible for the 1983 suicide bombings of U.S. and French Embassies in Kuwait.

Seventeen of that group's members are currently in jail in Kuwait.

The group is financed and supported by Iran's fundamentalist government. Followers fight alongside Iran in the war with Iraq.

Ruhollah Khomeini's missile-armed Iranian-held islands

In the wake of the attack on the frigate, the United States is in force in the gulf: danger posed by missiles to ships in the Hormuz, a bottleneck at the entrance of the gulf.

The Stark attack killed 37 U.S. sailors. Iraq has said the attack was accidental and has apologized.

Although both Iran and Iraq have attacked foreign merchant ships in the gulf in their 6 1/2-year war, the United States believes Iran poses the major threat to shipping in the oil-rich region.

The United States has promised to protect Kuwaiti oil tankers by putting

powers would shore-to-sea

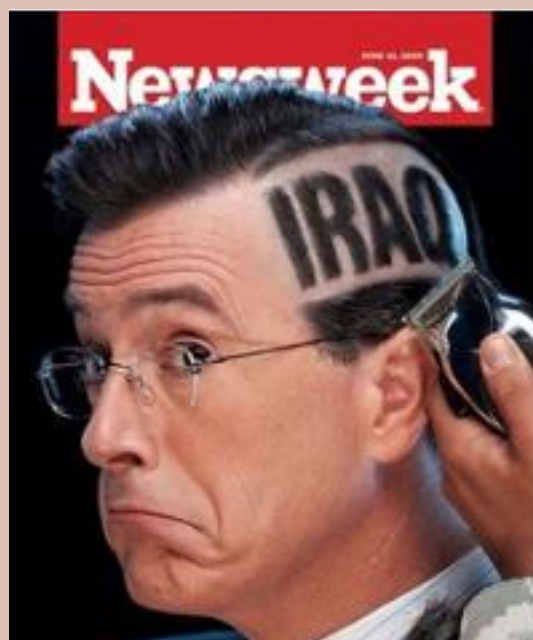
ds Corps, made s of ayatollah

nd captains and Navy escort several ships ch it regards as

ilitary unit of the Islamic Republic announced that "in the event of any terrorist move in the Persian Gulf by world arrogance, the diehard Iraqi Mujahedeen will carry out martyrdom-seeking operations."

The term "world arrogance" is used by the Iranian leaders to refer to the United States.

"Whenever officials of the Islamic Republic of Iran give orders, we will turn the region into a graveyard for American soldiers and agents of arrogance," Tehran radio quoted the group as saying in a statement.



Tehran's support for the Iraqi

Skeptics say Dawa will always be in bed with Iran, willingly or otherwise. Shabander, who has known Dawa's leadership since the 1970s, says Maliki is surrounded by senior party members with Iranian loyalties who enable Tehran to "run Dawa by remote control," in his words.

نیوزویک ۱۵ ژوئن ۲۰۰۹

«دهها سال بعد هنوز خاطرات، نخست وزیر عراق را عذاب می‌دهند. در آن زمانها نوری مالکی یک تبعیدی در جنوب ایران بود و شبکه‌های مخفی را اداره می‌کرد و ایران و عراق در جنگ بودند.

مالکی به اجازه مقامات ایرانی نیاز داشت تا به مناطق مرزی وارد شود، ولی مربیان ایرانی مالکی دوست داشتند که زندگی را برای او سخت کنند، مثلاً یکبار بعد از ۱۲ ساعت رانندگی در یک هوای توفانی زمستان، یکی از این مقامات گفته بود که اجازه عبور از آنجا را ندارد و بایستی اجازه عبور از یک مقام دیگر به دست آورد...»

به‌عنوان نخست‌وزیر، وقتی که او این داستان را الان بازگو می‌کند، بنابه‌گفته متحدش سامی العسکری، مالکی به آهستگی به یک دوستش هشدار داد که «اگر این مقام امروز به نزد من بیاید کفشهایم را در می‌آورم و توی سر او می‌زنم...»

واقعیت این است که ایرانیها اینک در داخل عراق نفوذ بیشتری در قیاس با نفوذی که قرن‌ها در آنجا داشته‌اند، اعمال می‌کنند. این اهرم به اشکال مختلفی می‌باشد: نه فقط تجارت از آنسوی مرز و لابی کردن مستقیم توسط فرستادگانشان در بغداد، بلکه هم‌چنین با پیوندهای سری با شبه نظامیان شیعی و تیمهای ترور. لذا رهبران عراق به‌طور آشکار مایلند که از تهران دستور بگیرند...»

مالکی در اکتبر ۱۹۷۹ عراق را ترک کرد و به ایران رفت... در آن دوران وی اسم مستعار آقای «محسنی» را در ایران و جواد مالکی را در سوریه برای خود برگزید...»

در شروع جنگ ایران و عراق در سال ۱۹۸۰ حمایت ایران از چریکهای عراقی افزایش یافت و یکسال بعد، دولت ایران به آنها یک اردوگاه که مربوط به یک شرکت نفت کره شمالی بود، اختصاص داد تا در آن زندگی کنند. این کمپ که در ۱۳ مایلی شهر ایرانی اهواز بود در منطقه‌ی عرب نشین و در نزدیک مرز با عراق قرار داشت. این نزدیکی، عملیات آنها به داخل عراق را تسهیل می‌کرد...»

منزعاتی در مورد این که چه کسی ورودی این کمپ را کنترل کند و دسترسی به مرز چگونه باشد وجود داشت...»

مالکی خواهان صبر و تحمل در برابر فرامین رژیم ایران بود، اما در نهایت ایرانیها یعنی رژیم ایران به‌طور یکجانبه تصمیم گرفتند یک گروه دیگر را سازماندهی کنند

و نامش را مجلس اعلاي انقلاب اسلامي عراق گذاشتند. برخي از اعضاي الدعوه به مجلس اعلا پيوستند، اما اکثراً از اين کار خودداري کردند يا اخراج شدند. عزت شایندر که در سالهاي ۱۹۷۰ از الدعوه منشعب شد... و اکنون نماينده مجلس عراق است، مي گويد مجلس اعلا فرزند ناخلف رژيم ايران است. عراقيهائي که در اين کمپ بودند پروسه تحويل اين کمپ به مجلس اعلا را توضيح مي دهند. آنها مي گویند، مالکي که در آن زمان فرمانده اين کمپ بود، جلساتي برگزار کرد و به سلسله مراتب آنجا وعده مي داد که مبارزه الدعوه ادامه مي يابد... تهران از ساکنان جديد اين کمپ پشتيباني کامل کرد. از آن پس سريازان شيعي اسيرشده عراقي اجازه داده مي شدند که به جاي اردوگاه اسرا، وارد مجلس اعلا بشوند. طالب الحسن به ياد مي آورد که وقتي براي تمديد کارت مهاجرت مالکي مراجعه کرده بود، يک مأمور ايراني جواب داد که بايد نامه مکتوب از مجلس اعلا بياورد... مالکي از اين که ايران را ترک مي کرد و به سوريه مي رفت، بسيار متأسف بود. منابع متفاوت هستند، اما حدود سال ۱۹۹۰ بود که وي به سوريه منتقل شد... مالکي و ساير رهبران شيعي در عراق فراموش نمي کنند که اين ايران بود که به عنوان اولين همسايه، شوراي حکومتي عراقي را در سال ۲۰۰۳ به رسميت شناخت... طی خونريزيهاي فرقه يي هم اين ايران بود که سلاح به عراق آورد... هيچيک از رهبران کشورهاي منطقه قبل از احمدي نژاد از عراق ديدار نکرده است...»

در آخر اين مقاله هم آمده است: «منتقدين و آنها که به ديده ترديد مي نگرند، گفتند الدعوه خواه ناخواه همواره با ايران پشت يک ميز خواهد بود. شایندر که از سالهاي ۱۹۷۰ با رهبري الدعوه آشنائي داشته، گفت: مالکي توسط اعضاي ارشد حزبش محاصره است که وفادار به ايران هستند و تهران را قادر مي سازند که الدعوه را از دور کنترل کند». خوب، مگر شما در پادگان غيور، سرباز امام، تحت امر سپاه پاسداران، بيعت کرده يا ولي فقيه ارتجاع، نبودي؟

مجاهدين که هيچگاه در خارج خاک خودشان، عملياتي نکردند، مرز سرخپاشان هم روشن بوده، همه حقوقدانان هم در همه دنيا اين را اذعان مي کنند. اين تفاوت بين مقاومت مشروع در داخل خاک خودش روي هدفهاي نظامي و امنيتي رژيم در

همان روزگار است، با تحت‌المر یک دولت خارجی بودن و با بمبگذاری در کشورها و سفارت‌های دیگر. بنابراین آقایان اینقدر تند نرو! آنهم در مورد تروریسم مجاهدین!! مگر شما تحت‌المر قرارگاه رمضان و دستجات تروریستی مستقر در پادگان عبور- تحت نام سربازان امام - نبودید؟ مگر سلاح و مهمات را از سپاه پاسداران نمی‌گرفتی؟ مگر آنها را به معابر مرزی نمی‌رساندی؟ مگر حتی در سوریه که تشریف داشتی با نیروی تروریستی قدس ارتباط نداشتی؟ مگر در سوریه با پاسدار رضا سیف‌اللهی، فرمانده وقت ستاد تروریستی نصر، ارتباط و ملاقات نداشتی؟ و تحت امر نبودید؟ مگر شما سرسپردۀ ولایت‌فقیه نبودید؟ عجب! هر چقدر که ما خویشنداری می‌کنیم...!

استقلال شگفت‌انگیز مجاهدین

اما در مورد مجاهدین؛ مگر رئیس‌جمهور قبلی عراق در تلویزیون این کشور در ۱۱ تیر ۱۳۶۷ نگفت: «من می‌خواهم یک شهادتی بدهم برای تاریخ و تاریخ عراق و مردم عراق (چون تا حالا چنین چیزی ندیده بود) این مردمانی که آمده‌اند؛ مجاهدین خلق در کشور ما، چون جنگ است دیگر، ما از آنها اطلاعاتی خواستیم، مجاهدین با صراحت - در حالی که همه اطلاعات را داشتند - از دادن هر اطلاعی که به مردمشان، به خلقشان و به اقتصادشان، ضربه بزند یا برخلاف خطوط خودشان باشد، رد کردند و وقتی این کار را کردند، احترام من نسبت به این نیروی سیاسی قابل احترام برانگیخته شد.

بنگرید که تفاوت از کجاست تا به کجا؟! در ۷ سال اخیر هم که خیلی روشن شد؛ این کدام ارتش بود در جهان، کدام سازمان بود در جهان، که نفراش تک‌به‌تک زیر ذره‌بین بروند، سؤال و جواب بشوند، به‌وسیله ۹ آژانس آمریکایی طی ۱۶ ماه تحقیقات غربال بشوند، اسکرین و مصاحبه بشوند و مصاحبه‌های وزارت خارجه آمریکا به‌طور خصوصی و انفرادی و بعد، ۶ سال هم آمریکاییها اینجا بودند.

حالا هم پلیس عراق، دولت عراق، حقوق بشر عراق آمده و مصاحبه پشت مصاحبه، بنام مجاهدین را در چنین کارزار عظیم تاریخی، که از جمیع جهات بیسابقه است.

این فقط حرف ما نیست، پادم هست که این را چند سال پیش، یکی از برجسته‌ترین حقوقدانان در انگلستان گفت: تا آنجایی که من تجربه و علم و اطلاع دارم تا به حال در



رادیو بغداد ۱۱/تیر/۶۷ قسمتی از سخنان رئیس‌جمهور عراق در مراسم اعطای مدال به گروهی از فرماندهان نظامی را پخش کرد:

«... از جمله دروغ‌پردازیهایی (خامنه‌ای) [در نماز جمعه دیروز] این است که اپوزیسیون و دقیقاً مجاهدین خلق که بر ضد آنان می‌باشند را مزدوران عراقی نامید. ما مزدور نداریم، [اینها] مردمان مبارزی هستند و به آنها احترام می‌گذاریم و آنان صاحب نظر هستند و برای تاریخ می‌گویم که قبل از این ما از آنان برخی اطلاعات، از نوع اطلاعاتی که به اقتصادشان و یا به خلقشان زیان وارد می‌کند خواستیم، اما آنها رد می‌کردند و نظرشان را هنگامی که رد می‌کردند به‌عنوان یک نیروی سیاسی محترم شمردیم.»

انعکاس صحبت‌های رئیس‌جمهور سابق عراق در رسانه‌های رسمی، ۳ ژوئیه ۱۹۸۸

دنیا ارتشی و سازمانی و نیرویی نبوده که تک‌به‌تک نفرائش این‌طوری از زیر ذره‌بین رد بشوند.

و همچنان که روحانی برجسته عراقی ایاد جمال‌الدین گفت: «اگر شما حتی یک برگ جدی، یک ورقه جدی علیه اینها می‌داشتید که کوتاه نمی‌آمدید و صرف‌نظر نمی‌کردید». خوب، این پاسخ برجسب تروریستی آقای مالکی به‌مجاهدین که از سوی ایشان خیلی خنده‌دار و مضحک و ناموجه است.

شاید به‌خاطر همین سوابق است که هر چه در سالهای گذشته ایشان اتهام زدند و ما دعوت کردیم که تشریف بیاورید به یک دادگاه بیطرف بین‌المللی، به‌روی خود نیاوردند. از ناراحتی ایشان در روز بعد از ۱۵سامبر و این که اتوبوسها خالی برگشته و بی اثر بودن اقدامات کثیف پلیسی برای این که مثلاً یک مجاهد خلق را با بلندگو و ورق پاره وادار کنند که خودش را به پلیس عراق تسلیم کند و بعد هم جلو رژیم کرنش کند، معلوم می‌شود طرف خیلی پیاده است! اصلاً حالیش نیست، فکر کرده با پادگان غیور و سربازان بیعت کرده با امام ملعون (خمینی) طرف است.

عقب‌ماندگی و کودنی سیاسی

مالکی می‌گوید اخراج آنها از این قرارگاه، مقدمه‌یی است برای اخراجشان از عراق. خوب از این واضحتر نمی‌شد به هدف جابه‌جایی اجباری اقرار کرد. چیزی که مجاهدین سفت و سخت و با تمام قوا در مقابلش ایستاده‌اند و خواهند ایستاد به هر قیمت...! تکرار می‌کنم، اگر کسی زبان قانون حالیش هست؛ خوب اینها (مجاهدین) گفته‌اند همه موقت هستیم تا کشور ثالث بپذیرد... و اینها بعد از این بود که مجاهدین گفتند می‌خواهیم برویم وطن خودمان، نه آنطور که مالکی می‌گوید از عفوی که دولت ایران می‌دهد، استفاده نکنند... آقای مالکی دیگر از این الفاظ کثیف برای مجاهدین بر زبان مران، عفو شیطان! ارزانی شاگردانش یاد، ارزانی اخوان‌الشیاطین باد! گویا طرف خیر ندارد که نه در عراق، نه زیر دوربینهای بین‌المللی، نه زیر نظارت ملل متحد، بلکه در سلولهای اوین و قزلحصار ۳۰هزار مجاهد سر به دار سپردند و عفو ولی‌فقیه را به‌سرش کوبیدند، ننگ بر این عفو باد.

طرف هنوز دارد با مجاهدین با زبان قرون وسطی، با زبان کرنش و تسلیم به ارتجاع و فاشیسم صحبت می‌کند و مثل باندهای فاشیستی بلندگو راه انداخته که بیایید خودتان را به پلیس عراق معرفی کنید! جمع کن این رذیلتها را، مگر مجاهدین این کاره‌اند؟! پس چرا بیایند اینجا (عراق) بایستند؟ کسی که فکر کند بعد از ۲۴ سال (ربع قرن) و بعد این هفت سال زیر مهیبترین بمبارانها و بعد از ۶ و ۷ مرداد می‌تواند مجاهدین را با کاغذپاره و بلندگو از پای در آورد، این از فرط عقب‌ماندگی و کودنی سیاسی است.

طرح اتهامها و دروغهای سخیف

فراخوان به شرکت در دادگاه بین‌المللی

می‌گویند که در رژیم قبلی عراق از مجاهدین به‌عنوان یک دستگاه امنیتی استفاده می‌شده است، مرتکب کشتار مردم عراق در نماز جمعه شده‌اند، و هم‌چنین کردها را کشته‌اند و در لیستهای تروریستی برخی کشورها هم هستند...

اولاً - لیستهای تروریستی بقیه کشورها به تو چه ربطی دارد؟!

ثانیاً - کدام کشور غیر از تو و رژیم گفته این سازمان ممنوعه است؟ هرگز کسی نگفته! این همه تظاهرات مجاهدین با آرم خودشان، حتی با پرچم ارتش آزادیبخش جلوكاخ سفید، در خیابانهای لندن و پاریس، با علائم و آیینها و ترتیبات خودشان چیست؟ سخت در اشتباهی!

چند بار بگوییم و چند بار بنویسیم و چند بار مکتوب کنیم که آقا اگر حرف داری بیا در دادگاه حرفت را بزن، والا معلوم است که حرفهای تو برای خوشامد رژیم است. حرف داری بسم الله. به‌خصوص که دادگاه اسپانیا از شما دعوت کرده، تشریف بیاورید، از دولت و مقاماتان هم دعوت کرده، بنابراین اگر زحمت بکشید و خودتان داوطلبانه تشریف بیاورید که خیلی بهتر است و استقبال می‌کنیم.

قبیل از تو هم، از مقامات رژیم این را خواستیم که اگر خامنه‌ای، احمدی‌نژاد، قبلش، بعدش و حاجی خاتمی راست می‌گویند، بفرمایند دادگاه. اگر کسی ریگی به‌کفش خودش نداشت که خیلی خوب است، بیاید در دادگاه بین‌المللی بیطرف و نشان دهد که حق یا اوست و درست می‌گوید.

اما بحث که این چیزها نیست. در همین دو سه سال اخیر و در این هفت ساله واقعاً می‌شود گفت صدها بار گفتیم، نوشتیم، وکلاً گفتند، پارلمان‌ترها گفتند، حقوقدانها گفتند، سازمانهای بین‌المللی گفتند، اما طرف که گوشش به این حرفها بدهکار نیست. از جمله فردای ۶ و ۷ مرداد حقوقدانها و وکلای بین‌المللی به مالکی نوشتند که آقای مالکی؛ حواست باشد در روز ۳۱ ژوئیه - یعنی دو روز بعد از حمله - شما در تلویزیون دولتی عیناً با واژه‌های رژیم، یا کلمه منافقین از مجاهدین صحبت کردید، یعنی دیگر هر نوع حیایی را هم کنار گذاشتید، و بعد اثبوهی اتهام ردیف کردید...

عیناً از روی متن نامه حقوقدانها در ۲ اوت ۲۰۰۹ (چهار روز بعد از حمله) برایتان می‌خوانم: «آقای مالکی، کمیته بین‌المللی حقوقدانان برای دفاع از اشرف، تاکنون دهها بار به مقامات مختلف عراقی و به‌خصوص به شخص شما در نامه‌های رسمی نوشته است که اگر طرح این دروغها و اتهامها به‌دستور تهران نیست، به فراهوانهای مکرر حقوقدانان و موکلین ما برای ارجاع آنها به دادگاه بین‌المللی یا کمیسیون حقیقت‌یاب ملل متحد پاسخ دهید. تصریحات روز ۳۱ ژوئیه شما در تلویزیونهای عراقیه و الحره، هیچ تردیدی در نیت شوم شما برای وارد کردن پلیس به اشرف باقی نگذاشت. هرچند در روزهای قبل از آن نیز جنایاتی که نیروهای عراقی به‌دستور شخص شما در اشرف مرتکب شده بودند، مقاصد واقعی شما را برملا کرد و ستایش متزجرکننده و تقدیر علنی علی لاریجانی، رئیس مجلس و یک دوجین از ملایان حکومتی تهران را نسبت به این جنایات در نماز جمعه ۳۱ ژوئیه در شهرهای مختلف برانگیخت.

نامه حقوقدانان در ادامه بیلان می‌دهد:

از این پیشتر کمیته بین‌المللی حقوقدانان در نامه‌های ۲۴ دسامبر ۲۰۰۷، ۵ مارس ۲۰۰۸ و ۷ مارس ۲۰۰۸ به مقامات آمریکایی - که کپی آن برای شما و کلیه مقامات عراقی و ملل متحد هم ارسال شده است - گفتند که موکلین ما در اشرف، از هر دادگاه بین‌المللی در اروپا یا آمریکای شمالی برای رسیدگی به چنین اتهامهایی که منشأیی جز رژیم ایران ندارد، به‌غایت استقبال می‌کنند.

International Committee of Jurists in Defence of Ashraf

Mr. ASHRAF,

1. The charges contained in Ashraf on 18, 29 and 30 July are clearly contained in "charge against Terrorism" and in accordance with Article 7 of the Statute of the International Criminal Court can be

prosecuted
before, at
any stage,
or under

2. The trial
before, at
any stage,
or under

International Committee of Jurists in Defence of Ashraf

allegations to an international court or to the United Nations International Humanitarian Fact Finding Commission if they are true and not made at Taliban's instigation.

International Committee of Jurists in Defence of Ashraf

2 AUG 2009

Mr. Nour al-Malki
Prime Minister of Iraq
Baghdad
Republic of Iraq

Mr. ASHRAF,

I am writing on behalf of the International Committee of Jurists in Defence of Ashraf (ICJDA), which represents 3,563 lawyers in Europe and the United States and also on behalf of the lawyers at the academy of Camp Ashraf, members of the People's Movement Organisation of Law (PMOL).

Your special message on July 31, on Al-Hayat and Al-Sabeq Television left an doubt in your honourable attention for sending the police to Ashraf. The charges contained by Iraq forces in Ashraf at your instigation in preceding days had also avoided your true objective. These charges raised abhorring public and public appearances by Ali Laqiza, speaker of the Iraqi parliament, and a broadcast of these incidents in Friday press conference of July 31, in different cities of Iraq.

The outcome of these attacks on Ashraf camp has been 9 people killed and 490 wounded, a number of whom have been shot or have had limbs amputated and are in critical conditions. In addition, 36 of the poisoned prisoners were taken as hostages.

In the short-mentioned press releases, you have used the term "Munafiqun" that is used by the media to describe the PMOL. While repeating the previous allegations and information against the academy of Ashraf, you stated that 55 of them are eligible to be prosecuted and called for their arrest and noted that as one of the objectives of setting up a police station in Ashraf. You also stated that Ashraf incidents have killed a number of Kurds in Kabil as well as a number of Iraq prisoners and have occurred crimes.

International justice has been stressed and will be able to prove in an international court that these charges are repetitive allegations directed by Taliban against you. You certainly need to accept their demands less in order to cover the "charge against terrorism" at Ashraf which was internationally exposed and was revealed not in your instigation. Your message also mentions your accusation of containing the cases and increase of the academy of Ashraf which we vehemently wanted you against.

Mr. ASHRAF,

The ICJDA has asked so far in best of letters in different Iraq publications and in particular in official letters of Noha: 10 and 26, 2009, to yourself, to respond to our requests calls and first of our claims for releasing these individuals and

ICJDA - #11, Avenue Victor Hugo, 75016, Paris, France
Tel: +33 1 47 51 07 60 Fax: +33 1 47 58 97 24 e-mail: info@icjdafirst.com

ADVISORY BOARD

HONORARY

MEMBERS

THE RT. HON. THE LORD
SCHEFF OF HADLEY, Former
Judge of the House of Lords
LORD
THE CHIEF JUSTICE OF THE
SUPREME COURT OF
ENGLAND

THE CHIEF JUSTICE OF THE
SUPREME COURT OF
CANADA

THE CHIEF JUSTICE OF THE
SUPREME COURT OF
INDIA

THE CHIEF JUSTICE OF THE
SUPREME COURT OF
PAKISTAN

THE CHIEF JUSTICE OF THE
SUPREME COURT OF
SRI LANKA

THE CHIEF JUSTICE OF THE
SUPREME COURT OF
TANZANIA

THE CHIEF JUSTICE OF THE
SUPREME COURT OF
UGANDA

THE CHIEF JUSTICE OF THE
SUPREME COURT OF
ZAMBIA

THE CHIEF JUSTICE OF THE
SUPREME COURT OF
ZIMBABWE

THE CHIEF JUSTICE OF THE
SUPREME COURT OF
BOTSWANA

THE CHIEF JUSTICE OF THE
SUPREME COURT OF
LESOTHO

THE CHIEF JUSTICE OF THE
SUPREME COURT OF
NAMIBIA

THE CHIEF JUSTICE OF THE
SUPREME COURT OF
SWAZILAND

THE CHIEF JUSTICE OF THE
SUPREME COURT OF
SIERRA LEONE

THE CHIEF JUSTICE OF THE
SUPREME COURT OF
LIBERIA

THE CHIEF JUSTICE OF THE
SUPREME COURT OF
GHANA

THE CHIEF JUSTICE OF THE
SUPREME COURT OF
COTE D'IVOIRE

THE CHIEF JUSTICE OF THE
SUPREME COURT OF
BURUNDI

THE CHIEF JUSTICE OF THE
SUPREME COURT OF
RWANDA

THE CHIEF JUSTICE OF THE
SUPREME COURT OF
BURUNDI

THE CHIEF JUSTICE OF THE
SUPREME COURT OF
RWANDA

THE CHIEF JUSTICE OF THE
SUPREME COURT OF
RWANDA

THE CHIEF JUSTICE OF THE
SUPREME COURT OF
RWANDA

THE CHIEF JUSTICE OF THE
SUPREME COURT OF
RWANDA

THE CHIEF JUSTICE OF THE
SUPREME COURT OF
RWANDA

THE CHIEF JUSTICE OF THE
SUPREME COURT OF
RWANDA

THE CHIEF JUSTICE OF THE
SUPREME COURT OF
RWANDA

THE CHIEF JUSTICE OF THE
SUPREME COURT OF
RWANDA

THE CHIEF JUSTICE OF THE
SUPREME COURT OF
RWANDA

THE CHIEF JUSTICE OF THE
SUPREME COURT OF
RWANDA

THE CHIEF JUSTICE OF THE
SUPREME COURT OF
RWANDA

THE CHIEF JUSTICE OF THE
SUPREME COURT OF
RWANDA

THE CHIEF JUSTICE OF THE
SUPREME COURT OF
RWANDA

THE CHIEF JUSTICE OF THE
SUPREME COURT OF
RWANDA

THE CHIEF JUSTICE OF THE
SUPREME COURT OF
RWANDA

THE CHIEF JUSTICE OF THE
SUPREME COURT OF
RWANDA

THE CHIEF JUSTICE OF THE
SUPREME COURT OF
RWANDA

THE CHIEF JUSTICE OF THE
SUPREME COURT OF
RWANDA

THE CHIEF JUSTICE OF THE
SUPREME COURT OF
RWANDA

THE CHIEF JUSTICE OF THE
SUPREME COURT OF
RWANDA

THE CHIEF JUSTICE OF THE
SUPREME COURT OF
RWANDA

نامه کمیته بین المللی حقوقدانان ۲۰۰۹

International Committee of Jurists in Defence of Ashraf

- His Antonio Guterres, the United Nations High Commissioner for Refugees
- His. Eric Kluza, Secretary General of Amnesty International
- His. Dr. Işıl Aksoy, Former Prime Minister of Iraq
- Dr. Adnan al-Dabbas, President of Iraq National Accord

International Committee of Jurists in Defence of Ashraf

Advisory Board

Chairman: Prof. M. V. Theodoridis, The Law School of the University of Cyprus, 2707 Nicosia, Cyprus

Deputy Chairman: Prof. Dr. Robert M. Cover, University of Texas at Austin, 7900 Barton Hall, Austin, Texas 78712, USA

Executive Director: Prof. Dr. Robert M. Cover, University of Texas at Austin, 7900 Barton Hall, Austin, Texas 78712, USA

Members: Prof. Dr. Robert M. Cover, University of Texas at Austin, 7900 Barton Hall, Austin, Texas 78712, USA

Members: Prof. Dr. Robert M. Cover, University of Texas at Austin, 7900 Barton Hall, Austin, Texas 78712, USA

Members: Prof. Dr. Robert M. Cover, University of Texas at Austin, 7900 Barton Hall, Austin, Texas 78712, USA

Members: Prof. Dr. Robert M. Cover, University of Texas at Austin, 7900 Barton Hall, Austin, Texas 78712, USA

Members: Prof. Dr. Robert M. Cover, University of Texas at Austin, 7900 Barton Hall, Austin, Texas 78712, USA

Members: Prof. Dr. Robert M. Cover, University of Texas at Austin, 7900 Barton Hall, Austin, Texas 78712, USA

Members: Prof. Dr. Robert M. Cover, University of Texas at Austin, 7900 Barton Hall, Austin, Texas 78712, USA

Members: Prof. Dr. Robert M. Cover, University of Texas at Austin, 7900 Barton Hall, Austin, Texas 78712, USA

Members: Prof. Dr. Robert M. Cover, University of Texas at Austin, 7900 Barton Hall, Austin, Texas 78712, USA

Members: Prof. Dr. Robert M. Cover, University of Texas at Austin, 7900 Barton Hall, Austin, Texas 78712, USA

Members: Prof. Dr. Robert M. Cover, University of Texas at Austin, 7900 Barton Hall, Austin, Texas 78712, USA

Members: Prof. Dr. Robert M. Cover, University of Texas at Austin, 7900 Barton Hall, Austin, Texas 78712, USA

Members: Prof. Dr. Robert M. Cover, University of Texas at Austin, 7900 Barton Hall, Austin, Texas 78712, USA

Members: Prof. Dr. Robert M. Cover, University of Texas at Austin, 7900 Barton Hall, Austin, Texas 78712, USA

Members: Prof. Dr. Robert M. Cover, University of Texas at Austin, 7900 Barton Hall, Austin, Texas 78712, USA

Members: Prof. Dr. Robert M. Cover, University of Texas at Austin, 7900 Barton Hall, Austin, Texas 78712, USA

Members: Prof. Dr. Robert M. Cover, University of Texas at Austin, 7900 Barton Hall, Austin, Texas 78712, USA

Members: Prof. Dr. Robert M. Cover, University of Texas at Austin, 7900 Barton Hall, Austin, Texas 78712, USA

Members: Prof. Dr. Robert M. Cover, University of Texas at Austin, 7900 Barton Hall, Austin, Texas 78712, USA

Members: Prof. Dr. Robert M. Cover, University of Texas at Austin, 7900 Barton Hall, Austin, Texas 78712, USA

Members: Prof. Dr. Robert M. Cover, University of Texas at Austin, 7900 Barton Hall, Austin, Texas 78712, USA

Members: Prof. Dr. Robert M. Cover, University of Texas at Austin, 7900 Barton Hall, Austin, Texas 78712, USA

Members: Prof. Dr. Robert M. Cover, University of Texas at Austin, 7900 Barton Hall, Austin, Texas 78712, USA

Members: Prof. Dr. Robert M. Cover, University of Texas at Austin, 7900 Barton Hall, Austin, Texas 78712, USA

Members: Prof. Dr. Robert M. Cover, University of Texas at Austin, 7900 Barton Hall, Austin, Texas 78712, USA

Members: Prof. Dr. Robert M. Cover, University of Texas at Austin, 7900 Barton Hall, Austin, Texas 78712, USA

Members: Prof. Dr. Robert M. Cover, University of Texas at Austin, 7900 Barton Hall, Austin, Texas 78712, USA

Members: Prof. Dr. Robert M. Cover, University of Texas at Austin, 7900 Barton Hall, Austin, Texas 78712, USA

International Committee of Jurists in Defence of Ashraf

24 December 2007

His. Ron G. Givens,
United States Ambassador to Iraq
US Embassy
Baghdad
Iraq

Dear Mr Ambassador,

As lawyers for the members of the People's Movement Organization of Iraq (PMOI), and representing 5000 European jurists who support the rights of the PMOI members in Ashraf, we are writing to make with you our concern about the imminent signing of Iraqi Supreme Criminal Court in an attempt to conceal its role in the torture against the residents of Camp Ashraf, Iraq. We respectfully ask that you do not allow yourself to be up by government of the United States to be utilized against the inmates against its opposition.

According to reports by the National Council of Resistance of Iran and our inmates colleagues in Ashraf, for some time now, the Justice regime has been making a concerted effort to bribe Iraqi judges and police officials, especially those in charge of Iraq's Supreme Criminal Court, to facilitate various religious, legal and judicial practices. Once in Iraq, it offers these officials incentives and bribes to compel them to create fabricated documents against the members of Ashraf and PMOI members in order to prevent particularly their leaders. To this end, it fabricates volumes of documents and provides them to these officials.

With the prosecution of the PMOI members by Iraqi Supreme Criminal Court on different occasions can be traced to the Justice regime and Iraqi authorities of Ashraf. It has allowed to those involved in making these accusations. This is while the court's mandate has no relevance to the PMOI inmates. In this light, I would like to draw your attention to the following:

1. All members of the PMOI in Ashraf are "protected persons" under the protection of the Fourth Geneva Convention, the principle of non-refoulement, Geneva Article 1 of the Geneva Convention, the International Humanitarian Law (IHL) and international law. The manipulation of Iraqi judiciary is a clear violation of the above treaties and principles since "to strip a person of his/her 'protected person' status is a violation of the Geneva Convention."
2. In his letter to the PMOI's Secretary General and the residents of Ashraf on 7 October 2005, Maj. Gen. William T. Shelton reviewed important rights and protections of the residents of Ashraf under international law and reiterated, "The residents of Camp Ashraf have the right to protection from slaps, violence, coercion, and intimidation, and to special provisions for the dignity and rights of women."

EMICA - 164, Avenue Victor Hugo, 75016, Paris, France
Tel: +33 1 47 66 87 00 Fax: +33 1 47 66 87 01 www.164.org@gmail.com

نامه کمیته بین المللی حقوقدانان ۲۴ دسامبر ۲۰۰۷

علاوه بر این، لرد اسلین فقید، قاضی سابق دیوان عالی انگلستان و دیوان عدالت اروپا، در ۲۶ فوریه ۲۰۰۸ در یک لایحه مبسوط تقدیمی به کمیسیون بین‌المللی حقیقت‌یاب ملل متحد، آمادگی ساکنان اشرف را برای پذیرش داوری این ارگان جهانی در مورد دعاوی رژیم ایران و دست‌نشانگان آن در عراق اعلام کرد.

ما هم‌چنین بارها و بارها از شما خواسته بودیم که طبق استانداردهای شناخته‌شده بین‌المللی، پرونده‌هایی را که علیه موکلان ما در عراق وجود دارد، به ما ارائه کنید؛ چیزی که هیچگاه پاسخی برای آن نگرفتیم.

کمیته بین‌المللی یادآوری می‌کند که نکات بالا را در نامه‌های زیر به اطلاع مقامات عراقی هم رسانده است، از جمله در نامه ۱۳ مارس ۲۰۰۸ به عالیجناب مدحت محمود، رئیس شورای عالی قضایی عراق، در نامه ۳۰ ژوئن ۲۰۰۸ به آقای جلال طالبانی، رئیس جمهور، در نامه ۳۱ ژوئیه ۲۰۰۸ به آقای عارف شاهین، رئیس محکمه عالی جنایی عراق، در ۱۴ اکتبر ۲۰۰۸ به قاضی محمد العریبی مربوط به دادگاه مسجد حکمت، در نامه ۲۹ اکتبر ۲۰۰۸ به رئیس اقلیم کردستان، آقای مسعود بارزانی در مورد کردها، در نامه ۲۰ نوامبر ۲۰۰۸ به سفیر شما در ملل متحد، حمید البیانی.

کمیته بین‌المللی حقوقدانان هم‌چنین یادآوری می‌کند: در ژانویه ۲۰۰۶ دوازده هزار حقوقدان عراقی پس از تحقیقات مبسوط، بیانیه‌ی صادر کردند که در همان زمان در مطبوعات بین‌المللی منتشر شده است.

هم‌چنین به آقای اشرف قاضی، نماینده ویژه دبیر کل در عراق اطلاع دادند که مجاهدین برای پاسخگویی به اتهامی در هر دادگاه بیطرف بین‌المللی آمادگی دارند. آقای مالکی یکبار دیگر از شما می‌خواهیم که دعاوی و اتهامهای را که متوجه سازمان مجاهدین و اعضای آن در اشرف می‌کنید، با همه مدارک و اسناد آن برای این کمیته ارسال کنید تا مقدمات اقدام نزد دادگاه بین‌المللی جنایی فراهم شود. این نامه برای آقای جواد بولانی، وزیر کشور، برای آقای عبدالحسین شمیری، رئیس پلیس دیالی، به‌منظور پاسخگویی در مورد دستور تیراندازی و کشتار در اشرف، ارسال می‌شود و سندیت قانونی دارد.

ضمناً به‌منظور تکمیل پرونده، لطفاً نسخی از آن توافق دوجانبه با رژیم ایران درباره مجاهدین را که دیکتاتور ایران در ۲۷ فوریه ۲۰۰۹ خواستار اجرای آن توسط عراق گردید، برای رسیدگی در دادگاه ارسال نمایید.

رونوشت به:

پرزیدنت باراک اوباما،

**International Committee of Jurists
in Defence of Ashraf**

21 June 2008

Responsible Member: Hassan
President of the Iraqi High Tribunal
Baghdad,
Iraq

Chair for Defendants:

We are writing to you as a member of the members of the Iraqi High Tribunal, President of the Iraqi High Tribunal, and as a member of the Iraqi High Tribunal.

We are writing to you as a member of the members of the Iraqi High Tribunal, President of the Iraqi High Tribunal, and as a member of the Iraqi High Tribunal.

We are writing to you as a member of the members of the Iraqi High Tribunal, President of the Iraqi High Tribunal, and as a member of the Iraqi High Tribunal.

**International Committee of Jurists
in Defence of Ashraf**

22 November 2007

Responsible Member: Hassan
President of the Iraqi High Tribunal
Baghdad,
Iraq

Chair for Defendants:

We are writing to you as a member of the members of the Iraqi High Tribunal, President of the Iraqi High Tribunal, and as a member of the Iraqi High Tribunal.

We are writing to you as a member of the members of the Iraqi High Tribunal, President of the Iraqi High Tribunal, and as a member of the Iraqi High Tribunal.

We are writing to you as a member of the members of the Iraqi High Tribunal, President of the Iraqi High Tribunal, and as a member of the Iraqi High Tribunal.

**International Committee of Jurists
in Defence of Ashraf**

21 July 2008

Responsible Member: Hassan
President of the Iraqi High Tribunal
Baghdad,
Iraq

Chair for Defendants:

We are writing to you as a member of the members of the Iraqi High Tribunal, President of the Iraqi High Tribunal, and as a member of the Iraqi High Tribunal.

We are writing to you as a member of the members of the Iraqi High Tribunal, President of the Iraqi High Tribunal, and as a member of the Iraqi High Tribunal.

We are writing to you as a member of the members of the Iraqi High Tribunal, President of the Iraqi High Tribunal, and as a member of the Iraqi High Tribunal.

**International Committee of Jurists
in Defence of Ashraf**

21 July 2008

Responsible Member: Hassan
President of the Iraqi High Tribunal
Baghdad,
Iraq

Chair for Defendants:

We are writing to you as a member of the members of the Iraqi High Tribunal, President of the Iraqi High Tribunal, and as a member of the Iraqi High Tribunal.

We are writing to you as a member of the members of the Iraqi High Tribunal, President of the Iraqi High Tribunal, and as a member of the Iraqi High Tribunal.

We are writing to you as a member of the members of the Iraqi High Tribunal, President of the Iraqi High Tribunal, and as a member of the Iraqi High Tribunal.

**International Committee of Jurists
in Defence of Ashraf**

21 July 2008

Responsible Member: Hassan
President of the Iraqi High Tribunal
Baghdad,
Iraq

Chair for Defendants:

We are writing to you as a member of the members of the Iraqi High Tribunal, President of the Iraqi High Tribunal, and as a member of the Iraqi High Tribunal.

We are writing to you as a member of the members of the Iraqi High Tribunal, President of the Iraqi High Tribunal, and as a member of the Iraqi High Tribunal.

We are writing to you as a member of the members of the Iraqi High Tribunal, President of the Iraqi High Tribunal, and as a member of the Iraqi High Tribunal.

**International Committee of Jurists
in Defence of Ashraf**

21 July 2008

Responsible Member: Hassan
President of the Iraqi High Tribunal
Baghdad,
Iraq

Chair for Defendants:

We are writing to you as a member of the members of the Iraqi High Tribunal, President of the Iraqi High Tribunal, and as a member of the Iraqi High Tribunal.

We are writing to you as a member of the members of the Iraqi High Tribunal, President of the Iraqi High Tribunal, and as a member of the Iraqi High Tribunal.

We are writing to you as a member of the members of the Iraqi High Tribunal, President of the Iraqi High Tribunal, and as a member of the Iraqi High Tribunal.

نامه های کمیته بین المللی حقوقدانان به مقامات عراقی

وزیر خارجه ایالات متحده،
وزیر دفاع ایالات متحده،
دبیرکل ملل متحد،
سفیر هیل؛ سفیر ایالات متحده در بغداد،
ژنرال اودیرنو، فرمانده نیروی چند ملیتی،
ادمیرال لیتل، جانشین فرمانده و مسئول امور اشرف در نیروی چند ملیتی.

نامه مجدد ۸۵۰۰ حقوقدان و وکیل در اروپا و آمریکا - ۲۴ نوامبر ۲۰۰۹

آقای نخست‌وزیر نوری مالکی؛ بر اساس اطلاعیه ۲۳ نوامبر ۲۰۰۹، شما گفته‌اید به ساکنان اشرف اجازه ماندن دائم در اشرف رانمی‌دهیم. زیرا آنها جنایت‌هایی در حق مردم عراق - به‌علت اقدامات تروریستی و همکاری با بعثیها و دخالتشان در امور داخلی ملل مرتکب شده‌اند و بنابراین جایی در عراق ندارند.

آقای نوری مالکی این یک زمینه‌سازی برای گشتار مجدد ساکنان اشرف به درخواست دیکتاتوری دینی حاکم بر ایران است. این اظهارات، نقض آشکار حقوق بین‌الملل انساندوستانه، نقض حقوق بین‌الملل و نقض تعهدات دولت عراق به دولت آمریکا در مورد رفتار یا ساکنان اشرف، در چارچوب قانون انساندوستانه بین‌المللی است.

ما همچنان بسیار متأسفیم که شما به‌رغم فراخوانهای متعدد این کمیته بین‌المللی، به‌رغم فراخوانهای متعدد دیگر مراجع ذیصلاح سیاسی و حقوقی برای ارجاع این موضوعات به یک دادگاه بین‌المللی، این دعاوی سراپا کذب که تماماً ساخته و پرداخته اطلاعات آخوندی و نیروی تروریستی قدس و ایادی آنها در عراق است، را تکرار می‌کنید. در حالی که خود شما هم در بطلان آنها شکی ندارید و الا از ارجاع پرونده به دادگاه ابا و امتناع نمی‌کردید.

حقوقدانان بین‌المللی در موارد متعدد از جمله در نامه ۲۶ مارس ۲۰۰۹ با ارائه اسناد و مدارک و جزئیات به تمام اتهامهای شما پاسخ داده‌اند.

اصرار شما بر تکرار این اکاذیب، چه هدفی جز سرپوش گذاشتن بر جنایت علیه بشریت در اشرف در زوویه گذشته و زمینه‌سازی برای ادامه جنایت به درخواست

فاشیسم دینی حاکم بر ایران دارد؟ کیست که نداند رژیم ایران حمایت از شما در انتخابات پارلمانی عراق را مشروط به سرکوب ساکنان اشرف کرده است؟ علی لاریجانی در سفر اخیر خود به عراق از شما خواست که بیش از این تأخیر نکنید. او بود که گفت اغلب ساکنان اشرف جنایتکارند و باید استرداد و محاکمه شوند. شبیه همین اظهارات را روز بعد سفیر رژیم در بغداد بر زبان راند. تکرار اظهارات کارگزاران رژیم ایران که بخش کمی از آن فوقاً ذکر شد، هیچ ابهامی در مورد ماهیت و خاستگاه اظهارات روز ۲۳ نوامبر شما علیه مجاهدین باقی نمی‌گذارد.

آقای مالکی ما تاکنون دهها بار به‌خصوص به‌شخص شما در نامه‌های ۱۰ و ۲۶ مارس و ۴ اوت ۲۰۰۹ از جمله نوشتیم که اگر طرح این دروغها و اتهامها به‌دستور تهران نیست، به‌فراخوانهای مکرر ما و موکلان ما برای ارجاع به دادگاه بین‌المللی یا کمیسیون حقیقت‌یاب ملل متحد پاسخ بدهید، اما شما هیچ پاسخی ندادید.

از این رو بار دیگر یادآوری می‌کنیم؛ نامه‌های ۲۴ دسامبر ۲۰۰۷، ۵ مارس ۲۰۰۸ به‌سفیر کراکر، ۷ مارس ۲۰۰۸ به‌سفیر ساترفیلد، لایحه ۲۶ فوریه ۲۰۰۸ لرد اسلین، نامه ۱۳ مارس، ۳۰ ژوئن، ۳۱ ژوئیه، ۱۴ اکتبر، ۲۹ اکتبر، ۲۰ نوامبر را به‌مقامات مختلف عراقی، و باز هم از شما می‌خواهیم که کلیه دعاوی و اتهامهای را که متوجه سازمان مجاهدین خلق ایران و اعضای آن در اشرف می‌کنید، با همه مدارک و اسناد آن برای این کمیته هم ارسال کنید، تا مقدمات اقدام در نزد دادگاه بین‌المللی جنایی فراهم شود.

لطفاً به‌منظور تکمیل پرونده یک نسخه از توافق دوجانبه با رژیم ایران در مورد سرکوب و اخراج مجاهدین که خامنه‌ای دیکتاتور ایران در ۲۸ فوریه ۲۰۰۹ خواستار اجرای آن توسط دولت عراق گردید را نیز برایمان ارسال کنید.

International Committee of Jurists
in Defence of Ashraf

International Committee of Jurists
in Defence of Ashraf

International Committee of Jurists
in Defence of Ashraf

International Committee of Jurists
in Defence of Ashraf

26 March 2009

Honourable Mahmoud Mulla
Prime Minister
Baghdad
Republic of Iraq

Dear Prime Minister,

We write on behalf of 8,500 lawyers and jurists across Europe and North America, the International Committee of Jurists in Defence of Ashraf (ICJDA) who defend the rights of Camp Ashraf residents, members of the People's Movement Organization of Iraq (PMOI). We wish to bring to your attention some very serious points about your remarks on Al-Jazeera TV last night regarding the PMOI. We are quite confident that you have been misinformed. In a letter to you on 20 March, the ICJDA requested you to announce that "In order to neutralize the plots of the regime against the residents of Ashraf and the Iraqi government, we urge you to order that all reports and information given to the Iraqi government which cause doubts about Ashraf and its residents be verified with the ICJDA or the residents of Ashraf. We also urge you to introduce a representative whom you trust so that the ICJDA or the residents of Ashraf could inform you about these kinds of fabrications or plots via the press."

1- Admitting that the PMOI was involved in "suppression of PMOI's progress" in Iraq and "murder of many Kurds and Shiites" and "shockingly false and largely untrue lies. The Iranian regime claims that the PMOI massacred 150,000 Shiites in southern Iraq in 1978 or one year earlier in Karbala and Samarra and by force took or captured five or six Shiites in Halabul Marqab in Baghdad. It is worth noting that not a single member of the PMOI have ever been to that region in Baghdad. Also please note that the PMOI had no presence what so ever in Karbala, Samarra or southern Iraq during the war over Kuwait. The documents and statements regarding the execution of PMOI camps and centers in northern and southern Iraq before the war on Kuwait, during and after the war had been provided to numerous bodies and jurists have used many of these documents to judicial bodies and criminal courts in Iraq. To this end, I wish to refer you to letters on July 31 and October 14 of 2008 and January 14 of 2009.

12,000 Iraqi jurists and lawyers also carried out thorough investigations over the Iranian regime's claims and its dehumanization campaigns and published their findings three years ago in January 2006 in a statement signed by Iraqi jurists. They expressed their readiness to bear witness in any court of justice (see medical New York Times, 23 April 2006).

The testimony of the United Intellectual Movement of Shiabawia to the Special representative of the United Nations Secretary General in Iraq, Mr. Ashraf Qazi, on 29 May 2007 rejecting the same allegations is also included. Also please find enclosed letter by H.E. Hashem Zohabi to a Dutch court on July 14, 1995, rejecting suppression of Kurdish population by the PMOI.

ICJDA - 124, Avenue Victor Hugo, 75016, Paris, France
Tel: +33.1.47.25.07.20 Fax: +33.1.47.25.97.04 e-mail: icjda@icjda.org

نامه کمیته بین المللی حقوقدانان - ۲۶ مارس ۲۰۰۹

خوب، حالا مردم عراق و مردم ایران قضاوت کنند که این آقای مالکی، در حالی که هر روز یک جای بغداد با تسلیحات و طرح و برنامه همین رژیم آخوندی به هوا می‌رود، چرا چرا چرا؟ یقه مجاهدین را ول نمی‌کند؟ و هر چقدر هم می‌گویند آقا آخر بیا دادگاه و اسنادت را بفرست، حاشا و کلا؟!

عجبا! اما وقتی می‌رسیم به دادگاههای بین‌المللی، از جمله دادگاه عدالت اروپا، شاهد نامه‌هایی هستیم که گروههای عراقی از جمله انتفاضه شعبانیه برای خاویر سولانا و دادگاه عدالت اروپا فرستادند که این مجاهدین اصلاً در جریان کویت در جنوب عراق نبودند! آخر چند تا مجاهد وجود دارد که اصلاً می‌دانستند در بغداد مسجدی وجود دارد به نام مسجد حکمت؟ به خدا هنوز من خودم هم نمی‌دانم. دبیرکل انتفاضه شعبانیه به دادگاه عدالت اروپا و خاویر سولانا نوشته که آخر در عراق، هیچ ارتباطی بین مجاهدین و تروریسم، نه در گذشته و نه در حال حاضر، وجود ندارد.

می‌گوید: ما می‌خواهیم شهادت بدهیم آنچه را که می‌بینیم؛ اینها (مجاهدین)، یک منطقه صحرائی را تبدیل به یک مروارید صحرا کردند و ادامه می‌دهد که در آن انتفاضه شعبانیه که رژیم و مزدورانش می‌گویند، اینها اصلاً حضور نداشتند، نقشی علیه ما نداشتند و بدانید که هر کس از این حرفها می‌گوید، اجیرشده از طرف نظام ایران است.



نامه دبیرکل انتفاضه شعبانیه به خاویر سولانا و دادگاه عدالت اروپا

بس اینها بهانه است. خیلی قباحه دارد که کسی خودش بمب گذار سفارت فرانسه و آمریکا در کویت باشد، خودش بیش از ۸ سال سرباز امام ملعون در پادگان غیور باشد، و خدا می داند در چند عملیات صد و چهل و چهارگانه تروریستی علیه مجاهدین در آن سالیان دست داشته باشد و حالا بیاید برای ما لغز تروریستی بخواند!

بس کن آقا جان، بس کن!

باز هم تاکید بر حقوق قانونی

نکته دیگری هم بگویم شاید برایتان جدید باشد، این که مالکی مع الواسطه برای ما پیام دوستی می فرستاد! (اگر روزی قرار بشود که در محضر خلق قهرمان گزارش جامع بدهیم، من همه این کاغذها و اوراق و اسناد را دارم).

چون تا آنجا که مربوط به ما بود، نیامده بودیم که با دولت عراق بستنیزیم، حتی به نوری مالکی هم گفتیم که غیر از حقوق قانونیمان هیچ چیز نمی خواهیم و گفتیم ما که مشکل برای عراق نیستیم، ما راه حل هستیم یا لاقط بخشی از راه حل هستیم، مشکل در رژیم است و همین رژیم است که این همه خون می ریزد و جنایت می کند. خوب، پادگان هست که حتی خمینی هم که روی کار آمد، ما که نمی خواستیم فضای مسالمت و روند سیاسی در هم بشکند و در هم بریزد، ولی مرض در او بود. این اسناد و این اوراق و این داستانها که من برایتان گفتم هم، نشان می دهد که مرض در کدام جانب است.

ما که ستیزی با حاکمیت عراق نداریم این را گفته ایم، باز هم می گوئیم اما این مالکی از روز اول که آمد، آنکه اولین موضعگیریش علیه ما بود. بعد در اواسط کار - شاید تحت فشار آمریکاییها یا عامل دیگری که من نمی دانم دو سال و اندی سکوت کرد، و این شمه یی بود از آنچه بین ما و او گذشت. اما الان (از اول ژانویه) یکسال تمام است که بلایی نبود که بر سر مجاهدین نیآورده باشد.

اول گفتند هیچ چیز با زمانی که آمریکاییها حفاظت اشرف را به عهده داشتند، فرقی نمی کند. بعد دیدیم موفق الربیعی پیدایش شد، یک جاسوس با روشهای ناشیانه یی که از روشهای ساواک شاهنشاه آریامهر در ۴۰ سال پیش عقب تر بود. بعد هم که مقاومت

ایران و مجاهدین او را به زباله‌دان تاریخ انداختند. (اعرجی از جریان صدر گفت که این شخص نمایندهٔ ۹ بدر است. ۹ بدر کیست؟ مگر بارها رحیم صفوی و سایر سرکردگان سپاه نگفتند که پاسدار دقایقی ۹ بدر را از ترکیب اسیران عراقی تشکیل داد و اسم ۹ بدر را هم پاسدار دقایقی در روز نهم ماه رمضان روی آنها گذاشت).

پایان پیروزمند کارزار بهار ۶

اما بنام مجاهدین را که در همین غوغا و همین وانفسا، به‌موزات قیام، چگونه روز سه‌شنبه ۲۴ آذر (۱۵ دسامبر) اینقدر سریع کارزار خودشان را به اوج می‌رسانند... حق این بود که همان شب شیبور پیروزی و فتح مبین و پایان پیروزمند کارزار بهار ۶ به صدا درمی‌آمد.

هر چند که دلم برای آن مُرد قهرمان اصغر یعقوب‌پور و البته برای تک‌تک شهدا سوخته بود، ولی در آن روز شما به‌من نشان دادید که به این سرعت جای آنها را پر کرده‌اید. دیدم که چه مُردها و یلاتی دارید که هر یک بغرنجترین شرایط را کفایت می‌کنند؛ لاحول ولا قوه الله بالله.

خوشا به خواهر مرگان و خواهر صدیقه که در زیر چتر آنها چنین قهرمانان و مُردها و یلاتی بالا کشیده‌اند، یعنی در این روز که معروف شده به ۱۵ دسامبر (۲۴ آذر) خیلی چیزها را به‌ثبت دادید و حک و تثبیت کردید. آنچه که می‌دانم این است که بعد از فروغ ایران و قیام اشرف، فی‌الواقع فتح مبینی را محقق کردید؛ بحمدالله و المنه، بدون این که خون از دماغ کسی بیاید.

از آنجا که همه شما می‌داتید پایه و سنگ بنا، صندوق صدق اشرف بود و لاغیر، قدر اشرف بود و لاغیر، همه‌اش در یک کلام انقلاب مریم بود و بیابیا، یعنی پرداخت قیمت، شما توانستید با آرامش و تسلط و کنترل این کارزار را به اوج برسانید. در حالی که در صحبتها از آن که عضو کنگرهٔ آمریکا است یا آن که نمایندهٔ مجلس انگلیس است یا شهردار فرانسوی، می‌بینید چطور برافروخته و عصبانی و عصبی و برانگیخته بودند، حال دیگر فکر بجه‌های خودمان و نیروها و هواداران را بکنید. لیکن شما پیش بردید. آدم به چشم می‌بیند که آن خونها و رنجه‌ها و اعتصابها و التهاب و درد و ناراحتیهای ۶ و

۷ مرداد واقعاً چطور در اینجا گل داد و مژده داد.

نیروی تروریستی قدس رژیم یا القاعده؟!

یکی از اتهامهایی که مالکی نثار مجاهدین می‌کند، این است که اینها در دیالی با القاعده در ارتباط هستند! مالکی می‌گوید: اینها چون در دیالی در ارتباط با القاعده و رژیم سابق عراق هستند، پس جابه‌جایی آنها ضروری است! اما قضیه درست معکوس است تا آنجایی که ما- اقلأ حول و حوش اشرف - در این سالها و در زمانی که جبهه نجات دیالی فعال بود، چیزهایی علیه مجاهدین تحت نام القاعده دیدیم که هیچ چیز و مطلقاً هیچ چیز جز رژیم نیست. پس اگر سؤال آقای مالکی جدی است رژیم است که باید جواب بدهد که چرا این کارها را می‌کند، چرا چنین مخارجی می‌کند و چرا مالکی را به سمت چنین اتهامهای رذیلانه‌یی می‌راند؟ اطلاعیه آنچه که در دیالی به نام القاعده است، را نگاه کنید:



ومن يتولهم منكم فإنه منهم

الحمد لله رب العالمين، ولا عدوان إلا على الظالمين، والصلاة والسلام على رسول الله وعلى آله وصحبه أجمعين وبعد :
قال الله تعالى : ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَاذْكُرُوا اللَّهَ وَتَقَرَّبُوا إِلَيْهِ غَيْرَ تَبَعٍ أَسْمِعُوا أَنفُسَكُمْ وَذَكِّرُوا تِلْكَ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴾ [حجرات]

- قال الله عز وجل ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَدْعُونَ لِقَابِهِمْ غُلَّتْ أَلْسِنُهُمْ مِنَ النَّبِيَّةِ وَمِنْ الْقَوْمِ الْمُنَافِقِينَ ﴾ [التوبة] فما ذكر أن من صفات المنافقين اتحاد الكافرين أولياء من دون المؤمنين، هي عبادة المؤمنين أن يتصلوا بهذه الحالة للصحبة، وأن يتأخروا للمنافقين، فإن ذلك موجب لأن ﴿ تَتَّبِعُوا اللَّهَ عَنِتَّةً سُلْطَانًا مَبِينًا ﴾ أي: حجة واضحة على عقولكم، فإنه قد أنزلنا وحلرنا منها، وأخبرنا بما فيها من المفاسد، فسئلوا عنها بعد هذا موجب للعقاب وفي هذه الآية دليل على كمال عدل الله، وأن الله لا يغتاب أحداً قبل قيام الحجة عليه، وفي الحديث من تعاصى الله تولى إلى الكفر، فإن فعلها يجعل له عليه سلطاناً مبيناً.

- وقال الله عز وجل ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى لِعَدُوَّتِهِمْ وَلِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِكُمْ وَاللَّهُ عَالِمُ الْمُغْضُوبِ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴾ يرشد تعالى عبادة المؤمنين حين من غم أسواق اليهود والنصارى وعضلهم فسروا الحسد، إن لا يتصلوهم أولياء، فإن تعظيهم أولياء بعض يتصرون فيما بينهم ويكونون بها على من سواهم، فاسم لا تتخذهم أولياء، فقيم الأعداء على الحقيقة ولا يتلون بضرهم، بل لا يذمرون من محببتهم حين على إصابتكم، فلا يولاهم إلا من هو مثلهم، ولهذا قال ﴿ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنكُمْ فَإِنَّ لَهُمْ مِنْكُمْ ﴾ لأن الولي التام يجب الاعتدال إلى دينهم، والولي القليل يدعو إلى الكفر، ثم يشرح حيناً فحيناً، حتى يكون العهد منهم ﴿ إِنَّمَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴾ أي: المسلمين وعظيهم الظلم، وإليه يرجعون، وعليه يقولون. فلو جعلهم بكل آية ما يعرّفون، ولا يظنوا لك.

- في ظل تكاليف الأعداء على ولاية عدل الأئمة، وفي الوقت الذي اكتفت به آيات الفرق الفسلفة بسببها وطسرتهم بالمعصيات الاستهادية وبالعبوات السافلة، وفي ظل تقديم الشهداء لأجل إعلاء كلمة هذا الدين في هذه الأرض.

وفي هذا الظل كنه ظهرت رائحة هؤلاء المنافقين الذين ما زالوا من عهد النبي ﷺ إلى هذا العهد يتكبدون المستنسين بالمسلمين واليهوديين، كيف لا، والله سبحانه وتعالى ذكر صفات هؤلاء المنافقين ولقد فهم بسيرة الفاحشة (سورة التوبة)، فقال الله عز وجل ﴿ التَّائِبِينَ ﴾ حذفاً ولفظاً وخاءلوا بأفواظكم وأفسدكم في سبيل الله ذاتكم حتى كأنهم إن كنتم تعلمون، لو كان عرضاً لفرنسا واستقرراً فاصداً لا تقولوا ولكن بغدات عندهم الشقة وسكفون بالله لو استنطقا لحرنا معاكم يهتفون الفسهم والله يعلم الفسهم لكاديتون، عفا الله عنت لم أدت لهم حتى يتبين لك الذين صدقوا وتعلم الكاذبين لا يستأذنت الذين يؤمنون بالله واليوم الآخر أن يتخذوا بأفواظهم وأفسدكم بالله علم بالمتكبرين . إنما يستأذنت الذين لا يؤمنون بالله واليوم الآخر وأزانت لقولهم لهم في ربيهم يتزددون، ولو أنزلوا المخرج لأعلموا له حدة ولكن كره الله المعاليهم فأعلمهم وإلى القتل مع القاعدتين، ثم خرجوا فيكم ما زالوا وهم إذا حالوا وتلوا حقا حذاتكم بتفوتكم الفتنة وقبحكم ستاغرون لهم والله علم بالظالمين، لقد انقرا الحقة من قبل

وَقَالُوا لَنْ نَمُوتَ حَتَّى نَجِدَ الْحَقَّ وَنُظهِرَ أَمْرَ اللَّهِ وَنُحْمَ كَارِهِونَ، وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ نَحْنُ لِي وَلَا نَحْنُ إِلَّا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ، إِنَّ لِكَلِمَاتِ حَسَنَةً لَسْتُمْ تَعْلَمُونَ وَإِنَّ لِكَلِمَاتٍ مُصِيبَةً يُقُولُوا لَهَا أَهْدَانَا إِنَّمَا مِنْ قَبْلِ وَتَوَلَّوْا وَقَمَّ قُرُونًا، قُلْ لَنْ نَحْسَبَنَّ أَنَّ مَا حَسِبَ اللَّهُ لَهُ هُوَ مَوْتَانًا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ، قُلْ هَلْ فَرَّخْتُمْ بِمَا بِأَيْدِيكُمْ فَمَرَّتْ بِكُمْ وَإِنْ تَعْلَمُونَ فَمَرَّتْ بِكُمْ وَإِنْ تَعْلَمُونَ فَمَرَّتْ بِكُمْ وَإِنْ تَعْلَمُونَ فَمَرَّتْ بِكُمْ

والتي عقدت بالواقع التالية :

1. اجتماع في السلمانية
 2. اجتماع في مقر محافظة ديالى
 3. اجتماع في معسكر مناهلي على منطقة النظيم
- وقد حضر هذا الاجتماع قادة هذه التنظيمات، و تكلموا بدعم العدو الأمريكي والحرس الولي، بالتطوع للشرطة والحرس الولي وزيادة على ذلك اعترف السفير الأمريكي زباني حين زيارته باجتماعه مع هذه التنظيمات - الحسوبة زوراً على التنظيمات الجهادية - والإسلام منهم براء.

وكما بين الله سبحانه وتعالى في الآيات المذكورة أيضاً بأن موالاته الكافر ردة عن دين الله عز وجل، والسلاح منه فيا جند تلك التنظيمات عليكم أن تعوا الذكر الذي ينطق له قلوبكم، كي لا تقعوا في الردة عن دين الله، فيكون مصيركم نار جهنم خالدين فيها أبداً.

وبما أبناء أهل السنة الأحرار، المدافعين عن دينكم وشرافتكم وأعراضكم، لا تتخذوا بما يسمى بحبهة إنقاذ ديالى والتي يقودها المرتد عبد الله الجبوري - أهلكه الله -، والذي جعل حشدتهم لدولة العراق الإسلامية بأن يتعاونوا مع اغتيل الصافي ضد تلك الدولة المسلمة القبية. وإن دولة العراق الإسلامية لتتحدى تلك التنظيمات - التي جعلت من نفسها أداة بحركتها العدو الأمريكي كيف شاء - بأن أي تعاون مع الأمريكان أو دولة الكفر أو بالدخول فيها، فإن مصيره سيكون اليما بإذن الله تعالى.

فإن كان وليكم الأمريكان والحرس الولي فإن ولينا الله القوي العزيز.

فإن ولينا الله الجبار الشكور.

فإن ولينا الله العلي الكبير.

اللهم قد بلغنا اللهم فاشهد

اللهم قد بلغنا اللهم فاشهد

اللهم قد بلغنا اللهم فاشهد

والله غائب على أسره ولكن أكثر الناس لا يعلمون

چنان که می‌بینید، بالای اطلاعیه نوشته است: دولت العراق الاسلامیه (دولت اسلامی عراق) ولایت دیالی، سمت چپ هم نوشته: دادگاه شرع ولایت دیالی، یعنی دادگاهی که به اصطلاح حکم کشتن و کشتار و بمبگذاری می‌دهد. در صفحه دوم در ماده ۳ از جلسه‌یی در فرارگاه «منافقین» خلق در منطقه عظیم صحبت می‌کند!

ناگفته پیداست که هر کس، از خود این آقای مالکی گرفته تا القاعده و تا موفق الربیعی، وقتی با فرهنگ رژیم صحبت کند، کلمه منافقین دم خروس است!

ترجمه سند این است که در این جلسات رهبران این تشکیلات حضور داشته و برای حمایت از دشمن آمریکایی و حرس وطنی (گارد ملی عراق) از طرف آنان مأموریت داده شده‌اند که داوطلب ورود به شرطه و حرس وطنی جمع‌آوری کنند. علاوه بر این سفیر آمریکا، زالمای خلیل‌زاد اعتراف کرده که با این سازمانهای تقلبی که خودشان را سازمانهای جهادی نامیده‌اند، ملاقات کرده است و اسلام بری از آنان است.

منظورش همان شوراهای بیداری است که آن موقع، در زمان ژنرال پترائوس که آمریکاییها از آنها حمایت می‌کردند و رژیم خیلی مخالف بود، تعدادشان در عراق به ۹۰-۸۰ هزار رسید و طرح این بود که تا ۱۱۰ هزار نفر افزایش یابد که هم رژیم و هم دولت مالکی قویاً با این شوراهای بیداری مخالفت کردند.

اما آنچه که به ما مربوط است، در این اطلاعیه می‌گوید: ای فرزندان اهل سنت، ای مدافعان دین و شرف و ناموستان، گول آن چیزی را که جبهه نجات دیالی نامیده می‌شود و رهبری آن را عبدالله جبوری - خدا او را هلاک کند - به عهده دارد نخورید؛ کسی که حسد او بر حکومت اسلامی عراق، او را واداشته است که با اشغالگران صلیبی علیه این حکومت نو پای مسلمان همکاری کند. (جبهه نجات دیالی در آن زمان علیه مداخلات رژیم و در حمایت از اشرف و حقوق مجاهدان اشرف بود).

مطمئناً دولت عراق و شخص مالکی هم از این نوع اطلاعیه‌ها که حالا برخی از آنها به دست ما افتاده، مطلع بوده و هست. اما، چون دقیقاً پشت این اتهام رژیم است، نعل وارونه می‌زند که رد پای خودش را معکوس جلوه بدهد و پاک بکند.

افشاگری قابل توجه

یکی از همین افراد که با مزدوران بدر همکاری می‌کرده و هم‌چنین تحت نام القاعده برای منفجر کردن لوله‌های آبرسانی اشرف، مواد و تسلیحات به اینها می‌رسانده، در زمانی که آمریکاییها مسئول حفاظت اشرف بودند، در مورد این افراد اطلاعاتی به آمریکا می‌دهد و دست رژیم را رو می‌کند. نامه وی این است:

این نامه در هر دادگاهی قابل ارائه است، دستخط خودش و به عربی است که خلاصه آن را برایتان می‌خوانم:

می‌گوید: «در روستای فلان، خانه فلان، یکی از مسئولین دفتر مجلس اعلاي انقلاب اسلامی شعبه خالص بود. مخاطب را می‌گویند این آشنایی از یکسال و نیم پیش از طریق یک واسطه انجام شد. هر چند که اینها تشکیلات شیعیان را کافر می‌دانستند و بدریها را هم دشمن خودشان، اما یک کسی به نام "کمال هادی جراب" آمد مقادیری بسته انفجاری آماده ساخت ایران و مواد منفجره تی.ان.تی، چاشنیهای انفجاری و یک ماده انفجاری که من ندیده بودم و دقیق یادم نمی‌آید چه بود، و چیزهایی از این قبیل داد. بعد هم امیر شرعی این گروه - آن گروهی که تحت نام القاعده کار می‌کرد فتوایی داد که الان همکاری با ایران و سلاح گرفتن از اینها اشکالی ندارد، هم‌چنان که در سیره نبوی هم آمده...» (سوءاستفاده از نام پیامبر را ببینید که پیامبر اکرم در جنگ علیه روم و صلیبیها، کمک و سلاح از مشرکان گرفت).

یعنی این به اصطلاح شیعیان رژیمی، هر چند که مشرک هستند، ولی ما باید از اینها سلاح و پول بگیریم، سلاح و پول اینها حلال است.

ادامه‌اش را می‌خوانم: «این رابطه پیش رفت تا این که عملیات منفجر کردن لوله آب شهر اشرف که از کارهای این گروه بود، یعنی با همان مواد و طرح و بسته‌های انفجاری که ساخت ایران بود، صورت گرفت. وی مدعی بود که این عملیات به‌خصوص، برای پول دادن به گروه است، به‌طوری که با کمال هادی جراب در مورد منفجر کردن لوله آب در مقابل مبلغی پول توافق کرده بود که مقدار آن را نمی‌دانم. این عملیات ۲ بار تکرار شد، او کسی بود که اقدام به انتقال سلاح کرد و این سلاحها هم مورد استفاده قرار گرفت. میزان دیگری از سلاحها و مواد انفجاری به مناطق دیگر مثل بغداد منتقل

شد. آنان کارگاه بمبگذاری ماشین داشتند و بعقوبه و خان بنی‌سعد و کرکوک را دربرمی‌گرفت و انتقال از طریق مخفی کردن سلاح در جاهایی در داخل ماشین که در نقاط بازرسی امکان باز کردن آن‌را نداشتند، انجام می‌شد. بعد مثال می‌زند، که مثل فلان نقطه در کامیونهای باری که با پیچ تثبیت می‌شد و داخل آن خالی بود و ممکن بود سلاح داخل آن جاسازی شود و الی آخر.

اتنهای نامه هم اسم و امضا و تاریخ مشخص دارد. بنابراین از کم و کیف انفجار لوله‌های آب اشرف با پول و با تسلیحات و با طرح و برنامه رژیم حالا تحت هر عنوانی، هم نیروهای آمریکایی و هم دولت عراق اطلاع دارند. یعنی نمی‌تواند بگوید من بی‌اطلاع بودم! اما سؤال این است که مالکی بگو چرا ساکتی!؟

بعد هم که جلوتر رفتیم، دیدیم رژیم است که افرادی را تحت نام القاعده استخدام می‌کند، که اطلاعیه بدهند. اسامی آنها هم مشخص است: حامد شلال، شاکر محمد، ستار جبار، عامر صبار، بعد با آنها جلسه شرعی هم می‌گذارند و نتیجه‌اش این است که همانا مجاهدین خلق هدف شرعی این جماعت بشوند، که خود این مجاهدین هم شیعه و از رافضیهای مشرک هستند. به‌علاوه این که با آمریکاییهای صلیبی هم در قرارگاه اشرف همکاری می‌کنند!

می‌رسیم به ژوئن سال ۲۰۰۶ (خرداد سال ۱۳۸۵) فردی به‌نام کمال هادی درخالص، مسئول دفتر بدر از مجلس اعلای انقلاب اسلامی که اینها را اداره و هماهنگ می‌کند و در اطلاعات مربوطه نوشته شده، تصمیم‌گیری به‌لحاظ شرعی توسط حامد شلال انجام شد و شاکر محمد و ستار جبار، لقمان کنعان و دو نفر دیگر از روستای اسپید آماده انجام گردیده‌اند.

پس بیخود نبود که این اتهام القاعده در اشرف هم‌چنان که لرد کوریت هم گفت چرند است و پرند...

تقرير - المعلومات الموثقة بخصوص علاقة مجموعة شاكر محمد جبير
وستار جبار سردي . مع جماعة بوز في الخالص
تم التعارف بين ستار جبار سردي . الساكن في قرية (اله) دار
في مزرعة الناي والذي كان الأمير العسكري للمجموعة والموجود
كحال هادي جراب . الساكن في قرية الخويلص لـ ١٢ كيلومتر
جنوب الخالص . وهو أحد مسئولين في مكتب المجلة الأمان
للثورة الإسلامية فرع الخالص . وحدث هذا التعارف قبل عام
ونصف العام تقريباً . عن طريق وسيط . وكان هذا الوسيط
هو تاجر أسلحة . علاوة هذا التعارف زود كحال هادي جراب
بجماعة ستار بكسيت من الصبوات الباهظة الاميرانية الصنع .
ومواد متفجرة مثل مادة TAT . ومواد أخرى . ومادة لا تذكر

أسمها جيداً . تقريباً تترات الصور . ومادة لا تذكر
شئ من هذا القبيل .
يعتبر الشيعة كما
للجمهورية
مع
وبعضها الآخر يتم نقله من قبل ستار جبار وبناتهما من حامد
وردة لتفتيش الطرق مثل بغداد حيث يوجد لديهم هناك
السيارات . وبعضها في مناطق داخل البصرة
والتي تفتش الطرق من شتعا . مثال ما ذلك فلا
الركبي لسيارة البيكم . الذي يشتبه بواسطة برقي ويكون
داخله مملوء من الممكن تشتيت الأسلحة في داخله ولا زالت الرسائل
هذه الالاف مستمرة .

وأنا سألته وسئل من معلوماتي
محمد جبار سردي
١١/٩

انگشت رژیم در پشت انفجارهای بزرگ بغداد

مقاومت ایران بارها افشا کرده است که پشت این انفجارها کیست و سلاحش از کجا می‌آید. نه فقط ما، نیروهای ملی عراقی، افراد بیطرف، حتی افراد دارای اطلاعات که کم هم نیستند، همین را می‌گویند.

سند صفحه مقابل که برای دادگاه اسپانیا هم فرستاده شده، از مجموعه اسنادی است که از داخل فرستاده‌اند (این سند را همانهایی فرستاده‌اند که قبلاً لیست ۳۲ هزار مزدور را از تهران فرستادند). این سند نزد همه حقوقدانان و مراجع بین‌المللی هم هست و بسیار سند گویایی است که چگونه نیروی تروریستی قدس برای هوشیار کردن سرکردگانش در تهران، این سند را به ارگانهای رژیم در داخل ایران فرستاده است.

سند به زبان عربی و تاریخ آن ۱۱ نوامبر ۲۰۰۹ (۲۰ آبان) است. در این سند مدیریت کل عملیات می‌گوید: «روز گذشته ما این اطلاعات را دریافت کردیم که یک گروه مسلح به دستور اطلاعات ایران - وزارت اطلاعات - در حال طراحی برای اجرای عملیات تروریستی به وسیله دو خودرو انفجاری در استان بغداد در کراده مریم، بلافاصله بعد از پایان زمانبندی مشخص شده برای نمایشگاه بین‌المللی بغداد است تا وزارتخانه‌های دفاع، مهاجرت و مسکن را مورد هدف قرار بدهد. این نقشه در ملاقاتی در خانه‌یی در منطقه کاظمیه متعلق به فردی به نام ابو خالد که اسم اصلی او نامشخص است، طراحی شده است.

مشخصات فرد: «قد متوسط، موی سفید، عینک طبی، مغازه نقره‌فروشی و عتیقه‌فروشی در درب قبله امام موسی کاظم، نزدیک هتل توریستی الخضراء و الی آخر... این عناصر حیدر مهدی حسین، حیدر محسن از اهالی استان المثنی اقدام به شناسایی منطقه هدف خواهند کرد تا از سیطره‌های مسیری که خودروها باید طی کنند و محل نصب دستگاههای سوناست عکس بگیرند و نوع خودروها و میزان مواد انفجاری برای اجرای عملیات را مشخص کنند. گروههای مسلح مورد نظر، همان گروه مسلح به دستور وزارت اطلاعات ایران، عملیات تروریستی خود را در استان بغداد تشدید خواهند کرد که قبلاً نیز اطلاعاتی در مورد انفجار خودروهای بمبگذاری شده در منطقه کراده ارسال شده بود».

بحث خیلی روشن است، خود دولت عراق است، خود نخست‌وزیری عراق است که می‌داند و درجایی که می‌خواهد، می‌نویسد و ابلاغ می‌کند که گروه مسلح به‌دستور وزارت اطلاعات رژیم ایران برای نمایندگانه بین‌المللی بغداد با چنین فردی، با چنین خصوصیاتی، با چنین افرادی از کجا و کجا و کجا و این هم هدفهایشان و الی آخر...

بيروت والجزيرة

من / وكالة الجزيرة للعلوم والتقنية - المعلومات		
إلى / قيادة قوات حرس الحدود - المخيمات والمخيمات و المديرية العامة للمخيمات		
المخيمات البحرية - المخيمات والمخيمات و مديرية القطاع المدني العامة - المخيمات والمخيمات و المديرية العامة للمخيمات - المخيمات والمخيمات		
و المديرية العامة للعلوم والتقنية - المعلومات والمخيمات		
و/ المديرية العامة للمخيمات - وكالة الجزيرة للعلوم والتقنية		
رقم الترخيص	وقت الإصدار	تاريخه
١٢٦٠	١١/٢٠٠٩	٢٠٠٩/١١/١١

(٠) رسالة المديرية العامة للمخيمات - وكالة الجزيرة للعلوم والتقنية
 الترخيص / ١٥٤٢٨ من ٢٠٠٩/١١/١٠ (٠) رسالة مكتب وليس الترخيص - وكالة الجزيرة
 للعلوم والتقنية ووكالة الجزيرة / من ١٨٧٣ من ٢٠٠٩/١١/١٠ (٠) رسالة جهاز
 المعلومات للعلوم والتقنية / من ١٢٨٤ من ٢٠٠٩/١١/١٠ بالمرور معلومات لقيه ما يلي (٠)
 تخطط مجموعة مسلحة وتخرج من المخيمات الآتية لتلقي حيازة إرهابية بمخيمات
 مخيمات في منطقة بده - المخيمات الآتية لتلقي حيازة إرهابية بمخيمات
 مخيمات لاستهداف لوزارات القطاع الزراعي (المخيمات الآتية) (٠) خرج المخطط
 خلال اجتماعه مع مدير في منطقة التنظيم تتدعو (أبو خالد - بيجون أسد) (٠) توصلة
 (٠) متوسط طول ونسبة - أيضا الشعر - وهي الطول الطيبة - نسبة محسن تيسر
 اللثة والتلف الكلية في باب تلة الاسم التنظيم (ع) قرب تسوق الخضراء مسيحي
 ويعتبر أن من (المخ) لوجل الدوما كية . حيدر سيدي حسين . حيدر مسن - من أسكن
 منطقة الشري - من الإمكان (٠) المخيمات الآتية لتلقي حيازة إرهابية بمخيمات
 المخيمات الآتية لتلقي حيازة إرهابية بمخيمات (٠) المخيمات الآتية لتلقي حيازة إرهابية بمخيمات
 نوع المخيمات وكيفية توكيد المخيمات لتلقي حيازة إرهابية بمخيمات (٠) المخيمات الآتية لتلقي حيازة إرهابية بمخيمات
 حيث يتكاتف صليتها الإرعابية في محافظة بده حيث يسكن وتسكن المخيمات
 بالمخيمات الآتية (٠) المخيمات الآتية لتلقي حيازة إرهابية بمخيمات
 المخيمات الآتية (٠) المخيمات الآتية لتلقي حيازة إرهابية بمخيمات

التوقيع /
 الترخيص /
 ٣. الترخيص
 وكالة الجزيرة للعلوم والتقنية
 ٢٠٠٩/١١/١١

رژیم دیکته می کند

خوب آقای مالکی بگو ببینم چرا ساکتی؟! چرا تا به حال ما یک مورد از این چیزها را از شما نمی شنویم؟ اما بیدریغ هر روز نثار کردن برجسب تروریستی به مجاهدین، نقض حاکمیت عراق به مجاهدین، همکاری القاعده از طرف مجاهدین، آخر یاوه گویی هم حد و حدودی دارد، بیخود نیست که اعتراض نیروهای عراقی هم بلند است. پس موضوع این نیست که مجاهدین چه کرده اند یا چه نکرده اند، موضوع به سادگی عبارت از این است که رژیم دیکته می کند، دولت عراق اجرا می کند. مگر داد نیروهای عراقی، احزاب عراقی، عشایر عراقی، شیوخ عراقی در نیامده که آقای مالکی این همه کشتار هست، این همه بمبگذاری هست، در آخرین انفجار صدویست، سی نفر کشته شدند. صدها نفر مجروح شدند، تو چرا به تروریسم مجاهدین پيله کردی؟!

خلع ید از رژیم، شعار همگانی مردم عراق

- دکتر ظافر العانی بود که گفت: بگذارید من فقط یک جمله بگویم، در شرایطی که دولت عراق و احزاب سیاسی که حکومت عراق را در جنگ خودشان دارند باید به مداوای جراحتهای عراقیها بپردازند و تروریستهای واقعی را تعقیب کنند، اما آنچه که ما می بینیم، همعاش می گویند اخراج سازمان مجاهدین خلق از دیالی! و نتیجه گیری کرد که آیا این چیزی جز پاداش به دولت تهران است؟ دولتی که همه می دانند چه میزان در پرونده امنیتی عراق دخالت و خرابکاری دارد.



- ایاد جمال الدین روحانی برجسته شیعی بارها گفته، آقا این دولت در چنبره رژیم ایران است. ایاد جمال الدین است که می گوید: مشکل ما در عراق موضوع نفوذ افزایش یابنده رژیم ایران است. و در همین روز ۱۵ دسامبر، (۲۴ آذر) می گوید: وقتی آخرین سرباز



آمریکایی از عراق خارج شود، اعلام خواهد شد که عراق یک مستعمره رژیم ایران است و از سوی پاسداران انقلاب ایران اداره می‌شود. ایالات متحده این پروژه تعجب‌انگیز را شروع کرده و ناگزیر است تا ته خط برود، اما با ترک عراق در وسط این پروژه، یک مشکل ایجاد خواهد شد، یک خطر بزرگتر از برنامه هسته‌یی ایران.

پادتان هست که رئیس جمهور برگزیده این مقاومت بود که ۶ سال پیش در آذر ۱۳۸۲ گفت: خطر رژیم در عراق صدبار بیشتر از خطر هسته‌یی آن است.

آقای ایاد جمال‌الدین، سپس ادامه می‌دهد که دولت عراق باید به قواتین و کنواتسیونهای بین‌المللی در مورد ساکنان اشرف احترام بگذارد، آنها به موجب کنوانسیونهای زنو حفاظت شده هستند و بعد حتی به دولت عراق نصیحت می‌کند و می‌گوید حتی اگر تو می‌خواهی جلو این رژیم بایستی و به‌خاطر منافع خودت فشار بیآوری، چرا اینقدر به رژیم میدان می‌دهی؟ از قضا این عراق است که می‌تواند روی این رژیم در رابطه با فرارگاه اشرف فشار بیاورد، چرا تو معکوس می‌کنی؟ چرا این فرصت را از دست بدهیم؟ بعد می‌گوید: البته که من کارهای دولت عراق را در رابطه با فرارگاه اشرف محکوم می‌کنم و این دولت مواضع من را خیلی خوب می‌داند.

- **دکتر صالح مطلق**، همین تازگی گفت: در واقع هیچ چیز



می‌بهمی این وسط وجود ندارد (و هر کسی هم که حتی فقط به فقط به منافع ملی عراق بیندیشد، جدا از بحث حق و حقوق و قانون، به این نتیجه می‌رسد که دکتر صالح مطلق رسید که) آنچه که اینها در اشرف می‌کنند، اجرای دیکته‌های ایران توسط دولت فعلی عراق است. او گفت از زمانی که این دولت روی کار آمده، اولویتش راضی کردن رژیم ایران است، نه راضی کردن عراق. آنها در شرایطی که روزانه خون مردم عراق بر زمین ریخته می‌شود.

مجدداً دکتر صالح مطلق می‌گوید: تصمیمگیری در مورد جایه‌جایی مجاهدین اشرف یک رویکرد صرفاً ایرانی است، منظورش رژیم ایران است که حکومت عراق اجرا می‌کند.

- دکتر سلام زوبعی، معاون و مشاور امنیتی قبلی همین مالکی است که می‌گوید: جابه‌جا کردن ساکنان اشرف اقدامی خطرناک و لکه‌ننگی برای بشریت است. دیگر از این واضح‌تر می‌شود گفت؟



خوب، پس ابهامی وجود ندارد. به‌قول ایاد جمال‌الدین در مشت محکم و در جنگ محکم رژیم ایران قرار دارد. راه حل چیست؟ باز هم به‌قول همین آقای ایاد جمال‌الدین، قبل از هر چیز این کشور باید نخست خود را از نفوذ رژیم ایران خارج و خلاص کند؛ خلع ید. یعنی این شعار همگانی مردم عراق، نیروهای ملی، نیروهای وطنپرست و کسانی است که منافع ملی عراق را می‌بینند.

اشرف، کانون استراتژیکی نبرد

هم‌چنان که در ابتدای بحث گفتیم، پس این نیاز مشترک دو خلق است، نیاز دو خلق برادر به‌خلاص شدن از شر رژیم آخوندی در ایران، به‌همین دلیل، اتحاد عمل استراتژیک، نیاز مشترکشان هست. آیا وزنه تعادل دیگری غیر از اشرف و مجاهداتش در برابر این رژیم پیدا می‌شود؟ آیا سد و مانع مستحکمتری غیر از اشرف و مجاهداتش پیدا می‌شود؟ در داخل ایران، در عراق و در منطقه و در سراسر جهان آیا سد و مانع محکمتری پیدا می‌شود؟ آیا راه حلی غیر از راه حل سوم که از سالها پیش رئیس‌جمهور برگزیده این مقاومت گفته و گفته و باز هم می‌گوید، پیدا می‌شود؟

خوب، شما نشان دادید، مجاهدین نشان دادند، اشرف پایدار در این ۷ سال و به‌خصوص در سال ۲۰۰۹ نشان داد که این حرف عین حقیقت است. این تنها راه و این تنها مسیر است، مسیر ایستادگی و مقاومت در مقابل رژیم، فقط باید در دهان این رژیم کوبید. بعد که شما ایستادید، بعد که شما قیمت را دادید، بعد که سرفراز شدید، الگویی می‌شود الهام‌بخش، کانونی می‌شود برای امید و ایستادگی، هم برای دانشجویان داخل ایران، هم برای مردم عراق و هم در سطح جهانی که پس می‌شود، پس می‌توان، پس می‌توان و باید!...

این طور اشرف راه باز می‌کند. این طور اشرف و مریم، شماها و مریم به پیش می‌برید، این است معنی کاتون استراتژیکی نبرد. الحمدلله چون عکس آن پیش نیامده و شما نخواهید گذاشت هیچوقت پیش بیاید، چون تسلیم و بندگی و در یوزگی پیش نیامده، کسی آن طرفش را ندیده. اما در تاریخ ایران هست. اگر بعد از کودتای ۲۸ مرداد هم، چنین مقاومتی و چنین پایداری بود، تردید نکنید که وضعیت سراپا فرق می‌کرد. به جای بریدگی و وادادگی و جذب شدن در ساواک سلطنتی، پرچم پایداری و هیئات منالذله بالا می‌رفت. اصلاً و ابداً دارودسته ارتجاعی خمینی امکان پیدا نمی‌کردند که به حاکمیت برسند.

نامه کمیته در جستجوی عدالت به مالکی

نامه دیگری در ۱۸ دسامبر ۲۰۰۹ از آقای ویدال در پاسخ به صحبت‌های مالکی، که نسخه‌های آن برای رئیس‌جمهور آمریکا، برای وزیر خارجه و دفاع آمریکا و برای وزیر عراقی هم ارسال شده، برای ملل متحد و کمیساریای عالی حقوق بشر و هم چنین نماینده ویژه دبیر کل ملل متحد، برای سفیر آمریکا، برای فرمانده نیروی چند ملیتی و وزارت خارجه‌های مختلف فرستاده شده است:

آقای نوری مالکی نخست‌وزیر عراق،

به‌عنوان نایب رئیس پارلمان اروپا و رئیس کمیته در جستجوی عدالت که در برگرفته ۲۰۰۰ پارلمانتر در اروپا و آمریکاست، به شما می‌نویسم، در نامه قبلی در ۲ دسامبر به شما در مورد قصد دولت عراق مبنی بر جابه‌جایی ساکنان اشرف هشدار داده شد. تأکید کرده بودیم که این جابه‌جایی به فاجعه‌ی بسا سنگین‌تر از کشتار ساکنان اشرف توسط نیروهای عراقی در ژوئیه گذشته، منجر خواهد شد. اما شما در کنفرانس مطبوعاتی (۱۶ دسامبر)، هدف از جابه‌جایی ساکنان اشرف را برملا کردید و ضمن تکرار اتهام‌های کذب همیشگی خود علیه مجاهدین، گفتید؛ این سازمان در عراق نمی‌تواند حضوری داشته باشد و این اقدامات تنها یک اقدامات آمادگی برای خاتمه دادن به حضور آنها در عراق است. اخراج آنها از این قرارگاه، آمادگی برای انتقال آنها به‌خارج یا به‌ر کشور است که آنها را بپذیرد یا این‌که از عفو عمومی استفاده کنند

که دولت تهران به آنها بدهد. حتماً مطلعید که اظهارات شما با استقبال گسترده رسانه‌های رژیم ایران مواجه شد. معلوم می‌شود جابه‌جایی اجباری ساکنان اشرف مقدمه یک اقدام غیرقانونی دیگر، یعنی اخراج و استرداد اجباری است. اما در روز ۱۵ دسامبر همه جهانیان مطلع شدند که همه ساکنان اشرف با جابه‌جا شدن در داخل عراق مخالفند و این منجر به خونریزی خواهد شد. (واشینگتن پست ۱۶ دسامبر، سی‌ان‌ان ۱۴ و ۱۶ دسامبر، خبرنگارهای آسوشیتدپرس و فراتسه ۱۵ دسامبر).

در این روز دهها خودرو پلیس و شماری از مقامات عراقی عضو کمیته بستن اشرف به همراه شماری از خبرنگاران وارد اشرف شدند. خبرنگاران پس از یکسال تحریم مطبوعاتی اشرف، به‌منظور تهیه گزارش از کسانی که نمی‌خواهند در اشرف بمانند، دعوت شده بودند. تعداد کافی اتوبوس برای انتقال ساکنان اشرف نیز طبق بیانیه‌های سختگویی دولت شما از قبل حاضر و آماده شده بود. نیروهای عراقی هزاران تراکت در خیابانها و قسمتهای مختلف اشرف فرو ریختند و با بلندگو هم اعلام کردند که افراد داوطلب می‌توانند خود را به مرکز پلیس یا هریک از گشتیها معرفی کنند. نیروهای عراقی در حالی که خبرنگاران آنها را همراهی می‌کردند به نقاط مختلف اشرف رفتند، با بسیاری از ساکنان رودررو صحبت کردند، از آنها خواستند اشرف را ترک و همراه آنها به بغداد بروند. اما برخلاف انتظار آنها، حتی یک نفر حاضر به چنین کاری نشد و خودروها خالی بازگشتند. اقدام ۱۵ دسامبر با معیارهای دموکراتیک فاصله زیادی دارد، اما بار دیگر این حقیقت را نشان داد که تبلیغات رژیم ایران و دولت عراق مبنی بر این که ساکنان اشرف برخلاف میل خود در آنجا مانده‌اند تا چه اندازه قلب واقعیت است، و کاش این تجربه باعث می‌شد شما اظهارات غیرقانونی روز ۱۶ دسامبر را تکرار نمی‌کردید. امروز جهان با چشمهای باز رفتار دولت شما را با ساکنان اشرف به مثابه یک شاخص عمده در مستقل و دموکراتیک بودن عراق و پابندی آن به معاهدات بین‌المللی نظاره می‌کند. محاصره ضدانسانی که از ابتدای امسال بر ساکنان اشرف تحمیل شده، از جمله جلوگیری از ورود دارو و پزشک و سوخت و خانواده ساکنان اشرف و وکلا و فعالان حقوق بشر، انزجار جامعه جهانی را برانگیخته است. تنها به برخی از تحولات در فاصله دو هفته گذشته نگاه کنید.



18 December 2009

Honourable Nuri al-Maliki
Prime Minister
Baghdad
Republic of Iraq

Dear Prime Minister,

I am writing to you as Vice President of the European Parliament and the President of the International Committee in Search of Justice (ISJ) comprised of 2,000 parliamentarians from both sides of Atlantic. In my earlier letter to you on December 2, I cautioned you about the Iraqi plan to displace Camp Ashraf residents by force and emphasized that such a move would lead to an even greater humanitarian catastrophe compared to what happened in late July this year.

However, you unveiled the aim of the displacement of inhabitants of Ashraf in your press conference on Wednesday, December 16. While repeating the usual baseless allegations against the People's Mojahedin Organization of Iran (PMOI), you said: "This organization cannot have any presence in Iraq and these measures (displacement within Iraq) are only preparatory measures to end their presence in Iraq... Their expulsion from the camp [Ashraf] is to prepare for their transfer to outside Iraq or any country that would accept them. Or else, they can take advantage of a general amnesty to be awarded to them by Iran..." Your remarks were widely welcomed by the state-run media in Iran as you certainly are aware of them.

It is now quite clear that the forcible displacement of Ashraf residents is a prelude to yet another unlawful measure, which is their forcible expulsion and extradition.

The world realized on December 15 that all residents of Ashraf are against displacement within Iraq and such a displacement would lead to bloodshed (I draw your attention to reports by Washington Post, December 16; CNN, December 15 and 16; and Associated Press and AFP, December 15).

1

European Parliament, ASP 11E205, 50 rue Wiertz, B-1047, Brussels, Belgium

نامهٔ نایب رئیس پارلمان اروپا - ۱۸ دسامبر ۲۰۰۹

Amnesty International

Iranian opposition group supporters in Iraq must not be forcibly evicted



11 December 2009

The Iraqi authorities must not forcibly relocate about 3,400 members of an Iranian opposition group from a settlement north of Baghdad where they have lived since the mid-1980's, Amnesty International said on Friday.

Sources have told Amnesty International that residents of Camp Ashraf, which is 60km north of Baghdad, have been given a deadline of 15 December 2009 to leave or they will be forcibly removed and relocated elsewhere in Iraq. Some may also be at risk of being forcibly returned to Iran.

Camp Ashraf is home to over 3,000 members and supporters of the Iranian opposition group, the People's Mojaheddin Organization of Iran (PMOI). The group have been living there for more than 20 years and it is now a small town with shops, medical and other facilities.

"Whatever measures the Iraqi authorities decide to take with regard to the future of Camp Ashraf, the rights of all its residents must be protected and guaranteed at all times," said Hassiba Hadj Sahraoui, Deputy Director of the Middle East and North Africa programme at Amnesty International.

"Further no Iranian national in Iraq who is at risk of serious human rights violations in Iran should be forcibly returned there."

Government officials in Iraq have been quoted as saying plans are in place to forcibly remove people from the camp to other sites within Iraq in the coming days.

Prime Minister Nuri al-Maliki has reportedly announced that Camp Ashraf's residents will be moved to the southern province of Muthanna.

Amnesty International fears that forced removals of the residents of Camp Ashraf would put them at risk of arbitrary arrest, torture or other forms of ill-treatment, and unlawful killing.

Since mid-2008 the Iraqi government has repeatedly indicated that it wanted to close Camp Ashraf, and that its residents should leave Iraq or face being forcibly expelled from the country.

On 28-29 July 2009 Iraqi security forces stormed the camp and at least nine residents were killed and many more injured. Another 36 who had been detained were reported to have been tortured and beaten. They were released on 7 October in poor health after maintaining a hunger strike throughout their period of detention.

No investigations are known to have been carried out by the Iraqi authorities into their alleged torture and other ill-treatment or into allegations that Iraqi security forces used excessive, lethal force when taking control of Camp Ashraf last July.

فراخوان عفو بين الملل، ١١ دسامبر ٢٠٠٩

عفو بین الملل
حامیان گروه ایرانی مخالف در عراق نباید اجباراً اخراج شوند
۱۱ دسامبر ۲۰۰۹

عفو بین الملل روز جمعه گفت: مقامات عراقی نباید حدود ۳۴۰۰ تن از اعضای یک گروه ایرانی مخالف را از محل استقراری در شمال بغداد جایی که از اواسط سالهای ۱۹۸۰ در آن زندگی کرده‌اند را به اجبار جابجا نمایند.

منابع به عفو بین الملل گفته‌اند که ساکنین کمپ اشرف، که در ۶۰ کیلومتری شمال بغداد قرار دارد، ضرب‌الاجلی دریافت کرده‌اند که تا ۱۵ دسامبر ۲۰۰۹ آنجا را ترک کنند یا به زور جابجا و در جایی دیگر در عراق اسکان داده می‌شوند. برخی نیز شاید در معرض برگرداندن اجباری به ایران قرار داشته باشند.

کمپ اشرف محل زندگی بیش از ۳۰۰۰ تن اعضا و حامیان گروه ایرانی مخالف، سازمان مجاهدین خلق ایران (PMOI) می‌باشد. این گروه بیش از ۲۰ سال آنجا زندگی می‌کرده است و هم اکنون یک شهر کوچک با مغازه‌ها و درمانگاه و سایر تأسیسات است.

حسبیه حاج صحراوی جانشین مدیر برنامه خاورمیانه و شمال آفریقا در عفو بین الملل اظهار داشت: «هر تدبیری که مقامات عراقی در رابطه با آینده این کمپ تصمیم بگیرند حقوق ساکنین آن در هر زمانی باید حفاظت شده و تضمین شود.»

«علاوه بر این هیچ تبعه ایرانی که به طور جدی در معرض نقض حقوق بشر در ایران قرار داشته باشد نباید به اجبار به آنجا بازگردانده شود.»

از مقامات رسمی دولتی در عراق نقل قول شده است که گفته‌اند طرحهایی در جریان است تا در روزهای آینده افراد را به اجبار از کمپ به سایر سایتها در داخل عراق منتقل کنند.

نخست وزیر نوری مالکی به کرات اعلام کرده است ساکنین کمپ اشرف به استان جنوبی المثنی منتقل خواهند شد.

عفو بین الملل از این‌که نقل مکان اجباری ساکنین کمپ اشرف آنها را در معرض ریسک دستگیریهای خودسرانه، شکنجه و یا انواع دیگری از بدرفتاریها و قتل غیر قانونی قرار بدهد، هراس دارد.

از اواسط ۲۰۰۸ دولت عراق کراراً نشان داده است که می‌خواهد کمپ اشرف را ببندد و ساکنین آن باید عراق را ترک کنند و یا با اخراج اجباری از کشور روبرو شوند.

در روزهای ۲۸ و ۲۹ ژوئیه ۲۰۰۹، نیروهای امنیتی عراقی به کمپ حمله کرده و حداقل ۹ نفر از ساکنین کشته و تعداد زیادی زخمی شدند. ۳۶ نفر دیگر که بازداشت شده بودند گزارش شده که شکنجه شده و کتک خورده بودند. آنها در روز ۷ اکتبر بعد از این‌که در طول مدت بازداشت در اعتصاب غذا بودند در شرایطی که سلامتی آنها بد بود آزاد شدند.

در زمانی که نیروهای عراقی کنترل کمپ اشرف را در ژوئیه گذشته به دست می‌گرفتند در ارتباط با اتهامات شکنجه و بدرفتاریهای دیگر و یا اتهاماتی که نیروهای عراقی زور بیش از حد و نیروی کاشنده به کار بردند هیچ تحقیقاتی انجام نمی‌شود.

- روز ۱۵ دسامبر اعلام شد که ۱۲۰ عضو کنگره آمریکا قطعنامه‌یی را ارائه داده‌اند که رفتار سرکوبگرانه دولت عراق با ساکنان اشرف را محکوم می‌کند، خواستار توقف خشونت علیه آنان از سوی دولت عراق و تضمین حفاظت آنها از سوی دولت آمریکاست. چندین عضو کنگره در سخنان خود در برابر کنگره در روزهای ۱۴ و ۱۵ دسامبر، جابه‌جایی اجباری ساکنان اشرف را به شدت محکوم کرده‌اند.

- در روز ۴ دسامبر، اکثریت اعضای پارلمان نروژ در بیانیه‌یی اعلام کردند جابه‌جایی اجباری ساکنان اشرف غیر قانونی است از دولت عراق خواستند دست به چنین کاری نزنند و حقوق ساکنان اشرف را به عنوان افراد حفاظت شده تحت کنوانسیون چهارم ژنو به رسمیت بشناسد.

- عفو بین‌الملل به دولت عراق نسبت به جابه‌جایی هشدار داد و خواستار ممانعت از آن گردید.

- ۲۱۷۲ شهردار فرانسوی در ۱۵ دسامبر جابه‌جایی ساکنان اشرف را محکوم کردند و از دولت عراق خواستند حقوق ساکنان اشرف را در چارچوب کنوانسیون چهارم ژنو به رسمیت بشناسد.

- در دسامبر، دادگاه ملی اسپانیا حکم قبلی خود در ۲۶ نوامبر را قطعی کرد؛ حکمی که در مورد کشتار ۲۸ و ۲۹ ژوئیه در اشرف که افراد آن حفاظت شده تحت کنوانسیون چهارم ژنو هستند، به عنوان جنایت علیه بشریت، دستور تحقیقات می‌دهد.

در مورد اتهامهایی که علیه سازمان مجاهدین خلق ایران تکرار کرده‌اید هم چنان که در نامه‌های قبلی برای شما نوشته‌ام، در فاصله سالهای ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۸ ما در سفرهای متعدد هیأت‌های پارلمانی به اشرف، در گفتگو با صدها تن از ساکنان اشرف، در گفتگو با مسئولان مجاهدین و با بسیاری از شخصیت‌های عراقی، دریافتیم که در پرنسیپ‌های دموکراتیک مجاهدان اشرف، و در دوستی مردم عراق با آنها و در دفاع آنها از یک عراق دموکراتیک و مستقل، هیچ تردیدی نیست. با احترام به شما یادآوری می‌کنم که اتهام‌های شما مطلقاً دروغ است، به همین خاطر است که شما به فراخوانهای ساکنان اشرف و وکلای آنها و کمیته بین‌المللی حقوقدانان در دفاع از اشرف برای ارجاع اتهامها به یک دادگاه بین‌المللی هیچ پاسخی نمی‌دهید. اما امروز من به شما پیشنهاد می‌کنم

همه اتهامهای خودتان و مدارک مربوطه را به دادگاه اسپانیا که پرونده تحقیق علیه مقامات شما را گشوده است، ارسال کنید. اگر کمترین [حقیقتی] در دعوی شما وجود دارد، تعلل نکنید. مفتخرم که دادگاه کشور من این صلاحیت را دارد که نسبت به جنایت و بیعدالتی و نقض قوانین بین‌المللی در هر کجا که عدالت حاکم نیست، عکس‌العمل نشان بدهد. ما از فشارهای رژیم ایران برای سرکوب اشرف به‌عنوان پیش شرط حمایت از شما در انتخابات مطلعیم. اما محترمانه به شما می‌گوییم از قیام مردم ایران به‌ویژه آنچه در ۷ دسامبر (۱۶ آذر)، اتفاق افتاد درس بگیرید. سرنوشت خودتان را به خامنه‌ای و احمدی‌نژاد که مردم در خیابان عکسهای آنها را به آتش می‌کشند، گره نزنید، این چیزی جز انزجار مردم ایران و عراق و جز بدنامی در سطح بین‌المللی در بر نخواهد داشت. ما امیدواریم شما به خاطر یک عراق دموکراتیک و مستقل و چه به خاطر مصالح خود و حزب منبوعتان و چه در احترام به تمایل اکثریت قاطع مردم عراق؛ اولاً به اجرای قطعنامه ۲۴ آوریل پارلمان اروپا در مورد ساکنان اشرف ملتزم شوید و از جابه‌جایی اجباری آنها خودداری کنید.

ثانیاً به محاصره ظالمانه آنان پایان دهید و حقوق آنان را به‌عنوان افراد حفاظت شده تحت کنوانسیون ژنو به رسمیت بشناسید.

رادیکالیزه شدن قیام پس از ۱۶ آذر

اگر دقت کرده باشید، قیام به‌جایی رسیده که مهمترین مسأله آن بیرون زده است. بعد از ۱۱۳ آبان گفته بودیم اعتلای قیام، اعتلا یعنی ارتقا و پیشروی. این بار گفتیم جهش و تعمیق، یعنی رادیکالیزاسیون، که بعداً البته همه گفتند.

اما این جهش بزرگ به‌سوی ارتش بزرگ آزادی مردم ایران است، تکرار می‌کنم که اگر کلمات حساب و کتاب دارند، بعد از ۶ ماه که از قیام می‌گذشت، من این کلمه را کاملاً حساب‌شده انتخاب کردم.

چون مهمترین موضوعی که سر باز کرد، ۱۱۳ آبان شروعش بود، ۱۶ آذر دیگر بیرون ریخت و فوران کرد. دیگر نه فقط ما، همه در دنیا گفتند. البته دانشجویان زنجیرها را گسستند. در روزهای قبلش می‌گفتند و پرهیز می‌دادند از ساختار شکنی! ساختار شکنی

نشود! نرسد به آنجایی که رسید. اما مردم به خصوص دانشجویها بیخیال! در ششمین ماه قیام، آن هم بعد از ۱۳ آبان، دیگر تصویرها را خودتان دیدید. انگار همان کارهایی که با زرهپوش در اشرف می‌کردند، در یزد داشت می‌کرد. تازه این در حالی بود که رژیم واقعاً خودش را خفه کرده بود که همه وسایل ارتباطی و مخابراتی را عکس و فیلم و تلفن و اینها را بسته بود و رسماً هم گفته بود. به عبارت دیگر آنچه را که ما دیدیم و شنیدیم همه واقعیت که نیست، بخشی از واقعیت است. در مورد قضایای اشرف هم، در مورد ۶ و ۷ مرداد هم، در مورد ۳۶ گروگانمان هم، آخر مگر ما چند عکس و فیلم و (تصاویر) داشتیم؟ هر چه که داشتیم غنیمت بود. اما این فقط قسمتی از ماجرا بود، هم‌ماش نبود. مثلاً در مقام مقایسه، اگر فرضاً یک دست را در نظر بگیریم، این یک بند انگشتش بود، حالا موضوع چیست؟

تحلیلگران مسأله‌شان این بود که مثلاً یک وقت چپ‌روی نشود که رژیم سرکوب کند، یک وقت این دانشجویان و خلق قهرمان تندروی نکنند! جمع کنید این بحثهای چپ‌روی و راست‌روی را سر قیام. این دام است، این موضوع انحرافی است. صورت مسأله در قیام که الان چپ‌روی و راست‌روی نیست.

این صورت مسأله مال کسی است که گمان می‌کند حالا مثلاً اگر چپ‌روی نکند، چه چیزهایی به دست می‌آورد! یعنی که گویا نگرانی از این است که نکند یک وقت چپ‌روی بکنند، یک وقت دانشجویها بیش از حد شلوغ کنند، یک وقت عکسهای ولی‌فقیه را آتش بزنند، یک وقت در دانشگاه را بکنند، ولی‌فقیه عصبانی می‌شود، سرکوب می‌کند و بعد ما به عقب می‌رویم!!

مگر صورت مسأله چپ‌روی دانشجویهاست؟! خامنه‌ای حتماً هرکاری می‌توانست می‌کرد. دیگر تیغش بیشتر از این نمی‌برد، اگر می‌توانست که این یکی و آن یکی را می‌گرفت، به ضررش است که نمی‌گیرد، نه این که لطف کرده، اگر به سودش بود که رگبار باز می‌کرد، به ضررش است، که نمی‌کند.

تهدید که چپ‌روی نیست، از قضا تهدید اگر می‌خواهید به این زبان بگویید راست‌روی است.

ما که نمی‌توانیم برویم روی کثافت و دنالت رژیم ماله بکشیم و بگوییم نه ما هم

ساختارشکنی نمی‌کنیم. چنین خبری نیست. اگر کانون استراتژیکی نبرد جلوتر از توده‌ها حرکت نکند، اگر پیشاهنگ انقلابی، پیشتاز انقلابی در کانون استراتژیکی نبرد، که قیمتش را هم داده، دستکم یک گام جلو نباشد، آخر پس چه راهنمایی و چه رهبری؟! خودمان می‌گوییم که فرصت‌طلبی خمینی در این بود که می‌ایستاد ببیند جو و فضا چیست، پشت آن حرکت می‌کرد. به چشم هم دیدیم؛ این خواهران و برادرانی که آن سالها را یادشان می‌آید، در شهریور ۵۷، بعد از این که رژیم شاه تجمع میدان ژاله (که بعداً میدان شهدا نام گرفت) را به گلوله بست، خمینی در زیج رفت و اصلاً در نیامد. اطرافیانش هم می‌گفتند که حال آقا بد است، ناراحت است. اما حال آقا بد نبود، آقا جا زده بود. به دلیل این که یک هفته بعد که اوضاع چرخید، مردم ریختند بیرون، دانشجویها ریختند بیرون، حتی نمایندگان مجلس رژیم، از آدمهای خود شاه، یک هفته اعلام اعتصاب کردند، بعد که آن فضای ترس و فضای رعب شکست، خمینی دوباره سر بلند کرد.

نمونه دیگر؛ سال ۵۶ دانشجویها و همین تعداد مجاهدین و نیروهای انقلابی دیگر، آنهایی که بودند، تظاهرات می‌کردند، بیرون می‌آمدند، اعلامیه می‌دادند، شینامه می‌دادند، ولی آخوندها تکان نمی‌خوردند.

خمینی دید خیلی دارد عقب می‌افتد، نهیب زد، در نامه‌اش خطاب به علما و فضایی حوزه علمیه گفت مگر شما ندیدید که شعرا شب شعر گذاشتند، کاری نشد، دانشجویها تظاهرات کردند کاری نشد، مردم تظاهرات کردند کاری نشد، پس نترسید، شما هم بیایید. با این استدلال وارد صحنه شد که کاری نمی‌شود. نه با استدلالی که شما می‌گویید «بیا بیا»، با استدلال برو، برو! با این استدلال که «کاری نمی‌شود» و «تجربه شد»...

چرا؟ چون هدف غصب رهبری و حاکمیت و سرقت حق ملت ایران بود. حالا قیام رسیده است به نقطه رادیکال شدن، شعارش می‌گوید: «مرگ بر اصل ولایت فقیه». شعار مرگ بر اصل ولایت فقیه مثل روز ۵ مهر که مجاهدین با آن شهناشان گفتند: «شاه سلطان ولایت»، «شاه سلطان خمینی، مرگت فرارسیده». در همین نشستها شاهد بودیم، یکی از برادران خودمان آمد شهادت داد. خودش در لوین شاهد

این اعدامها بوده، تا صبح روز بعد ۱۸۰۰ نفر شد، شاهد همینجاست، در سالن نشسته، بسیاری از شما هم شاهد بودید.

حالا این بخارات متراکم این اتبار باروت بهمحض این که این شکاف را پیدا کرده دارد بیرون می‌زند. خامنه‌ای که شلیک نمی‌کند، به‌خاطر من و شما نیست، به‌خاطر این است که به‌ضررش می‌شود، بدتر می‌شود، رادیکالتر می‌شود، عیناً مثل موضوع مالکی که خودتان می‌گفتید، آخر راه حل نظامی آمدن به اشرف را تجربه کرده، وقتی مجاهدینش قیمت را می‌دادند، وقتی «بیا بیا» شان جدی بود، خوب اگر می‌آمد، باز همان اوضاع را تکرار می‌کرد.

نتیجه: اصل موضوع رهبری قیام است و این که به کدام سمت می‌برد؟ در سال ۵۶ هم همین بود، در سال ۵۷ هم همین بود، وقتی رژیم می‌دارد واژگون می‌شود موضوع روی میز، آلترناتیو و رهبری است، خیلی هم جدی است، این است صورت مسأله قیام، نه چپ‌روی و راست‌روی!

مسأله اصلی، رهبری قیام

بنابراین، موضوع کاتونی که در قیام بیرون زده، موضوع رهبری است. حالا قیام که رسیده به این درجه از عمق، از رادیکالیزاسیون، از تعمیق، حرفش چیست؟ می‌گوید مرگ بر اصل ولایت فقیه، عکس خامنه‌ای را می‌گذارد وسط لگدمال می‌کند و آتش می‌زند. می‌گوید مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر خامنه‌ای. مثل زمان شاه دیگر دعوا با نخست وزیر و هویدا نیست.

چهل و دو سال پیش، در سال ۱۳۴۶، بعد از چند سال سکوت، اولین تظاهرات دانشجویی ما در همین دانشگاه تهران، در زمین بین دانشکده حقوق و دانشکده فنی بود. موضوع تظاهرات، ابتدا شهریه بود، صحنه‌اش را یادم هست. اعلام کرده بودند که شهریه دانشگاه را می‌خواهند افزایش بدهند.

شروع کار دانشجویی هم با یک خواسته صنفی بود. دانشجویها جمع شدند برای اعتراض در مورد شهریه، من هم رفتم توی صف تظاهرات، فردا صبح رفتیم جلو دایره دم درب دانشگاه، دیگر بحثمان شهریه نبود، شعار شد «من اگر بنشینم، تو اگر بنشینی...» پس

فردا هم شعار شد "آزادی" و علیه دیکتاتوری. یعنی مسأله اصلی رو آمد. سال ۵۶ هم هکذا... و حالا سال ۱۳۸۸ هستیم، موضوع رهبری قیام یعنی چه؟ یعنی به کدام سمت می‌خواهید ببرید؟ فرض کنید شما راننده یک ماشین هستید. آخر در کدام جاده می‌خواهید بروید، کدام مسیر؟ آدرس شما کجاست؟ سال ۵۷ - ۵۶ خمینی خیلی خوب آدرس می‌داد. چپ و راستش را با آمریکا از طریق ابراهیم یزدی تنظیم می‌کرد، با انقلابیون آن زمان طوری مرزبندی کرد که بگذارند روز روشن به راحتی به تهران پرواز کند و مبادا مانع بشوند...

نتیجه: موضوع جدی که سر برداشته موضوع رهبری است! به کدام سمت می‌خواهی ببری؟ می‌خواهی بگویی هدف این است که موسوی رئیس جمهور بشود؟! هدف این است؟! یا هدف جمع کردن این رژیم و سرنگونی است؟ (اگر هدف سهیم شدن باند مغلوب و ریاست جمهوری موسوی است، معلوم است که کار پیش نمی‌رود. اما اگر هدف سرنگونی است در این درجه از تعمیق به مجاهدین و ارتش آزادی راه می‌برد). ملاحظه می‌کنید که موضوع رهبری قیام شعله می‌کشد. توده مردم و آنهایی که در صف مقدم هستند، آن دانشجوها می‌گویند مرگ بر اصل ولایت فقیه. همیشه هم در ایران این طوری بوده، آن دیگران می‌گویند ساختارشکنی نکنید. ما چه گفتیم؟ گفتیم راه و مسیر، جمع کردن بساط این رژیم است، نه ساخت و پاخت با آن، نه کنار آمدن با آن، نه امتیاز گرفتن از آن. این است نقش کانون استراتژیکی نبرد، این است کانون الهام و امید و راه نشان دادن.

حالا در بحث خودمان. اگر چنین ارتقایی، چنین جهشی در قیام واقعی است... یک وقت می‌گوییم نه، چه جهشی؟ جهشی در کار نیست. این تظاهرات هم مثل همان تظاهرات مثلاً ۶ماه پیش است، مثل تظاهرات خردادماه است. این طوری که نیست، آنزمان چه کسی با خامنه‌ای کار داشت؟ چه کسی جرأت داشت عکس خمینی را آتش بزنند؟ چه کسی جرأت داشت این شعارها را بدهد؟ حالا به نقطه‌یی رسیده که حتی آخوند خاتمی می‌گوید هسته‌های عمل تشکیل شده است. بنابراین از این پس، رژیم یا باید امتیاز بدهد (انبساط)، که نمی‌دهد و یا باید به جانب انقباض برود. این یک امر واضح است و در مسأله اتمی هم همین طور بود...

نقش پیشتاز

این است نقش پیشتاز، این است نقش عنصر رهبری کننده که باید پک گام کیفی جلوتر باشد، نه عقب‌تر. حالا در قدمهای بعد خواهید دید که تضاد اصلی، تضاد شماره یک جنبش، تضاد رهبری است. (منظور از رهبری یعنی چه مسیری؟ چه هدفی؟ کجا می‌خواهی بری؟ می‌خواهی این رژیم را نگهداری و اصلاحش کنی؟ می‌خواهی رئیس‌جمهورش را عوض کنی؟ می‌خواهی از خامنه‌ای امتیاز بگیری؟ چه می‌خواهی؟ این صحنه‌ها و این دانشجویان و این مردمی که ما دیدیم، اینها چه می‌خواهند؟ آیا این رژیم را می‌خواهند؟ آیا بود این رژیم را می‌خواهند یا نبودش را؟ باقی ماندن رژیم را می‌خواهند یا سرنگون کردنش را؟).

پس صفحه مختصات قیام گام به گام عوض شده، از یک نقطه جهش آسایی عبور کرده، هر کسی باید تصمیمش را بگیرد.

این برادران و خواهرانی که از آن زمان ۳۰ سال پیش یادشان می‌آید. ما آنزمان در اوین بودیم، خیر از جای دیگر نداشتیم، بعد از ظهرها به تمام بند، یک روزنامه کیهان می‌دادند هر برگش به یک اتفاقی می‌رفت، بعد می‌چرخید. یک دفعه دیدیم، آقای دکتر سنجابی برای این که مرزبندی کند، در یک کنفرانس مطبوعاتی گفته که ما تروریستها را محکوم می‌کنیم. بعد فهمیدیم که از بازاریهای تهران گرفته تا همین آخوندهای امروز، همه بر سر او ریخته و اعتراض کرده اند و او عقب نشسته است.

یعنی موضوع روی میز، الان موضوع رهبری است. منظورم اسم و رسم و عنوان نیست. منظورم این است که به کدام راه می‌بری؟ به چه سمت هدایت می‌کنی؟ در مجموع که دو سمت بیشتر وجود ندارد. یا حفظ و اصلاح همین رژیم، مثلاً استحاله کردنش، یا خطی که شما طی سه دهه رفتناید.

سؤال: آیا شما وقتی این صحنه‌های دانشجویان را می‌دیدید، لحظه داشتید، یاد بچه‌های خودمان چه شهید چه زنده، یاد میلیشیای آن سالهای خودمان، چه شهید چه زنده، افتادید؟ بی‌جهت نیست که رژیم می‌گوید مجاهدین باید از عراق بروند. من که همه لحظاتم این بود، تصویرها را که می‌دیدم همش همین بود که این تصویر دارد حرف

می‌زنند چه حرفی؟! از جوانهایی که در را از جا می‌کنند، از شعارهایشان، این جسارت اشرف‌نشان بود یا نبود؟!

جمعیت: بله.

- آیا جدای از اسم و عنوان آیا به ثمر نشستن خط و خطوط خودتان را، به چشم دیدید یا ندیدید؟

جمعیت: بله.

- پس مسأله کانونی قیام که بیرون می‌زند و روی میز می‌آید، مسأله رهبری و سمتگیری است.

اعتراف به پیروزی آشکار، از موضع درماندگی و استیصال

کاظمی قمی، سفیر رژیم در عراق در گفتگو با شبکه خبر رژیم در ۲۹ آذر ۸۸ به شکست توطئه رژیم در جابه‌جایی اشرف اعتراف کرد:

گفتگوی کاظمی قمی - اخراج مجاهدین از عراق

تلویزیون شبکه خبر (رژیم) ۱۳۸۸/۹/۲۹ (۲۰ دسامبر ۲۰۰۹)

- «مجری: جناب آقای سفیر آخرین وضعیت گروهک تروریستی منافقین در عراق و اردوگاه اشرف در حال حاضر به چه صورتی است و تصمیم دولت عراق در این زمینه چیست ضمن این‌که ما یکی دو روز قبل هم خبرهایی را پخش کردیم از قول آقای نوری مالکی که گروهک منافقین در عراق دیگر جایگاهی ندارند و باید خارج بشوند از این کشور.

کاظمی قمی سفیر رژیم در عراق: باور دولت عراق و مردم عراق در خصوص وجود عناصر این گروهک تروریستی و خود گروهک تروریستی این هست که ادامه این حضور بر امنیت ملی عراق، امنیت داخلی عراق و مصالح ملی و عمومی عراق اثر منفی دارد، چرا که کارنامه سیاه این گروه در طول این ۶ سال عراق جدید، دخالتهایی که اینها در پرونده امنیتی داشتند و دخالتهایی که اینها در برخی از مقاطع به خصوص در مقاطع انتخاباتی از خودشان نشون دادند به گونایی هست که دولت عراق ادامه حضور اینها را مضر بر امنیت ملی خودش می‌داند اگر چه ذاکره و خاطره مردم عراق نسبت به همکار یهانی که این گروهک در دوره صدام علیه این ملت انجام دادند فراموش نخواهد کرد و ضمناً دولت عراق مصمم هست بر این‌که این گروه باید اخراج بشه به علاوه این‌که اینها در سرزمین عراق هستند و در حاکمیت دولت عراق و به‌طور طبیعی حق هر دولتی هست که بخواهد حاکمیت خودش را بر کل سرزمینش حاکم کنه این سیاست امروز از جانب دولت عراق دارد دنبال میشه. در گام اول برای اخراج، دولت مصمم هست به انتقال اینها

از مکان موجود به يك مکان ديگري كه بتواند در آن مکان فرآیند خارج سازي اينها را انجام بده دولت عراق تأکید دارد بر (نامفهوم) اخراج، بر این نظر هست كه باید رعایت مسائل انساني را داشته باشد به این معنا كه اينها به صورت داوطلبانه خارج بشوند اگر چه دولت عراق تلاش دارد به صورت مسالمت آمیز این كار را انجام بده اما آن چیزی كه امروز رهبران این گروه و هك نفاق دارند انجام می دهند يك مخالفت با این سياست دولت عراق هست به همین خاطر هم شما اگر ببینید در ۲-۳ ماه گذشته كه دولت عراق اقدام کرده وارد شدن به این پادگان آمدند و يك حرکت سبلي را انجام دادند و خشونت با پلیس عراق برخورد كردند كه برخی از مسائلي هم به وجود آمد باید به این نکته اضافه كرد متأسفانه به دليل سياستهای اتحاديه اروپا و فشارهایی كه امروز اتحاديه اروپا داره می آورد به عراق و تأکید می کند به این كه اينها باید در عراق بمانند كه این يك فشار سياسي هست كه دولت عراق هم چندین بار موضع مخالف خودش را اعلام کرده این كه اروپا مصره به این كه باید مسائل انساني رعایت بشه می تواند آنها ببرد در پیش خودش نگهداري بكد از این جهت دولت عراق به دنبال اخراج (نامفهوم) به نظر می آید كه جدي هستند همان طوري كه عرض كردم در گام اول این هست كه اينها را از این مكاني كه هست به مكان ديگري منتقل بكد. در ۲-۳ روز گذشته دولت عراق بر اساس زمانبندی كه اعلام کرده بود مجدد مراجعه كرد به این پادگان كه با مخالفت مسئولین این گروه و هك مواجه شد و به دنبال این آن چیزی كه ما اطلاع داریم دولت عراق دارد با كشورهای خارجي صحبت می کند كه به این شكلي كه اينها بخواهند اعضا یا عناصر را تحريك كنند كه در مقابل پلیس عراق بایستند این را قبول ندارد و بر این اساس دنبال يك كاري هست كه انجام بدهد برای اخراج اينها البته شما هم می دانید كه دولت عراق به دليل مسائلي كه الان دست به گریبان هست از جمله مسأله امنیت، مسأله انتخابات و مشكلاتي كه حقیقتاً داره و ما هم مطلع هستیم طبیعتاً نمی تواند آن چیزی كه خودش انتظار داره با آن سرعت و برنامه يی را كه می خواهد انجام بدهد اما بر انجام این مسأله حتمي هست و تأکید دارد يك نکته يی هم من اضافه كنم بر اساس آن چیزی كه امروز صلیب سرخ میگه و خانواده های این اعضا آمده اند و ارتباط گرفته اند بخش زيادي از این افراد نادم و فریب خورده كه الان اظهار ندامت می کنند اينها می خواهند از این پادگان خلاص بشوند اگر چه رهبران این گروه و هك تا الان مخالفت كردند اما این يك واقعي است كه بخش زيادي از این افراد پشیمان و فریب خورده می خواهند برگردند و جمهوري اسلامي ايران هم كه همواره اعلام کرده كه به رأفت اسلامي توجه دارد و این افراد می توانند به كشور باز گردند امیدوار هستیم كه شرایط به گونه يی بشود كه دولت عراق بتواند به آساني پروژه را به اتمام برساند».

به این می‌گویند اعتراف به فتح مبین، به این می‌گویند رسیدن بیا بیا از موضع در ماندگی و استیصال. بهتر از این و ذلیلانه‌تر از این نمی‌شد به شکست آنچه رژیم دیکته کرده بود، اذعان و اعتراف کرد. بهتر از این نمی‌شد گفت که اصل موضوع، انتخابات عراق است و صفیندی مردم و نیروهای ملی و آترناتیو عراقی در برابر آترناتیو «رژیمی» و در قبال خواب شومی که فائسیم دینی حاکم بر ایران، برای مردم عراق و برای تحمیل آترناتیو دست‌نشانده خودش به این کشور دیده است.

بهتر از این نمی‌شد در فرهنگ آخوندی و پاسداری و نیروی تروریستی قدس، به این اعتراف کرد که اسم واقعی آنچه که به ما می‌گفتند جابجایی، فرایند خارج‌سازی است. اصطلاح نازیستی است که می‌شنویم!

در ادامه، سرکرده نیروی تروریستی قدس در عراق و سفیر رژیم در عراق، همین پاسدار دژخیم، خوب توضیح می‌دهد که منظور از فرایند خارج‌سازی یعنی نادم‌سازی، خائن‌سازی و تسلیم به رأفت آخوندی!

مظاهر رأفت را در ۶ ماه گذشته در جریان قیام افراد رژیم حتی پاسدارهای رژیم که بچه‌هایشان را رژیم کشت، مهره‌های رژیم، سردمداران رژیم، هر کدام به‌ترتیبی فاش کردند و نیازی نیست که ما بیشتر توضیح بدهیم. رویش نمی‌شود که آن حرکت سلبی را در فقه‌اللغه آخوندی بیشتر از آنچه که گفت توضیح بدهد. بلکه می‌گوید که اینها یک حرکت سلبی کردند و برخی مسائل به‌وجود آمد. منظور لودر است و بولدوزر و عبور از روی مجاهدان بی‌دفاع و غیر مسلح، منظور عبور زرمپوش است از روی این بدن‌ها و منظور داس است و تیغ و تبر بر بدن‌های بی‌مهر.

کماکان خواب اخراج مجاهدین را می‌بیند و عمداً نادیده می‌گیرد که در خرداد سال گذشته - علاوه بر ۵/۲ میلیون نفر مردم عراق در سال قبلش - ۳ میلیون شیعیان عراق بودند که خواهان خلع پد از رژیم در عراق بودند و خواهان بستن سفارت خودش و اخراج همین پاسدار سردژخیم سرکرده نیروی تروریستی قدس شدند.

بهتر از این نمی‌شد حرف‌های لاریجانی را تأکید مؤکد کرد که منظور از فرایند خارج‌سازی عبارت است از نادم‌سازی و خائن‌سازی برای تسلیم و برخورداری از رأفت رژیم آخوندی، یعنی تبدیل شدن به‌بریده مزدوران حقیر، آن هم در بحبوحه

قیام مردم ایران و دانشجویانش علیه مردم و مقاومت ایران و به‌طور خاص علیه مجاهدین.

خوب، اینها که سرخ کردن صورت ملا و پاسدار با سیلی است. اصل موضوع این است که به‌خصوص در مقطع انتخابات، نفس حضور مجاهدین و اشرف، راه‌بندی است در برابر صدور ارتجاع و تروریسم و تحمیل آلترناتیو ملایان حاکم بر ایران، بهتر از این نمی‌شد به این اعتراف کرد.

چیزی که بهتر و زودتر از هرکس خود رژیم فهمیده است که مانع بلعیدن کشور همسایه - آن هم در همین ایامی که موضوع چاههای نفت بالا گرفته - و سد سدید و وزنه تعادل، و مشخص‌تر بگوییم، راه حل در کجا و در چیست.

بهتر از این نمی‌شد به این نوک پیکان و این کانون استراتژیکی، به ناگزیر اعتراف کرد.

فصل دوم

انقلاب اسلامی عراق و حزب الدعوة

نقش رژیم در دولت و مجلس عراق

سران رژیم آخوندی در این سالها بارها و بارها هرگونه مجامله و پرده تعارف را کنار می‌زدند و می‌گفتند که در این دولت عراق و حتی در مجلس آن چه نقشی دارند، از جمله:

-رفسنجانی ۶ اسفند ۸۵:

«همه رؤسای عراق دوستان ایران هستند». بعد هم مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق و حزب‌الدعوه را اسم برد و تصریح کرد: «اکثریت مجلس عراق همان کسانی هستند که ما می‌خواهیم و از این مجلس دولتی بیرون آمده که جزو دوستان ایران است... با اقدامات آمریکاییها مشکل حضور طالبان در افغانستان، رژیم صدام و تا حدودی منافقین برای ایران حل شده است».

تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی ۶ اسفند ۸۵

... رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام که در همایش روحانیون سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی در حسینیه جماران سخن می‌گفت، ... آمریکاییها به جلال طالبانی گفته بودند ایرانیها مزاحم می‌شوند و رئیس‌جمهور عراق به آنها گفته است، چه دلیلی دارد که ایرانیها دخالت کنند، همه روسای عراق دوستان ایران هستند و در

زمان در بهدري ما ايران به ما اعم از دو گروه کردها، حزب‌الدعوه و مجلس اعلاي انقلاب اسلامي عراق پناه داد...
وي تصريح کرد: اکثریت مجلس عراق همان کسانی هستند که ما می‌خواهیم و از این مجلس دولتي بیرون آمده که جزو دوستان ایران است.
وي با اشاره به این‌که دشمن عصبانی و زخمی را نمی‌توان نادیده گرفت، گفت:
با اقدامات امریکاییها مشکل حضور طالبان در افغانستان، رژیم صدام و تا حدودي

- وزیر کشور رژیم، دژخیم پورمحمدی، ۲۶ مرداد سال ۸۶، با صراحت به یک خبرگزاری رژیم گفت: در عراق، قانونش (قانون اساسیش)، مجلس آن و دولتش نزدیک به ما، هم‌پیمان با ما و همگرا با نظام اسلامی درست شده، عین حرف خودش را می‌خوانم: «وقتی امریکا میلیاردها دلار هزینه کند، هر روز کشته بدهد، حیثیتش لکه‌دار شود و همه چیز خود را در عراق از دست بدهد و آن وقت دولتی که در آنجا تشکیل می‌شود، همگرا با نظام اسلامی ما باشد، مجلسی که تشکیل می‌شود هم‌پیمان ما باشد و قانون آن نزدیک به قانون ما تدوین شود، مطمئناً امریکا ساکت نخواهد نشست».

خبرگزاری فارس ۸۶/۵/۲۶:

... به گزارش خبرگزاری فارس از زنجان، مصطفی پورمحمدی امروز در جمع مدیران استان زنجان اظهار داشت: ملت ما روی ارزشهای خود ایستادگی می‌کند...
پور محمدی افزود: ... وقتی امریکا میلیاردها دلار هزینه کند، هر روز کشته بدهد، حیثیتش لکه‌دار شود و همه چیز خود را در عراق از دست بدهد و آن وقت دولتی که در آنجا تشکیل می‌شود، همگرا با نظام اسلامی ما باشد، مجلسی که تشکیل می‌شود هم‌پیمان ما باشد و قانون آن نزدیک به قانون ما تدوین شود، مطمئناً امریکا ساکت نخواهد نشست...
پورمحمدی تصریح کرد: بدون شك موقعیتی که ما امروز در آن قرار گرفته‌ایم،

- پاسدار کاظمی قمی، سفیر رژیم در عراق در ۷ خرداد ۸۶، به خبرگزاری رسمی رژیم گفت: «بدون تردید حمایت گسترده و بیدریغ جمهوری اسلامی ایران از احزاب و گروههای مبارز عراقی اعم از شیعه و سنی و کرد موجب ادامه حیات سیاسی و استمرار مبارزه آنان گردید. ضمن این‌که به‌همین دلیل پس از سقوط صدام تشکیل شورای حکومتی از مهمترین دستاوردهایی بود که به‌شدت مورد حمایت جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت» (همان آرگانی که در ۹ دسامبر ۲۰۰۳ (۱۸ آذر ۱۳۸۲) حکم به اخراج

مجاهدین کرد).

«تشکیل این شورا از توصیه‌های آکید جمهوری اسلامی ایران به‌دوستان عراقی بود... با تشکیل شورای حکومتی، جمهوری اسلامی ایران بلافاصله هیأت بلندپایه‌یی را با هدف تأیید و حمایت از فرآیند سیاسی به عراق اعزام کرد و این اعزام در شرایطی صورت گرفت که مخالفت بسیاری از کشورها از فرآیند سیاسی و شورای حکومتی را به‌همراه داشت.»

این را درست می‌گویید. تمامی کشورهای عربی مخالف بلعیده شدن عراق به‌وسیله رژیم آخوندی بودند.

«خبرگزاری ایرنا ۸۶/۳/۱۷: حسن کاظمی قمی سفیر جمهوری اسلامی ایران در عراق که ریاست هیأت ایرانی در گفت‌وگو با طرف آمریکایی در خصوص مسائل عراق را بر عهده داشت، ابراز امیدواری کرد که این نشست به سیادت هرچه سریعتر ملت عراق و پایان دادن به ناآمنیها و سرعت یافتن بازسازی عراق منجر شود. متن کامل سخنان کاظمی قمی در نشست روز دوشنبه سفیران ایران و آمریکا در بغداد که در اختیار گروه سیاسی ایرنا قرار گرفت.

... جمهوری اسلامی ایران در پی درخواست مبارزان عراقی از مبارزات حق طلبانه ملت عراق علیه رژیم فاشیست ضد بشری صدام حمایت نمود.

بدون تردید حمایت گسترده و بی‌دریغ جمهوری اسلامی ایران از احزاب و گروههای مبارز کرد، سنی و شیعه عراقی موجب ادامه حیات سیاسی و استمرار مبارزه آنان علیه رژیم صدام گردید. ضمن این که رژیم صدام همواره تلاش می‌نمود تا ضمن سرکوب مبارزین عراقی از گروهک تروریستی شناخته شده منافقین علیه مردم عراق و جمهوری اسلامی ایران بهره‌برداری نماید.

... پس از سقوط صدام، تشکیل شورای حکومتی (مجلس حکم) از مهمترین دستاوردهایی بود که به شدت مورد حمایت جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت. تشکیل این شورا از توصیه‌های آکید جمهوری اسلامی ایران به دوستان عراقی بود.

به همین منظور جمهوری اسلامی ایران با اعزام هیأت و حضور در صلاح‌الدین ضمن کمک به شکل‌دهی اجلاس رهبران، نسبت به تشکیل مجلس حکم به گونه‌یی که همه رهبران مؤثر کرد، سنی و شیعه و حتی مسیحی را در برگرد کمک شایانی کرد.

با تشکیل شورای حکومتی، جمهوری اسلامی ایران بلافاصله هیأت بلند پایه‌یی را با هدف تأیید و حمایت از فرآیند سیاسی به عراق اعزام کرد و این اعزام در شرایطی صورت گرفت که مخالفت بسیاری از کشورها از فرآیند سیاسی و شورای حکومتی را به‌همراه داشت...»

لاریجانی که دبیر شورای عالی امنیت آخوندها بود، گفت: «ما در عراق از روند سیاسی حمایت می‌کنیم. همیشه هم به کسانی که فکر می‌کردیم دوستان ما هستند و حرف شنوی از ما دارند، آنها را تشویق کردیم. مثل مجلس اعلا، حزب‌الدعوه، حزب‌الدعوه هر دو گروه، گروه‌های مختلف مستقل...» می‌گوید همه اینها از دوستان ما هستند و از ما حرف شنوی دارند.

تلویزیون شبکه خبر (رژیم) ۸۶/۲۱: «... تنها ایران بود از این روند حمایت کرده، این یک، نکته دوم اینه که وقتی که قانون اساسی اونجا می‌خواست تصویب بشه ما تنها کشوری بودیم که از فراندوم و قانون اساسی در عراق حمایت کردیم. ایران تنها کشور منطقه بود که از انتخابات مجلس ملی در عراق حمایت کرد و از دولت ملی در عراق ما بودیم که حمایت کردیم...»
ما از روند سیاسی حمایت می‌کنیم همیشه هم به کسانی که فکر می‌کردیم دوستان ما هستند حرف شنوی از ما دارند اونها رو تشویق کردیم مثلاً مجلس اعلا، حزب‌الدعوه، حزب‌الدعوه هر دو گروه، گروه‌های مختلف مستقل، همه اینهایی که از دوستان ما هستند...»

پس این که نیروهای ملی عراق می‌گویند دیکته رژیم است، این که هزاران پارلمانتر در اروپا و آمریکا می‌گویند اخراج مجاهدین و جابه‌جایی که امروز فهمیدیم اسم آن فرآیند خارج‌سازی است، اینها دیکته رژیم است، حرف صریح سران همین رژیم است.

انعکاس نقش رژیم

یکی از مسئولان اطلاعاتی آمریکا به نام «رابرت بایر» که در خاورمیانه مأموریت داشته و چند کتاب هم نوشته به‌عنوان اطلاعات و نه از موضع تحلیل به‌مجله تایم گفت، نیروی قدس از دست‌نشاندهانش در عراق دیسپلین بالایی را طلب می‌کند تا ردی از خودشان باقی نگذارند.

«من چشمه‌یی از این نحوه کار را وقتی گرفتم که در سالهای ۱۹۹۰ در شمال عراق بودم، رهبران شیعی عراق زیر دست ایران هستند و تنها زمانی با من ملاقات می‌کردند که حافظان و بیاهای ایرانی در کنارشان حضور داشتند من این برداشت را داشتم که هر کلمه‌یی که از دهانشان بیرون می‌آید، آن را قبلاً تهران تأیید کرده بود.»
در همین مقاله آمده است: «تردیدی نیست که ایرانیها در بیشتر جاهای عراق دست باز دارند و تسلیحات و مهمات به شبه نظامیان شیعی می‌رسانند.»



Tuesday, Feb. 13, 2007

Where's the Smoking Gun on Iran?

By Robert Ruse

As the Bush Administration inches closer to confronting Iran, don't expect it to produce a bona fide smoking gun. Despite the claims made at the highly secretive military briefing in Baghdad over the weekend, intelligence conclusively implicating Iran in attacks on American forces isn't there — and never will be.

There's little doubt that the Iranians have free run of much of Iraq; are supplying arms and ammunition to Shi'a militias; and are committed to seeing the United States fail in that country. Iran already essentially owns Basra as well as several other large Shi'a towns in the south. And, unlike our own, Iranian interests in Iraq are unambiguous. In 2004, when I was in Qum, an influential Iranian cleric, Ayatollah Sanaei, told me with chilling clarity: Should the situation in Iraq deteriorate to the point that the Shi'a are seriously threatened, Iran will have no choice but to step in militarily. Even, he made clear, at the risk of American retaliation.

But that does not answer this question: Are the Iranians themselves pulling the trigger, killing our troops, or are they ordering their Iraqi surrogates to do so? There are a couple of good reasons the Administration can't tell us. For one, the group the Administration named Sunday as providing weapons to the insurgents — the Islamic Revolutionary Guard Corps's Quds force — is virtually impenetrable. Secretive and disciplined, the Quds force is more a cult than anything else. Its members are all believers, meticulously selected, vetted and controlled. Another reason we'll probably never catch the Quds force red handed is that it communicates sensitive information by courier. No blogs or calling home to Iraq to mom about everything they're doing in Iraq for Allah and Iran.

The Quds force maintains the same discipline when comes to handling its Iraqi surrogates. It demands and gets plausible deniability. I got a glimpse of that when I was in northern Iraq in the 1990s. Iraqi Shi'a leaders under Iran's thumb would only meet me with their official Iranian minders standing by. I had the impression every word that came out of their mouths was pre-approved by Tehran.

This leaves the Administration in a quandary, especially trying to sell a confrontation with Iran to a suspicious Democratic Congress and an American public that now knows it was duped by bogus intelligence to justify the Iraq invasion.

If indeed a confrontation is in the cards, I don't see that the Administration has a choice other than to provoke an incident — force the Iranians to fire back in the clear light of day, letting the United States invoke self defense, U.N. Article 51. Options might include arresting or assassinating the Mahdi Army leader Moqtada Al-Sadr, chasing Iranians in hot pursuit across their border, or, more bluntly, bombing a Quds Force base in Iran in the name of force protection.

In any event, don't expect Condoleezza Rice to appear in front of the U.N. with a stack of grainy satellite photographs and sketchy telephone intercepts. She's going to need something a lot more convincing, and it's doubtful she'll ever get it.

مجله تایم، ۱۳ فوریه ۲۰۰۷: «تردیدی نیست که ایرانیها در بیشتر جاهای عراق دست باز دارند و تسلیحات و مهمات به شبه نظامیان شیعی می‌رسانند»

-ژنرال اودیرونو هم که فرمانده نیروهای چند ملیتی در عراق است، در مرداد ۱۳۸۶ (۸ اوت ۲۰۰۷) به تلویزیون سی.بی.اس صریحاً گفت ۷۳ درصد تلفات نیروهای آمریکایی در عراق به خاطر بمبگذاری و تهاجمات شبه نظامیان تحت حمایت رژیم ایران است.

- روزنامه نیویورک تایمز ۱۳ فوریه ۲۰۰۷:

این روزنامه روی نقش رژیم در انفجار سامرا و حرم امام دهم و یازدهم انگشت گذاشته و می‌گوید: «بسیاری از شهروندان سامرا به این باور رسیده‌اند که مأموران رژیم ایران مقصر انفجار حرم سامرا بوده‌اند و بر این نکته انگشت می‌گذارند که مهاجمین، یونیفرمهای کوماندو به تن داشتند. آنچه روشن است، این که این حمله به دقت طراحی و محاسبه شده بود. یک سرایدار این حرم به شرط ناشناس ماندن از ترس این که به خاطر صحبت با آمریکاییان جان خود را از دست بدهد، صحنه روز حمله را شرح می‌دهد. چارچوب کلی حرفهای وی توسط مقامات آمریکایی و عراقی (در این رابطه) مورد تأیید قرار گرفت.»

در همین رابطه آقای طارق هاشمی، معاون رئیس‌جمهور عراق در ۱۷ مرداد ۸۶ «خواستار انحلال بلادرنگ وزارت امنیت عراق شد» و با صراحت گفت: «این وزارتخانه برای عراقیها تنگ محسوب می‌شود.»

پس پارلمان اروپا یا کمیته ایران آزاد در پارلمان بریتانیا و ۱۶ کشور دیگر که می‌گویند این کلمات، فرهنگ و تک به تک دیکته رژیم تهران است، درست می‌گویند.

"All the News That's Fit to Print"

The New York Times

WEDNESDAY, FEBRUARY 13, 2008 \$5.00 PER COPY (including delivery charge) PUBLISHED DAILY EXCEPT ON SUNDAYS AND HOLIDAYS



Workers inspect the rubble of a destroyed building in Samarra, Iraq, on Feb. 13, 2008.

One Year Later, Golden Mosque Is Still in Ruins

Deep Ties in Sacred City With a Shite Shrine

By MICHAEL LEVITSKY
Samarra, Iraq, Feb. 13 — It has been a year since the Golden Mosque of Samarra was destroyed by a suicide bomber's attack. The rubble remains a stark reminder of the violence that has engulfed Iraq since the American-led coalition forces invaded the country in 2003.

TV SHOT, A DEAL IS BEING WEIGHED BY NORTH KOREA

U.S. TROOPS MOURNING

Trading Arms for Prisoners? The Deal Is Being Weighed by North Korea

WASHINGTON, Feb. 13 — North Korea's television news program on Tuesday showed a man in a military uniform, identified as a U.S. soldier, being taken away by North Korean soldiers. The broadcast was seen by U.S. officials and analysts, who are trying to determine the circumstances of the incident.

States and U.S. At Odds on Aid For Uninsured

By MICHAEL LEVITSKY
WASHINGTON, Feb. 13 — The federal government is trying to get states to agree to a plan to help the uninsured, but it is running into resistance. The plan would require states to contribute to a fund that would cover the cost of health care for people who do not have insurance.

Weeks After a Death, Twists in Some 9/11 Details

By MICHAEL LEVITSKY
WASHINGTON, Feb. 13 — The Justice Department is reviewing details of the September 11 attacks, and some of the information is being questioned. The department is looking at the role of the FAA and the military in the attacks.

By Justice Official, Inmate Killed in Ground Zero

By MICHAEL LEVITSKY
WASHINGTON, Feb. 13 — A Justice Department official says that an inmate was killed in the rubble of the World Trade Center towers on Sept. 11, 2001. The inmate was identified as a man who was in the towers at the time of the attacks.

WASHINGTON, Feb. 13 — The Justice Department is reviewing details of the September 11 attacks, and some of the information is being questioned. The department is looking at the role of the FAA and the military in the attacks.

A Year Later, the Golden Mosque of Samarra Is Still in Ruins as Mistrust Prevents Repairs

By MICHAEL LEVITSKY
Samarra, Iraq, Feb. 13 — The Golden Mosque of Samarra, a major Shiite shrine, remains in ruins a year after it was destroyed by a suicide bomber's attack. The mosque is one of the most important religious sites in Iraq, and its destruction was a major blow to the Shiite community.



The mosque of the Golden Mosque in Samarra, Iraq, is still in ruins a year after it was destroyed by a suicide bomber's attack.

WASHINGTON, Feb. 13 — The Golden Mosque of Samarra, a major Shiite shrine, remains in ruins a year after it was destroyed by a suicide bomber's attack. The mosque is one of the most important religious sites in Iraq, and its destruction was a major blow to the Shiite community.

WASHINGTON, Feb. 13 — The Golden Mosque of Samarra, a major Shiite shrine, remains in ruins a year after it was destroyed by a suicide bomber's attack. The mosque is one of the most important religious sites in Iraq, and its destruction was a major blow to the Shiite community.

WASHINGTON, Feb. 13 — The Golden Mosque of Samarra, a major Shiite shrine, remains in ruins a year after it was destroyed by a suicide bomber's attack. The mosque is one of the most important religious sites in Iraq, and its destruction was a major blow to the Shiite community.

WASHINGTON, Feb. 13 — The Golden Mosque of Samarra, a major Shiite shrine, remains in ruins a year after it was destroyed by a suicide bomber's attack. The mosque is one of the most important religious sites in Iraq, and its destruction was a major blow to the Shiite community.

نقش رژیم در انفجار سامرا و حرم امام دهم و یازدهم - روزنامه نیویورک تایمز ۱۳ فوریه ۲۰۰۷



از بطن جمهوری اسلامی متولد شد

معاون وزیر فرهنگ همین دولت مالکی (جابرالجابری) در ۱۹مهر ۲۰۰۷ در شبکه عرب زبان رژیم آخوندی - العالم - با صراحت گفت: «مجلس اعلا از بطن جمهوری اسلامی ایران متولد شد، در سرزمین جمهوری اسلامی رشد و نمو یافت، در آنجا کارهایش را به پیش برد و فعالیت کرد. مجلس اعلا تحت زعامت و ولایت و امامت و مرجعیت خمینی قرار داشت.»

خامنهای هم که آن موقع رئیس جمهور خمینی بود، گفت: من خودم مأموریت داشتیم اساسنامه اینها را بنویسم.

پس حالا دیگر هیچ چیزی از انظار جهانیان درباره حقانیت مواضع مجاهدین و مقاومت ایران پنهان نمانده است. یعنی حرفی نیست که مثلاً ابوزیسیون یک رژیم ادعا کرده باشد. حرف، حرف سران و سرکردگان رژیم آخوندی است.

اعتراف سردمداران ریز و درشت رژیم

سریاسدار رحیم صفوی - در موضع فرمانده سپاه - در ۸مهر ۸۶ با صراحت گفت که چگونه سپاه ۹ بدر پاسداران انقلاب اسلامی ایران را تشکیل داده‌اند، او گفت: «ما حتی از نیروهای عراقی که به ایران آمده بودند سپاه بدر درست کردیم، از کسانی که اسیر شده بودند، تیپ احرار درست کردیم. کدام کشور است که افسران عالی‌رتبه عراق را علیه خود به کار بگیرد؟»، از این صریح‌تر نمی‌شد گفت.

روزنامه کیهان ۸/۰۷/۸۶:

... گفتگو با سید یحیی رحیم صفوی یکی از جالب‌ترین تجربه‌هایی است که هر خبرنگار حوزه دفاعی می‌تواند داشته باشد...

«ما حتی از نیروهای عراقی که به ایران آمده بودند سپاه بدر، از کسانی که اسیر شده بودند، تیپ احرار درست کردیم. کدام کشور است که افسران عالی‌رتبه عراق را علیه خود

- رحیم صفوی در ارگان رسمی سپاه پاسداران موسوم به صبح صادق در شماره ۲۸۷ روز ۲ بهمن ۱۳۸۵ می‌گوید: «رسالت دقایقی - پاسدار دقایقی - بنیانگذاری و تشکیل بدر که بعداً به لشکر بدر تبدیل شد، بود». و بعد به نقل از سرکرده قبلی سپاه پاسداران، پاسدار محسن رضایی نوشت: «دقایقی ابتدا گردانهای شهید صدر و سپس تیپ بدر را تشکیل داد و روز نهم ماه مبارک رمضان پیشنهاد کرد نام تیپ ۹ بدر باشد».

- در سوم مرداد ۸۸ هم، پاسدار حسین علایی از سرکردگان سابق سپاه نوشت: «من رفیق شهید دقایقی هستم... او از اسرای بعثی عراقی و از فرماندهان جنایتکار آنها و نیز از فراریان از رژیم بعثی، مجاهدانی را ساخت که لشکر بدر را به وجود آوردند...»



- خبرگزاری فارس، ۱۵ مهر ۸۸

در مورد پاسدار محمدرضا نقدی (دژخیم شناخته شده‌یی که در موردش روشنگریهای بسیاری انجام شده است) که بعد از پاسدار دقایقی فرماندهی سپاه ۹ بدر را به عهده گرفت، می‌گوید: «به دنبال عملیات کربلای ۵ و شهادت شهید اسماعیل دقایقی، فرمانده لشکر بدر، در اسفند ۱۳۶۵ به فرماندهی آن لشکر منصوب شد و ضمن انجام عملیات متعدد... بخشی از این لشکر را، با توسعه کمی و کیفی، به تراز سپاه ارتقا داده شده

بود، برای انجام جنگهای پارتیزانی به ارتفاعات قره‌داغ در منطقه کرکوک عراق برد و عملیات مکرر پرافتخاری را در جبهه‌های داخل عراق... هدایت کرد. نقدی در نبردهای ارتفاعات شاخ شمیران در ماههای آخر جنگ بر اثر اصابت تیر دشمن مجروح شد و به افتخار جانبازی نائل گردید. یکسال پس از پایان جنگ، فرماندهی سپاه بدر را به‌سردار مرتضی قربانی واگذار کرد...»

رابطه مستمر جریان مالکی با نیروی تروریستی قدس و نعل وارونه زدن

با این تصریحات سران و سرکردگان رژیم از خامنه‌ای تا لاریجانی تا رحیم صفوی... سؤال من از آقای مالکی این است که چه کسی جزئی و بخشی از دستگاه امنیتی بود که شما می‌فرمایید؟ آیا مجاهدین بودند که به‌گفته شما در روز بعد از ۱۵ دسامبر، در رژیم سابق عراق بخشی از دستگاه امنیتی این کشور بودند یا آنهایی که به‌قول آن افسر آمریکایی کلمه‌به‌کلمه‌شان را رژیم و نیروی تروریستی قدس در دهانشان می‌گذارد؟! چه کسی؟!

خوب، در خوشبینانه‌ترین حالت، می‌توان گفت که شما قیاس به‌منفس کرده‌اید، اما طبق تجارب ما، واقعیت چیز دیگری است. واقعیت نعل وارونه زدن است، همچنان که رژیم سالهای سال می‌گفت که تسلیحات کشتار جمعی عراق چنین و چنان است و به‌خصوص، داخل فرارگاههای مجاهدین است از جمله در همین فرارگاه اشرف!



روزنامه اتاوا سبتی زن - ۱۷ نوامبر ۲۰۰۱

اتاوا سیتی زن - ۱۷ نوامبر ۲۰۰۱ (۲۶ ابان ۱۳۸۰) جنگ با تروریسم راز مرگبار صدام

نویسنده و گزارشگر: بیرون ساندز

متحدین جنگ خلیج اردوگاههای شورشیان طرفدار دموکراسی مستقر در عراق را نانیده گرفتند. يك مخالف (بریده مزدور) می‌گوید حالا آنها زرادخانه سلاحهای شیمیایی، بیولوژیکی و هسته‌ای صدام را مخفی می‌کنند... در غارهای عمیق در زیر بیابان عراق، يك گروه تروریست ایرانی که از حمایت قوی سیاسی در آمریکای شمالی بهره می‌برد، مخفیانه زرادخانه سلاحهای شیمیایی، بیولوژیکی، و هسته‌ای صدام حسین را جا نده است...

آقای رضوانی تابستان گذشته به سیتی‌زن نوشته و نقشه‌های کشیده شده توسط دست از محل‌های فوق‌العاده محرمانه زرادخانه سلاحهای کشتار جمعی صدام ارائه داد.

مجاهدین، از صدام طرفداری می‌کردند و از آن زمان به بعد کمک بزرگی به صدام در مخفی کردن سلاحها و موشکهای هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیکی بوده‌اند. مجاهدین تقریباً در چندین نوبت هلیکوپترهای سازمان ملل را سرنگون کردند.

به گفته آقای رضوانی، صدام سلاحهایش را با کامیون‌هایی به حداقل پنج پایگاه مجاهدین در عراق در ماههای قبل از جنگ خلیج ۱۹۹۱ منتقل کرد. او گفت تحت نظارت ارتشهای عراق و مجاهدین، موشکها، بمبها، پودرهای شیمیایی، سموم و مواد مربوطه در غارهای زیرزمینی که در زیر پایگاههای مجاهدین ساخته شده نگهداری شدند. به‌طور نمونه، يك عبور یا بیش از ۳۰ پله منتهی به عمق بیابان از نواحی انبار گسترده سلاح می‌شود که با دربهای کشویی مهر و موم شده‌اند. آقای رضوانی گفت دربها با کنترل الکترونیکی باز می‌شوند که تنها برای دستیاران عالی‌رتبه نظامی شناخته شده است. او پیشنهاد کرد: من آماده‌ام به عراق بروم و سازمان ملل را همراهی کنم و مخفیگاههای سلاح را از فاصله نزدیک به آنها نشان دهم. او گفت: در طول جنگ خلیج فارس، آنها موشکها، بخشهای مخایرات و شیمیایی و اتمی کار خاتجات حساس ارتش عراق را منتقل کردند.

ولی يك ویدئو که اخیراً از عراق بیرون آمده و به سیتی‌زن داده شده رهبر مجاهدین خلق مسعود رجوی را در يك جلسه خصوصی با صدام حسین نشان می‌دهد. يك بخش

دیگر ویدئو يك فر مانده مجاهدین را نشان می‌دهد که محتوای کامیونی از مواد تأمین شده توسط يك مقام عراقی به پایگاهی در نزدیکی بغداد را بازرسی می‌کند. به گفته سربازی که مخفیانه این تبادل را با يك دوربین مینی چسبیده به پوتینش فیلمبرداری کرده، این يك محموله از سلاحهای شیمیایی بوده است. در يك نقطه فر مانده مجاهدین يك ظرف بزرگ شیمیایی را در دست می‌گیرد و ظروف کوچکتر را بازرسی می‌کند.

آقای رضوانی نیز با میزان ذخیره سلاحهای کشتار جمعی صدام حسین متعجب شد. او گفت شخصاً انتقال مواد شیمیایی و هسته‌ای از کارخانه در نزدیکی شهرهای سامره و تکریت به پایگاه اشرف در نزدیکی شهر یعقوبه در منطقه العظیم و نیز انتقال ۱۷۰۰۰ اسلحه شیمیایی و هسته‌ای از تیپ ۷ ارتش عراق به پایگاه اشرف را مشاهده کرده است. او همچنین انتقال مواد شیمیایی در ظرفهای مخصوص با گنجایش شاید بیش از ۱۰۰ لیتر یا کیلوگرم و نیز ظرفهای ۲۰۰ لیتری از نزدیکهای بغداد به پایگاه شخصی آقای مسعود رجوی در ابو غریب و پایگاه محافظت شده در منطقه حامد الحسین که در شمال غربی بغداد قرار دارد، را دیده است.

انتقال تسلیحات و مواد شیمیایی در منطقه جنوبی عراق به ارتش مجاهدین رجوی در نزدیکی شهر الکوت و نیز مخفی کردن ماهرانه موشکهای پیشرفته و سلاحهای شیمیایی و هسته‌ای در ۷۰ خودرو ارتش مجاهدین وجود داشته است؛ هر کدام از آنها در يك منطقه دور افتاده در چوب مخفی شده و شب بعد به واحد دیگری منتقل می‌شدند. البته، آنها مورد حفاظت ارتش مجاهدین در نزدیکی پایگاه اشرف بودند. در دفترش در پاریس، آقای فرزین هاشمی در رد ادعاهای آقای رضوانی صریح و سریع بود.

آقای هاشمی قبل از این‌که حتی ادعاهای آقای رضوانی را بشنود، گفت: علی رضوانی يك عضو وزارت اطلاعات ایران است. من فکر می‌کنم او این دروغها را ارائه داده است.

اما الهه هیکس به داستانهایی کزخ کننده رضوانی باور دارد. خاتم هیکس، يك محقق با سابقه برای شعبه خاورمیانه و آفریقایی شمالی دیدهبان حقوق بشر، که يك سازمان ناظر بین‌المللی محترم مستقر در نیویورک است، با آقای رضوانی و دیگر رزمنده‌های از خواب بازگشته مجاهدین در يك هتل در کولوگن آلمان در سال ۱۹۹۷ ملاقات داشته است. خاتم هیکس که در ایران متولد شده گفت که آقای رضوانی مدت کوتاهی پس از

بازده سال پیش در دیماه ۷۷، دولت حاجی خاتمی و سخنگوی رسمیش این حرف را می‌زدند، که همان موقع مقاومت ایران و مجاهدین جوابشان را دادند و دعوت کردند که خوب، تشریف بیاورید این تسلیحاتی را که آدرس می‌دهید، با حضور خبرنگاران و با حضور ناظران ملل متحد، نشان بدهید؛ در هرساعت شبانه روز و در هرزمانی که می‌خواهید. چرا نمی‌آید؟

اما بحث این نبود، رژیم خودش در پی پنهان کردن تأسیسات اتمیش بود (همان تأسیسات اتمی که توسط مجاهدین افشا شد). و این چنین نعل وارونه می‌زد. پس فکر می‌کنم که خوشبینی را - که این فقط قیاس به‌منفس است - باید کنار گذاشت. به دلیل انبوه مدارک و اسناد، واقعیتی می‌گوید که این نعل وارونه زدن است.

اکاذیب مضحک مهاجرانی در مورد پنهان کردن سلاحهای کشتار جمعی عراق در مراکز مجاهدین زمینه‌سازی برای تهاجمات هوایی و موشکی به قرارگاههای ارتش آزادیبخش

مهاجرانی، وزیر ارشاد دیکتاتوری مذهبی و تروریستی حاکم بر ایران، در مصاحبه‌ی که ۳۰ آذر از تلویزیون حکومتی پخش شد، مدعی گردید «یکی از جدی‌ترین احتمالات این هست که مراکزی که در اختیار منافقین هست در عراق، از جمله مراکزی است که سلاحهای کشتار جمعی را حکومت عراق در آنجا پنهان کرده» است. یک سخنگوی مجاهدین این دعوی مضحک را، که ساخته و پرداخته وزارت اطلاعات رژیم اخوندی است تکذیب کرد و گفت: این رژیم با سوءاستفاده از شرایط کنونی عراق با این دروغ‌نازیها، همزمان عراق و مقاومت ایران را هدف قرار می‌دهد. وی هشدار داد: رژیم با طرح این اکاذیب آن‌هم از زبان یک مقام رسمی، برای تهاجمات هوایی و موشکی به قرارگاههای ارتش آزادیبخش ملی ایران در خاک عراق زمینه‌چینی می‌کند. در گذشته نیز استبداد مذهبی حاکم بر ایران با استفاده از موقعیتهای مشابه، بارها قرارگاههای ارتش آزادیبخش را با جنگنده بمب‌افکنها، موشکهای اسکادB، توپهای غول پیکر ۳۲۰ میلیمتری و انواع خمپاره‌ها هدف قرار داده است. قبل از سخنان مهاجرانی نیز خبرگزاری و مطبوعات رژیم در روزهای ۶ و ۷ دسامبر با سروصدای زیاد اعلام کردند که بازرسان انسکام در یک سایت مجاهدین دستگاههایی پیدا کرده‌اند که در جنگ میکروبی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. یک روزنامه فارسی زبان طرفدار رژیم در لس آنجلس بنام صبح ایران روز ۲۸ آذر مدعی شد یک قرارگاه مجاهدین

که «بمبهای شیمیایی عراق در آنجا پنهان است... روز گذشته

بمباران شد... در طول بلزرسبهای نمایندگان سازمان ملل متحد از بغداد»، «عراقیها بمبهای شیمیایی را سوار کامیونها می‌کردند و آنها را بین پادگانهای مجاهدین در رفت‌وآمد نگه می‌داشتند».

سخنگوی مجاهدین تأکید کرد علاوه بر زمین‌چینی حملات نظامی و تروریستی، رژیم با این دروغ‌ها و بیخ سیاسی و تبلیغاتی علیه مجاهدین همچنین می‌خواهد بر تلاشهای خود برای دستیابی به سلاحهای کشتار جمعی سرپوش بگذارد. نیویورک تایمز ۸ دسامبر فاش ساخت که رژیم آخوندی «در حال استخدام دانشمندان روسی است که در زمینه جنگهای میکروبی تخصص دارند و احتمالاً در حال ساختن زرادخانه تسلیحاتی بیولوژیکی می‌باشند».

رژیم آخوندی قبلاً هم در موارد متعدد از جمله در نوامبر ۹۲، سپتامبر ۹۴ و فوریه ۹۸ دروغهای مشابهی را منتشر کرده بود. سازمان مجاهدین در همان زمان از مقامات مسئول ملل متحد خواست «از ملایان حاکم بر تهران بخواهند دعای سرایا کتب خود را به هر

حضور مجاهدین در عراق به عنوان یک مقاومت مشروع

سابقه مجاهدین بسا بسا از این چیزها روشنتر است؛ از روز اول دیدار صلح در بغداد در ۲۵ خرداد ۱۳۶۵ که اطلاعیه آن در همان زمان منتشر شد و همه هم از آن خبر دارند. بعد از آمدن ما به عراق و دیدار من با رئیس‌جمهور این کشور، همان‌زمان در اطلاعیه‌یی به‌طور صریح گفتم: تا وقتی شما در خاک ما - در خاک ایران - بودید، ما با شما می‌جنگیدیم.

اما از وقتی که آمادگیتان را برای صلح اعلام کردید، از وقتی که از خاک ما خارج شدید، از وقتی که قطعنامه‌های شورای امنیت را پذیرفتند، از وقتی که کتباً و رسماً به‌طرح صلح شورای ملی مقاومت ایران به‌عنوان مبنای مذاکرات صلح پاسخ مثبت دادید. بسیار خوب، ما هم در صلح هستیم و مقاومت ایران جنبش جهانی صلح را هدایت کرد.

الترد الرسمي للجناب العراقي

مرح السيد لطيف سيف جاسم وزير الثقافة والاقدام لوكالة الامم المتحدة العراقية . تعاليمها " من البيان الصادر عن المجلس الوطني للثاوية فسي
أيران بتاريخ ١٣ آذار ١٩٨٣ يهائي .
أن البيان المذكور يتسجم بصورة خاصة مع الروح التي صادت الصادق
التي جسدتها في فرنسا بين السيد طارق حيز نائب رئيس الوزراء والسيد
مسعود رجوى سؤوق المجلس الوطني للثاوية في أيران بتاريخ ١٦/٨٢
والتي أكد فيها الطرفان رغبة الشعبين العراقي والايراني في العيش بسلام .
وأقامة علاقات حسن الجوار . وعدم التدخل في الشؤون الداخلية لكلا
أحدهما خلافاً بأن النظام الحالي في أيران بأصراره على العدوان والتوسع
والتدخل في الشؤون الداخلية هو التمسب والمناقل الأساس أمام بلوغ
الشعبين العراقي والايراني هدفهما العتود في السلام .
وفي هذا الأساس ألتأ بحس المبادرة السلمية التي عرضها بيان المجلس
الوطني للثاوية في أيران وولاك حرم العراق من قضية السلام واستمسده
الاقام للتعاون مع المجلس الوطني للثاوية في أيران ومع كل من يرغب من
الايرانيين في إقامة السلام مع العراق . وبما العلاقات بين البلدين
الجارين على أسس وثيقة ."

(١ - ٢)

زادت الطبيعة
مثلت الطبيعة
لأن عليها من
مشتركة .
العلاقة فسي
أيران . ومع أن جهة
أيران هي
لضرورة وأن القوة
للقا بين البلدين
هذه للبلدين .
ربط المحيطة

پاسخ رسمی دولت عراق به طرح صلح شورای ملی مقاومت

١٣ مارس ١٩٨٣ (٢٢ اسفند ١٣٦١)

شماره ۱۳۳

یا مقلب القلوب والابصار
یا مدبر اللیل والنهار
یا محول الحول والاحوال
حول حالنا الی احسن الحال



شماره ۱۳۳ - شماره ۱۳۳ - شماره ۱۳۳ - شماره ۱۳۳

طرح صلح شورای ملی مقاومت*

• اعلان فوری آتش بس • تشکیل کمیسیون نظارت • عقب نشینی نیروها تا پشت سرزهای زمینی ورودخانه ای قرارداد ۱۹۷۵ (الجزایر) • مبادله کلیه اسرا • تعیین خسارت های جنگی و نحوه تادیه حقوق ایران در دیوان بین المللی لاهه • بازگشت پناهندگان و آوارگان • تنظیم قرارداد قطعی صلح

اطلاعیه مسئول شورا

هموطنان عزیز!
پشتیبانان شورای ملی مقاومت برای استقلال و آزادی جمهوری دیمکراتیک اسلامی ایران! در آستانه ای سالگرد ملی شدن صنعت نفت برهبری پیشوای فقید نهضت ملی ایران دکتر محمد مصدق و در آغاز سال جدید ضمن عرض تبریکات شورای ملی مقاومت با ایمان به پیروزی "صلح و آزادی" و پیروزی نظام و ملت عادلانه ملت آسمیرمان بر استبداد نسیا و بر جنگ ظلمی ضد ملی و ضد میهنی رژیم خمینی، طرح کلی صلح شورای ملی مقاومت منظور استقرار صلح عادلانه بین ایران و عراق را به بیسوست تقدیم می کنیم. طرح حاضر حاصل بررسی های جامع و بحث و مشاوره شورای ملی مقاومت در تمامه اخیر است و آقای رئیس جمهور بنی صدر، کلیه ای احزاب، سازمان ها، گروهها و شخصیت های عضو شورا با نطقی آن را مورد تصویب قرار داده اند.

شماره ۱۳۳ - شماره ۱۳۳ - شماره ۱۳۳ - شماره ۱۳۳

شماره ۱۳۴

یا مقلب القلوب والابصار
یا مدبر اللیل والنهار
یا محول الحول والاحوال
حول حالنا الی احسن الحال



www.majlis.ir

طرح صلح شورای ملی مقاومت

• اعلان فوری آتش بس • تشکیل کمیسیون نظارت • عقب نشینی نیروها تا بیست سرزمینهای زمینی ورودخانه ای قرارداد ۱۹۷۵ (الجزایر) • عبادله کلبه اسرا • تعیین خسارت های جنگی و نحوه تادیه حقوق ایران در دیوان بین المللی لاهه • بازگشت پناهندگان و آوارگان • تنظیم قرارداد فتنی صلح

اطلاعیه مسئول شورا

هموطنان عزیز! پیشندان شورای ملی مقاومت برای استقلال و آزادی جمهوری دیمکراتیک اسلامی ایران؛ در آستانه ای سالگرد ملی شدن صنعت نفت بر هبیری پیشوای فقیه نهضت ملی ایران دکتر محمد مصدق و در آغاز سال جدید ضمن عرض تبریکات شورای ملی مقاومت؛ با ایمان به پیروزی "صلح و آزادی" و پیروزی مقاومت عادلانه ای ملت اسیرمان بر استبداد سیاه و بر جنگ طلبی ضد ملی و ضد میهنی رژیم حسینی؛ طرح کلی صلح شورای ملی مقاومت مستقورا استقرار صلح عادلانه بین ایران و عراق را به بیست تقدیم می کنیم. طرح حاضر حاصل بررسی های جامع و بحث و مناظره شورای ملی مقاومت در غیاب اخیر است و آقای رئیس جمهور یعنی صدر، کلبه ای حزاب، سازمان ها، گروهها و شخصیت های عضو شورا با تفاق رأی آن را مورد تصویب قرار داده اند.

طرح صلح شورای ملی مقاومت

بدنیال ملاقات آقای طارق عزیز با دبیر نخست وزیر عراق آقای مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت و صدور میانهی مشترک ۱۹ / دیماه ۱۳۶۱ سنی براسفقرار صلح عا دلانه و حل فصل مسالمت آمیرا اختلافات دو کشور از طریق مذاکرات مستقیم براساس تعامیت ارضی ، استقلال کامل ، عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر ، احترام به ارادهی آزاد دولت ایران و عراق ، روابط حسن همجواری و همگاری متقابل در خدمت آزادی ، صلح ، ترقی و ثبات منطقه ، شورای ملی مقاومت قرارداد ۱۹۷۵ (الجزایر) و مرزهای زمینی و رودخانههای مندرج در این قرارداد در اسنای صلح عا دلانه و باید اعلام می کند ، لکن بدیهی است این پذیرش ملازم با عدم هرگونه مداخله در امور داخلی یکدیگر است . بنا براین شورای ملی مقاومت در عین تاکید بر ضرورت مصونیت مرزها از هرگونه تجاوز ، هرگونه مفا وله نامه و یا پروتکل مداخله جویانه و سرکوبگرانه منضم به قرارداد ۱۹۷۵ را مردودی می شناسد . اعم از اینکه چنین مفا وله نامه یا پروتگلی سری یا علنی باشد .

شورای ملی مقاومت که برای استقلال و صلح و آزادی در ایران ، مبارزه می کند ، در پی غیاب بررسی و پس از انجام مطالعات و مشورت های جامع بمنظور دستیابی به یک صلح عا دلانه - که در قدم اول به ملاقات دبیر نخست وزیر عراق با مسئول شورا و صدور میانهی مشترک منجر گردید - اکنون پیشنهاد خود در بارهی " طرح کلی صلح " را برای اطلاع دولت عراق ، سازمان ملل متحد ، جنبش کشورهای غیر متعهد ، کنفرانس اسلامی و نیز برای آگاهی دولت ایران و عراق و همهی طرفداران صلح در منطقه و جهان بشرح زیر اعلام می نماید :

بهاره رمضان ۲

شماره ۱۳۴



بهاره رمضان اول

طرح صلح شورای ملی مقاومت

۱- اعلان عمومی آتشبس بین گلیه نیروهای دو کشور در زمین ، هوا و دریا .
۲- تشکیل کمیسیون نظارت بر آتشبس و عقب نشینی تحت نظریک مرجع مرضی الطرفین یا دبیرکل ملل متحد .

۳- عقب نشینی نیروهای دو کشور تا پشت مرزهای مشخص شده در پروتکل های راجع به عکس العمل برای مجده مرز زمینی ایران و عراق و پروتکل راجع به تعیین مرز رودخانهی بین ایران و عراق و صورتجلسات نقشه ها و مکتوبه های هوایی فی مابین آن دو که باطلای توسط رسید است . زمان لازم برای عقب نشینی به مرزهای بین المللی مذکور به تشخیص کمیسیون نظارت بر آتشبس ، قبل از اعلان آتشبس تعیین می شود .

۴- تبادل گلیه اسرای جنگی . حداکثر در ظرف سه ماه پس از اعلان آتشبس با رعایت تفرات بین المللی . تحت نظریک مرجع مرضی الطرفین .
۵- ارجاع مسائلی تعیین خسارت های ناشی از جنگ به هیات بی طرفی و تعیین خسارت های ناشی از جنگ به هیات بی طرفی و تعیین خسارت های ناشی از جنگ به هیات بی طرفی و تعیین خسارت های ناشی از جنگ به هیات بی طرفی .

مسئول شورای ملی مقاومت
مسعود رجوی
۲۱/۱۲/۷۷

محل ایضا

در همانجا هم رئیس جمهور عراق گفت و در تمام رسانه‌های عراق هم منعکس شد - براساس صحبت‌هایی که من خودم کردم - که اولین چیز احترام عراق به استقلال سیاسی و ایدئولوژیکی و آزادی عمل مقاومت ایران در کارش و در حرکتش است و این ۱۷ سال آزمایش شد. و احدی حتی به اندازه یک دانه ارزن اجازه دخالت در کار ما به خودش نمی‌داد و این را هزاران تن از مجاهدین در آن سالیان به چشم دیده‌اند. ضمن این که از روز اول هم به‌صراحت می‌گفتیم که اگر روزی این رژیم - رژیم



دیدار صلح در بغداد - ۲۵ خرداد ۱۳۶۵

ولایت فقیه - با شما خواست صلح بکنند، بفرمایید صلح کنید، خواهش می‌کنیم صلح کنید. چون ما نمی‌خواهیم که کسی به‌وکالت از طرف ما و به‌جای ما با این رژیم بجنگد. جنگ با این رژیم و سرنگونیش بر عهده خلق ایران و مجاهدین خلق ایران و رزم‌آوران آزادی ایرانزمین است و لاغیر.

از روز اول و لدی‌الورود و قبل از این که من حتی به‌همین ملاقات اول بروم، به‌محض ورود، از فرودگاه عازم مرفد سیدالشهدا و حضرت علی(ع) شدیم و در آنجا اعلام پناهندگی کردیم که برای هیچکس سوءتفاهم نشود.

واقعیت چه بود؟ فراتر از حقوق پناهندگی، هم‌چنان که در نظریه‌های حقوقی متعدد از جانب برجسته‌ترین حقوقدانان بین‌المللی آمده، ما یک گروه و نیروی مشروع مقاومت شناخته‌شده بودیم. نه چیزی در داخل دولت عراق و رژیم عراق، نه نه نه!

در آن‌زمان بسیاری می‌گفتند که مقاومت ایران در عراق جایگاهش، موقعیتش دولت در تبعید است نه دولتی در داخل دولت عراق، هرگز! دولتی در بیرون این دولت. اگر بتوان گفت که مقاومت فرانسه در جنگ جهانی دوم و ژنرال دوگل در لندن، الگویی بودند برای یک دولت تبعیدی، مقاومت ایران در عراق، بسا بسا فراتر از آنها استقلال و آزادی عمل داشت.

بنابراین نعل وارونه زدن در مورد این که مجاهدین بخشی از دستگاههای امنیتی عراق بودند، دیگر اثر ندارد. حرفمان هم فقط یک ادعا نیست.

دعوت به دادگاه بین‌المللی و ارائه اسناد

با صراحت عرض می‌کنم که ما در یک دادگاه بیطرف بین‌المللی، اگر آقای مالکی تشریف بیاورند، چند چیز را قویاً با اسناد و مدارک کافی اثبات می‌کنیم:

اول این که، ایشان مسئولیت شاخه نظامی حزب‌الدعوه را در پادگان غیور اصلی اهواز که محل «قوات شهید صدر» (به‌قول خودشان) بود، به‌عهده داشت و عملیات ترور در داخل عراق را اداره می‌کرد.

دوم این که، کلیه سلاحهای عناصر حزب‌الدعوه در ایران، توسط وزارت اطلاعات و سپاه تأمین می‌شد.

سوم این‌که، کلیه ترورهای داخل خاک عراق که توسط شاخه نظامی الدعوه انجام می‌گرفت. تحت نظر نیروی قدس سپاه پاسداران و گاه وزارت دفاع رژیم ایران صورت می‌گرفت.

چهارم این‌که، از سال ۲۰۰۱ که رهبران حزب‌الدعوه به دلیل اختلافات رسماً از مجلس اعلائی انقلاب اسلامی عراق کناره‌گیری کردند، وزارت اطلاعات و فرماندهان ستاد نصر و نیروی قدس سپاه تصمیم گرفتند رابطه‌های جداگانه‌یی با شماها برقرار کنند. حتماً ابوبلال ادیب، نفر بعد از خود شما در دولت فعلی عراق، معرف حضور هستند، ایشان بود که با وزارت اطلاعات و دفتر خامنه‌ای و ستاد نصر در ارتباط مستقیم بود. علاوه بر این، تعدادی از مسئولان حزب‌الدعوه بعد از انشعاب به عضویت وزارت اطلاعات درآمدند که حالا هم در مسئولیتهای مختلفی حضور دارند و عناصر وزارت اطلاعات در عراق هستند. به‌خصوص بعد از انحلال قوای صدر در ایران، تعدادی از مسئولان آن به عضویت ارگانهای نظامی و امنیتی رژیم آخوندی درآمدند.

پنجم این‌که، بعد از بیرون آمدن از مجلس اعلائی انقلاب اسلامی که صددرصد دست ساز رژیم بود، حقوق دوستان! به‌صورت سهمیه‌بندی و براساس مأموریت از طریق اعتبارات دفتر خامنه‌ای و وزارت اطلاعات تأمین می‌شد که همین ابوبلال و ابوعقیل و سایر دوستان شما در جریان هستند.

و نکته ششم و تاسف‌بار این‌که شما حتی بعد از این‌که در عراق به حاکمیت هم رسیدید، باز هم از نیروی قدس سلاح و تسلیحات می‌گرفتید. بفرمایید این هم سند آن، که البته نمونه‌یی و مثنی از خروار است که به‌دادگاه بین‌المللی ارائه خواهد شد.

گرفتن سلاح از نیروی تروریستی قدس

شگفتنا که تاریخ سند ۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۳ است، یعنی دقیقاً یکسال و یکماه و ۱۰ روز بعد از سقوط دولت قبلی عراق. چون طبعاً نویسنده این سند به زبان فارسی مسلط نبوده، در نگارش سلیس نیست. این سند را ملاحظه کنید، یک بار آن را از ابتدا تا انتها قرائت می‌کنم:

بسمه تعالی - آرم حزب الدعوه

نیروهای شهید صدر - به عربی، قوات الشهد الصدر

شماره ۳۸۵ ص

تاریخ: ۳۰ / ۲ / ۸۳

به فرماندهی قرارگاه قدس سردار محمدی

از حزب الدعوه الاسلامیه «مقر مهران»

سلام علیکم

احتراماً بدینوسیله پس از بررسی ابررسی اوضاع عراق در روزهای اخیر و عدم وجود امنیت در کل مناطق عراق و بخصوص در بغداد و با ترور کردن شخصیت‌های مهم گروه‌های [گروه‌های] شیعه و با ازدس [دست] دادن شهید عزالدین سلیم از گروه حزب الدعوه، لذا خواهشمند است درخواست [درخواست] ما (را که) نیازهای مهم برای محافظت از شخصیت‌های کادر حزب (است) که مشغول فعالیت سیاسی در مجلس حکم (منظور همان شورای حکومتی عراق است) و در جاهای دیگر هستند و ما قبلاً نیازهای خود (را) کتباً در جلسه بین حاج ابوللال ادیب و حاج سردار نادری در قرارگاه میانی نوشتیم، لطفاً این اقلام (را) تأمین کنید

۱- کولت گمری [کلت گمری] - «۶۰» عدد

۲- دستگاه خفه کنند کولت [صداخفه کن کلت] - «۱۵» عدد

۳- جلیقه ضد تیر - «۱۰» عدد

و من...التوفیق

مهر حزب الدعوه که در آن به فارسی نوشته شده: «شبهه‌های شهید صدر- دفتر مهران» و «مسئول مقر حزب الدعوه الاسلامیه در مهران» به نام «واسطی» هم آن را امضا کرده است. ملاحظه می‌کنید که طبق این سند علی ادیب، معاون فعلی نوری مالکی در حزب الدعوه که تا سال ۱۳۸۲ در ایران بوده است، نیازهای خود را با سر تیپ پاسدار نادری مکتوب کرده و مورد توافق قرار داده‌اند و طبق این سند نماینده همین جریان آقای مالکی در مهران درخواست اجرای آن را از فرمانده قرارگاه قدس، پاسدار محمدی، می‌کند که هنوز هم با او در ارتباط است. پاسدار محمدی عیناً مثل همین پاسدار کاظمی قمی، سفیر رژیم در بغداد، از سر تیپها و سرکرده‌های نیروی تروریستی قدس است.

شماره: ۳۹۵
تاریخ: ۱۳۸۳/۲/۸



نیروی های فاطمی و جواد
شکوات المصطفی الیومین

به فرماندهی حضرت آیت الله العظمی آية الله العظمی خراسانی
از حزب الدعوة الإسلامية المقدس

سلام علیکم

احتراماً. بدینوسیله پس از بررسی ادعای مزین در سند های اخیر عدم وجود امنیت
در کل مناطق مزین در خصوص در بغداد و با ترک کردن شهیدستان محرم گروهای شیعیه
و با از رستا دادن شهید عبدالعزیز سلیم از گروه حزب الدعوة لذا خواهشمند است
در غایت ما نیاز های محرم برای محافظت از شخصیت های ما در حزب که مشغول
فعالیت سیاسی در مجلس حکم و در جاهای دیگر و ما قلیله نیاز های خود کتبی در
جلسه بین حاج ابوبکر ادیب و حاج سردار ناری در مرکزگاه چایی نوشتیم
لطفاً این اعلام تأمین کنید

- ① - کولت کمپوزی ۶۰ عدد
- ② - دستگاه خفنه کفند کولت ۱۵ عدد
- ③ - جلیقه ضد تیر ۶۰ عدد

و من... التوفیق



مسئول مقرب الدعوة الإسلامية
در مکه
راستی

سند درخواست سلاح از نیروی تروریستی فدس، از سوی حزب الدعوة

۱۳۸۳ اردیبهشت ۱۳۸۳

چند یادآوری و گزارش سی.ان.ان

- یادتان هست که نیوزویک ۱۵ ژوئن ۲۰۱۰ نوشته بود که آقای مالکی در محاصره اعضای ارشد حزبی می‌باشد که وفادار به رژیم ایران هستند و این امر تهران را قادر می‌سازد جریان ایشان را از دور کنترل کند... این را نیوزویک نوشته بود.

- این هم یادتان هست که سند آسوشیتدپرس در مورد انفجار در سفارت آمریکا و فرانسه در کویت را خواندیم.

- در بهمن ۱۳۸۵ (۵ فوریه ۲۰۰۷) سی.ان.ان گزارش کرد که مقامات آمریکایی اعلام کردند یکی از نمایندگان پارلمان عراق به‌خاطر دست داشتن در انفجار سفارت آمریکا در کویت در دادگاه این کشور به اعدام محکوم شده است. مقامات آمریکایی گفتند این فرد از جوخه‌های مرگ و یکی از عوامل رژیم ایران در عراق است که وارد مجلس این کشور شده است. او یک عامل کلیدی نیروی قدس سپاه پاسداران می‌باشد و عملیات رژیم ایران در ارسال سلاح به‌داخل عراق و نفوذ سیاسی در این دولت را هدایت می‌کند. مقامهای اطلاعاتی ارتش آمریکا در عراق به‌دولت مالکی از بابت این پرونده مراجعه کردند و کلیه اتهامات را به دولت مالکی منتقل کرده‌اند. اطلاعات ارتش آمریکا می‌گوید که این فرد به‌عنوان «کنالی برای انتقال سلاح و نفوذ سیاسی» برای نیروهای ویژه ایران در عراق عمل می‌کند. اطلاعات آمریکا می‌گوید وی هنوز در ارتباط مستقیم با شبکه‌های اطلاعاتی و جاسوسی رژیم ایران است.

اسم او جمال جعفر (معروف به ایومهدی مهندس) است و سی.ان.ان گزارش کرد که «دادگاه کویت در سال ۱۹۸۴ او را به‌طور غیابی به اتهام بمبگذاری سفارت‌های آمریکا و فرانسه به‌مرگ محکوم کرده است».

بعداً او رفت کسی که وارد مجلس عراق شده همین فرد است. او «هم‌چنین در ربودن یک هواپیمای کویتی دست داشت». طبق همین گزارش سی.ان.ان «حزب‌الدعوه مسئولیت بمبگذاری سفارت آمریکا در کویت را در آن زمان به عهده گرفته بود...»

سی.ان.ان می‌گوید اما این فرد از آن‌زمان که مقامات آمریکایی در (بهمن ۱۳۸۵) موضوع را علنی می‌کنند، ناپدید شده و ممکن است به ایران رفته باشد.

تا اینجا را به‌نقل از سی.ان.ان از مقامات آمریکایی خواندم.

تازگی یکی از تلویزیونهای عربی خیر داد که ابو مهدی مهندس از ایران - جایی که به عنوان دستیار فرمانده سپاه قدس انجام وظیفه می کند و مسئولیت ارتباط و هماهنگی با شماری از افراد را در پارلمان عراق بر عهده دارد - قرار است مجدداً از استان بابل عراق در همین انتخابات آینده کاندیدا شود!

حالا توجه کنید که با این تفصیل، چگونه آقای مالکی نعل وارونه می زند و یقه مجاهدین را با برچسب تروریستی گرفته و ۱۱ مجاهد خلق را هم با همین برچسب در اشرف در ۶ و ۷ مرداد به شهادت می رساند.

انقلاب اسلامی عراق و ۹ بدر

از وضعیت جریان آقای مالکی گفتیم. حالا ببینید که وضعیت مجلس اعلاي انقلاب اسلامی عراق و ۹ بدر که سراپا دست ساز رژیم آخوندها در ایران بوده است، چگونه است؟! حزب الدعوة را رژیم نساخته و اصلیت آن عراقی است. در حالی که مجلس اعلا و ۹ بدر، تماماً ساخته و پرداخته و تولید سپاه پاسداران و اطلاعات آخوندهاست. این را همه مردم عراق می دانند و به همین خاطر، حتی آقای مالکی و حزیش این بار در انتخابات شورای استانهای عراق - حاضر به ائتلاف سیاسی در یک لیست واحد انتخاباتی با آنها نشدند. چون به ضررشان است و به خاطر نفرت و انزجار عمومی از جریانهای دست ساز رژیم ایران، خودشان می سوختند.

- نیوزویک ۲۶ دسامبر ۲۰۰۱: خبرنگار از حکیم می پرسد، می گویند رژیم ایران پول حملات شما علیه مجاهدین خلق را در عراق می پردازد و نیروهای مجلس اعلاي انقلاب اسلامی عراق هستند که علیه مجاهدین عملیات می کنند. (منظور عملیات تروریستی علیه قرارگاههای مجاهدین در آن فاصله ۱۰ ساله ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۱ است). حکیم نه فقط تکذیب نمی کند، بلکه با صراحت می گوید: «منافقین هدف مشروعی هستند».

خون لای قهرمان ارتش آزادی در حمله ددمنشانه به فرارگاه حبیب بوزین ریخت



مردوران عراقی وزارت اطلاعات به شرکت در خمپاره زدن به فرارگاه حبیب و سلبه عملیات تیرورستی رژیم آخوندی علیه مجاهدین در خاک عراقی اشرف اف کردند

مردور و دیگر به هم گفتند و از آنجا که در سنگه ۱۶ مردان ۱۳۹۸ عراقی که در دستهای رژیم تیرورستی به فرارگاه حبیب در عراقی بود، عملیات تیرورستی رژیم آخوندی علیه مجاهدین در خاک عراقی اشرف اف کردند.

مردور و دیگر به هم گفتند و از آنجا که در سنگه ۱۶ مردان ۱۳۹۸ عراقی که در دستهای رژیم تیرورستی به فرارگاه حبیب در عراقی بود، عملیات تیرورستی رژیم آخوندی علیه مجاهدین در خاک عراقی اشرف اف کردند.

مردور و دیگر به هم گفتند و از آنجا که در سنگه ۱۶ مردان ۱۳۹۸ عراقی که در دستهای رژیم تیرورستی به فرارگاه حبیب در عراقی بود، عملیات تیرورستی رژیم آخوندی علیه مجاهدین در خاک عراقی اشرف اف کردند.

مردور و دیگر به هم گفتند و از آنجا که در سنگه ۱۶ مردان ۱۳۹۸ عراقی که در دستهای رژیم تیرورستی به فرارگاه حبیب در عراقی بود، عملیات تیرورستی رژیم آخوندی علیه مجاهدین در خاک عراقی اشرف اف کردند.

مردور و دیگر به هم گفتند و از آنجا که در سنگه ۱۶ مردان ۱۳۹۸ عراقی که در دستهای رژیم تیرورستی به فرارگاه حبیب در عراقی بود، عملیات تیرورستی رژیم آخوندی علیه مجاهدین در خاک عراقی اشرف اف کردند.

مردور و دیگر به هم گفتند و از آنجا که در سنگه ۱۶ مردان ۱۳۹۸ عراقی که در دستهای رژیم تیرورستی به فرارگاه حبیب در عراقی بود، عملیات تیرورستی رژیم آخوندی علیه مجاهدین در خاک عراقی اشرف اف کردند.

مردور و دیگر به هم گفتند و از آنجا که در سنگه ۱۶ مردان ۱۳۹۸ عراقی که در دستهای رژیم تیرورستی به فرارگاه حبیب در عراقی بود، عملیات تیرورستی رژیم آخوندی علیه مجاهدین در خاک عراقی اشرف اف کردند.

مردور و دیگر به هم گفتند و از آنجا که در سنگه ۱۶ مردان ۱۳۹۸ عراقی که در دستهای رژیم تیرورستی به فرارگاه حبیب در عراقی بود، عملیات تیرورستی رژیم آخوندی علیه مجاهدین در خاک عراقی اشرف اف کردند.

یکسال قبل از آن هم همین باقر حکیم در ۲۹ شهریور ۱۳۷۹ با صراحت به خبرگزاری حکومتی ایسنا به تاریخ ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۰ گفت که از سال ۹۱ «سیاست ما نسبت به منافقین عوض شد» و «از آن زمان به تهاجمات نظامی علیه مجاهدین دست زده ایم». حملات و بمبگذاریهای کثیفی که وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران آخوندها سازماندهی می کردند، تأمین مالی و تسلیحاتی می کردند و تا آن زمان - زمانی که حکیم این حرف را زده - ۱۳۴ فقره حملات تروریستی با قربانیان بسیار، به خصوص در بین شهروندان عراقی و حتی همین همسایگان اشرف بود.

همه چیز نشان می داد که این مجلس اعلای انقلاب اسلامی و «سپاه ۹ بدر پاسداران انقلاب اسلامی» هیچ موجودیت جداگانه‌یی از رژیم آخوندها نداشت.

ادعای این که تهاجمهای تروریستی علیه مجاهدین توسط «مردم عراق» انجام می شود، تنها و تنها در خدمت توجیه حملات تروریستی رژیم ایران بود. کمالین که همین حرفهای حکیم که الان اشاره کردیم، دقیقاً ۴ هفته بعد از آخوند یونسی بود. چون آخوند یونسی همان طور که دیدیم در دوم شهریور ۱۳۷۹ به عنوان وزیر اطلاعات رژیم گفت: «ما به دست مردم عراق از منافقین انتقام خواهیم گرفت... و منافقین در آینده متحمل ضربات سنگینی خواهند شد».

تأسیس به‌دستور خمینی

«مجلس اعلاي انقلاب اسلامي عراق»، به‌دستور خميني تأسيس شد و خامنه‌اي اساسنامه آن را نوشت. در بند اول بيانیه تأسيس به‌تاریخ ۲۶ آبان ۱۳۶۱، «جهاد عليه امپرياليسم» تا «برپايي حکومت اسلامي» در عراق، خط مشي آن شناخته شده است که توسط باقر حکيم اعلام شد و همزمان در روزنامه‌هايرسمي ملايان منتشر گردید:



متعاقباً آخوند هاشمی «سخنگوی مجلس اعلاي انقلاب اسلامي عراق» که بعدها با نام «آیت‌الله شاهرودی» رئیس قوه قضاییه در رژیم آخوندی شد، تصریح کرد که پیام آنها برای مردم عراق «اطاعت محض از رهبری امام خمینی» است و اینکه «کاملاً تسلیم نظرات مبارک» باشند (روزنامه رسالت ۱۱ مهر ۱۳۶۶).

بیعت حکیم و دارودسته او با خامنه‌ای به‌عنوان «ولی امر مسلمین جهان» بعد از مرگ خمینی در تمام رسانه‌های رژیم اعلام شد. (حکیم در روزنامه بدر در ۳۰ خرداد ۱۳۷۸ اعلام کرد: «مجلس اعلا، قانون آن و اساسنامه آن زیر نظر ولی فقیه شخصاً و با نظر امام امت ریخته شده است»).

طلیحات

شماره ۳۳ - شماره ۱۳۱۳ - ۱۳۳۳ هجری قمری
شماره ۱۳۱۳ - ۱۳۳۳ هجری قمری

حضرت الاسلام حکیم:
ماتمجلس اعلاى انقلاب
اسلامى را بنى رهبرى
مردم عراق کاندید می کنیم

از مجلس اعلاى انقلاب اسلامى عراق چه کنید و به آنها پادگان و پایگاه بدید

این مجلس اعلاى انقلاب اسلامى عراق است که در روزهای گذشته در شهر کربلا تشکیل شده است. این مجلس از سوی مردم عراق تشکیل شده است و هدف از تشکیل آن، برپاء نظام اسلامى و برپاء نظام اسلامى است. این مجلس از سوی مردم عراق تشکیل شده است و هدف از تشکیل آن، برپاء نظام اسلامى و برپاء نظام اسلامى است.

اخبار ایران

بیانیه حزب جمهورى اسلامى در رابطه با تشکیل مجلس اعلاى انقلاب اسلامى عراق

بر مجلس اعلاى انقلاب اسلامى عراق است که هر چه مروج نمى آید وسیع انتشار وسیع جامعه واجد وحدت بیشتر بین گروهها و جمعیتهاى مسلمان و مردم علاقه مند به استقلال و آزادى کشور با حفظ شعار نه شرقى و نه غربى و با الهام از آیات و احادیث شریفه انقلاب اسلامى عراق به ویژه شهید بزرگوار حضرت آیت الله سید محمدباقر صدر و خواهر فاطمه و مطهره بنت الشهدا راه را برای گسترش انقلاب اسلامى تا سرنگونی رژیم فاسد سدامى باز نماید.

حزب جمهورى اسلامى ضمن تبریک و تهنیت تشاکل این مجلس بجهان رهبر و کسب استقلال و آزادى مسلمانان عراق با تاکید به صلح با ملل و عدم گرایش به جنگ و است و طرف هر گونه رنجیه ناسیونالیستى و سازشکارانه در آن آزادجوهاى و نهضت ازاى بخش جهان را به حمایت و پشتیبانى از مجلس اعلاى انقلاب اسلامى عراق دعوت مى نماید با امید به پیروى حق در داخل و شکست کامل استکبار جهانی.

زود است که با تشکیل این مجلس تحول بقیه انقلاب اسلامى شما سر دم قها آید که سیرت و شاداب از خونهای پاک و جوشان مجاهدان و مبارزان راه خداست به نحو مستقیم و در سایه پر خورشید خود مستقیمان و سر و دمان عراق حلوا بخشد. ما با تبریکى که از انقلاب عظیم اسلامى خود بر ملت سرچ بر گوار اسلام حضرت امام خمینى مد ظله العالی به دست آورده ایم عموماً معتقد بودیم که رژیم یک رهبرى واحد الهى بر این مملکت و نهضت جامعه از مملکت جهانگواران شرق و غرب ضرورى و حیاتی است و با اعلام تشکیل این مجلس که نقطه امید ملت ما محروم و رنج کشیده عراق و از این جوانان مملکت است چنین داریم که این ملت مسلمان و شهید پرور با استفاده از تجربیات انقلاب اسلامى ایران با برپائى سطوحات و راهبیمتلى حساس میبویس و شعار دشمن شکن الله اکبر عسى خلاصت از مجلس اعلاى انقلاب اسلامى رژیم ضد برامى و فکرتى سدام را برای ختمیله به رساله دان شروع خواهد فرستاد.

در رابطه با تشکیل مجلس اعلاى انقلاب اسلامى عراق شب گذشته از سوی حزب جمهورى اسلامى اعلاى عراق به شرح زیر انتشار یافت: بسم الله الرحمن الرحیم در شرایطى که انقلاب اسلامى مردم مسلمان عراق در مراحل حساس و در نوشتن ساری قرار گرفته است اعلام تشکیل مجلس اعلاى انقلاب اسلامى عراق با رقه امیدى در دل محرومان و مستضعفان عراق و منطقه بوجود آورد.

اعلام تشکیل این مجلس مکتوبى با سر کوب روحانیون برجستگى که در آن عضویت دارند نقطه عطفى در تاریخ مبارزات این ملت رشید و همدلوم خواهد بود. گر چه استکبار جهانی و سزادور دست نشاندهانى سدام عطفى با اعلام موجودیت این مجلس که نشانگر رهبرى واحد و انسجام کمالى نیروهاى مؤمن و مسلمان عراق است پیش از هر زمان دیگری به وحشت افتاد و از هیچ چابى فرو گذار نخواهد کرد. ولی بر ملت آزاد عراق است که با تمام قوا در جهت حمایت و تقویت این رهبرى اسلامى انقلاب را نبل به اهداف مقدس آن که بر سرگشایی رژیم ستمى سزادور استکبار و استعمار

دو سند دیگر:

این هم دو سند دیگر که قبلاً مجاهدین منتشر کردند:

سند اول - به تاریخ ۱۳ اسفند ۱۳۶۹ که سر تیپ پاسدار کمال هدایت، فرمانده قرارگاه مرکزی تروریستی رژیم به اسم «قرارگاه مرکزی حمزه سیدالشهداء» به فرماندهان قرارگاههای تابعه ابلاغ می‌کند، از روی آن می‌خوانم: «لازم است کلیه گیرندگان نسبت به ایجاد تسهیلات لازم جهت تردد معارضین عراق با کنترل قرارگاه رمضان به آن کشور اقدام نمایید». یعنی زیر کنترل قرارگاه رمضان بروند و بیایند.

سند دوم - به تاریخ ۶ فروردین ۱۳۷۰، از فرماندهی بسیج آخوندی به نواحی بسیج و قرارگاههای قدس است که می‌گوید: با مجلس اعلاای انقلاب اسلامی عراق همکاری کنید، در خصوص صدور احکام مأموریت و تبادل پیامهای دفاتر مجلس اعلا مساعدت کنید، کادر مورد نیاز آنها را برای مأموریت‌هایشان تأمین کنید و جالب‌تر این که می‌گوید برای کمک به امر تبلیغات در جنوب عراق ۳۰ تا آخوند مجرب عراقی هم در بسیج روحانیت قم آماده اعزام به نواحی هستند که نسبت به انتقال آنها اقدام کنید.

تسهیلات فوری برای اعزام مزدور به عراق

شماره ۳۱۷
تاریخ ۱۳۳۳



بسم تعالی
جمهوری اسلامی ایران

فرماندهان قرارگاههای تابعه
وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی
موضوع: تسهیلات فوری اعزام مزدور به عراق
سلام علیکم

بدین وسیله ابلاغیه شماره ۶۹۱۱۲ مورخه ۳۰/۱/۳۳
لم یکن اعلام و لازم است کلیه
ندگان نسبت به ایجاد تسهیلات
م جهت تردد معارضین عراق با
زل قرارگاه رمضان به آن کشور
ام نمائید.
فرمانده قرارگاه مرکزی حمزه
والشهادت (ع)
موتوب: اسدالکمال هدایت
ندگان:
- معاونت عملیات جهت آگاهی و
بری
- فرماندهان پایگاههای اشدویه،
اشهر، سردشت، بانه، مریوان
- شعبهای مکه و اباعبداللہ
- نماینده شمسار فرماندهی
ترم نواجبا در قرارگاه مرکزی از
بق سیاه مستقر
وشت
ستاد فرماندهی کل قوا معاونت
اعمال و عملیات جهت استحضار
رگام رمضان جهت اطلاع

بین وسیله ابلاغیه شماره ۶۹۱۱۲ مورخه ۳۰/۱/۳۳
عدم اعلام است که کلیه نندگان نسبت به این تسهیلات مضمومت
تجدد معارضین عراق با زل قرارگاه رمضان به آن کشور اقدام نمائید.
فرمانده قرارگاه مرکزی حمزه والشهادت (ع)
موتوب: اسدالکمال هدایت
ندگان:
- معاونت عملیات جهت آگاهی و
بری
- فرماندهان پایگاههای اشدویه،
اشهر، سردشت، بانه، مریوان
- شعبهای مکه و اباعبداللہ
- نماینده شمسار فرماندهی
ترم نواجبا در قرارگاه مرکزی از
بق سیاه مستقر
وشت
ستاد فرماندهی کل قوا معاونت
اعمال و عملیات جهت استحضار
رگام رمضان جهت اطلاع

تسهیلات فوری برای اعزام مزدور به عراق

بسم تعالی
 شماره ۳۲۷ / تاریخ ۱۳۳۷
 فرزند قزوین
 مرکز قزوین
 محمد حسین
 مسعود حسین

بین ۱۳۳۷ و ۱۳۳۸
 عدم رهنم است
 تمدد مهلت
 فرزند قزوین
 محمد حسین
 مسعود حسین

به: فرماندهان قرارگاههای تابعه
 از: فرماندهی قرارگاه مرکزی حمزه
 سیدالشهدا (ع)
 موضوع: تردد معارضین
 سلام علیکم
 بدین وسیله ابلاغیه شماره
 ۶۹۱۱۲۲ / مورخه ۳۰ / ۱ / ۱۳۳۷
 کان لم یکن اعلام و لازم است کلیه
 گیرندگان نسبت به ایجاد تسهیلات
 لازم جهت تردد معارضین عراق با
 کنترل قرارگاه رمضان به آن کشور
 اقدام نمایند.
 فرمانده قرارگاه مرکزی حمزه
 سیدالشهدا (ع)
 سرشیب پاسدار کمال هدایت

گیرندگان:
 ۱ - معاونت عملیات جهت آگاهی و
 پیگیری
 ۲ - فرماندهان پایگاههای اشنویه،
 پیرانشهر، سردشت، بانه، مریوان
 ۳ - شعبهای مکه و اباعبدالله
 ۴ - نماینده تیسار فرماندهی
 محترم نزاجا در قرارگاه مرکزی از
 طریق سپاه مستقر
 رونوشت
 ساد فرماندهی کل قوا معاونت
 اطلاعات و عملیات جهت استحضار
 قرارگاه رمضان جهت اطلاع

وظیفه‌ی «کلیه‌ی فرماندهان نواحی بسیج سراسر کشور»: اعزام مزدور به عراق

به: کلیه فرماندهان نواحی بسیج سراسر کشور
از: فرماندهی نیرو مقاومت بسیج
موضوع:

سلام علیکم

نظر به اینکه مساعدت در امر و جذب سازماندهی نیروهای داوطلب عراقی و همچنین اعزام آنها از وظائف نیرو مقاومت گشته است. ملاحظه است هیئتی لازمه را با «دفتر بسیج مجلس اعلا انقلاب اسلامی در نواحی و ولایت» در موارد ذیل معمول نمایند.

۱- کمک در امر تعلیمات جنوبی و در ارتباط تعداد «مروحانی مجرب عراقی در بسیج روحانیت قم مجلس اعلا مستقر در قم آماده اعزام به نواحی می‌باشند که ضمن هماهنگی با «دفتر بسیج مجلس اعلا نسبت به انتقالشان به ناحیه اقدام نمایند.

۲- مساعدت به مراکز فرماندهی نواحی و دبیرخانه آنها در خصوص صدور احکام مأموریت و تبادل پیام‌های دفاتر مجلس اعلا

۳- مأمور نمودن موقت کادر مورد نیاز دفاتر بسیج مجلس اعلا در انجام مأموریت فوق‌الذکر

در ضمن چنانچه مأموریت‌های محوله نواحی در خصوص جذب و ارسال کنگاهای مردمی و اعزام نیروهای داوطلب عراقی به قرارگاه‌های قدس مربوطه با اشکالی برخوردید می‌توانید به شماره تلفن ۳۹۵۰۱۶ قرارگاه «مجاهدان» نیروی مقاومت تماس حاصل نمایید.

رونوشت:

- دفتر محترم نمایندگی ولی فقیه
- ستاد نیرو نواحی
- معاونت محترم نیرو
- بسیج مجلس اعلا
- دبیرخانه ستاد نیرو

از طرف تنظیمی فرماندهی نیرو مقاومت بسیج



بسم الله الرحمن الرحیم
در نواحی و ولایات

موضوع: اعزام مزدور به عراق
تاریخ: ۱۳۵۷
موضوع: اعزام مزدور به عراق
تاریخ: ۱۳۵۷
موضوع: اعزام مزدور به عراق
تاریخ: ۱۳۵۷

۱- صدور مأموریت کادر مورد نیاز در جهت اعزام کادر
۲- صدور مأموریت کادر مورد نیاز در جهت اعزام کادر
۳- صدور مأموریت کادر مورد نیاز در جهت اعزام کادر

از طرف تنظیمی فرماندهی نیرو مقاومت بسیج

اشرف پایدار - کارزار پیروزی

اسناد استقلال مجاهدین

گزارش دبیرکل ملل متحد از بازرسی قرارگاههای مجاهدین

جهت اطلاع دولت عراق و آقای مالکی!

این گزارش دبیرکل ملل متحد کوفی عنان در ۱۵ دسامبر ۱۹۹۸ در مورد بازرسیها از عراق و بازرسان آنسکام است:



THE SECRETARY-GENERAL

From: Mr. Annan	To: Mr. Kofi Annan
Subject: IAEA	Date: 15/12/98
Re: TN/	

15 December 1998

Excellency,

I have the honour to submit for your consideration reports from the Director-General of the International Atomic Energy Agency (IAEA) dated 14 December 1998, and the Executive Director of the United Nations Special Commission (UNSCOM) dated 15 December 1998, concerning their work in Iraq, as called for in the letter to me from the Security Council President, dated 30 October 1998.

The reports cover the period since 17 November 1998.

The report from the IAEA states that Iraq "has provided the necessary level of co-operation to enable the above enumerated activities to be completed efficiently and effectively".

The report from UNSCOM includes material that relates to issues prior to 17 November 1998. With regard to the period since, the report presents a mixed picture and concludes that UNSCOM did not enjoy full cooperation from Iraq.

In light of the findings and conclusions contained in the reports, taken together, the Council may wish to consider three possible options:

His Excellency
Mr. Jassim Mohamed Husayn
President of the Security Council
New York

I submit this in the manner it deems best.

Please accept, Excellency, the assurances of my highest consideration.

Kofi A. Annan

گزارش دبیرکل ملل متحد از بازرسی قرارگاههای مجاهدین

ملل متحد ترتیباتی برای بازرسی از عراق به دنبال تسلیحات گشتار جمعی، داده بود. این نامه با امضای کوفی عنان، دبیرکل ملل متحد به رئیس وقت شورای امنیت ملل متحد است که در آن گزارش رئیس اجرایی آنسکام، که در آن زمان باتلر بود، از بازرسیها و جستجوها در عراق را تقدیم رئیس شورای امنیت می‌کند.

در صفحه هفتم گزارش رئیس اجرایی آنسکام که به امضای ریچارد باتلر است که من چکیده اش را می‌گویم. می‌گوید: ما در عراق از همه جا بازرسی کردیم، جز یک سایت که دولت عراق گفت این سایت تحت کنترل او نیست و اختیاری بر آن ندارد و خودتان بروید با مسئولان این سایت صحبت کنید.

یعنی به‌طور خلاصه دولت وقت عراق می‌گوید: این سایت ربطی به ما ندارد و مسئولیتی هم در این مورد نداریم و کنترل هم نداریم. اسم این سایت قرارگاه اشرف است. عیناً از روی متن گزارش برایتان می‌خوانم: «در مدت بازرسی که گزارش شده است تیمهای بازرسی، بازرسیهای غیر مترقبه‌یی را از شماری از سایتها که توسط عراق اعلام نشده‌اند انجام دادند، دسترسی به این سایتها، میسر بود و بازرسی صورت گرفت. یعنی در عراق هر جایی را که خواستند، دولت وقت عراق اجازه داده است که بروند و ببینند و دارد به دبیرکل و دبیرکل به شورای امنیت گزارش می‌دهد که دسترسی به این سایتها میسر بود و بازرسی صورت گرفت، به استثنای یک تأسیسات که مورد استفاده سازمان مجاهدین خلق ایران می‌باشد [منظور قرارگاه اشرف است]، اعلام شد که محل این تأسیسات تحت اتوریته عراق نیست. بحث پیرامون دسترسی به این سایت بر عهده کمیسیون و آن سازمان گذاشته شد، [یعنی گفتند خودتان بروید با مسئولان این سایت صحبت کنید]. یک گفتگو در این باره شروع شده، و سازمان مجاهدین خلق ایران پذیرفته است که از نظر اصولی سایتهايش قابل دسترسی توسط کمیسیون و آنسکام باشد».



such data. In response to the Commission's recent requests, Iraq stated that it is meeting its obligations with respect to the provision of data on its testing activity and denied access to the particular information requested by the Commission. In relation to the Commission's most recent requests, on 6 December, Iraq stated it would reconsider its decision. It has not yet provided the data requested.

During a chemical monitoring inspection on 5 December, the National Monitoring Directorate (NMD) representatives placed unacceptable conditions on the photography of bombs, citing national security concerns. No photographs were taken.

During the reporting period, undeclared dual-capable items and materials subject to chemical and biological monitoring, were also discovered.

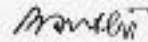
On 11 December the chemical monitoring group was told by the NMD representative that they would not be able to conduct an inspection at a specific monitoring site on that day because it was a Friday. The inspection group was not able to inspect the inside of the site. This incident underscored the position stated earlier that Iraq would facilitate entry to buildings "during the working days of the work, except Fridays".

Inspections of capable sites

Identification of the nature of activities at locations where undeclared dual-use capabilities may exist is an important aspect of monitoring activity. During the reporting period, teams conducted no-notice inspections at a number of sites that had not been declared by Iraq. Access to these sites was provided and inspections took place with one exception which was at a facility occupied by the People's Mojahedin Organization of Iran (PMOI). The site of this facility was declared as being not under the authority of Iraq. Discussions over access were left to the Commission and that organization. A dialogue has begun on this matter and the PMOI has accepted, in principle, that its sites are subject to access by the Commission.

...which is
not able to conduct the substantive disarmament work mandated to it by the Security Council and, thus, to give the Council the assurance it requires with respect to Iraq's prohibited weapons programmes.

Accept, Excellency, the assurances of my highest consideration.


Richard Butler

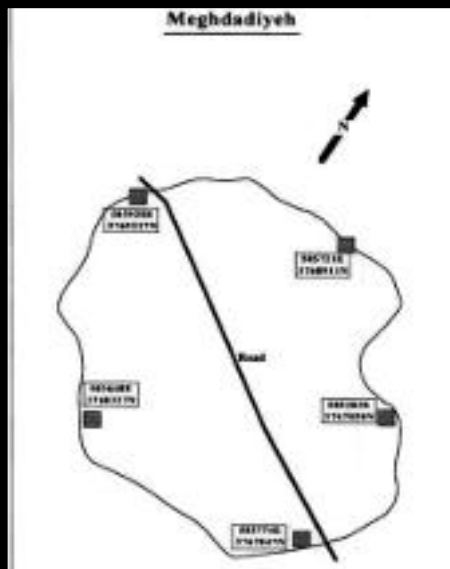
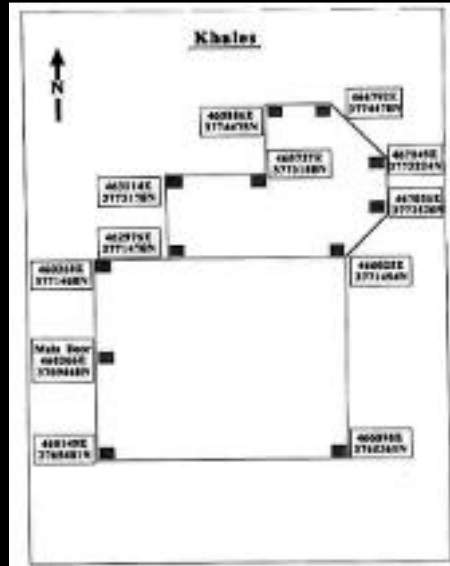
نامه رئیس اجرایی آنسکام به دبیرکل ملل متحد

مدارک آن موجود است، در همانزمان و در طول سالیان هم، حرف ما با ملل متحد، شورای امنیت و آنسکام این بود که از طریق دولت عراق وارد نشوید، اگر با ما کار دارید، با قرارگاههای ما، با همه مقرهای ما، چه در بغداد، چه در خارج بغداد، چه در اشرف، چه در بدیع و هر کجای دیگر، ما رابطه مستقیم و مستقل خودمان را داریم. می گفتیم در این صورت بفرمایید. همه جا را بازرسی کنید و کمالین که آمدند و در سالهای بعد هم اشرف را دیدند. یعنی بر اساس اطلاعات دروغینی که رژیم و همین مزدورانش، مزدوران کنونی می دادند، آنها غیر مترقبه می آمدند، وقتی که خودشان می آمدند، نه از طریق دولت عراق می گفتیم بفرمایید؛ در بدیع و در خود بغداد و...

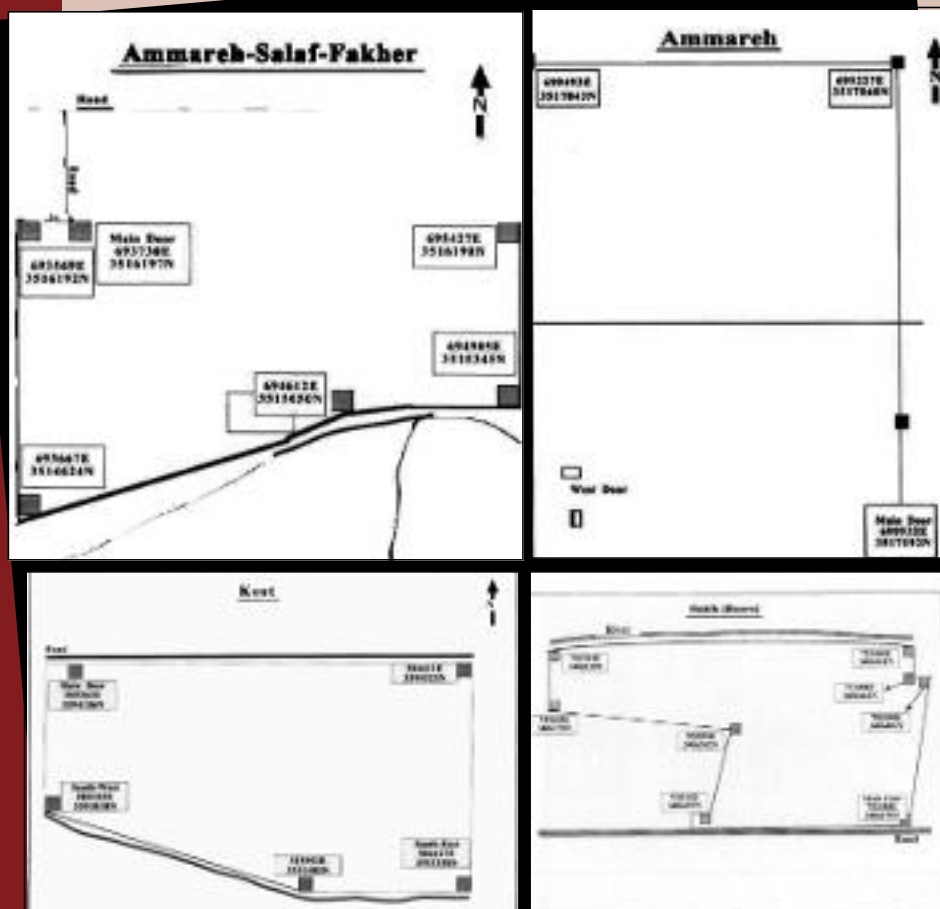
ENTRANCES TO IRANIAN MOJAHEDIN SITES
Date: December 10, 2002

1. Central Office in Baghdad: E=446600/N=3686047
2. Ashraf (North of Khalls): E=460266/N=3769468
3. Anzali (Jalawla): E=513856/N=3793117
4. Alavi (Meqdadya): E=503774/N=3767847
5. Faezeh (Kut): E=585363/N=3594156
6. Mouzarmi (Al-Amara): E=693730/N=3516197
7. Homayoun (Al-Amara): E=699932/N=3517192
8. Habib (Basra): E=752368/N=3406170
9. Badizadegan (Abu-Ghraib): E=410683/N=3687189
10. Bagherzadeh 1 (Abu-Ghraib): E=399223/N=3688363
11. Bagherzadeh 2 (Abu-Ghraib): E=397207/N=3688433

اسامی قرارگاههای ارتش آزادیبخش



اسامی و موقعیت قرارگاههای ارتش آزادیبخش



اسامی و موقعیت قرارگاههای ارتش آزادببخش

و این هم گزارش سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا که می‌گوید در سال ۹۳ ما (همراه با هیأت بازرسان ملل متحد- آنسکام) سرزده وارد قرارگاه اشرف شدیم و دوجیز توجه ما را جلب کرد؛ یکی این که بر خلاف سایتهایی که تاکنون دیده بودیم بسیار تمیز و مرتب بود و دیگری استقلال اینها از عراقیها به نحوی که هیچ عراقی و افسر عراقی را اجازه ندادند با ما همراه باشد.

مدیریت اطلاعات مرکزی

سازمان مجاهدین خلق - گروه مخالف ایرانی

گزارش تحقیق اطلاعاتی

اطلاعات به دست آمده تا اول ژوئیه ۱۹۹۳

سازمان مجاهدین خلق بزرگترین گروه فعال مخالف ایرانی است. هدف اولیه آن سرنگون کردن دولت ایران و تشکیل یک جمهوری غیر دینی است. گروه ادعا می‌کند که دولت جدید از سوی یک انتخابات آزاد سراسری باید انتخاب شود و می‌باید آزادی سیاسی و فرهنگی و اقتصادی برای زنان و مردان را تأمین کند...

در اوایل فوریه ۱۹۹۲ بازرسان ملل متحد از کمپ اصلی ارتش آزادیبخش ملی ایران در نزدیکی شهر الخالص عراق دیدار کردند که قرارگاه اشرف نامیده می‌شود. طبق گزارش بازرسان این تأسیسات مانند یک سفارتخانه بود و از سوی عراقیها مانند خاک ایران محسوب می‌شد. هیچ عراقی به جز کسانی که تیم بازرسی حاضر را مشایعت کردند در این قرارگاه که بسیار تمیز و منظم توصیف شده است، وجود نداشت.

The Mojahedin-e Khalq: Profile of an Iranian Dissident Group (u)

Intelligence Research Paper

Key Findings

Information available as of 1 July 1993

was used in this report.

The Mojahedin-e Khalq: Profile of an Iranian Dissident Group (u)

The Mojahedin-e Khalq (MEK) is the largest and most active Iranian dissident group. Its primary goal is the overthrow of the Iranian Government, after which it would seek to establish a constitutional republic. The group claims the new government would be chosen by a free nationwide election and would endorse social, cultural, political, and economic freedom for men and women. The MEK also claims the government would be Islamic in character, but the group supports freedom of religious choice and practice, according to MEK literature. (c NF)

In early February 1992, UN inspectors toured the National Liberation Army's primary camp at Al Khalis, also known as Ashraf base. According to the inspectors' report, the facility was "like an embassy" and considered by the Iraqis to be Iranian territory. There were no Iraqis other than those accompanying the inspection team present at the base, which was described as orderly and clean. In December 1992 another UN team, intending to inspect the Iraqi Organization for Military Industry Archives in Baghdad, was told on its arrival at the facility that it was the MEK's headquarters compound. The UN team was given a briefing by the MEK about Iranian efforts to acquire weapons of mass destruction and toured the compound. According to the report, the facility consists of buildings used for living quarters, an armory, conference facilities, and communications.

گزارش سازمان اطلاعاتی آمریکا در مورد بازرسی از قرارگاههای مجاهدین

نامه رسمی مدیر کل اداره بازرسی ملی عراق

نامه رسمی مدیر کل اداره بازرسی ملی عراق، در تاریخ ۹ دسامبر ۲۰۰۲ آنچه را که ۴ سال قبل، در ۵ دسامبر ۱۹۹۸، در مورد مکانها و مراکز مربوط به سازمان مجاهدین خلق ایران در عراق گفته بود، مجدداً مورد تأکید قرار می‌دهد و می‌گوید مکانهای مربوط به سازمان مجاهدین مواردی هستند که دولت عراق مجاز شناخته و پذیرفته است که این سازمان آنها را بدون هرگونه دخالتی از سوی این دولت مورد استفاده قرار دهد.

الجمهورية العراقية



أعدت هذه الوثيقة بما يشترطه
وتوافق على ذلك
الرئيس للجمهورية (عبدالمجيد)

جمهورية العراق
رئاسة الجمهورية
مكتب التصنيع المركزي
دائرة الرقابة الوطنية

عدد / ٢٨٤٢
التاريخ: ٥ / آذار / ١٩٩٢
٢٠٠٢ / ١٢ / ٢٠

التي من يهمة الأمر

المراد في تصاريحك التي بها التواء المهندس حسام محمد أمين المدير العام
لدائرة الرقابة الوطنية العراقية في الخامس من كانون أول / ديسمبر ١٩٩٨ يؤكد مساً
على:
أن المواقع التي تعود لمنظمة سناغدي، خلق الأثرية هي مواقع سمحت الحكومة
العراقية للمنظمة المذكورة باستخدامها دون سيطرة.



التواء المهندس
حسام محمد أمين
مدير عام دائرة الرقابة الوطنية
٢٠٠٢/١٢/٢٠

نামه رسمي مدير كل اداره بازرسي ملي عراق - ٩ دسامبر ٢٠٠٢

هم‌چنین در دسامبر ۱۹۹۸ (آذر ۱۳۷۷)، خبرگزاری‌های رویتر و آسوشیتدپرس، بیانیه و اظهارات رسمی مدیرکل بازرسی ملی عراق را که در رسانه‌های این کشور هم منتشر شده بود، مخابره کردند مبنی بر این‌که:

«دولت عراق هیچ‌گونه دخالتی در کار قرارگاه‌های مجاهدین ندارد و هرگونه بازرسی از آنها منوط است به توافق رئیس تیم بازرسان ملل متحد با این طرف خارجی. یعنی سازمان مجاهدین خلق ایران یک موضوع و سوژه عراقی نیست و یک طرف خارجی است.»



KEYWORDS

1634 051393 007
 R05 024 A74 R054 G 025 0 1501
 R01_048 3 046 R028 R0287 10 02 02 50 0200 010 066 1A55435
 IRAQ-IR
 Iraq says weapons inspectors distorting facts
 on weapons issue

ASSOCIATED PRESS

SC Iraq UN
 1425 GMT 05 Dec 98
 Iraq denies barring U.N. inspectors from weapons site
 BAGHDAD, Iraq (AP) - Iraq on Saturday denied that it barred weapons experts in October from entering a suspected weapons site inside an area controlled by so-called Iranian opposition activists.
 They wanted to enter a site "belonging to one of the foreign nation residing in Iraq" over which Iraq has no control, the official Iraqi News Agency said, quoting Hussein Mohammed Awes, the head of an Iraqi office that deals with the U.N. inspectors.
 In a letter to the U.N. Security Council dated Dec. 1, deputy chief inspector Charles Ducloux said a U.N. team could not obtain access to a site because it was under the control of an so-called Iranian opposition group.
 Awes said Iraq cannot get officially involved when the United Nations Special Commission, which is responsible for disarming Iraq, wants to inspect a site occupied by foreigners.
 He said the rules of disarmament in Iraq require that the head of the inspection team and the foreign official in charge of the area work out an arrangement between themselves for entering the site.
 Awes said some U.N. inspectors did want to enter the site administered by Iranian exiles of the Mujahideen Khalq on Oct. 20. But the Iraqi side "strictly adhered" to the procedures and did not interfere in the negotiations between the so-called Iranians and the inspectors, he said.
 Finally, after almost three hours of discussions, the head of the inspection team decided not to go in and withdrew his members, Awes said.
 The Mujahideen Khalq, which opposes the Islamic government in Iraq, operates about a dozen military camps in Iraq, most of them close to the Iranian border.
 Awes said the same U.N. team had carried out surprise visits to 15 weapons sites including government buildings on the same day.
 UNSCOM is responsible for destroying Iraq's weapons of mass destruction, until the mission is complete, the U.N. security Council will not lift the economic sanctions imposed after Iraq's 1990 invasion of Kuwait.
 Iraq

... Iraq wanted a similar U.N. survey of disturbing facts in a report to which the said inspectors were not. They wanted to check last month, Iraq's liaison officer with the U.N. UN inspectors, said the report by Charles Ducloux would to pin the blame stopped November 25 inspection which
 ... inspectors showed up for a surprise by to one of the foreign organizations
 ... by Ducloux as being controlled by those who have bases in Iraq. Ducloux said
 ... National Monitoring Directorate held

... ater flew too close to a U.N. helicopter, body been given a detailed explanation of hindered the matter closed.
 ... also referred to the discovery of a "class of some filter presoon" that would have military use.
 ... ater was out of order and had been warehouse which UNSCOM had already at one filter had been found and said it being water.
 ... alleged with overloading the unearthing of chemical weapons and long 100kg missile working in Iraq for seven years but day witness information from them, making their operations more heavily at the height of a standoff between Iraq
 ... Diplomatic way UNSCOM will seek
 ... means of renewed cooperation,
 ... a comprehensive review of its compliance requirements, hoping this will lead to an was imposed for its 1990 invasion of

... After Iraqis left Baghdad on Saturday for Moscow says he is due to hold talks on ways of lifting the sanctions.

أسوشيتدپرس
 دسامبر ۱۹۹۸

رويتر - دسامبر ۱۹۹۸

به زبان حقوقی، و از نظر موقعیت حقوقی، یعنی این که دولت عراق کلیه قرارگاهها و مراکز مجاهدین در این کشور را در عداد سفارتخانه‌های خارجی به‌مثابه خاک همان کشور تلقی می‌کرد و به رسمیت شناخته بود. چون مطابق کنوانسیون وین سفارت‌های خارجی در خاک هر کشوری از بابت عدم دخالت، بخشی یا مثل خاک آن کشور تلقی می‌شود. در نتیجه دولت عراق به رسمیت شناخته بود که قرارگاههای مجاهدین هم تا وقتی مجاهدین در عراق هستند، به لحاظ حقوقی، در ردیف سفارتخانه‌های خارجی، و در حکم خاک خود آنها و مصون از هرگونه دخالتی باشد. وقتی می‌گوییم که علاوه بر حقوق پناهندگی، مجاهدین به لحاظ حقوقی یک گروه مقاومت مشروع و در یک کلام یک دولت در تبعید تلقی می‌شدند، هیچ مبالغه‌یی در آن نیست. درجه استقلال مجاهدین و مقاومت ایران را از اینجا می‌شود خوب فهمید و اسناد آن هم منتشر شده و موجود است.

شاید به همین خاطر بود که واشینگتن پست در ۱۹ آذر ۱۳۸۲ (۱۰ دسامبر ۲۰۰۳) یعنی درست در فردای روزی که آن حکم ننگین شورای حکومتی عراق درباره اخراج سه هفته‌یی مجاهدین توسط عبدالعزیز حکیم صادر شد نوشت: «در یک اقدام تعجب‌برانگیز که ممکن است تعادل قوای منطقه را به هم بزند، شورای حاکم عراق دیروز رأی داد که گروه پیش‌تاز مخالف ایرانی را اخراج کرده و اموالش را ضبط نماید. این حکم خواهان اخراج ۳۸۰۰ نفر از اعضای این گروه تا آخر همین ماه، (دسامبر ۲۰۰۳) است... این تصمیم علیه مجاهدین خلق یک دستاورد قابل ملاحظه سیاسی و امنیتی برای (رژیم) ایران است...»

احمد چلبی، عضو شورای حکومتی که پیوندهای نزدیکی هم با آمریکا و هم با ایران دارد، حکم شورای حکومتی را معرفی کرد. او که یک مسلمان شیعه است، بنا به گفته یک منبع عراقی، اخیراً به ایران سفر کرده است. اغلب ۲۴ عضو شورای حکومتی عراق در ماههای اخیر به ایران سفر کرده‌اند...»

معنایش خیلی واضح است و همچنان که در قسمتهای قبلی بحث دیدیم، سردمداران رژیم خودشان بی‌تعارف و بی‌برده روی این رابطه و این نزدیکی و این پیوندها بارها و بارها انگشت گذاشتند.

Iraq Council Votes to Thwart Outlawed Opposition Group

By Robin Wright and Roger Chandrasekaran
Washington Post Staff Writers
Wednesday, December 16, 2003, Page A20

Iraq's Governing Council voted yesterday to expel the leading Iranian opposition group and confiscate its assets, a major move that could alter the regional balance of power. The resolution calls for the eviction of the group's 3,000 members by the end of the month.

The move came as the Iranian government of Iraq, led by Prime Minister Izzat Ibrahim al-Majid, headed to Washington for talks at the White House about several unresolved and thorny issues in the U.S.-Iraq relationship, particularly the transfer of government to a postwar Iraqi government to be concluded by July 1.

The Iraqi council's unanimous decision against the People's Mujahideen Organization (PMO), a significant political and security group for Iraq and a leading organization of the group, or even eliminate it as an effective opposition movement. The PMO, which was supported by former president Saddam Hussein, has launched hundreds of attacks against Iraq since the postwar period.

The move also marks a turning point for U.S. policy. The future of the Iranian opposition group has been hotly debated within the Bush administration.

The PMO, which states it is a secular organization, has been on the U.S. list of terrorist organizations since 1999, but some administration leaders had argued that the group could form the basis for an effort to pressure or change the regime in Tehran.

The administration has been under mounting pressure from members of European and other allies to crack down on the PMO and ban it like a terrorist group, according to U.S. officials and European diplomats. The PMO, known in the 1990s as the "National Front" in Iraq and involved in anti-American attacks, is now widely regarded by U.S. officials as a leading anti-government broadcaster into Iraq and other Arab states.

Washington is preparing to show the Iraqis that it supports the PMO, U.S. officials said yesterday.

The timing is interesting. The Iraqi council's decision comes as Iraq's Prime Minister Izzat Ibrahim al-Majid has been quietly trying to negotiate the handover of about 30 U.S. and British operatives held by Iraq — in exchange for action by the United States to the PMO.

The move may also be linked to the Iraqi council's efforts to improve relations with Iraq, another predominantly Shiite Muslim country that shares Iraq's long border.

with the United States and Iraq, according to Iraq sources. Most of the

of its members are Shiite, originating in southern Iraq after Iraqis were killed.

PMO of its only direct access to Iraq's borders.

of council's resolution calls for its members' engaging in any of all PMO funds and weapons, the council requires.

By up to them, said British press. They are not only in

also, however, will not turn the support of terrorism.

is invasion. More than a dozen, that.

er Taylor in Liberia. There are that holds them to account for out. . . . As the named U.S. State Department official said.

Iraqi denied that they were pressured by the United States to act. «The council based its decision on the black history of this terrorist organization and the crimes committed against our people and our neighbors», the council said in a statement yesterday.

Chandrasekaran reported from Baghdad.

واشینگتن پست در ۱۹ آذر ۱۳۸۲ (۱۰ دسامبر ۲۰۰۳)

اسناد سلاحهای غنیمتی ارتش آزادیبخش

درمورد سلاحهایی هم که ارتش آزادیبخش ملی ایران در بیش از ۱۰۰ رشته عملیات بزرگ و کوچک از رژیم آخوندی به غنیمت گرفت، آنها را در همان زمان مورد به مورد آمار می‌دادیم. مثلاً در عملیات فتح مهران در ۳۰ خرداد ۱۳۶۷، ارتش آزادیبخش ملی ایران، لشکر ۱۶ زرهی تحت امر خمینی و همین‌طور لشکر ۱۱ ضدامیرالمومنین مربوط به سپاه پاسداران را تارومار کرد. خسارت رژیم همان موقع اعلام شد که بیشتر از ۲ میلیارد دلار بود. غنائمی را که توانستیم به پشت جبهه منتقل کنیم ۱۸۱ دستگاه تانک، توپ و زره‌پوش، ۲۴۲ خودرو، ۱۲۳ قبضه خمپاره‌انداز، ۴۱۲ دستگاه موشک‌انداز و انواع و اقسام موشکها از سام ۷ تا مالیوتکا، مینی کاتیوشا و کاتیوشا و دریایی از تسلیحات و تجهیزات که حدود ۵۰ خبرنگار خارجی هم آنها را به چشم دیدند و عکس و فیلم گرفتند.



تصویرهایی از غنائم ارتش آزادیبخش در عملیات چلچراغ



DESERT SCORPIONS

These British-made Scorpion reconnaissance tanks formed the 16th armored division's second line of defense. All 14 were seized in battle, and many more destroyed (left). Soviet-made mobile multiple rocket launchers (*katyusha*) will add a significant kick to NLA artillery barrages (right).



تصویرهایی از غنائم ارتش آزادیبخش در عملیات چلچراغ



Disarming Khomeini

NLA displays \$2 billion in war booty

The capture of weapons and equipment in Iran. But the circumstances are a tale. Here, in a camp, the National Army of the Republic of Iran (NRI) is disarming the weapons, guns of etc. fuel storage tanks, jeeps, and trucks. Some of a large 5,000 sq. meters of the US 7130th Air Force Base.

According to a report in charge of the camp, only about 100 tanks and 100 jeeps were captured. They had passed through the hands of the NRI. No other weapons, jeeps, and trucks were captured. All the weapons and equipment captured by the NRI indicate that the



CHIEFLY CHIEFTAIN

Of the 54 tanks captured, 32 were British-made Chieftain main battle tanks, the best in Khomeini's arsenal (top). Twenty-five jeep-mounted 106mm recoilless rifles provide a potent anti-tank combat capacity (left).

تصویرهایی از غنائم ارتش آزادیبخش در عملیات چلچراغ

اعتراف خمینی

این هم نامه خمینی به خط خودش که در تاریخ ۲۵ تیر ۱۳۶۷ یعنی ۴ هفته بعد از فتح مهران توسط ارتش آزادیبخش ملی ایران است. یادتان هست که خمینی وقتی به قول خودش جام زهر آتش بس، آتش بس تحمیلی را سر کشید، گفت دلیلش را بعداً خواهد گفت. اما مرد و دلیلش را خودش نگفت و گذاشت تا دیگر سردمداران رژیم مثل ولایتی، مثل سران سپاه و بقیه‌شان بگویند که چیزی نبود جز ترس از پیشرویهای بعدی ارتش آزادیبخش.

حالا به چند سطر از نامه‌یی که به خط و امضای خود خمینی است، توجه کنید. خمینی می‌نویسد: «مسئولان جنگ می‌گویند تنها سلاحهایی که در شکستهای اخیر از دست داده‌ایم به اندازه تمام بودجه‌یی است که برای سپاه و ارتش در سال جاری در نظر گرفته شده بود».

گزارش وزارت خارجه آمریکا

گزارش وزارت خارجه آمریکا در سال ۲۰۰۷ در مورد تسلیحات مجاهدین از بابت سلاحهای سنگین، نوشته است: مجاهدین خلق بیش از ۲۰۰۰ تانک و نفربر زرهی و توپخانه سنگین داشتند که طبق موافقتنامه با نیروهای آمریکایی، آنها را تحویل دادند و به عنوان افراد حفاظت شده طبق ماده ۲۷ کنوانسیون چهارم ژنو شناخته شده‌اند.

Country Reports on Terrorism

Released by the Office of the Coordinator for Counterterrorism

April 30, 2007

Mujahedin-e Khalq Organization (MEK)

a.k.a. MKO; Mujahedin-e Khalq; Muslim Iranian Students' Society; National Council of Resistance; National Council of Resistance (NCR); Organization of the People's Holy Warriors of Iran; The National Liberation Army of Iran (NLA); The People's Mujahedin Organization of Iran (PMOI); National Council of Resistance of Iran (NCRI); Sazeman-e Mujahedin-e Khalq-e Iran

Strength

Estimates place MEK's worldwide membership in the several thousands, with large pockets in Paris and other major European capitals. In Iraq, roughly 7,000 MEK members are gathered under Coalition supervision at Camp Ashraf, the MEK's main compound north of Baghdad, where they have been designated as "protected persons" under Article 33 of the Fourth Geneva Convention. This status does not affect the group's members outside of Camp Ashraf or the MEK's designation as a Foreign Terrorist Organization. As a condition of the 2003 cease-fire agreement, the MEK relinquished more than 7,000 tanks; armored personnel carriers; and heavy artillery

بزرگترین لشکر سوار زرهی جهان

چهار سال و نیم بعد از گردآوری همین سلاحها بود که یک افسر آمریکایی که خودش شاهد بوده گفت به لحاظ انواع مهمات و تسلیحات و تعداد زرهی در یک لشکر؛ مجاهدین خلق در واقع بزرگترین لشکر سوار زرهی را در جهان ترتیب دادند.
(سایت ایست برانسوئیک سنتینل - ۲۸ دسامبر ۲۰۰۷)

Spotswood welcomes alumni back from war
Vets tell students about experiences serving in Iraq
BY JESSICA SMITH Staff Writer
East Brunswick Sentinel, USA



..."They actually had the world's largest CAV [cavalry] division."
"Remarkably, the cavalry unit of the PMOI is composed of all women, and women ran the regime as a whole."...

بیانیه رسمی سنتکام

بیانیه رسمی سنتکام (فرماندهی مرکزی ایالات متحده) در ۱۷ مه ۲۰۰۳ می گوید:
حل و فصل داوطلبانه و مسالمت آمیز پروسه گردآوری ۲۱۳۹ تانک و نفربر زرهی و قبضه های توپ و توپخانه و سلاحهای پدافندی بین مجاهدین خلق و نیروهای ائتلاف، سهم مهم و به سزایی در مأموریت ائتلاف برای ایجاد یک محیط امن و امان برای مردم عراق داشته است.



NEWS RELEASE

HEADQUARTERS UNITED STATES CENTRAL COMMAND
7115 South Boundary Boulevard
MacDill AFB, Fla.

33621-5101 Phone: (813) 827-5894; FAX: (813) 827-2211; DSN 651-5894

May 17, 2003

Release Number: 03-05-57

FOR IMMEDIATE RELEASE

Update on the Consolidation of the Mujahedin-E Khalq (MEK):

Coalition forces have consolidated 2,139 tanks, armored personnel carriers, artillery pieces, air defense artillery pieces and miscellaneous vehicles formerly in the possession of the Mujahedin-E Khalq (MEK) forces. The 4th Infantry Division also reports they have destroyed most of the MEK munitions and caches. The voluntary, peaceful resolution of the process by the MEK and the Coalition significantly contributes to the Coalition's mission to establish a safe and secure environment for the people of Iraq.

بیانیه ۱۷ مه ۲۰۰۳ سنکام

اسناد خرید خودروها

نمونه دیگر، خرید خودروها و ماشینهای مجاهدین است که وزارت بازرگانی هم گواهی کرده است. قابل توجه دولت عراق که نمی‌تواند براساس کنوانسیونهای لاهه به‌خصوص ماده ۵۲ و ۵۳ از اموال و داراییهای مجاهدین سلب مالکیت بکند والا اسم آن سرقت است و شکایت بین‌المللی به‌دنبال خواهد داشت.

این سند رسمی جمهوری عراق، وزارت بازرگانی است که، گواهی می‌کند سازمان مجاهدین خلق ایران یک فقره ۳۵۰۰ خودرو از انواع مختلف از خارج عراق وارد کرده است. یعنی از کشورهای مختلف ژاپن، کره جنوبی، کشورهای اروپایی، ۰۰۰ با هزینه خودش وارد کرده که مورد اسنادش هست.

حتماً یادتان هست که سال ۸۷ تعدادی از آنها و نه هم‌هاش را نشریه مجاهد شماره ۹۱۵ در ۵ تیر ۸۷ منتشر کرد و اسناد را کلیشه کرد که یکی از آنها سند ۳۵۰۰ خودرو بود. سند دیگر ۲ میلیون دلار خرید ایفا از دولت عراق است، بعدی باز یک میلیون و صد هزار دلار خرید ایفا از دولت عراق هست، ۵۰۴۷۳۳ دلار خرید «واژه» از دولت عراق هست، یک میلیون و ۱۹۰ هزار دلار خرید ۱۰ دستگاه اتوبوس در سال ۱۳۸۰ و بسیاری اسناد دیگر؛ از اسناد خرید سلاح، خرید مهمات، پرداخت ۸ میلیون دلار مابه‌ازای دینار (۴ میلیون دینار به‌نرخ رسمی دولتی در آن زمان برای این که نرخ بازار آزاد نصف این بوده) تا اسناد بیش از ۵ میلیون دلار پول تلفن به‌شركت كل ارتباطات و پست عراق در طول این سالها، تا اجاره خانه‌ها و تا پوشاک مجاهدین که از کجا خریداری می‌شده، مثلاً از کره جنوبی یا کشورهای اروپایی، تا لامپ رادیوشان، تا پولی که برای رله برنامه نیم‌ساعته یا یک ساعته تلویزیونی به‌وزارت تبلیغات عراق در آن زمان می‌داده‌اند. خوب آقای مالکی شما هم می‌توانید از زمانی که در پایگاه غیور و قرارگاه رمضان تشریف داشتید، اسناد خودتان را ارائه کنید؟

بسم الله الرحمن الرحيم

جمهورية العراق

وزارة التجارة
قسم المبيعات
عدد ١٥٨٨٧
التاريخ ١٣/٢/٢٠٠٢
٢٠٠٢ / ١٧/٦٤

الى / من يهينه الامر

الموضوع / شهادة

لصدر هذه الشهادة شلمة مجاهدي خلق الابرانية والتي تؤيد فيها انسا
اسكودت (٣٥٠٠) عجلة مختلفة الأنواع من خارج العراق وعلى
تلقنها الخاصة .

مع التقدير .

١٤ / وزارة التجارة
٢٠٠٢ / ١٣ / ٢

جمهورية عراق

وزارة بازرگانی

٢٠٠٢-١٢-١٣

موضوع: گواهی

این گواهی برای سازمان مجاهدين خلق ايران صادر شده است و
تاييد می کند که سازمان ٣٥٠٠ خودرو از انواع مختلف از خارج عراق
با هزینه خودش وارد کرده است.

با تشکر

از سوی وزیر بازرگانی

نامه وزارت بازرگانی عراق در مورد وارد کردن ٣٥٠٠ خودرو خریداری شده از خارج
به عراق، توسط مجاهدين

Bank Leu

Account number: 001/000/010
Branch: 01/010 01 01

To: Mr. Robert Kottmann
28, rue de la Vieille Herbe
4-0000 Nivelles

Dear Sir,

We herewith confirm the order of Mr. Adel S. Lakhani of November 25, 1988, to transfer with value date of December 5, 1988 CHF 2,000,000.-- to

Bank Leu
Kottmann Street Branch
Nivelles
1000-001-011
In favour of Mr. Mohamed Ali

We will therefore debit your CHF account No. 000-0000-0 with it.

Yours sincerely,
Bank Leu

أقای عزیز
بدینوسیله تأیید می‌شود که با سفارش آقای ... در تاریخ ۲۸ نوامبر ۱۹۸۸ مبلغ ۲,۰۰۰,۰۰۰ دلار یا تاریخ اعتبار ۵ دسامبر ۱۹۸۸ به حساب زیر منتقل شده است.
بانک رالندین
شعبه خیابان کلمنتین
نیلد

واریزی مبلغ
۲ میلیون دلار از
سوی مجاهدین به
حساب دولت عراق
بابت خرید
خودروهای آیف

واریزی مبلغ ۵۰۴ هزار
و ۷۳۳ دلار از سوی
مجاهدین به حساب
دولت عراق بابت خرید
۱۰۰ دستگاه خودرو
واز

ORDER

Name: _____

Account number: 00 F _____

I/We _____ say _____

UNION BANK OF SWITZERLAND, GENEVA

Account No. 300 _____

Kottmann Street _____

Branch of Grand Nivelles _____

Swissfr. _____

Trans. _____

Am. 500,000 \$ _____

Geneva, 5.12.1988 Signature: _____

Address: _____

Name: FOC/03/145 No: 673 Date: _____

رسید پرداخت
 ۱۱,۰۱۴,۰۰۰ دینار از
 سوی سازمان مجاهدین
 خلق ایران به وزارت
 دفاع عراق بابت خرید
 سلاح و مهمات



مبالغ زیر بر اساس چکهای آن به این شرح دریافت شد:
 ۱- مبلغ ۲,۲۲۰,۰۰۰ (دو میلیون و هشتصد و بیست هزار دینار) به موجب چک شماره
 ۲۲۲۶۲۶۱ در تاریخ ۲۰۰۱/۹/۲۱
 ۲- مبلغ ۸,۷۹۴,۰۰۰ (هشت میلیون و نوستونصد و چهار هزار) دینار به موجب چک
 شماره ۲۲۱۳۵۹۹

مؤاد فوق را با امضا تأیید می‌کنم
 با احترام - ناصر - مسئول امور نظامی
 ۲۰۰۱/۱۱/۲۹

رسید پرداخت
 ۲۲۳ میلیون دینار
 از سوی سازمان
 مجاهدین خلق ایران
 به ارتش عراق
 بابت نصب خمپاره
 انداز ۱۲۰ میلیمتری
 بر روی خودروهای
 زرهی M۱۱۳ ارتش
 آزادبخش که در
 عملیات فتح مهران
 به غنیمت گرفته
 شده بود



به سازمان مجاهدین خلق ایران
 موضوع: مسلح کردن خودروها
 عطف به قرارداد های منعقد شده با سازمان فوق الذکر مقرر گردید (۳۰) فروند خودرو زرهی
 مدل M۱۱۳ به خمپاره انداز الجلیل (۱۲۰ میلیمتری) به قیمت (۱۰۰) میلیون
 دینار انجام شد و به اضافه (۲۲) خودروی آبی به مبلغ ۱۲۰ میلیون (یک صد و بیست
 میلیون دینار) وهم چنین نمونه اولیه به مبلغ سه میلیون دینار تحویل داده شد. با این
 ترتیب مجموع مبلغ دریافتی از سازمان به (۲۲۳) دو صد و بیست و سه میلیون دینار بالغ
 گردید.
 با تشکر
 سرانجام مهندس
 شاکر محمود صالح
 مدیر مرکز پژوهش های توپخانه
 ۲۰۰۱/۹/۲۲

Ordre de paiement / Zahlungsauftrag / Ordine di pagamento / Payment order

Société de Banque Suisse / Schweizerischer Bankverein / Società di Banca Svizzera
Tutti dei pagamenti / Alle Zahlungen / Tutti dei pagamenti

Genève

Veuillez honorer par le débit de mon/votre compte: Bitte vergüten Sie zu Lasten meines/unserees Kontos: Vogliate bonificare a debito del mio/vostro conto: Please transfer to the debit of my/our account:

4 8 9 8 7 - A. F.

Compte: **CD-48987.0**

Crédit Suisse

Nom du bénéficiaire / Name of beneficiary / Beneficiario	Adresse / Address / Indirizzo	Compte / Account / Conto	Montant / Amount / Importo
Dr. Abdul SATTAH	Mr. Ali Al-Abdulah	GENEVE	CHF 57.24.00

Genève, le 3.4.87

Secrétariat II

Ordre de paiement / Zahlungsauftrag / Ordine di pagamento

Crédit Suisse
Case postale
1211 Genève 11

Veuillez effectuer le paiement suivant par le débit de votre compte: Wir ersuchen Sie, zuzulassen unsere Kontos folgende Vergütung auszuführen: Vogliate eseguire, a debito del nostro conto, il versamento seguente:

Crédit Suisse
616 213-72-1

Mr. Rodjcha FIRKADJANI

Dr. Abdul Sattar and/or Mr. Ali Al-Abdulah
A/c n° 14554-029 - NIB4

Genève 03.04.87

CHF 5'000'000.--

Genève 03.04.87

Lombard Odier Bank & Cie
Genève

Position OK

پرداخت ۸ میلیون دلار مابه‌ازای دریافت ۴ میلیون دینار از دولت عراق (بانرخ رسمی دولتی - دوبرابر بازار آزاد)

اسناد پرداخت هزینه آب و برق اشرف

در همین سال ۲۰۰۹، ماه به ماه ماهیانه بیش از ۲۰۰ هزار دلار برای برق اشرف از ما می‌گیرند که این البته تمام برق اشرف نیست، چون ژنراتورهای جداگانه خودش را دارد و تأسیسات برقی خودش را که خواهم گفت.

در همین سالها، یعنی از سال ۲۰۰۴ تا امروز، حدود ۱۵ میلیون دلار صرف تأسیسات آب و برق اشرف شده است. آمریکاییها هم حضور داشتند، اسنادش هم هست که تماماً و مطلقاً حاصل کار و زحمت مجاهدین و پول خودشان و هوادارانشان و هموطنانشان است. یکبار موفق الربیعی گفت ثروتمندانی هستند در میان ایرانیها که به اینها کمک می‌کنند. لابد خلقی که صدهزار جان فرزندان خودش را، خون فرزندان خودش را تقدیم می‌کند، دیگر پول فرع بر آن است، بسیار ناچیزتر از جان عزیزترین و رشیدترین فرزندان ایران است. بفرمایید این هم قبضه‌های برق و آب آمده است. بفرمایید این قبضه‌های آب و برق...

PROFORMA INVOICE																			
 MODERN TRADE COMPANY FOR TRADING AGENCIES PO BOX 982396 AMMAN 11186 JORDAN 98 Abdul Rahman Alwalid Street, Near Bristol Hotel. Tel: 00962 6 54888153/54888170 Fax: 00962 6 5488810		Proforma Invoice no: 0001																	
		Date: Feb 02 2009	PAGE NO: 1																
Buyer: MS Hemodik		COUNTRY OF ORIGIN: EUROPEAN COMMUNITY UNITED KINGDOM																	
PLACE OF DELIVERY: Ex-works High-Ded warehouse	AIT Name: Modern Trade Co. For Trading Agencies AIC No: 001 98082 0010 Bank Name: The Housing Bank For Trade and Finance Branch: The Main Branch Swift: BHUJUA33000																		
Payment Terms: 20% down payment, 20% upon loading the goods on truck, 60% net 60 days	SALE AGREEMENT NO: AIC Name: Modern Trade Co. For Trading Agencies AIC No: 001 Bank Name: The Housing Bank For Trade and Finance Branch: The Main Branch Swift: BHUJUA33000																		
<table border="1"> <thead> <tr> <th></th> <th>Quantity</th> <th>Unit Price (USD)</th> <th>Total</th> </tr> </thead> <tbody> <tr> <td>1550 DC Ques</td> <td>4</td> <td>220000.00</td> <td>880,000.00</td> </tr> <tr> <td>1550 DC Ques</td> <td>1</td> <td>160,000.00</td> <td>160,000.00</td> </tr> <tr> <td colspan="2"></td> <td>Total amount</td> <td>1,040,000.00</td> </tr> </tbody> </table>					Quantity	Unit Price (USD)	Total	1550 DC Ques	4	220000.00	880,000.00	1550 DC Ques	1	160,000.00	160,000.00			Total amount	1,040,000.00
	Quantity	Unit Price (USD)	Total																
1550 DC Ques	4	220000.00	880,000.00																
1550 DC Ques	1	160,000.00	160,000.00																
		Total amount	1,040,000.00																
Payment terms:		Total amount:	1,040,000.00																

Modern Trade
for Trading Agencies



سند خرید ۵ ژنراتور - ۲ فوریه ۲۰۰۹
۱۵۵ هزار دلار

#PROFORMAINVOICE

 MODERN INVOICING COMPANY FOR TRADING AGENCIES PO BOX 622286 AMMAN 11196 JORDAN 16 Abdul Rahman Alawfi Street, Near Oriental Hotel, Tel: 00962 6 86999911/0542626278 Fax: 00962 6 8699990		Proforma Invoice no A022	
		Date issued: 2008	Invoice no: 1
Buyer: M/S Hamdika		COUNTRY OF ORIGIN EUROPEAN COUNTRIES EUROPEAN COM	
PLACE OF DELIVERY: Ex-works Incoterms:	Bank Information: Jordan Jordan Investment and Finance Bank, Main Branch, Bank Code: JFQJQJAA, Branch: Modern Invoicing Company for Trading Agencies, Account Number: 54741202, Account Name: Modern Invo. Co. For Trading Agencies		
Bank payment: Bank code, account number and reference of bank to our bank reference			
	Quantity	Unit Price (JOD)	Total
Quantity: Power Generator CHD25-Cum Quantity: Power Generator 15KVA-Cum	1	20,000.00	20,000.00
	1	16,800.00	16,800.00
	PROFORMAINVOICE TOTAL		36,800.00
 Modern Invoicing for Trading Agencies		Authorized signature 	

سند خرید زنراتور - ژوييه ۲۰۰۸
 ۱۶۸ هزار دلار

Modern Iraq Company For Trading agencies
Hay Al-Wahda,
No 2, St. 38, Dis. 904
Ehwal, Baghdad, Iraq
Tel: +964 1 718 0000
Fax: +964 1 718 0000
E-mail: cummins@al-burha.com
www.cummins.ir.burha.com



INVOICE

Customer

Name: Mr. Sam Nassari
Address:
City: Erbil
Phone:
Mobile:

Invoice #: MIRA 12-05-0216
Invoice Date: December 28-2006

Item	Description	Qty.	Unit Price	Total Price
1	Cummins Generator Model C1875D55	2	\$220,000.00	\$440,000.00
	Serial Numbers			
	SN G00023300			
	SN G00023340			
	Low voltage payment			\$19,000.00

Payment 000

Sub Total \$19,000.00
Total Due \$19,000.00

Warranty: One year from this invoice date as per standard manufacturer warranty.

Signature:

سند خرید دو عدد ژنراتور - ۲۰ دسامبر ۲۰۰۶
۳۷۶ هزار دلار

Modern Iraq Co. For Trading Agencies



Date : 17/10/2006

Invoice

Invoice No : 2
Invoice Date : 17/10/2006

Customer Name : Mazaan Saad Nashed

Address : Baghdad / al - muthana

Phone No : 07902502912

Item	Serial No.	Engine No.	Description	Qty	Unit Price \$	Total Price \$
1	2003010500	22125043	GENERATOR	1	229000.00	229000.000
Parts Cost \$						229000.000
6.0 % Discount Amount \$						6.000
Total Invoice \$						229000.000

[Signature]
Sales Manager
عبدالله محمد
17/10/06

Customer Signature

توريد استلزام الشركة الفائزة بتاريخ المبلغ
بمبلغنا موزون في المحرم
عبدالله محمد
17/10/06

شركة العراق العامة للتجارة الخارجية

Address : Baghdad- Agate for Trade
E-mail : com@iraq-trading.com
Phone : 7190020
Fax : 7190020



العنوان : بغداد - آجات للتجارة
البريد الإلكتروني : com@iraq-trading.com
الهاتف : 7190020
الفاكس : 7190020

سند خرید ژنراتور - ۱۷ اکتبر ۲۰۰۶
۲۲۹ هزار دلار

000	Additional price 315kW motor	1 Pz	1.900,00	1.900,00
040	SOS inspection	1 Pz	1.900,00	1.900,00
	Sea freight charges	1 Pz	2.100,00	2.100,00

Two cases

Case 1: 1 x 1 pump type H20-157500 with electric motor

Dimensions : 900*1200*170 cm
Gross weight : 2100 kg
Net weight : 2035 kg

Case 2: 1 x 1 pump type H20-152500 with electric motor

Dimensions : 900*1200*170 cm
Gross weight : 2050 kg
Net weight : 2000 kg

H.S. code : 84107000

Origin: European Community / The Netherlands

Total 66.063,00

Prices are in EUR, and exclude all duties, taxes and costs.

Delivery : CIF insurance and freight - Kuwait port



سند خرید پمپ آب ۶۶هزار و ۹۸۰ دلار

Shahid Naji Company For Trading services
 P.O. Box 100
 No. 2, St. 30, St. 204
 Mansour, Baghdad, Iraq
 Tel: +964 7709000
 Fax: +964 7709000
 E-mail: shahidnaji@shahidnaji.com
 www.shahidnaji.com



SHIPPING

Customer: **SHAHID NAJI COMPANY**
 Name: _____
 Address: _____
 City: _____
 Phone: _____
 Mobile: _____

Invoice No: **SHH000000**
 Date: **2011/04/20**

Invoice Date: **2011/04/20**
 Invoice No: **SHH000000**

Item	Description	Qty	Unit Price	Total Price
1	Quantity: Three (3) Pieces (3) of Qty.			
	SHH000000	1	33,900.00	33,900.00
	SHH000000	1	33,900.00	33,900.00

Norit Nijhuis
 leading in pure water

SHIPPING INVOICE NO. H2009880

Consignee:
 Mr. Abbas Chasim Mohammed
 Dora Province - Iraq
 Kirkuk

Buyer and Notify address:
 NASHID TRADE
 Baghdad - Iraq
 Tel: 00 964 77005 66795

Invoice No: **H0217YE**
 Your contact person: **Shahid**
 Order date: **2011-03-08**
 Customer code: **142843**

Order number: **200849**
 Contact person: **A. Belling**
 Page: **1 of 2**
 Date: **21-04-2011**

Item	Partcode	Description	Qty	Unit	Price/Unit	Total
010	H02-150600 E	Pump with electric motor	1	Pc	33,900.00	33,900.00
	Capacity:	0.1117 m³/hr				
	Capacity:	430 m³/d				
		190 x 110 x 127 mm / 7.5 x 4.3 x 5.0 in				

Norit Nijhuis
 leading in pure water

Commercial INVOICE NO. H2009880

Buyer and notify:
 Mr. ABBAS CHASIM MOHAMMED
 Dora province - Iraq
 Kirkuk

Invoice No: **H02-2TYE**
 Your contact person: **Shahid**
 Order date: **2011-03-08**
 Customer code: **52640**

Order number: **200849**
 Contact person: **A. Belling**
 Page: **1 of 2**
 Date: **21-04-2011**

Item	Partcode	Description	Qty	Unit	Price/Unit	Total
010	H02-150600 E	Pump with electric motor	1	Pc	33,900.00	33,900.00
	Capacity:	0.1117 m³/hr				
		430 m³/d				
		190 x 110 x 127 mm / 7.5 x 4.3 x 5.0 in				

اسناد خرید ژنراتور و پمپهای آب
 ۱۰۶ هزار و ۳۵۰ دلار

Modern Iraq Company For Trading agencies
 Hay Al-Walid
 No 2, St. 30, Cl. 894
 Erbil, Baghdad, Iraq
 Tel: +964 1 719 0020
 Fax: +964 1 719 0025
 E-mail: cummins@al-banlia.com
 www.cummins.al-banlia.com



Spare Parts Invoice

Customer	Misc
Name: Mr. Ahmad Huda	Invoice #: MICTA 12 08 001
Address:	Invoice date: 20-12-08
City:	Customer Inquiry #:
Phone:	Customer Inquiry date:
Mobile: 07 727 814 087	

Item	Part No.	Description	Qty	Unit Price	Total Price
1	0541-2612	CONTROL KIT (COM)	4	\$1,025.00	\$4,100.00
2	0441-2888-02	CONTROL KIT (NETWORK GATEWAY)	1	\$1,869.00	\$1,869.00
3	0224-1800	CABLE TR 1/4" PVC 400 (TEXT)	1	\$502.43	\$502.43
4	0884-0218-02	POWER SOFTWARE KIT W/NETWORK	1	\$850.00	\$850.00
5	0541-2612	CONTROL KIT (DM EXP)	1	\$500.00	\$500.00
6	0541-2607-04	CONTROL KIT (ETHERNET ROUTER)	1	\$5,011.00	\$5,011.00
7	0884-077-04	FFPower Software with dongle	1	\$1,463.00	\$1,463.00
8	0228-2408	KAWASK TRAMP (TEXT)	2	\$53.00	\$106.00
9	0183-0444	WATTMETER (0-120 W)	1	\$150.00	\$150.00
10	4800088	ALTERNATOR	2	\$75.00	\$150.00
11	0228-2408	KAWASK TRAMP	1	\$608.00	\$608.00
12	08277-00114	MOTOR STARTER	1	\$118.00	\$118.00
13	0228-2008-01	VOL 1/4" 104-40 (3-3000-KW)	1	\$168.00	\$168.00
14	0228-20-10	METER-FREQUENCY	1	\$168.00	\$168.00
15	0228-20-11	AMMETER (0-120A)	1	\$168.00	\$168.00
16	0228-20-12	WATTMETER (0-120 W)	1	\$168.00	\$168.00
17	0228-1045	SWITCH 300V 100A 100V (TEXT)	1	\$47.00	\$47.00
18	0228-2002	CABLE ASSY-RIBBON	1	\$47.00	\$47.00
19	0228-2002	REGULATOR AUTO VOLT (3W)	1	\$208.00	\$208.00
20	0228-2002-01	TRANSFORMER CURRENT	3	\$158.00	\$474.00
21	0080001	VALVE-SPLITTER	1	\$111.00	\$111.00
22	0228-2011-02	CABLE ASSY-RIBBON	1	\$46.00	\$46.00
23	0228-2011-01	CABLE ASSY-RIBBON	1	\$46.00	\$46.00

Payment: Cash

Sub Total	\$18,017.12
3% Discount	\$541.12
DHL Charge	\$1,200.00
Total Due	\$18,676.00
50% Advance Paid	\$9,338.00
Total Due	\$9,338.00

توريدات اسلانا من اسلانا
 رقم (9788) على حساب اسلانا
 ولا يجوز ان يكون له اي
 ولا يجوز ان يكون له اي
 الا ان يكون له اي

Prepared by: [Signature]
 Signature: [Signature]

شركة العراق الحديث للخدمات التجارية
 - التوليدات -

سند خرید تجهيزات برقی - ۲۸ دسامبر ۲۰۰۸
 ۱۹ هزار و ۳۷۶ دلار

سند خرید
ترانسفورماتور
۲۵ مارس ۲۰۰۹
۱۸ هزار و ۸۰۰ دلار

OTDS Ltd		Invoice		
UNIT 11 SPYFIRE BUSINESS PARK HEAWLER ROAD CROUDON CB8 4WD UK Tel: +44208511125 Fax: +44208669913				
INVOICE NO: 00973 Invoice Status: Invoiced		INVOICE DATE: 20090302	INVOICE TO:	
CLIENT NO	PRJ NO	FORM	SHIP TO	FROM
	QTY	UNIT PRICE	TOT	
ITEM	DESCRIPTION	QTY	UNIT	AMOUNT
0001	TRANSFORMER OF CUBIC CAPACITY 2500KVA 11KV/0.4KV, 50HZ, 3PHASE, 3WIRE, 4WIRE, 400V, 500V, 600V, 700V, 800V, 900V, 1000V, 1100V, 1200V, 1300V, 1400V, 1500V, 1600V, 1700V, 1800V, 1900V, 2000V, 2100V, 2200V, 2300V, 2400V, 2500V, 2600V, 2700V, 2800V, 2900V, 3000V, 3100V, 3200V, 3300V, 3400V, 3500V, 3600V, 3700V, 3800V, 3900V, 4000V, 4100V, 4200V, 4300V, 4400V, 4500V, 4600V, 4700V, 4800V, 4900V, 5000V, 5100V, 5200V, 5300V, 5400V, 5500V, 5600V, 5700V, 5800V, 5900V, 6000V, 6100V, 6200V, 6300V, 6400V, 6500V, 6600V, 6700V, 6800V, 6900V, 7000V, 7100V, 7200V, 7300V, 7400V, 7500V, 7600V, 7700V, 7800V, 7900V, 8000V, 8100V, 8200V, 8300V, 8400V, 8500V, 8600V, 8700V, 8800V, 8900V, 9000V, 9100V, 9200V, 9300V, 9400V, 9500V, 9600V, 9700V, 9800V, 9900V, 10000V.	1	00000	118000
NET TOTAL: 118000 VAT Total (10%): 11800 Total To D: 129800				

Item No	Description	Length (m)	Cost per unit	Total Cost	Remarks
1	Lines/Accessories with High Tension Line from KHALIS to ASBAP	55000 by 7	\$7000	\$385000000	
2	For high Tension to Khalis-Transformer 11KV to 11KV line	1 Unit	\$25000000	\$25000000	
3	Street Lights Network of Ashraf and its Surroundings Area	20000	\$4000	\$80000000	
4	The Low Voltage Power Network	5000	\$2000	\$10000000	
5	11KV to 11KV Control Ashraf Power Station Equipment	1 Unit	\$25000000	\$25000000	
6	Transformers ranging from 1000 to 1000	20 Units	\$2500000	\$50000000	
Total Cost				\$1,159,000,000	

برآورد هزینه شبکه برق اشرف به مبلغ ۱ میلیون و ۱۹۷ هزار دلار

Quantity Estimate for Clean and Raw Water network					
ITEM	DESCRIPTION	UNIT	QTY	PRICE	TOTAL
	Supply pipe work, extend tie down, connect with all necessary accessories (elbows, tees, flanges, washers, transducers, valves, adaptors, reducers, jo-jobs, bolts & nuts, unions, etc) putting sand under pipes, test, buckle, seal joint & cut soil, for asbestos				
1	as per				
10	Diameter 10 inch	ML	115.00	170000	19550000
11	Diameter 12 inch	ML	175.00	200000	35000000
12	Diameter 14 inch	ML	11.00	70000	7700000
	Diameter 16 inch	ML	15.00	80000	12000000
	Diameter 18 inch	ML	15.00	70000	10500000
	Diameter 20 inch	ML	10.00	100000	10000000
	Diameter 22 inch	ML	10.00	100000	10000000
	Diameter 24 inch	ML	10.00	100000	10000000
	Diameter 26 inch	ML	10.00	100000	10000000
	Diameter 28 inch	ML	10.00	100000	10000000
	Diameter 30 inch	ML	10.00	100000	10000000
	Subtotal				108750000
13	Supply pipe work, Extend tie down, connect with all necessary accessories (elbows, tees, flanges, reducers, manifolds, valves, adaptors, unions) metal, putting sand under pipes, test, buckle with sealant, cut soil, coated with oil, for seams, asbestos pipes)				
	Diameter 12 inches	ML	1.00	50000	500000
	water tank in elevated tank with corr. base and corr. or steel lower.				
14	Capacity 700 m ³	No	1	10000000	10000000
15	storage tank with corr. base a- capacity 100 m ³	No	1	10000000	10000000
	b- capacity 150 m ³	No	1	10000000	10000000
	Subtotal				10000000
16	ground water storage tank made of R.C. capacity 10000 m ³	No	1	10000000	10000000
	Package water supply unit capacity 100 m ³ /h	No	1	7000000	7000000
17	Impound water pump station with pumps, pipes, check valves, strainers, gate valves, flanges, washers, gaskets, bolts & nuts, and electrical boards, V, Δ starters. The pumps running power are: a- 100 Kw	No	1	7000000	7000000
	b- 150 Kw	No	1	7000000	7000000
	c- 150 Kw	No	1	7000000	7000000
	d- start by generator capacity 100 Kw	No	1	7000000	7000000

برآورد هزینه شبکه آبرسانی اشرف

Quantity Estimate for Clean and Raw Water network					
ITEM	DESCRIPTION	UNIT	QTY	PRICE	TOTAL
Subtotal					7,600,000.00
11	Raw water pump station with pumps, pipes, check valves, strainers, gate valves, flanges, washers, gaskets, bolts & nuts, and electrical boards, V.S starters. The pumps running power are	No	1	7,600,000.00	7,600,000.00
	a- 1500 kw	No	1	7,600,000.00	7,600,000.00
	b- 1500 kw	No	1	7,600,000.00	7,600,000.00
	c- 1500 kw	No	1	7,600,000.00	7,600,000.00
	d- 1500 kw	No	1	7,600,000.00	7,600,000.00
	e- 1500 kw	No	1	7,600,000.00	7,600,000.00
Subtotal					7,600,000.00
12	Raw water pump station with pumps, pipes, check valves, strainers, gate valves, flanges, washers, gaskets, bolts & nuts, and electrical boards, V.S starters. The pumps running power are	No	1	7,600,000.00	7,600,000.00
	a- 1500 kw	No	1	7,600,000.00	7,600,000.00
	b- 1500 kw	No	1	7,600,000.00	7,600,000.00
	c- 1500 kw	No	1	7,600,000.00	7,600,000.00
	d- 1500 kw	No	1	7,600,000.00	7,600,000.00
	e- 1500 kw	No	1	7,600,000.00	7,600,000.00
Subtotal					7,600,000.00
13	Water supply project with pumps, pipes, check valves, gate valves, flanges, washers, gaskets, bolts and nuts, electrical boards, starters the project consists from:				
	a- low lift pumps running power 10 kw	No	1		
	b- High lift pumps running power 10 kw	No	1		
	c- filter running power 3 kw	No	1		
	d- Over head crane	No	1		
	e- Sediment pool 100 m ³	No	1		
	f- Ground storage tank 1000 m ³	No	1		
	g- Alum sulphate dosing pump	No	1		
	h- Alum sulphate mixer	No	1		
	i- Chlorinator 100 g/day	No	1		
	j- Mud pump	No	1		
	k- High pressure mud pumps	No	1		
	l- Fuel storage tank 100 m ³	No	1		

برآورد هزینه شبکه آبرسانی اشرف

Quantity Estimate for Clean and Raw Water network					
ITEM	DESCRIPTION	UNIT	QTY	PRICE	TOTAL
m-	Stand by generator 10-kva	No	1		1,240,000,000
n-	Stand by generator board	No	1		
o-	Electrical board for all equipment	No	1		
p-	Roll up cover				
q-	Check valves				
r-	Gate valves				
s-	Isolation valves				
t-	Foot valves				
u-	1/2" pipe inside project				
v-	CMU pipe stands				
w-	Welding				
x-	Gas pipe				
y-	Ball and valve				
z-	All cables and wires and all con. Structures				
Grand Total					1,240,000,000





برآورد هزینه شبکه آبرسانی اشرف
 ۲۶ میلیارد و ۲۴۰ میلیون و ۶۷۰ هزار دینار

020	Additional pipe 200mm water	1 Pcs	1.990,00	1.990,00
030	SA Pumpstation	1 Pcs	1.500,00	1.500,00
	Sea freight charges	1 Pcs	2.100,00	2.100,00

Two cases

Case 1: s.t.c. pump type HGS-105000 with electric motor

Dimensions: 305*120*170 cm
Gross weight: 2030 kg
Net weight: 2005 kg

Case 2: s.t.c. pump type HGS-105000 with electric motor

Dimensions: 305*120*170 cm
Gross weight: 2030 kg
Net weight: 2005 kg

H.S. code: 84137000

Origin: European Community / The Netherlands

Total 68.980,00

Prices are INCL. and exclude all duties, taxes and fees.

Delivery: CIF Insurance and Freight - Home port



سند خرید پمپ آب ۶۶ هزار و ۹۸۰ دلار

Tel. (+91) 22 254 888
 Fax (+91) 22 254 888
 (+91) 22 254 888
 (+91) 22 254 888
 (+91) 22 254 888

SHIPPING

Description: **Shipping Pump Generator**
 Qty: **1**
 Unit Price: **33,900.00**
 Total Price: **33,900.00**

Norit Nijhuis

Leading in purification

SHIPPING INVOICE NO. H200980

Consignee:
 Mr. Abbas Ghasim Mohammed
 Dika Province - Iraq
 Kufa

Buyer and Notify address:
 NASHID TRADE
 Bagdad - Iraq
 Tel: 00 964 77025 88798

Your ref: **H200980**
 Your contact person: **Shafiq**
 Order date: **20-11-2008**
 Customer code: **60630**

Order number: **128343**
 Contact person: **A. Bahig**
 Page: **11 of 2**
 Date: **12-04-2009**

Item	Partcode	Description	Qty	Price/ Unit	Total
010	H20-10060 E	Pump with electric motor	1 Pz	33,900.00	33,900.00
	Capacity:	Q: 11.7 Dm			
	discharge:	100 m/h / 180 m / 100 m / 75.0%			

Norit Nijhuis

Leading in purification

Commercial INVOICE NO. H200980

Buyer and notify:
 Mr. ABBAS GHASIM MOHAMMED
 Dika province - Iraq
 Kufa

Your ref: **H200980**
 Your contact person: **Shafiq**
 Order date: **20-11-2008**
 Customer code: **60630**

Order number: **128343**
 Contact person: **A. Bahig**
 Page: **11 of 2**
 Date: **12-04-2009**

Item	Partcode	Description	Qty	Price/ Unit	Total
010	H20-10060 E	Pump with electric motor	1 Pz	33,900.00	33,900.00
	Capacity:	Q: 11.7 Dm			

Modern Iraq Company For Trading agencies
 Hay Al-Manica
 No 8, St. 28, Da. 894
 Erbil, Baghdad, Iraq
 Tel: +964 1 719 0820
 Fax: +964 1 719 0820
 E-mail: cummins@ol-buyrka.com
 www.cummins.ir-buyrka.com



Spare Parts Invoice

Customer		Misc	
Name:	Mr. Ahmad Hafez	Invoice #:	MCTA 12-08-001
Address:		Invoice date:	28-12-08
City:		Customer inquiry dt:	
Phone:		Customer inv. date:	
Mobile:	07 700 811 887		

Item	Part No.	Description	Qty	Unit Price	Total Price
1	0541-0813	CONTROL KIT (SCAN)	4	\$7,400.00	\$29,600.00
2	0541-0848-03	CONTROL KIT (NETWORK GATEWAY)	1	\$1,688.00	\$1,688.00
3	0334-1850	CABLE TW (10 PVD-PC) (TEXT)	1	\$600.00	\$600.00
4	0334-2014-02	POWER SWITCHING KIT W/MPACTOR	1	\$600.00	\$600.00
5	0541-2072	CONTROL KIT (DM-APP)	1	\$348.00	\$348.00
6	0541-0867-04	CONTROL KIT (THIRTY FIVE ROUTE I)	1	\$8,071.00	\$8,071.00
7	0868-077-04	35-hp-3000 Series with Acapla	1	\$1,480.00	\$1,480.00
8	0700-0402	BRUSH-TE MP (TEXT)	2	\$60.00	\$120.00
9	0700-0444	W/TEMPER (1-20%)	2	\$187.00	\$374.00
10	484488	ALTERNATOR	1	\$187.00	\$187.00
11	0700-0405	BRUSH-TE MP	2	\$70.00	\$140.00
12	0402-0200X	MOTORCYCLES	1	\$288.00	\$288.00
13	0302-2009-01	VOLTAJES DE 2000000000	1	\$176.00	\$176.00
14	0302-2010	METER PRODU RNCY	1	\$146.00	\$146.00
15	0302-2011	ANALOG (E-200)	1	\$185.00	\$185.00
16	0302-2012	BATTERY (E-200)	1	\$146.00	\$146.00
17	0302-2013	SWITCH (E-200) (TEXT)	1	\$47.00	\$47.00
18	0302-2014	CABLE ASSY (E-200)	1	\$47.00	\$47.00
19	0302-2015	INJECTION (E-200) (TEXT)	1	\$200.00	\$200.00
20	0302-2016	VALVE (E-200)	2	\$100.00	\$200.00
21	0302-2017	VALVE (E-200)	1	\$111.00	\$111.00
22	0302-2018	CABLE ASSY (E-200)	1	\$70.00	\$70.00
23	0302-2019	CABLE ASSY (E-200)	1	\$49.00	\$49.00

Payment: Cash

Sub Total	\$35,017.12
2% Discount	\$700.34
OH/ Charge	\$1,000.00
Total Due	\$35,017.12
5% Advance Paid	\$1,750.86
Total Due	\$33,266.26

توريد اقساما من اسبوع
 الى (٩٦٨٨) على اقسامات شهرية
 وبما ان اقساما من اسبوع
 ولا بد من اقساما من اسبوع
 الاقسامات

Prepared by: [Signature]
 Signature: [Signature]

شركة العراق الحديث للوكالات التجارية
 للوكالات

سند خرید تجهيزات برقی - ٢٨ دسامبر ٢٠٠٨
 ١٩ هزار و ٣٧٦ دلار

Quantity Estimate for Clean and Raw Water network					
ITEM#	DESCRIPTION	UNIT	QTY	PRICE	TOTAL
	Supply riser pipe, Exposed to down, connect with all necessary accessories (elbows, tees, flanges, washers, flange nuts, bolts, nuts, adapt. washers, o-rings, bolts & nuts, union, caps, putting sand under pipes, bit. Bulked with 40% soft soil, for asbestos pipes)				
10	100mm dia riser	M	115.00	115.000000	13225.000000
11	150mm dia riser	M	115.00	115.000000	13225.000000
12	200mm dia riser	M	115.00	115.000000	13225.000000
	100mm dia riser	M	115.00	115.000000	13225.000000
	150mm dia riser	M	115.00	115.000000	13225.000000
	200mm dia riser	M	115.00	115.000000	13225.000000
	250mm dia riser	M	115.00	115.000000	13225.000000
	300mm dia riser	M	115.00	115.000000	13225.000000
	350mm dia riser	M	115.00	115.000000	13225.000000
	400mm dia riser	M	115.00	115.000000	13225.000000
	450mm dia riser	M	115.00	115.000000	13225.000000
	500mm dia riser	M	115.00	115.000000	13225.000000
	Subtotal				132250.000000
	Supply riser pipe, Exposed to down, connect with all necessary accessories (elbows, tees, flanges, washers, flange nuts, bolts, nuts, adapt. washers, o-rings, bolts & nuts, union, caps, putting sand under pipes, bit. Bulked with 40% soft soil, coated with bitumen, for seamless steel pipes)				
	100mm dia riser	M	1.00	1.000000	1.000000
	water tank is elevated tank with corr. base and corr. for steel tower.				
1	Capacity 100 m ³	Nos	1	1.000000	1.000000
2	Capacity 1000 m ³	Nos	1	1.000000	1.000000
3	Capacity 10000 m ³	Nos	1	1.000000	1.000000
	Subtotal				3.000000
A	ground water storage tank made of R.C. capacity 10000 m ³	Nos	1	1.000000	1.000000
A	Package water supply unit capacity 100 m ³ /hr	Nos	1	1.000000	1.000000
10	Integrate water pump station with pumps, pipes, check valves, strainers, gate valves, flange washers, gaskets, bolts & nuts, and electrical boards V, & starters. The pumps run on power line				
1	Capacity 100 m ³	Nos	1	1.000000	1.000000
2	Capacity 1000 m ³	Nos	1	1.000000	1.000000
3	Capacity 10000 m ³	Nos	1	1.000000	1.000000
4	Capacity 100000 m ³	Nos	1	1.000000	1.000000

برآورد هزینه شبکه آبرسانی اشرف

Quantity Estimate for Clean and Raw Water network					
ITEM	DESCRIPTION	UNIT	QTY	PRICE	TOTAL
Subtotal					T.0000000
11	Raw water pump station with pumps, pipes, check valves, strainers, gate valves, flanges, washers, gaskets, bolts & nuts, and electrical board, V.A starters. The pumps running power are				
	a- 1500 kw 100 m ³ /hr	No	1	10000000	10000000
	b- 750 kw 50 m ³ /hr	No	1	10000000	10000000
	c- 375 kw	Nos	1	10000000	10000000
	d- 187.5 kw	No	1	10000000	10000000
	e- 93.75 kw	No	1	10000000	10000000
	f- 46.875 kw	No	1	10000000	10000000
Subtotal					60000000
12	Raw water pump station with pumps, pipes, check valves, strainers, gate valves, flanges, washers, gaskets, bolts & nuts, and electrical board, V.A starters. The pumps running power are				
	a- 1500 kw 100 m ³ /hr	No	1	10000000	10000000
13	Fresh water pump station with pumps, pipes, check valves, strainers, gate valves, flanges, washers, gaskets, bolts & nuts, and electrical board, V.A starters. The pumps running power are				
	a- 1500 kw 100 m ³ /hr	No	1	10000000	10000000
	b- started by generator 1500 kw	No	1	10000000	10000000
	c- started by generator 750 kw	No	1	10000000	10000000
	d- generator tank	No	1	10000000	10000000
Subtotal					40000000
14	Water supply project with pumps, pipes, check valves, gate valves, flanges, washers, gaskets, bolts and nuts, electrical boards, where the project consists from:				
	a- 1500 kw pumps running power 1500 kw	Nos	1		
	b- High lift pumps running power 150 kw	Nos	1		
	c- Boiler running power 150 kw	Nos	1		
	d- Over head crane	No	1		
	e- Sediment pool 1000 m ³	Nos	1		
	f- Ground storage tank 1000 m ³	No	1		
	g- Alum sulphate dosing pump	Nos	1		
	h- Alum sulphate mixer	Nos	1		
	i- Chlorinator 1000 g/hr	Nos	1		
	j- Mud pump	Nos	1		
	k- High pressure mud pumps	Nos	1		
	l- Fuel storage tank 100 m ³	No	1		

برآورد هزینه شبکه آبرسانی اشرف

Quantity Estimate for Clean and Raw Water network					
ITEM	DESCRIPTION	UNIT	QTY	PRICE	TOTAL
m-	Stand by generator 10-kva	No	1		1,240,000,000
n-	Stand by generator board	No	1		
o-	Electrical board for all equipment	No	1		
p-	Roll up cover				
q-	Check valves				
r-	Gate valves				
s-	Isolation valves				
t-	Foot valves				
u-	1/2" pipe inside project				
v-	CMU pipe stands				
w-	Welding				
x-	Gas pipe				
y-	Ball valve and nuts				
z-	All cables and wires and all con. Smdurses				
Grand Total					1,240,000,000





برآورد هزینه شبکه آبرسانی اشرف
 ۲۶ میلیارد و ۲۴۰ میلیون و ۶۷۰ هزار دینار

بسم الله الرحمن الرحيم

سندت التعميم والتسلم
١١ تموز ٢٠٠٩

بشأن على الكفيل المرفق ٦٨٠ والمورخ ٢٠٠٩/٦/١١ بشأن اشرف الموجه الى دائرة توزيع كهرباء اريحا
وحسب موافقة السيد مدير، بتاريخ ١١ تموز ٢٠٠٩ تم تسليم محوطة كهربائية بسعة مئتا واط لتبديل
قواطب ٣٣٠٠٠ الى ٤٠٠ والتي تم شراءها من قبل سكان اشرف الى المهندس مهدي طاهر حسن بمثل لفترة
كهرباء بولي، وسيزول محطة كهرباء اشرف كقفلها الى محطة زرغانية ونسبها لتغطية كهرباء منشآت ضج
القاء الى اشرف وهما يلي مواصفات هذه المحوطة:

رقم التسجيل: ٦٣٥٨٩ المواصفات العامة: ONAN , ١٠٠٠ KVA , ٥٠ HZ
السعة: (٣٣٠٠٠ V الى ٤٠٠ V) الوزن: ٢١٥٠ كغم
الموديل: ٢٠٠٩ المبدأ: ايجالي

التعليقات:

والتالي شراء المحوطة واستقرارها وشهادة المبدأ ورؤيتها.

المستلم:

المستلم:

س. محمد علي حسن
مستلم بوزارة الاشرف

س. محمد علي حسن
مستلم بوزارة الاشرف

سند تحويل دادن ترانس برق، خریداری شده از جانب ساکنان اشرف به اداره
برق دیالی برای ایستگاه آب زرگانیه - ١١ ژوئیه ٢٠٠٩

این هم نامه شهردار اشرف که ریز ارقام و آمار را همراه با رسیدها و هزینه‌ها به ملل متحد ارائه می‌دهد.

CAMP ASHRAF
Public Services



مخبر اشرف
الخدمات العامة

November 21, 2009
United Nations Meeting Room Ashraf

Dear Mr. Hans Suterli,

I wish to inform you that on Sunday, November 16, 2009, the Diyala Province Water Directorate, affiliated to the Ministry of Municipalities, by the letter No. 8506 of 11/16/2009 sent to Camp Ashraf, charged us 22,000,000 Dinars for the water consumed from May 1, 2009 up to the end of 2009. (Relevant documents are enclosed).

As a show of respect to Iraq's sovereignty and its laws, we shall pay this amount as soon as possible. However, we would like to draw your attention to an important issue with regard to the Ashraf residents' rights and the expenses they have undergone concerning water supplying systems of the camp, to issue that Ministry of Municipalities and other relevant authorities have not voluntarily and paid attention to it so far. Nevertheless, we have incurred extremely expensive expenses of this issue which is a public service, either for the Ashraf residents or 25,000 nearby inhabitants as well as Iraq oil tax and security costs.

In a letter of 12 May 2009 to Minister of Municipalities and Public Works, a copy of which was also sent to the UNHCR's office in Baghdad, we explained in detail that the water installations in the Camp have been set up completely by the camp residents and on their funds to the two water pumping installations in Zaqariyah (30 km to the west of Ashraf) and Marhoj (5 km to the east of Ashraf) as well as inside the camp, and all the equipment and machinery as well as installations have been purchased by the residents of Ashraf from abroad or from Iraq market. (The letter by Water Affairs Director on 17 March 2009 is attached to this letter).

During years 2003 to 2008, due to security restrictions inside the camp, Ashraf residents managed and maintained the two stations by hiring 40 Iraq technical personnel with monthly salary paid to them.

Twice in 2006 the water pipelines between Zaqariyah pumping station and Ashraf were blown up in terrorist attacks. In February 2008, the water pumping station in Zaqariyah was blown up in a terrorist operation which led it completely destroyed, but each time they were rebuilt with Ashraf residents' funds.

Besides providing water for their own consumption, the residents of Ashraf also supplied water to 25,000 local households in the area after 2003 with the water pumped from the two

Email: ira.ashraf@shomaa.com

ashraf. This issue was confirmed by Civilian Documentation to the UNHCR on 16 April 2009. Ashraf water stations in Zaqariyah and Marhoj stations, purchase and repair employees, fuel and maintenance. Since April, we have paid out \$1,000,000 on 7/11/2009 we imported a 5400 above-mentioned installations in representation of Diyala water station. (Relevant documents are enclosed).

While requiring Iraq government to pay to Iraq's level. However, we recognize Ashraf residents' rights obtained by their own efforts and endeavored by the international request that you consider the Camp residents' rights by reporting to UNHCR.

Our request is that when calculate account and considerations for all installations over these years who we, therefore, request that you consider.

Yours sincerely,

Mostafa Fakhry
 In charge of public services of Camp Ashraf.

CC:

- Iraq Minister of Water Resources and Irrigation
- Iraq Minister of Human Rights
- United Nations Assistance Mission for Iraq - UNAMI
- Mr. Ayad Ibrahim Al-Sol, Deputy Minister for Municipalities and Public Works
- Ambassador Christopher R. Hill, U.S. Embassy, Baghdad
- Gen. Raymond T. Odierno, Commanding General, Multi-National Force-Iraq

Email: ira.ashraf@shomaa.com

ساکنان اشرف بعد از سال ۲۰۰۳ علاوه بر آب مورد نیاز خودشان، آب مورد نیاز ۲۵۰۰۰ نفر از اهالی منطقه را نیز تامین کرده اند. این امر در گزارش ۱۷ فوریه ۲۰۰۹ گزارشگر حق تغذیه اولویه دي شوتر به دبیر کل سازمان ملل نیز مورد تایید قرار گرفته است. (متن گزارش ضمیمه است).

تا آوریل ۲۰۰۹ ساکنان اشرف، معادل ۳،۰۳۴،۱۴۸ دلار برای تأسیسات پمپاژ آب زرگانیه و مرفوع شامل احداث و بازسازی ایستگاه و خرید و نصب تجهیزات و ژنراتورها و ماشین آلات و حقوق کارمندان و تامین سوخت و تعمیرات هزینه کرده اند. از آوریل تا کنون نیز هر ماه معادل ۳۰۰۰۰ دلار بابت سوخت و مخارج حفظ و نگهداری هزینه کرده ایم. علاوه بر این در تاریخ ۲۰۰۹/۷/۱۱ يك دستگاه ترانس برق به ارزش ۴۰ هزار دلار برای تامین برق تأسیسات فوق در ایستگاه زرگانیه از خارج عراق وارد کردیم که برای نصب در ایستگاه آب تحویل نمایندگان اداره آب و برق دیالی گردید (طبق اسناد ضمیمه).

بنابراین ما ضمن احترام به حاکمیت دولت عراق همواره نسبت به ملتزم بودن خودمان به قوانین این کشور تاکید کرده ایم. اما متقابلاً انتظار داریم که دولت عراق مالکیت ساکنان اشرف بر اموال منقول یا غیر منقولی که در طول ۲۳ سال با پول یا نیروی کار خودشان تامین کرده اند را به رسمیت بشناسد و به این حق که حقوق بین الملل و حقوق انساندوستانه بین المللی بر آن تاکید می کنند ملتزم باشد. بر این اساس از شما می خواهیم با ارائه گزارش به مقامات سازمان ملل، تعهدات دولت عراق را نسبت به رعایت حقوق ساکنان اشرف به آنها یادآوری نمائید. تقاضای ما این است که دولت عراق هنگام محاسبه هزینه آب، آنچه را که ساکنان اشرف طی این سالیان برای تأسیسات آبرسانی هزینه کرده اند که تاکنون معادل ۳،۲۸۴،۱۴۸ دلار گردیده است (اسناد آن موجود و قابل ارائه می باشد) در نظر گرفته و آنرا منظور نماید، از این رو از شما تقاضای رسیدگی به این امر مهم را داریم.

با تقدیم احترام

مسئول شهرداری اشرف

ماندانا بیدرنگ

-وزیر منابع آب عراق

-وزیر حقوق بشر عراق

-نماینده دائم سازمان ملل در عراق - یونامی

نامه شهردار اشرف
به تیم ناظر ملل متحد

آیا بیشتر از این می‌شد چه سیاسی، چه اقتصادی و چه در مناسبات یومیه، چه در برابر دولت سابق عراق، چه در دولت لاحق و چه در برابر آمریکاییها استقلال عمل داشت؟ همین الان، مگر انبوهی اتهام نمی‌زنند؟ مگر همین دولت کنونی نمی‌گوید؛ آمریکاییها به اینها پول می‌دهند؟! درحالی که آمریکاییها پولها و جواهرات هدایی مردم ایران را که از ما گرفته‌اند، هنوز آزاد نکرده‌اند، اسناد را نگاه کنید:



HEADQUARTERS
MULTI-NATIONAL FORCE - IRAQ
BAGHDAD, IRAQ
APO AE 00042-1000

1 June 2004

MNFI-DCG

Mehdi Barazi
Representative, People's Mojahedin Organization of Iran
Ashraf, Iraq

Dear Mr. Barazi,

In your letter dated 14 May 2004, you bring to my attention that last year, four PMOI personnel, carrying \$500,000.00, were arrested by Australian Forces and subsequently handed over to U.S. Forces. Three of these individuals state they were mistreated during their detention and that the fourth member of their group was killed during interrogation.

Thank you for bringing these matters to my attention. This command takes these issues very seriously. I have directed the Criminal Investigation Division to fully investigate this matter. Your patience is requested as this investigation unfolds.

Your continued cooperation is appreciated. Please contact me if you have any questions.

Very Respectfully,


Jeffrey D. Miller
Major General, U.S. Army
Deputy Commanding General

24 June 2004

MNFI DCG

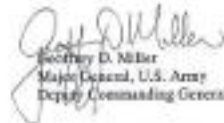
Mehdi Barazi
Representative, People's Mojahedin Organization of Iran
Ashraf, Iraq

Dear Mr. Barazi,

I am writing to let you know I am in receipt of your letter dated June 22, 2004. This command takes seriously the issues presented in your correspondence. As I told you in my letter dated June 4, 2004, our military investigators are looking into the issue surrounding the death of Ahmad Nasouri as well as the missing \$500,000.00. We are also looking into the various requests for reimbursement you brought to my attention in your letter dated May 14, 2004. Your letter of May 14, 2004 did not include the issues regarding the 30 vehicles and makeshift warehouses, but we will look into them as well. Your patience is requested as this command investigates and considers these issues.

The inclusion of the PMOI in the SOFA agreement is an issue over which I have little control, but the relevant authorities are aware of this request. Discussions with the relevant authorities regarding the future presence in Iraq of the individuals currently residing at Camp Ashraf are ongoing. We are working to facilitate Mr. Mahin Arami's condition to the International Community of the Red Cross. Your continued cooperation is appreciated. Please contact me if you have any questions.

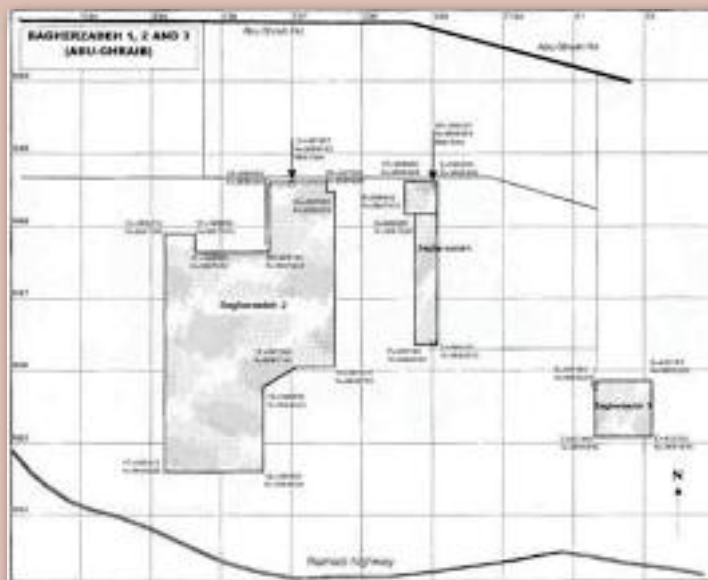
Very Respectfully,


Jeffrey D. Miller
Major General, U.S. Army
Deputy Commanding General

نامه‌های ژنرال میلر در مورد گرفتن پول و جواهرات مجاهدین و اذعان به این که یکی از مجاهدین در هنگام بازجویی در اثر سوء رفتار کشته شده است. در نامه ۲۴ ژوئن هم چنین به توقیف و ربودن ۳۰ خودرو مجاهدین توسط وزارت کشور عراق اشاره می‌شود

اشرف پایدار - کارزار پیروزی

قرارگاه باقرزاده را که با هزینه زیاد خودمان ساختیم، آمریکاییها با تمامی تأسیسات و تجهیزاتش گرفتند و هنوز آنرا به ما بر نگرداندند، این یک نمونه است:







خوب است این را هم بگویم حتی دولت قبلی عراق از دو دهه پیش (بعد از جنگ کویت) می گفت که چون دست من بسته است، شما باید علاوه بر همه هزینه های دلاری زیرساختها، دستکم نیمی از همه هزینه های دیناری زیرساختها را هم خودتان بدهید و مجاهدین می دادند و رسیدهایش را هم دارند.

در واقع شما در هر کشوری که هستید مشترک برق یا آب یا تلفن می شوید و بعد پول تلفن و پول برق ماهانه تان را می دهید، یا پول آب ماهیانه را می دهید. اما دولت انگلیس یا آمریکا یا نیمی دانم مصر یا اردن یا دانمارک که نمی گوید ببین تو باید پول سیمکشی از اداره تلفن یا اداره آب یا اداره برق یا دکلهایش تا محل استقرارت را هم بدهی. اینها خدمات دولتی است، و در همه جای دنیا به هیچ شهروندی نمی گویند که پول دکل برق را هم باید بدهی، پول جاده کشی را هم تو باید بدهی، یا پول شبکه تلفن را هم تو باید بدهی. اما همان دولت قبلی عراق به ما می گفت که شما دستکم باید نیمی از هزینه های دیناری زیرساختها را بدهید؛ یعنی علاوه بر پول آب و برق و تلفن و سایر خدمات ماهیانه که برای همه شهروندان در همه جای دنیا هست و علاوه بر حق اشتراک، می گفت شما می باید تمام هزینه های دلاری و نیمی از هزینه های دیناری را هم خودتان بدهید. تجهیزات و دستگاههای آب و برق و تلفن و آن چه را که در عراق وجود نداشت و باید از خارج خریداری می شد، دولت عراق می گفت اینها را باید خودتان تامین کنید و بخرید و ما هم البته همین کار را می کردیم و با افتخار هم می کردیم. چه برگی گویاتر از این برای استقلال مجاهدین و ارتش آزادیبخش ملی ایران؟

من یادم هست در فرارگاه دیس، در آن سالهای اول، یک دستگاه سانترال تلفن حدود ۴۰ - ۵۰ هزار دلار قیمتش بود، در آن زمان هم هزینه هایی را که ارز خارجی می خواست تماما خودمان تامین می کردیم.

در سال ۱۳۶۶ برای اتصال اشرف به سیستم تلفن عراق ۶۰۰ هزار دلار برای خرید کابل و دکل پرداختیم زیرا اشرف در یک صحرای خشک و خالی بود و برای اتصال به تلفن شهر خالص باید این فاصله را خودمان کابل و سیم و دکل تامین می کردیم. در آن زمان هم تمام خطوط تلفن و دکلهای برق مربوط به فرارگاههای مجاهدین به

وسيله خود آنها تأمين شده است. تمام پول آن را هم مجاهدين پرداخته اند. بعد از جنگ كويت علاوه بر همه اينها، نيمي از هزينه هاي ديناري زيرساختهاي دولتي را كه تماما متعلق و در مالكييت دولت عراق است (جاده كشي تا قرارگاهها و كشيدن شبكه هاي آب و برق و تلفن و فاضلاب و جاده هاي مواصلاتي) را مجاهدين پرداخته اند. البته پرداخت حق اشتراك و مصرف ماهيانه هم حساب جداگانه خود را داشت و بايد مي پرداختيم.

رسيدهاي ماهيانه برق را نشانتان دادم، جالب اين است كه در سايت سومريه در ۲۱ آذر

تقدیر الكف الفاسدة بالنسبة لعمسك طريق النحاس				
التسلسل	مفروع التطوير	كمية التطوير		القيمة المالية (ملايين ریال)
		دولاری	ریال	
1	شبكة الهاتف	200,000		1,000,000,000
2	شبكة الكهرباء	1,000,000	200,000,000	2,000,000,000
3	شبكة الغاز		1,000,000,000	1,000,000,000
4	شبكة المياه		1,000,000,000	1,000,000,000
5	شبكة الصرف الصحي			
المجموع الكلي		1,200,000	2,000,000,000	4,000,000,000

بروزده هزینه زیر ساخت های پارسیان				
ردیف	مفروع هزینه	میزان هزینه		تاریخ ترمیمات
		دولاری	ریال	
1	شبكة تلفن	200,000		۷۷/۷/۱۳
2	شبكة برق	1,000,000	200,000,000	۷۷/۷/۱۳
3	شبكة آب		1,000,000,000	۷۷/۷/۱۳
4	شبكة گاز		800,000,000	۷۷/۶/۹
5	شبكة فاضلاب			۷۷/۷/۱۳
جمع کل		1,200,000	2,000,000,000	

المنظمة توافق على تأجيلها
تسديد الكف الفاسدة بالنسبة لعمسك طريق النحاس

۱۳۹۷/۶/۹

حسب السجلات المالية كالتالي المبينة تقوم بطرف الغير التابعة للمؤسسات
التكتمية لتبذلها المواجهين كذا و بطرف الى الطرف الاستقلالية للمصارف
في العراق قد وافقت المنظمة ان تقوم بتسديد جميع الكف الفاسدة بالنسبة لعمسك
بالمصارف عمسك طريق النحاس

**اعلام توافق سازمان مجاهدين خلق ايران برای
پرداخت کلیه هزینه های دلاری زیرساختها و
نیمی از مجموع هزینه دیناری زیرساختها
(شبكة های آب، برق، تلفن، فاضلاب و جاده های
مواصلاتی)**



دئاسٽر پراجيڪٽ برائيندو پيڪيٽيڊ پراجيڪٽ

رياست جمهوري آقاي منشي محترم

ڪتابڪو پيڪيٽيڊ پراجيڪٽ ۱۶/۱۱/۹۷/۳۵۰/۳۳۵/۳۳۵/۳۳۵

پراجيڪٽيڊ پيڪيٽيڊ پراجيڪٽ ۱۶/۱۱/۹۷/۳۵۰/۳۳۵/۳۳۵/۳۳۵
 روٽن ٿيڻ کان پوءِ پيڪيٽيڊ پراجيڪٽ ۱۹۹۸ ۾ وڪري ٿيڻ کان پوءِ پيڪيٽيڊ پراجيڪٽ ۾ ڪم ٿيو
 ٿيڻ کان پوءِ پيڪيٽيڊ پراجيڪٽ ۱۹۹۸ ۾ وڪري ٿيڻ کان پوءِ پيڪيٽيڊ پراجيڪٽ ۾ ڪم ٿيو

وڌيڪ سڃاڻپ ٿيڻ کان پوءِ پيڪيٽيڊ پراجيڪٽ
 وڌيڪ سڃاڻپ ٿيڻ کان پوءِ پيڪيٽيڊ پراجيڪٽ

پيڪيٽيڊ پراجيڪٽ ۾ ڪم ٿيڻ کان پوءِ پيڪيٽيڊ پراجيڪٽ ۾ ڪم ٿيو
 پيڪيٽيڊ پراجيڪٽ ۾ ڪم ٿيڻ کان پوءِ پيڪيٽيڊ پراجيڪٽ ۾ ڪم ٿيو
 پيڪيٽيڊ پراجيڪٽ ۾ ڪم ٿيڻ کان پوءِ پيڪيٽيڊ پراجيڪٽ ۾ ڪم ٿيو
 پيڪيٽيڊ پراجيڪٽ ۾ ڪم ٿيڻ کان پوءِ پيڪيٽيڊ پراجيڪٽ ۾ ڪم ٿيو

پيڪيٽيڊ پراجيڪٽ ۾ ڪم ٿيڻ کان پوءِ پيڪيٽيڊ پراجيڪٽ ۾ ڪم ٿيو
 پيڪيٽيڊ پراجيڪٽ ۾ ڪم ٿيڻ کان پوءِ پيڪيٽيڊ پراجيڪٽ ۾ ڪم ٿيو

پيڪيٽيڊ پراجيڪٽ ۾ ڪم ٿيڻ کان پوءِ پيڪيٽيڊ پراجيڪٽ ۾ ڪم ٿيو
 پيڪيٽيڊ پراجيڪٽ ۾ ڪم ٿيڻ کان پوءِ پيڪيٽيڊ پراجيڪٽ ۾ ڪم ٿيو

پيڪيٽيڊ پراجيڪٽ ۾ ڪم ٿيڻ کان پوءِ پيڪيٽيڊ پراجيڪٽ ۾ ڪم ٿيو

پيڪيٽيڊ پراجيڪٽ ۾ ڪم ٿيڻ کان پوءِ پيڪيٽيڊ پراجيڪٽ ۾ ڪم ٿيو
 پيڪيٽيڊ پراجيڪٽ ۾ ڪم ٿيڻ کان پوءِ پيڪيٽيڊ پراجيڪٽ ۾ ڪم ٿيو

پيڪيٽيڊ پراجيڪٽ ۾ ڪم ٿيڻ کان پوءِ پيڪيٽيڊ پراجيڪٽ ۾ ڪم ٿيو
 پيڪيٽيڊ پراجيڪٽ ۾ ڪم ٿيڻ کان پوءِ پيڪيٽيڊ پراجيڪٽ ۾ ڪم ٿيو

پيڪيٽيڊ پراجيڪٽ ۾ ڪم ٿيڻ کان پوءِ پيڪيٽيڊ پراجيڪٽ ۾ ڪم ٿيو
 پيڪيٽيڊ پراجيڪٽ ۾ ڪم ٿيڻ کان پوءِ پيڪيٽيڊ پراجيڪٽ ۾ ڪم ٿيو

پيڪيٽيڊ پراجيڪٽ ۾ ڪم ٿيڻ کان پوءِ پيڪيٽيڊ پراجيڪٽ ۾ ڪم ٿيو
 پيڪيٽيڊ پراجيڪٽ ۾ ڪم ٿيڻ کان پوءِ پيڪيٽيڊ پراجيڪٽ ۾ ڪم ٿيو

می‌گوید: اداره برق استان دیالی اعلام کرد که یک چهارم کل درآمد آن در این استان از قرارگاه اشرف است (این که دیگر ما نیستیم، حرف خودشان است). اداره برق استان دیالی روز شنبه اعلام کرد که مجموع مبالغ دریافتی از کلیه شهرکها و مناطق این استان در ماه بالغ بر ۸۰۰ میلیون دینار است که ۲۵ درصد آن از قرارگاه اشرف تأمین می‌شود. مسئول قسمت مربوطه در اداره برق دیالی گفت مجموع مبالغ ماهانه دریافتی که متجاوز از ۸۰۰ میلیون دینار است، ۲۵ درصد آن از این قرارگاه تأمین می‌شود. پولی که اداره برق، بابت میزان مصرف برق، از شهروندان و از تأسیسات صنعتی و ادارات دولتی دریافت می‌کند، نرخ ثابتی برای مصرف هر واحد برق است و این مبلغ برطبق کنترلهای موجود در همه منازل و تأسیسات حکومتی و صنعتی تعیین می‌گردد. پس بنگرید در استان به این بزرگی که خودشان می‌گویند یک میلیون و ۳۰۰ هزار جمعیت دارد، این دولت، ۲۵ درصد کل پول برقی را از این ۳۴۰۰ نفر وصول می‌کند! دولتی که پارسال ۶۰ میلیارد دلار درآمد نفت داشته، که می‌شد در این ۴ سال، بسیاری از بیابانهای عراق را هم با این پول مانند اشرف تبدیل به مروارید صحرا نمود. البته این به‌ما مربوط نیست، ما در امور داخلی عراق دخالت نمی‌کنیم، ولی در ایران می‌دانیم پولها کجا می‌رود و چه کسانی بالا می‌کشند. الگوی رژیم هم که در همه جا برای مزدورانشان تکثیر شده است.



سایت السومرية نيوز
برق ديالى: بک چهارم در آمد ما از قرارگاه اشرف است و ادارات اوقاف سنن و شيعی بدهی های خود را نمی دهند - السومرية نيوز - ديالى
متن خبر: «۲۰۰۹/۱۲/۱۲ - السومرية نيوز - ديالى
اداره برق استان ديالى روز شنبه اعلام کرد که مجموع مبالغ دریافتی از کلیه شهرکها و ناحیه های استان ديالى در ماه بالغ بر ۸۰۰ میلیون دينار می گردد که ۲۵ درصد از آن از قرارگاه اشرف تأمین می گردد، و تأکید کرد که ادارات اوقاف سنن و شيعی در استان ديالى مبالغ هنگفتی به اداره برق بدهی دارند.
مسئول قسمت تبلیغات اداره برق ديالى به نام عدنان خضیر طی گفتگویی با (السومرية نيوز) گفت که مجموع مبالغ ماهانه دریافتی از شهرکها و ناحیه های استان بالغ بر مبلغ ۸۰۰ میلیون دينار می باشد که ۲۵ درصد این مبلغ از قرارگاه اشرف تأمین می گردد.

یکسال محاصره ضدانسانی و جنایتکارانه

از طرف دیگر، یکسال است که ما در محاصره‌ایم، این دولت نمی‌گذارد آرد، نان، ارزاق، تریه بار و سوخت و دارو بخریم. آنچه در سرزمین امام حسین! نمی‌گذارد که حتی با پول چند برابر مثل برقمان، سوخت و دارو و ارزاق و آرد و میوه و تریه‌بار بخریم، باید از کشورهای عربی، از کشورهای خارجی، از مسیرهایی که بعضی وقتها ۱۷ روز طول می‌کشد، مینیمم مایحتاج ضروری اشرقیان را بخریم. بعد مانع ورود آن به اشرف می‌شوند، جلو قلم و کاغذ را می‌گیرند، می‌گویند چه نیازی داری؟ جلو پارچه را می‌گیرند می‌گویند چه نیازی داری؟ چون جلو غذا، آرد، و حبوبات و تریه بار را نمی‌توانند بگیرند، یعنی ملل متحد مانع است. اما تا جایی که بتوانند معطل می‌کنند، تا آنجا که ماشین یخچال دار ظرفیتش تمام می‌شود و اجناس فاسد شدنی شروع به فاسد شدن می‌کند. چون رانندگان می‌گویند ظرفیت این کانتینر یا این ماشین یخچالدار یا همین تجهیزاتی که ما از راههای خیلی دور حمل کرده ایم، برای این مدت زمان نیست. همین کمیته سرکوب، روزها گوشت و تریه‌بار را پشت در معطل می‌کند، حتی نمی‌آید چک کند تا وقتی که بیوسد.

این اجناس از راه دور با هزینه هموطنانمان در ایران و در سراسر جهان برای اشرقیان می‌آید، چون خودشان از وقتی این دولت کار انتفاعی آنها را قطع کرده، درآمد مستغلی ندارند. حالا عکس میوه‌ها، هم‌چنین خوراکی و تریه‌بار که پوسیده است را لطفاً یکی یکی بنگرید و در همان کتاب وارد کنید تا خلق عراق بدانند که به‌نام شیعه و به‌نام اسلام چه رفتارهایی می‌شود که روح اسلام و روح آزادگان عرب و عراقی از آن بیزار و متنفر است!

با این حال مجاهدین عهد کرده بودند که مانند امیرخیز و مجاهدانش در مشروطه، با علف بیابان و برگ درختان و ریشه گیاهان هم که شده به پایداری پرشکوه خودشان ادامه بدهند تا امروز که دشمنان به زبان اشهدش، رسید فتح مبین را به شما داد. خوب، در دولت امروزی عراق، کدام کس است که بتواند برای زمانی که در فلان پادگان و قرارگاه رمضان و قرارگاه نصر و امثالهم بوده، چنین اسنادی به خلق خودش، به خلق عراق، ارائه بدهد؟ فکر نمی‌کنم که حتی یک مورد بشود پیدا کرد. این خاص مقاومت



مواد غذایی فاسد شده جلو در اشرف در محاصره ضدانسانی
به خاطر تاخیر در تحویل دادن اجناسی که مجاهدین خودشان خریده بودند

ایران و مجاهدین خلق ایران است و شرف و عزت و اعتبارشان (کف زدن حاضران) و تازه آنچه که من گفتم، باور کنید که مشتی از خروار است. وای به روزی که یک دادگاه بین‌المللی یا کمیسیون حقیقت یاب ملل متحد وارد جزئیات و وارد مجموعه اسناد بشود.

دروغپردازی در باره کشتن شیعیان و کردهای عراقی

نامه هوشیار زیباری

آقای هوشیار زیباری که در زمان برمر، علاوی، جعفری و مالکی تا الان وزیر خارجهٔ عراق است، نامه‌یی به تاریخ ۱۴ ژوئیه ۱۹۹۹ به دادگاه هلند نوشته است. زیباری در آن زمان به‌عنوان رئیس روابط بین‌المللی حزب دموکرات کردستان عراق گواهی‌نامه زیر را برای دادگاهی در هلند نوشته که رژیم و مزدورانش در برابر مجاهدین مدعی بودند. در این گواهی آمده است:

«حزب دموکرات کردستان عراق به‌عنوان یک حزب اصلی کردی در قیام بهار سال ۱۹۹۱ در کردستان شرکت و نقش پیشتازی داشت. شهر نفت خیز کرکوک توسط مردم و نیروهای پیشمرگه آزاد شده بود. شایعاتی مبنی بر این‌که واحدهای مجاهدین به نیروهای عراقی کمک کردند وجود داشت. به علت بی‌نظمی حاکم و تحولات، مشخص نمودن حقیقت مشکل بود. اما هنگامی که رهبری جبهه کردستان درگیر مذاکره با دولت عراق یعنی دولت صدام شد که از آوریل تا سپتامبر ۹۱ طول کشید و شرایط ثبات پیدا کرد، مشخص شد که این شایعات نادرست بوده‌اند. حزب دموکرات کردستان عراق می‌تواند تأیید کند که مجاهدین نه در دوران قیام و نه بعد از آن درگیر سرکوب مردم کرد نبوده‌اند، ما به‌هیچ مدرک و سندی برخوردیم که این را نشان دهد که مجاهدین خصومتی علیه مردم کردستان عراق روا داشته باشند. مجاهدین خلق اهداف سیاسی خود را در ایران دنبال می‌کنند و اعضای آن در امور داخلی عراق دخالت نمی‌کنند.»

UHF-PANASONIC FACSIMILE SYSTEM TELEPHONE NUMBER:
14/07/99 13:56 FAX 020 6703539 KHM/SLVCR

020 6703539

16 Apr. 1999 00:19 P1
04/06/99 15:49 P1 1



الحزب الديمقراطي الكردستاني
KURDISTAN DEMOCRATIC PARTY

14 July 1999

Mr M.F. Wijngaarden
Van Den Biesen Prakken Houder
Nieuwe Herengracht 51, 1011 RN Amsterdam
Netherlands

PRIVATE & CONFIDENTIAL, TO BE USED IN COURT AS EVIDENCE

Dear Mr Wijngaarden,

Thank you for your letter of 4 July 1999 regarding your request of information on Mujahedin-E. Khalq organization's activity in Iraqi Kurdistan. I am pleased to answer your questions on this matter.

The KDP as a major Kurdish political party has led and participated in the Kurdish spring uprising of 1991 in Iraqi Kurdistan. The uprising caused the collapse of Iraqi government military, security and administrative structure in the region.


The oil-city of Kirkuk was liberated by the people and Kurdish forces (peshmerga). When the Iraqi troops counter attacked and regained control of Kirkuk and other major cities There were rumors of Mujahedin units assisting the Iraqi troops. But due to disorder of events and development it was difficult to establish the truth. However when the leadership of Kurdistan Front engaged in negotiation with the Government of Iraq (GOI) from April - September 1991 and the situation was stabilized these rumors happen to be untrue.

The KDP can confirm that the Mujahedin were not involved in suppressing the Kurdish people neither during the uprising nor in its aftermath.

We have not come across any evidence to suggest that the Mujahedin have exercised any hostility towards the people of Iraqi Kurdistan. The Mujahedin -E. Khalq has its own political agenda in Iran and its members do not interfere in Iraqi internal affairs.

Warm regards

Sincerely,


Hoshyar Zebari
Head of KDP International Relations

نامه هوشیار زبیری به دادگاه هلند

نامه جلال طالبانی

در رابطه با آقای طالبانی رئیس جمهور کنونی، برمی گردم به اسفند ماه سال ۱۳۶۲ که ما روابط دوستانه داشتیم و من آنزمان که در پاریس بودم اعضای دفتر سیاسی ایشان را می پذیرفتم و تلاش می کردیم که دولت قبلی عراق حقوق خودمختاری آنها را در آنزمان به رسمیت بشناسد و بسیار هم از ما در این رابطه سپاسگزار بودند. این نامه به امضای جلال طالبانی، دبیرکل اتحادیه میهنی کردستان ۳ مارس ۱۹۸۴ است که در همان زمان به زبانهای مختلف منتشر شده از جمله در نشریه مجاهد و نشریات خارجی.

نامه خطاب به خود من است:

«با سلام گرم انقلابی، به نام دفتر سیاسی اتحادیه میهنی کردستان به جنابعالی و از طریق شما به برادران در سازمان مجاهدین خلق ایران سلامها و بهترین آرزوها را تقدیم می کنم و برای شما در مبارزه عادلانه تان علیه دارودسته مرتجعینی که بر خلق برادر ایران تسلط یافته است، آرزوی موفقیت می نمایم. با تشکر فراوان پیام برادرانه ای را که برایمان ارسال نموده بودید و در آن احساسات دوستانه تان را در رابطه با برادران تان در اتحادیه میهنی کردستان پیشتر جنبش آزادیبخش و عادلانه خلق مبارز کرد برای احقاق حقوق دموکراتیک و ملی اش در چارچوب وحدت ملی عراق بیان داشته بودید، دریافت کردم (پس تأیید می کنید که ما از آن زمان احقاق حقوق دموکراتیک و ملی مردم کردستان عراق را در چارچوب وحدت ملی عراق می گفتیم).

برادر ارجمند،

اتحادیه میهنی کردستان منبعث از ایمان اصولی استوارش به ضرورت یکپارچگی مبارزاتی بین نیروهای مترقی و انقلابی خلقهایمان در خاورمیانه، آمادگی دائمی خود را برای تحکیم مبارزاتی بین سازمان مجاهدین خلق و اتحادیه میهنی مورد تأکید قرار می دهد، این فرصت را مغتنم شمرده و آرزوهای خود را برای پیرویتان به اتفاق دیگر نیروهای انقلابی ایران علیه حکومت مرتجع ایران و تحقق هدفهای دموکراتیک و استقلال ملی و محقق کردن خودمختاری برای کردستان ایران تکرار می نمایم. مایلیم به اطلاعاتن برسائیم که رهبری اتحادیه میهنی کردستان به گفتگوهایش با دولت عراق در جهت دستیابی به دموکراسی و خودمختاری برای کردستان به نحوی که وحدت ملی

عراق را تحکیم بخشد، ادامه می‌دهد که در آنصورت کردستان عراق را پایگاه پشتیبانی و حمایت برای مبارزات تمامی نیروهای مترقی ایرانی قرار خواهیم داد. (یعنی در همان زمان با دولت عراق در حال گفتگو بوده و این را به اطلاع ما رسانده است). درخاتمه ضمن این که در احساسات شما نسبت به تأسف باری و مصائب جنگ ویرانگر بین ایران و عراق سهیم هستیم؛ جنگی که در خدمت هیچکس جز استعمار و صهیونیسم و ارتجاع نیست، آرزومندی و رغبت خود را به پایان یافتن آن در اسرع وقت بر اساس مصالح مشروع خلقهای ایران و عراق و بدون هرگونه ملحق کردن یا اشغال کردن اراضی و با رعایت استقلال ملی و حق خلقها در تعیین سرنوشتشان توسط خودشان بدون دخالت خارجی و تحمیل رژیم مرتجع بر آنها ابراز نماییم. هم‌چنین بر شما پوشیده نیست که تلاش باند مرتجع خمینی در تحمیل سلطه دیکتاتوری مطلقش زیر پرده ولایت فقیه علیه خلقهای مسلمان خطر بزرگی را علیه مبارزات این خلقها در جهت زندگانی پیشرفته عصر و ترقی و پیوستن به کاروان تمدن جهانی به‌وجود می‌آورد. بهترین احترامها و آرزوهای ما را قبول فرمایید.

برادر مخلص شما جلال طالبانی

دبیرکل اتحادیه میهنی کردستان

سوم مارس ۱۹۸۴»

الاتحاد الوطني الكردستاني
الكتب السياسي

الاخ الكريم محمود الرجوى المحترم

تحية شوية حارة

باسم الكتب السياسي للاتحاد الوطني الكردستاني أتقدم لسعادتكم ومن طريقتكم الى الاخوة في منظمة مجاهدي خلق ايران بالتحية والتحيات الطيبة ، واجين لكم التوفيق في نشاطكم العادل ضد الظعمة الرجعية الخسلطة على رقاب الشعب الايراني الشفيق . لقد تصلحنا شاكزين رسالتكم الاخوية العجيبة اليها والتي اعينتم فيها عن مشايركم الكريمة تجاه أخوتكم في الاتحاد الوطني الكردستاني ومجال الحركة التحررية العادلة للشعب الكردي العادل من اجل حاوقه الديمقراطية والقومية ، ضمن الوحدة الوطنية العراقية .

ابها الاخ الفاضل

ان الاتحاد الوطني الكردستاني انطلاكا من ايمانه العديدي التراسح بخيرية التلاحم الكلاص بين القوى التقدمية والثورية لشعبينا في الشرق الأوسط ، يؤكد لكم استعدادنا الدائم لتعزيز العلاقات الثمالية بين منظمة مجاهدي خلق والاتحاد الوطني الكردستاني . ونعتم المناسبة لتكثير لكم تضافتنا بانتصاركم مع سائر القوى الثورية الايرانية على الحكومة الرجعية الايرانية وتحقيق اهدافكم في الديمقراطية والاستقلال الوطني وتحقيق الحكم الذاتي لكردستان ايران .

ونود ان نحيبكم طبا بان قيادة الاتحاد الوطني الكردستاني تصحى بحوارها مع الحكومة العراقية الى تحقيق الديمقراطية والحكم الذاتي لكردستان ما يعزز الوحدة الوطنية العراقية ، وحيث سنجعل من كردستان العراق قاعدة اسناد ودعم للحالات جميع القوى التقدمية الايرانية .

وخطا ان مشاركتكم الشجور بآس وببيلات الحرب العدمية بين ايران والعراق ، هذه الحرب التي لا تخدم الا الاستعمار والسيونية والرجعية ، تعبر عن تضافتنا ورفقتنا في انبأ ما باسرع وقت ممكن ، على اساس المصالح المشروعة للشعب الايرانية والعراقية ودين الحاق او احتلال لنا اناس ومع مراعاة الاستقلال الوطني وحيق شعبنا في تقرير مصيرنا بانفسنا دون تدخل خارجي او فرض انظمة رجعية طيبة . . . ان لا يخفى عليكم ان سعي الظعمة الخمينية الرجعية في فرض سلطتها الدكتاتورية العطلق تحت ستار ولاية الفقيه على الشعوب الصلعة يشكل خطرا كبيرا على نفالات هذه الشعوب من اجل التحرر والديمقراطية وحق تقرير مصيرها بنفسها ومسح تطلعات هذه الشعوب نحو الحياة العصرية المتقدمة والعقدنة واللعاقى بركسب الحضارة العالم .

وطغولوا بقبول احتراماتنا وتضافتنا الطيبة

جلال الطالبستاني
الامين العام للاتحاد الوطني الكردستاني

١٩٨٤ / ٣ / ٣

نامه جلال طالباني

Iran Liberation

A JOURNAL OF THE NATIONAL COUNCIL OF RESISTANCE
AN ARMY-POLICE ORGANIZATION

No. 178 Fri 8 April 84

A Publication of the Union of Modern Iranian Students Societies Outside Iran, supporters of the People's MOJAHEDIN Organization of Iran

Stand of National Council of Resistance on Tudeh Party of Iran

The National Council of Resistance (NCR) has issued the following statement in the French article of the National Council of Resistance, a political party, recently organized in the USSR. The NCR declares that it will not accept any proposal for a coalition government with the Tudeh Party of Iran.

Exploitation of NCR Services

Recently, several articles have been published in the press, and the National Council of Resistance has been accused of being a tool of the Tudeh Party. The NCR has always been a free and independent organization, and it will continue to be so. It will not accept any proposal for a coalition government with the Tudeh Party of Iran.

Always the Tudeh Party and the NCR's position

The National Council of Resistance (NCR) has always been a free and independent organization, and it will continue to be so. It will not accept any proposal for a coalition government with the Tudeh Party of Iran.

National Council of Resistance (Iran) announces : Statement

Letter of Mr Jalal Talebani, leader of Patriotic Union of Kurdistan (Iraq) to Mr Rajavi

At the present time, the National Council of Resistance (NCR) of Iran is in a state of readiness to receive the proposals of the Tudeh Party of Iran. It will accept any proposal for a coalition government with the Tudeh Party of Iran.

The National Council of Resistance (NCR) of Iran is a free and independent organization, and it will continue to be so. It will not accept any proposal for a coalition government with the Tudeh Party of Iran.

Iran Liberation

Extrait de l'interview de M. Ali Zarkash, commandant politico-militaire des Mojahedines à l'intérieur de l'Iran relaté par la revue "Time" - page 4

L'Union des Libérés du Kurdistan des Arabes (U.K.A.) a l'honneur de publier ce document de l'Union des Libérés du Kurdistan des Arabes (U.K.A.)

Lettre de M. Djalal Talebani, leader de l'Union Patriotique du Kurdistan (Irak), adressée à M. Radjavi

"... Comme vous n'êtes pas dans le monde, l'effort déployé par le régime républicain de Khoméini pour imposer sa domination et sa domination absolue avec la violence d'une "conscience religieuse", à l'encontre des peuples musulmans, représente un grave danger pour la lutte de ces peuples pour la liberté, la démocratie et le droit à l'auto-détermination, et pour l'avenir de ces peuples dans la voie de l'évolution et du progrès pour presser au monde le texte de la révolution mondiale".

نامه جلال طالبانی در نشریه ایران لیبراسیون انگلیسی و فرانسوی

خوب، آن از وزیر خارجه کنونی عراق از حزب دموکرات کردستان عراق، اینهم رئیس‌جمهور کنونی عراق از یکتی و از اتحادیه میهنی، رژیم ولایت فقیه هم که همان است، بدتر شده که بهتر نشده، مجاهدین هم که هدفهایشان همان است؛ دموکراسی هم اگر خوب است، آخر برای مردم ایران هم خوب است.

پس آقای مالکی، همچنان که یکبار آیت الله قاسمی - که او را همین عوامل رژیم به‌خاطر روابطش با مجاهدین ترور کردند و شما سکوت کردید - گفت؛ خوب اگر کسی بخواهد مجاهدین را به‌خاطر آمدن به‌عراق مؤاخذه کند، اول ما باید خودمان را مؤاخذه کنیم که چرا پیش رژیم ایران رفتیم. مطمئن باشید که در جهان هیچ نمونه‌یی بالاتر و برتر از نمونه استقلال و پاکیزگی سیاسی مجاهدین در این سالیان در عراق نبوده است؛ چه در دولت قبلی، چه در دولت بعدی و چه در رابطه با آمریکاییها، این منطق خلقی است که رشیدترین و عزیزترین فرزندان را برای آزادی مایه گذاشته، لابد که از پس هزینه‌های آنها هم برمی‌آید. بگذریم که مجاهدین عهد کرده‌اند - از شب عید، از بهار یک - که اگر لازم باشد مثل مردم تبریز در جریان مشروطه علف بیابان و ریشه گیاهان و برگ درختان هم خواهند خورد، اما در برابر رژیم نامشروع آخوندی زانو نمی‌زنند. زانو زدن ارزانی مزدوران همین رژیم باد، هیئات منا الذله (کف زدن جمعیت با شعار هیئات منا الذله).

فصل سوم

اذعان و پافشاری بر حقوق قانونی

حالا نکته دیگری هم از همین حرفهای سرکرده نیروی تروریستی قدس در عراق بگویم که علاوه بر آن ۵ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر در خرداد سال ۱۳۸۸، سه میلیون شیعیان عراق هم خواستار اخراج و بستن دکانش شده بودند؛ دکان جاسوسی و شرارت و جنایت... سوخته و درمانده از این که به اتوبوسها و مینی بوسهایش حتی یک نفر هم سوار نشده است. در حالی که ساعتها جلو ۵۰ خبرنگار و فیلمبردار بلندگوهای نظام نعره می کشیده و اطلاعیه می انداخته که بیایید ما شما را ببریم جای بهتر، ببریمتان خارجه و ببریم اروپا و حرفهایی از این قبیل، سوخته و درمانده از بر باد رفتن خام خیالیها با کینه شتری و حیوانی که خواب پنبه دانه بی اش تعبیر معکوس شده است. می گوید خانواده های اینها آمده اند و به صلیب گفته اند منظورشان خانواده های وزارت اطلاعات است نه خانواده های ما - که بخش زیادی از اینها نادم و فریب خورده اند و می خواهند خلاص بشوند! و باز هم می خواهد این چنین صورت خود را با سیلی سرخ بکند.

بسیار خوب، من یک گزارشی داشتم از داخل ایران بعد از این که اخیراً همین ماه گذشته، آن خانواده ها را رژیم آورد و مجاهدین گفتند:

اولاً - ما بیرون قرارگاه ملاقات نمی کنیم.

ثانیاً - هر کس که ملاقات می خواهد بیاید داخل اشرف.

بعد هم در مصاحبه‌های خواهران و برادرانمان در ماهواره فهمیدیم که اطلاعات آخوندها چه فضیحتی به‌بار آورده است. حتی وزارت بدنام نمی‌گذاشته که یکساعت هم تلفن‌دستی‌هایی که جدید به این خانواده‌ها داده بود، بیکار بماند. در وسط ملاقات هم این مزودر یا آن مزدور از اوین یا از فلان هتل در بغداد زنگ می‌زده که یک وقت اینها بند را آب ندهند...

تعهد آمریکا به حفاظت از اشرف تا فرجام نهایی

خوب، حالا حرف ما و حق ما چیست؟ بعد از یکسال تجربه با این دولت عراق، بعد از این همه کشتار و خونریزی و اعتصاب و گروگانگیری و محدودیت و محاصره و اذیت و آزار و ممنوعیت دیدار با خانواده‌ها و وکلا و سازمانهای بین‌المللی و بعد از تحریم سوخت و دارو و خرید ارزاق و ممنوعیت کار ائتفافی، و بعد از این همه تهمت و افترا، حرف ما و حق ما چیست؟

قبل از هر چیز، آمریکا که سند وزارت خارجه آن را نشان دادم، هم‌چنان که همه حقوقدانان و وکلا و پارلمان‌ها و سازمانهای بین‌المللی مدافع حقوق بشر می‌گویند، می‌باید در برابر آن همه سلاح که گرفته، بعد از آن همه بمباران، بدون این‌که ما در این جنگ شرکت داشته باشیم و یک گلوله شلیک کرده باشیم، بعد از ۱۶ ماه تحقیقات و اسکرین و بعد از این‌که کنوانسیون چهارم ژنو را به رسمیت شناخت و در گزارش وزارت خارجه هم رسماً به آن اذعان کرده است، نبایستی نقض عهد کند.

طبق موافقتنامه‌یی که با تک‌تک ساکنان اشرف جداگانه امضا کرده است، باید حفاظت آنها را تا فرجام نهایی یعنی تا روز آخری که به‌هر دلیلی در عراق هستند، خودش به‌عهده بگیرد والا سابقه بسیار بدی از نقض عهد باقی می‌گذارد.

به این موافقتنامه نگاه کنید:

چکیده آن را می‌خوانم:

**AGREEMENT FOR THE INDIVIDUALS OF THE PEOPLE'S MILIAHEDIN
ORGANIZATION OF IRAN (PMOI)**

You are being offered your release from control and protection in exchange for your promise to comply with certain conditions. In exchange for your promises, you will be released from Multi-National Forces-Iraq control and protection as soon as reasonably practicable.

Please read the Agreement below. If you agree to abide by these terms, then sign your name at the bottom of this page.

AGREEMENT

I, _____, knowingly, willingly, and voluntarily enter into this Agreement with Multi-National Forces-Iraq. I agree to the following:

- a. I reject participation or support in terrorism.
- b. I have delivered all military equipment and weapons under my control or responsibility.
- c. I reject violence and I will not unlawfully take up arms or engage in any hostile act. I will obey the laws of Iraq and relevant United Nations mandates while residing in this country.

I understand that I will be free to leave and to return home when viable disposition options become available. I understand that some of these disposition options include: return to my nation of origin, admission to a third country, application to the Ministry of Displacement and Migration for commercial residency in Iraq, or application to international organizations such as the United Nations High Commissioner for Refugees. I agree to cooperate with Multi-National Forces-Iraq while these disposition options are pursued. I agree to remain under the protection of Multi-National Forces-Iraq at Camp Ashraf until these options are completed. If I violate any terms of this Agreement, I may be subject to prosecution or internment, and administrative sanctions. I promise to scrupulously comply with my Agreement.

_____ SIGNATURE	_____ NAME (PRINTED)	_____ IDENTITY NUMBER
_____ DATE	_____ PRINTED NAME, RANK	_____ MNF-Iraq Representative

توافقنامه آمریکا با تک تک ساکنان اشرف

موافقتنامه افراد سازمان مجاهدین خلق ایران

- الف - من شرکت و حمایت از تروریسم را رد می‌کنم.
- ب - تمامی تجهیزات نظامی و اسلحه که تحت کنترل یا مسئولیت من بوده است را تحویل داده‌ام.
- ج - خشونت را رد کرده و به طور غیرقانونی سلاح برنخواهم داشت... بعد، به گزینه‌های مختلف اشاره شده؛ این که مثلاً اگر کسی دلش خواست برود به ایران، یا کشور ثالث، یا در عراق بماند. اما در هر حال امضاکننده تصریح می‌کند که: موافقت می‌کنم تا فرجام نهایی و محقق شدن گزینه‌ام تحت حفاظت نیروهای چندملیتی - عراق در کمپ اشرف باقی بمانم.

اعلامیه فرمانده نیروهای چند ملیتی در عراق

قبل از امضای همین موافقتنامه اعلامیه فرمانده نیروهای چند ملیتی در عراق در تاریخ ۲ ژوئیه ۲۰۰۴ تأیید می‌کند که ساکنان اشرف از «استاتوی» افراد حفاظت شده تحت کنوانسیون چهارم ژنو برخوردارند و می‌گوید این مطلب را به صلیب سرخ هم ابلاغ کرده است.



HEADQUARTERS
MULTI-NATIONAL FORCE - IRAQ
BAGHDAD, IRAQ
APO AE 09121-0001

*Proclamation by the Commander, Multi-National Forces –
Iraq, on the Signing of the "Agreement for the Individuals of the
People's Mujahedin Organization of Iran (PMOI)" at Ashraf,
Iraq*

To the residents of Ashraf

The United States has confirmed your status as "protected persons" under the Fourth Geneva Convention and has communicated that determination to the International Committee of the Red Cross in Geneva. The acknowledgement of this determination will assist in expediting the efforts of the International Committee of the Red Cross and the United Nations High Commissioner for Refugees in your disposition as individuals in accordance with applicable international law.

2 July, 2004

اعلامية فرمانده نیروهای چندملیتی در عراق - ژوئیه ۲۰۰۴

حفاظت از اشرف توسط سازمان ملل

حالا اگر آمریکا نمی‌خواهد به امضای خودش وفادار بماند، حرف ما، رک و روشن این است که نیروهای ملل متحد باید حفاظت اشرف را به‌عهده بگیرند. البته قبل از این گفتیم که اگر رژیم اعلام کند و به سازمانهای بین‌المللی تضمین مکتوب بدهد که این مجاهدین اشرف از پیگرد و اعدام و شکنجه و دستگیری مصونیت دارند و همچنین از آزادی بیان در داخل میهن خودشان برخوردارند، ضمن ۴۸ ساعت همه اشرفیان با خودروها و اموال منقولشان به ایران می‌روند. طبعاً این اولین انتخاب ما بوده و هست و خواهد بود.

اما اگر رژیم چنین جرأت و ظرفیستی ندارد، پس دیگر راه حل انتقال افراد به کشورهای عضو اتحادیه اروپا به‌صورت داوطلبانه است.

ولی در هر حال، در هر تابلو و هر چشم‌انداز مفروض، ما خواهان این هستیم که حفاظت اشرف از طرف ملل متحد بر عهده گرفته شود. بنابراین مصرا نه روی موارد زیر تأکید می‌کنیم، چون حق ماست، حق قانونی ماست:

۱ - بر عهده گرفتن حفاظت ساکنان اشرف توسط ملل متحد به‌خاطر این است که دولت عراق نه نیت، نه توان و نه صلاحیت حفاظت از اشرف را دارد و این را اثبات کرده است.

۲ - تضمین عدم حمله و خشونت و جابه‌جایی در داخل عراق از طرف نیروهای آمریکایی.

۳ - التزام دولت عراق به‌حق و حقوق ساکنان اشرف طبق قطعنامه ۲۴ آوریل ۲۰۰۹ پارلمان اروپا تا زمانی که در عراق هستیم.



EUROPEAN PARLIAMENT

2009-01-01

Humanitarian situation of Camp Ashraf Residents

TEXT ADOPTED

at the sitting of

Friday
24 April 2009



Strasbourg

PE 43-000-1

PE 43-000

PE 43-000

EN

Document type: Resolution

EN

6_TA (2009)0011

European Parliament resolution of 24 April 2009 on the humanitarian situation of Camp Ashraf residents

to European Parliament,

having regard to the Geneva Convention and notably Article 27 of the Fourth Geneva Convention relative to the Protection of Civilian Persons in Time of War,

having regard to the Geneva Convention of 1951 relating to the Status of Refugees and the 1967 Protocol thereto,

having regard to the Status of Forces Agreement between the US and Iraqi Governments, signed in November 2006,

having regard to its resolution of 12 July 2007 on the humanitarian situation of Iraqi refugees and its resolution of 4 September 2008 on violations in Iraq, which include references to Camp Ashraf residents having legal status as protected persons under the Fourth Geneva Convention,

having regard to Rule 119(3) of its Rules of Procedure,

whereas Camp Ashraf in Northern Iraq was established during the 1980s for members of the Iranian opposition group People's Mojahedin Organisation of Iran (PMOI),

whereas in 2003 US forces in Iraq abandoned Camp Ashraf's residents and provided them with protection, those residents having been designated "protected persons" under the Geneva Conventions,

whereas in a letter dated 15 October 2008 the UN High Commissioner for Human Rights urged the Iraqi Government to protect Camp Ashraf residents from forcible displacement, expulsion or deportation in violation of the non-refoulement principle, and to refrain from any action that would endanger their life or security,

whereas following the conclusion of the US/Iraq Status of Forces Agreement, control of Camp Ashraf was transferred to the Iraqi security forces on 1 January 2009,

whereas, according to several statements reportedly made by the Iraqi National Security Advisor, the authorities intend gradually to make the continued presence of the Camp Ashraf residents "transferable", and whereas he reportedly also referred to their expulsion/evacuation and to their forcible displacements inside Iraq,

Urges the Iraqi Prime Minister to ensure that no action is taken by the Iraqi authorities which violates the human rights of the Camp Ashraf residents and to clarify the Iraqi government's intentions towards their care to the Iraqi authorities to protect the lives and freedom of

accordance with obligations under the Geneva Conventions, in particular by refraining from forcibly displacing, deporting, expelling or expatriating them in violation of the principle of non-refoulement,

2. Respecting the individual wishes of anyone living in Camp Ashraf regardless of his or her future, considers that those living in Camp Ashraf and other Iranian nationals who currently reside in Iraq having left Iraq for political reasons could be at risk of serious human rights violations if they were to be returned involuntarily to Iraq, and insists that no person should be returned, either directly or via a third country, to a situation where he or she would be at risk of serious or other serious human rights abuses,
3. Calls on the Iraqi Government to end the blockade of the camp, to respect the legal status of the Camp Ashraf residents as protected persons under the Geneva Conventions, and to refrain from any action that would endanger their life or security, i.e. to afford them full access to food, water, medical care and supplies, fuel, family members and international humanitarian organisations;
4. Calls on the Council, the Commission and the Member States, together with the Iraqi and US Governments, the UN High Commissioner for Refugees and the International Committee of the Red Cross, to work towards finding a satisfactory long-term legal status for Camp Ashraf residents;
5. Instructs its President to forward this resolution to the Council, the Commission, the Governments and Parliaments of the Member States, the UN High Commissioner for Refugees, the International Committee of the Red Cross, the Government of the United States of America and the Government and Parliament of Iraq.

PE 43-000-1

EN

قطننامه پارلمان اروپا-۲۴ آوریل ۲۰۰۹

پارلمان اروپا
وضعیت انسانی ساکنان کمپ اشرف
متن مصوب در اجلاس جمعه ۲۴ آوریل ۲۰۰۹

قطعنامه پارلمان اروپا طبق ماده ۱۱۵ مقررات پرسودوری در مورد وضعیت انسانی ساکنان قرارگاه اشرف پارلمان اروپا:

- با توجه به کنوانسیونهای زنو و به طور خاص ماده ۲۷ کنوانسیون چهارم زنو در مورد موقعیت حقوقی افراد حفاظت شده،

- با توجه به کنوانسیون زنو ۱۹۵۱ مربوط به موقعیت پناهندگی و پروتکل الحاقی ۱۹۶۷،

- با توجه به توافقنامه موقعیت نیروها (سופا) که بین دولتهای آمریکا و عراق در نوامبر ۲۰۰۸ به امضا رسیده است،

- با توجه به قطعنامه های خود در تاریخ ۱۲ ژوئیه ۲۰۰۷ و ۴ سپتامبر ۲۰۰۸ از جمله این که اشارتی شده است که ساکنان قرارگاه اشرف از موقعیت حقوقی افراد حفاظت شده تحت کنوانسیون چهارم زنو برخوردار هستند،

- با توجه به ماده قانونی شماره ۱۱۵ از قوانین پرسودوری،

الف- در حالی که قرارگاه اشرف در شمال عراق در طی دهه ۱۹۸۰ به عنوان محل اقامت اعضای گروه اپوزیسیون سازمان مجاهدین خلق ایران تشکیل شده است،

ب- در حالی که در سال ۲۰۰۳ نیروهای آمریکایی در عراق ساکنان اشرف را خلع سلاح کردند و به آنها حفاظت دادند، ضمن این که به عنوان "افراد حفاظت شده" تحت کنوانسیونهای زنو نامگذاری شدند،

پ- در حالی که کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل در نامه مورخ ۱۵ اکتبر ۲۰۰۸ از دولت عراق مصرا خواستار حفاظت ساکنان اشرف از اخراج اجباری، اخراج یا بازگرداندن آنان که ناقض اصل نان رفولمان می باشد و خویشتنداری از هر اقدامی که جان و امنیت آنان را به خطر می اندازد، شده بود،

ت- در حالی که بعد از توافقنامه سوفا بین آمریکا و عراق قرارگاه اشرف به کنترل نیروهای امنیتی عراقی از اول ژانویه ۲۰۰۹ بازگشته است،

ث- در حالی که مطابق اظهارات اخیر که گفته می شود مشاور امنیت ملی عراق نموده و بر آن اساس مقامات قصد دارند به تدریج ادامه حضور ساکنان قرارگاه اشرف را "غیرقابل تحمل" کنند و در حالی که گفته می شود او همچنین به اخراج، سترداد و یا جابه‌جایی اجباری آنها در داخل عراق اشاره کرده است،

۱- از نخست وزیر عراق مصرأ می‌خواهد تا تضمین کند که هیچ اقدامی توسط مقامات عراقی صورت نگیرد که حقوق بشر ساکنان قرارگاه اشرف را نقض کند و همچنین مقاصد دولت را نسبت به آنان روشن سازد. از مقامات عراقی می‌خواهد که از جان و تمامیت فیزیکی و روانی ساکنان قرارگاه اشرف حفاظت کند و با آنها طبق تعهدات تحت کنوانسیونهای ژنو رفتار کند و به‌خصوص آنها را به طور اجباری جابه‌جا، دیپورت یا اخراج نکند که ناقض اصل نان رفولمان می‌باشد.

۲- با احترام به خواست فردی کسانی که در کمپ اشرف زندگی می‌کنند، نسبت به آینده خودشان، معتقد است که کسانی که در کمپ اشرف زندگی می‌کنند و دیگر ایرانیانی که اکنون در عراق سکونت دارند و ایران را به دلایل سیاسی ترک کرده اند در صورت بازگشت غیر داوطلبانه به ایران با ریسک جدی نقض حقوق بشر روبه رو هستند، و تأکید می‌کند که هیچ شخصی نباید به طور مستقیم یا غیرمستقیم به وضعیتی برگردانده شود که می‌تواند در معرض تهدید شکنجه قرار گیرد و یا با نقض سایر حقوق مواجه گردد.

۳- از دولت عراق می‌خواهد که به محاصره کمپ اشرف خاتمه دهد و موقعیت قانونی ساکنان کمپ اشرف به عنوان «افراد حفاظت شده» تحت کنوانسیون چهار احترام بگذارد و از هرگونه اقدامی که جان یا امنیت آنها را به خطر می‌اندازد خودداری نماید. بدین معنی که آنها دسترسی کامل به غذا، آب، خدمات درمانی، تدارکات، سوخت، اعضای خانواده و سازمانهای انساندوستانه بین‌المللی دسترسی کامل داشته باشند.

۴- از شورا و کمیسیون و کشورهای عضو می‌خواهد که همراه با دولت‌های عراق و آمریکا و کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در جهت

یافتن موقعیت قانونی دراز مدت که برای قرارگاه اشرف و ساکنان آن رضایتبخش باشد، کار کنند.

۵- رئیس خود را موظف می‌کند که این قطعنامه را به شورا، کمیسیون، دولت‌ها و پارلمان‌های کشورهای عضو، کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، دولت ایالات متحده و دولت‌ها و پارلمان‌های عراق، ارائه نماید.



فصل چهارم

شکست رژیم در کارزارهای سیاسی و حقوقی

گزارشی از شکست مفتضحانه

حربه کثیف به کارگیری خانواده علیه فرزندان

خواهر فرشته، آیا شما آن گزارش درونی رژیم مربوط به خانواده های وزارتی را را دارید که بخوانید؟

فرشته یگانه: بله گزارش دارم؛ بعد از این که در ۹ آبان هشت خانواده به اشرف آمده بودند و همه در جریان قضیه هستند، گزارشی از داخل رژیم به دستمان رسیده که در واقع این موضوع را جمع زده بودند؛ هم آمدن این تعداد خانواده را و هم کل کاری را که وزارت بدنام تحت عنوان همین شعبه اش - به نام انجمن نجات - این کارها را انجام می دهند. یک قسمتهایی از گزارش قابل توجه بود که می گویم:

در این گزارش آمده که انجمن نجات اصفهان که در ظاهر کارها را دنبال می کرده و در هماهنگی با وزارت، این خانوادهها را راهی کرده، سراغشان رفته و به آنها وعده داده که شما را عراق می بریم و شما بروید کارهای اینها را دنبال بکنید. گزارش می گوید اینها را ما با هواپیما به عراق فرستادیم، آنها را به زیارت نبردیم و مستقیم به اشرف فرستادیم. به هتلی و جایی هم نبردیم و تمام مدت در کمپ عراقیها بودند این ماجرا از نهم آبان شروع شد و تا سیزدهم آبان ادامه داشت. گزارش می گوید بعد از چند روز مجاهدین خانوادهها را می بینند و در بدو ورود به این خانوادهها اعتراض می کند که برای چه آمدید؟ چرا خانه ما را که فرارگاه اشرف باشد به کمپ دشمنان فروختید؟ (چون عراقیها نمی گذاشتند اینها وارد بشوند). بعد به یکی از این خانوادهها اشاره می کند که می گوید: این خانم به فرزندش به صورت

رمزی و صحبت و اینها می‌گوید بیا برویم و او می‌گوید باشد من می‌آیم ایران، ولی یک پیام دارم که تو آن را ببری به دولت ایران بگویی. این که ما به شرطی می‌آییم که سرچهار راهها روزنامه‌هایمان را بفروشیم و بعد می‌گوید وسط این دیدار آقای خداینده که منظورش همین مزدور ابراهیم خداینده است، تماس می‌گیرد و پسر این خاتم گوشی را برمی‌دارد و می‌فهمد که خداینده است که بعد از همانجا به مدرش اعتراض می‌کند و می‌گوید تو ناری یا چه کسی کار می‌کنی؟ چرا من را به‌نظام فروختی؟ و بعد برایش ماجراهای انتخابات را توضیح می‌دهد، داستانهای کهریزک را می‌گوید و در مورد نظام حرفهای زیادی می‌زند.

بعد، این گزارش در ادامه اشاره می‌کند که وزارت اطلاعات سرخورده شده، چون خیلی روی این خانواده‌ها سرمایه‌گذاری کرده بود و در جمعیندیش گفته که این خانواده‌ها نتوانستند در مقابل بچه‌هایشان آنچه را که ما گفتیم انجام بدهند و وزارت به آنها گفته شما کاری را که می‌خواستیم نتوانستید بکنید. ما نفری می‌خواستیم مثل برخی خانواده‌ها که بیفتند وسط و خودش را فدا کند و هر کاری از دستش برمی‌آید انجام دهد و بتواند اینها را با خودش بیاورد، ولی شما نتوانستید. به‌همین دلیل هم در برگشت، وزارت می‌گوید به‌هیچ‌کدام از اینها لازم نیست خدمات بازگشت به ایران بدهید، بگویید خودشان بیایند. یعنی هواپیمایی در کار نبوده و به این خانواده‌ها می‌گویند خودتان از راه زمینی و از مرز خسروی بیایید. بعد هم وزارت اطلاعات گفته: خانواده‌هایی که رفتند، ظاهراً نتوانستند کاری از پیش ببرند و بین خودشان هم اختلاف پیش آمد. بعد ما جمع زدیم نتیجه کار خیلی منفی بوده است. در گزارش آمده که مجاهدین بعد از این داستان یک میزگرد تشکیل دادند (که منظور همین برنامه‌ی است که خواهرمان سوسن و برادرانمان داشتند و این ماجرا را افشا کردند) و گفتند که این کار خیانت است.

در ادامه این گزارش، از وضع به اصطلاح شعبه انجمن نجات یک گزارش می‌دهد و می‌گوید که انجمن نجات الان دست ابراهیم خداینده است. بعد ماجراهای ابراهیم خداینده را می‌گوید که در سوریه دستگیر شده و به اصطلاح زندانی است. ولی نه به آن معنا بلکه تحت الحفظ است. این نفر اصلی است که ما در تمامی محفلها و صحبت‌های عمومی و خصوصی از او استفاده می‌کنیم؛ او را طرف حساب روزنامه‌های مختلف اروپایی و آمریکایی می‌کنیم، با او به ملاقات می‌رویم. ملاقاتهایی هم با سازمان ملل و اما نیکلسون و سفیر انگلیس و محمد

شیخ، سفیر عراق در ایران و حتی با اشتوگر، رئیس صلیب سرخ در ایران برایش ترتیب دادیم.

در ادامه گزارش هم می‌گوید: انجمنی هم در انگلیس هست که آن یکی برادرش یعنی مسعود خدا بنده آن را اداره می‌کند.

در مورد نجات هم می‌گوید که ما دیگر نمی‌توانیم آن وعده و وعیدهای سابق را بدهیم. یک سائیتی هم داریم که به‌صورت مخفی کار می‌کند که اغلب از نفراتی هستند که بعد از بازجوییها خودشان را در اختیار وزارت اطلاعات قرار دادند. الان هم این نفرات به‌صورت مستمر با بازجوهایشان در تماس هستند و به‌دلیل سوءبیشینه‌شان حق ورود به‌دانشگاههای سراسری و آزمونهای ورود به‌مراکز دولتی را ندارند. الان هم تحت‌الحمايه بسیاری از ارگانها مثل وزارت هستند و وثیقه‌های کلانی هم از آنهايي که خواسته‌اند خارج بشوند، گرفته‌اند.

در ادامه گزارش و در انعکاس از این خانواده‌ها گفته: اینهایی که رفتند بچه‌هایشان را دیدند، می‌گویند به‌منظر می‌آید این سازمان را یک مغزی که آقای رجوی باشد اداره می‌کند. من سوگند می‌خورم که اگر کویر قم و یزد و بیابانهای ایران را دست اینها بدهید، این مرد با استعداد، با طرز تفکر و نفوذ و جاذبه‌ی بی‌که ما دیدیم روی این بچه‌ها دارد، همه‌جا را گلستان می‌کند (دست زدن جمعیت).

آنچه که ما از اینها فهمیدیم، اینها آدمهای بسیار سرسختی هستند اگر بیابانها دستشان باشد یک سائتش خالی نمی‌ماند و همه را مزرعه سر سبز می‌کنند.

بعد هم اشاره می‌کند به این که در وزارت خارجه یک رابطی با وزارت اطلاعات گذاشته‌اند که اگر خانواده‌ی بخواهد به عراق برود، این فرد می‌آید خانواده را تخلیه می‌کند، یعنی بخش امور بین‌الملل وزارت خارجه با وزارت اطلاعات در همکاری هستند و در هماهنگی با اینهاست که فرد می‌تواند برود به عراق.

ما بریدگان اینها را که از عراق به ایران آمدند در انجمن نجات سازماندهی کردیم که نشان بدهیم از وزارت فاصله دارند. اما عملاً این‌طوری نشد، افرادی را آوردیم که از سازمان بریده بودند یا دستگیر کرده بودیم؛ برخی از آنها در جریان عملیات یا عده‌ی خودشان آمدند خودشان را معرفی کردند که با منافقین بودند. ما اینها را آزادی مشروط دادیم، یعنی شرط

گذاشتیم که اگر برای وزارت اطلاعات فعالیت کنند، آزاد هستند، ولی بچه‌های اطلاعات و بازجویانشان مرتب با آنها در تماس هستند و گزارش می‌گیرند. علتش این است که اینها سوء پیشینه دارند، به زنهایشان در همین زندان شوهر دادیم - یعنی همان پاسدارها را - و به مردهایشان هم زنهای مورد اطمینان خودمان را دادیم، گفتیم مرخصی می‌توانند بیرون، اما باید هنوز پیش ما باشند. آنهایی را هم که خارجه فرستادیم وثیقه‌های کلان و مصاحبه و نوشته و اسناد و مدارک گرفتیم که وقتی خارج رفتند، اگر دست از پا خطا کردند و دوباره تحت تأثیر نفاق قرار گرفتند، بتوانیم حسابشان را برسیم...

نتیجه مزدوری و تیز کردن تیغ جلااد

البته آخر عاقبت آن به‌همین جا ختم نمی‌شود، آخر عاقبتش آن است که در جریان قیام ضدسلطنتی دیدیم که مردم ایران در همین اصفهان، در مشهد، در تهران، در تبریز، در شهرهای مختلف، چگونه خودشان با این مزدوران رودرو حسابرسی کردند و خرمن خشم خلق دامن مزدور و دزخیم و شکنجه‌گر را فرا گرفت. بدون شک آنهایی که دست در خون خلق و مجاهدین خلق دارند، دست در خون و شکنجه رشیدترین فرزندان خلق دارند، آنهایی که دشنه جلااد و کارد جلااد را تیز می‌کنند، تردیدی نیست که دیر یا زود در برابر قانون و دادگاه و عدالت قرار خواهند گرفت. روزگار مزدوری رو به پایان است.

یک سند طلایی!

حالا می‌خواهم به شما یک سند طلایی نشان بدهم که مثل آن اسناد دیگر از داخل به‌دست آورده‌اند و برای دادگاه اسپانیا و برای همه مراجع بین‌المللی و پارلمان‌ها و حقوقدانان و خلاصه همه‌جا فرستاده‌اند (معمولاً اسنادی که عراق دارد، رونوشت‌های آن از کانالهای متعدد برای وزارت خارجه، بیت خامنه‌ای، نیروی تروریستی قدس، و جاهای دیگر می‌رود). حالا اهمیتش را خواهم گفت که در چیست؛ سند را بنگرید:

تاریخ سند، ۱۵ اکتبر ۲۰۰۹ است. لطفاً دقت کنید، ۱۵ اکتبر روز ۱۳ مهر می‌شود و ۳۶ گروگان هم ۱۵ مهر آزاد شدند. در واقع قرار بود ۱۴ مهر آزاد شوند، که ۱۵ مهر آزاد شدند. حالا دقت کنید؛ در روز ۱۳ مهر یعنی همان روزی که آزادی گروگانهای ما گرفته شده

Republic of Iraq
Prime Minister's Office



جمهورية العراق
مكتب رئيس الوزراء
غرفة العمليات
لجنة إغراق مخيم العراق الجديد

عدد: ١٠٠٠
التاريخ: ١٠/١٠/٢٠٠٩

سري وشخصي

إلى السيد مدير شرطة ديالى - تتنر لجنة إغراق مخيم العراق الجديد المحترم

الموضوع / اجراء تحقيق

الملاءة غلشاه ورجمة كك وهورقانه

تسبب اجراء تحقيق عن اسباب مقتل عدد من الاربانيين من سكان مخيم العراق الجديد والبالغ عددهم (١٦) شخصي القام عملة دخول القوات الامنية الى المخيم لغرض فتح مركز للشرطة وفرص السيادة على ارض المخيم -
مع العرض ان توجيهات اللجنة هي عدم استخدام الاسلحة المازية ومراعاة حقوق الانسان في التعامل مع ساكني للمخيم
للتفصيل بالاطلاع واجراء الملاءة واعلامنا نتيج التحقيق وبالسرعة الممكنة..... مع التقدير.

عني عبد الامير الياسري
رئيس لجنة إغراق مخيم العراق الجديد
٢٠٠٩ ١٠

سعد محمد آل
- سبط -

سري وشخصي

نامه رسمی رئیس کمیته سركوب اشرف به مدير پليس ديالى
١٥ اكتوبر ٢٠٠٩

با عجب! در همان روز، رئیس کمیته سرکوب اشرف به رئیس پلیس استان دیالی نامه رسمی نوشته است که الان دست مراجع بین‌المللی هست حرفش چیست؟ به اهمیت این سند توجه کنید، می‌گوید:

علت کشته شدن ۱۱ ایرانی را تحقیق کن - یعنی در زمانی که قرار بود بیاید در اشرف ایستگاه پلیس بزنند و علت را در بیاور، با توجه به این که دستورالعمل‌های ما این نبود که سلاح گرم به کار بگیرد!

توجه کنید همان شبی که تصمیم به آزادی گروگانها گرفته شده یعنی ۱۳ مهر، قبل از آزادی گروگانها، این سند تاریخ خورده، و به رئیس پلیس استان دیالی می‌گوید برو در مورد علت قتل ۱۱ ایرانی که در ۶ و ۷ مرداد بوده، تحقیق کن. یعنی بعد از مرداد، شهریور و مهر یعنی دوماه و یک هفته بعد از ۶ و ۷ مرداد! در حالی که تحقیق روی یک مسأله را مثلاً فردا یا پس فردا یا یک هفته بعد می‌گویند، دو هفته بعد می‌گویند، اینجا نخیر! دو ماه و یک هفته بعد می‌گوید، برو تحقیق کن که:

اول، چرا اینها کشته شده‌اند؟

دوم، قرار نبوده شلیک کنید،

سوم، قرار بوده در تنظیم و رفتار با اینها به حقوق بشر پایبند باشید! همه اقدامات اجرایی را در این تحقیق انجام بدهید! و با حداکثر سرعت نتایج تحقیقات را به ما اعلام کنید که چه بوده است.

بنگرید، در روزی که اینها تصمیم به آزادی گروگانهای ما گرفتند، همان روز از ترسشان دست شست‌اند از شلیک، و می‌گوید ما گفته بودیم شلیک نباید بشود و تأکید کرده بود که قرار بوده با اینها در این قرارگاه حقوق بشر نقض نشود! این حرف آن روز است، نه روز ۱۵ دسامبر! جالبتر از این، آخر تو که می‌گفتی مجاهدین خودشان خودشان را کشته‌اند! آقای دباغ در تلویزیونها گفت ۳ تا ۵ پلیس را کشته‌اند! اما اینجا دیگر خبری از این یاوه‌ها نیست.

درحالی که جلو چشم خود ما پلیسها را سر و مر و گنده به محل مشروع آب بردی و گچ گرفته بیرون آوردی و فیلم از آنها گرفتی که مجاهدین آنها را زدند! خدا را بنگرید نه فقط از تمامی آن اتهامها و یاوه در این نامه رسمی خبری نیست که

اذعان و پافشاری بر حقوق قانونی

هیچ! از شلیک هم دارد دست می‌شوید، و تأکید می‌کند که آقای داموک، قرار بوده و دستورالعمل تو این بوده که در رفتار با ساکنان این اردوگاه ملتزم به حقوق بشر باشی! ولی این نقض شده، برو تحقیق کن چرا نقض شده؟! به این می‌گویند برگ زرین!

فصل پنجم

جایگاه ایدئولوژی و انقلاب مریم

اهمیت انقلاب ایدئولوژیک درونی

سحر: من خیلی به این فکر کردم که در هر سرفصلی، حداقل مثلاً در همین یازده سالی که خودم در سازمان بودم، همواره برای خودم مشخص بوده که همیشه خطوط شما درست بوده، و در این هیچ شکمی نداشتم. ولی فکر می‌کردم که این تابلو چرا این بار اینقدر با شکوه بود، خودم فکر می‌کنم بعد از بحثهایی که در ماه رمضان کردید، همه مجاهدین آن سلاح اصلی که در جیبشان داشتند، یعنی انقلاب خواهر مریم را توانستند به کار بگیرند. برای همین، این تابلو اینقدر بدون خش بود و باید تشکر و شکرگزاری کنم...

نمی‌توانم حق مطلب را ادا کنم، ولی آن چیزی که به خودم به عنوان یک مجاهد برمی‌گردد، فکر می‌کنم سؤالی است که من باید هر روز از خودم بکنم: این که چکار کنم که حق مطلب را در رابطه با خواهر مریم و انقلاب ادا کنم و بتوانم شایسته‌اش باشم، این تنها چیزی است که هر روز از خودم سؤال می‌کنم.

- خیلی سؤال جالبی است، سؤال اصلی و جان کلام همین است. یک سؤال دارم: چون که خودت به‌درستی انگشت گذاشتی در جای درست، اگر واقعاً باید به قول تو شکرگزاری کرد، معنی شکر این است که آدم قدر یک چیزی را بداند و از آن حفاظت و نگاهبانی کند. حالا اگر بیرسم در یک کلمه یا یک عبارت، آن چیزی که باید از آن شکر کرد، چیست؟

سحر: در واقع دوتا چیز است: یکی همان خط و خطوط درست، یکی هم انقلاب است.

ولی شاید بیشتر انقلاب است. چون اگر انقلاب نبود، حتی همان خطوط درست شما هم، یعنی همان چیزی که شرط است. آن هم در گل فرو می رفت. پس آن چیز اصلی، چیزی که باعث می شود خط و خطوط درست به بار بنشینند، انقلاب است.

- آفرین! پس ای خواهران و ای برادران دقت کنید؛ هم چنان که این خواهر مجاهد گفت: خط و خطوط چیست؟ و چه بهایی دارد؟!

همه مجاهدین اهمیت خط و استراتژی را می دانند، این جای خودش، اما کیست که این را پیش ببرد؟

کیست که به صورت معجزه آسا در سال ۲۰۰۹ در برابر این همه توطئه بایستد؟

کیست که بگوید کس نخارد...؟

کیست که شش زمستان تیره و تار را که رژیم می خواست بر سرمان بیاورد، به بهاران تبدیل نموده و از سر می گذراند؟

کیست که مانند همین خواهرانمان، این صحنه ها را می چرخاند؟

کیست که اصلاً امکان بهره برداری از پیروزی سیاسی را محقق می کند؟

و کیست در بهار یک و دو سه؟ کیست در ۶ و ۷ مرداد؟ کیست در آن ۷۲ روز؟ کیست این ۷ شروز و تمام این ۷ سال؟

خوشبختانه که شما خواهر مجاهد گفتید ۱۱ سال را از نزدیک شاهد بوده اید.

خوب، راستش را بگویم باید از انقلاب مریم و خودش تشکر کرد به معنی شکرگزاری، شکرگزاری از انقلاب او...

اینهم سلاح ایدئولوژیکی و هسته یی ماست. هسته اتم را که بشکافید، هسته گوهر بی بدیل ایدئولوژیکی، یک چیز بیشتر نیست؛ انقلاب مریم.

از اینجا توان برخاستن و ایستادن، توان پرداختن قیمت، توان ورودیه، و توان بیابا می آید، از قضا من هم مثل تو که فکر می کردی، راستش بعد از مرگ خمینی فکر می کردم، چگونه؟ و مریم راه انقلابش را به من نشان داد.

من اصلاً فکر نمی کردم مجاهدین چنین توانی داشته باشند. فکر نمی کردم که این نسل تا اینجا بکشد، از خواهران مسئولان و این برادران حتماً شنیدید که یک روزی من آمدم در همین سالن به بچه ها رک و روشن گفتم؛ ببینید، خمینی مرد و ما حسابهای خودمان را کردیم....

من هم مثل تو، آنزمان، تا همین الان و تا همین امروز فکر می‌کردم که خوب، آخر ما که مثل مزدوران رژیم در عراق نیستیم، آخر شرافت داریم. ما مثل این جریانها و آدمهایی که با خمینی رفتند، نیستیم، آخر شرافت داریم. آخر از زمان امام حسین بگیریم تا همین الان، از مشروطه بگیریم تا همین الان، از مصدق بگیریم تا همین الان، اینها دو تا خط بوده، دو تا جریان بوده که رودرروی هم ایستادند.

پس ما که حمایت ابر قدرت را نداریم، ما را به شدیدترین صورت بمباران کردند، خلع سلاح کردند... (در زمان ستارخان سفیر روس و انگلیس رفتند به دولت آن روز ایران گفتند اینها را خلع سلاح کن، ولی خودشان که نیامدند وارد بشوند).

آخر کسانی که حتی طرف مستقیم جنگ بوده‌اند ۶ ماه تحت بازداشت بودند و بعد هم آزاد شدند، ولی این همه فشار روی مجاهدین برای چی؟ در نتیجه، من هم، هم‌ااش فکر می‌کردم که در این راه پرفراز و نشیب، آخر یا چه توانی، با چه نیرویی می‌توان ادامه داد؟ ۲۰ سال پیش - سال ۶۸ - مریم مسئول اول سازمان شد. الان ۸۸ هستیم. ۲۰ سال پیش، آن زمانها در همین سالن یا سالنهای دیگر، همین بحث را می‌کردیم: فرمول اینشتین: $E=MC^2$

یعنی که یک گرم انقلاب مساوی است با سرعت نور به قوه 2 ژول (واحد انرژی). برای همین شما شک نکنید که بهترین خطوط، بهترین سیاستها، بهترین استراتژیها... وقتی که پشتوانه عملی نداشته باشد به جایی نمی‌رسد. حالا منظورم چیست؟ منظورم این است که می‌ادا اصلاً این دو عنصر را با هم مقایسه کنید، می‌ادا.

حتی اگر ما یکجا در خطوط و سیاستهایمان اشتباه کنیم، نتیجه‌اش به اندازه همان اشتباه است. البته که خیلی خوب است اشتباه نکنیم و درست حرکت کنیم. دقیق و حساب شده حرکت کنیم. اما اصلاً بیایید و فرض کنیم که یک جا اشتباه می‌کنیم. آخر سرنوشت یک انسان، و سرنوشت یک جریان و یک سازمان، آنهم یک جنبش با ۴۵ سال سابقه که به یک اشتباه بند نیست. فرض کنید اشتباه می‌کردیم، چه می‌شد؟ بد می‌شد و ضرر داشت، کاملاً قبول دارم، ولی آسمان زمین نمی‌آمد. خیلی خوب شد و احسنت که درست رفتید، ولی فرض کنید اشتباه می‌شد، در سرنوشت اثری نمی‌گذاشت. اما یکجا هست اگر اشتباه کنیم، آنجا دیگر همه چیز است. حالا من می‌خواهم بگویم انقلاب مریم را دریابید، یعنی اگر در انقلاب استوار و بی شکاف باشید، به عبارت دیگر

قدرش را بدانیم و شکرش را بگذاریم، بقیه‌اش می‌آید.

همه شما در مورد سیاستها و خطوط درست تأکید کردید و من مطمئن هستم که ارزش و جای آن را می‌دانید اما عنصر تعیین‌کننده، عنصر نگهدارنده، عنصری که در دهان و پوزه رژیم زده، به‌خصوص در این یکسال گذشته، و البته تمام ماجرابی که خودت گفتی ۱۱ سال شاهدش بودی چه بوده؟! کدام عنصر بوده که طرف مقابل را مغلوب کرده است؟

سحر: انقلاب خواهر مریم.

بله، من هم همین را می‌خواهم بگویم. بگو ببینم اگر روزی شما در کلان‌تعهد سرتنگونی این رژیم موفق شوید، آنوقت تو می‌گویی علت اصلی پیروزی چه بود؟

سحر: انقلاب.

- ماشاءالله، من هم همین را می‌گویم، اگر خدای ناکرده، روزی مجاهدین شکست بخورند از کجا شکست می‌خورند؟

سحر: انقلاب، یعنی پایبند نبودنشان به آن.

- احسنت! چه قدر قشنگ شعار می‌دهید، ما اشرف بی‌شکستیم. فرض کنید که من می‌خواهم به‌صورت تلوریک و مدون و منطقی از تو بپرسم؛ آخر به‌چه دلیل شما اشرف بی‌شکستید؟ آخر آدم بی‌شکست وجود ندارد، آن که پیغمبر خدا هم بود، در جنگها شکست می‌خورد.

آیات جنگ حنین یادتان هست؟ مجاهدینش مغرور شده بودند، جمعیتشان هم زیاد بود، مثلاً جنگ بدر که می‌گفتند خیلی زیاد بودند ۳۱۳ نفر بودند، در جنگ خندق هم جمعیت بین ۲۰۰۰ تا ۳۰۰۰ نفر بودند، مجاهدینش را بخواهید مثلاً ۱۰۰۰ نفر بودند. ولی چون پیروز شدند، مغرور بودند، حواسشان نبود وارد تنگه شدند، طرف مقابل قبیله‌یی بود به‌نام هوازن، آنها به‌جای این‌که نیرو بیاورند، جلو سپاهی که پیامبر در رأسشان بود، جا خالی داده، به‌جایش با تک تیرانداز کمین گذاشتند. وقتی مجاهدین وارد تنگه شدند، تک تیراندازها شروع کردند، و شیرازه لشکر به‌کلی از هم گسیخت.

وَيَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبْتَكُمْ كَثُرَتْكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَرَزَقْنَا مِنْكُمْ غَدَاةً وَكَفَى بِنُجُودِ اللَّهِ عَسَى أَنْ يَكُونَ آيَةً لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَ كُنْتُمْ تُكْفِرُونَ بِاللَّهِ إِنَّهُمْ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ كَكُفْرِكُمْ أَفَ كُنْتُمْ مُتَعَدِّينَ

وَصَافَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ أَتُحِبُّونَ النَّاسَ أَكْثَرَ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَفَ كُنْتُمْ مُتَعَدِّينَ

برایشان تیره و تار شد. یک عده هم جیم شدند و پا به فرار گذاشتند، به جبهه جنگ پشت کردند. **ثُمَّ وَلَّيْتُمْ مُدْبِرِينَ**
ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْزَلَ جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَعَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ
بعد پیامبر و مجاهدین راستین او ایستادند و ایستادگی کردند. پیامبر گفت چه خیر است! شما را چه شده که جا خورده اید و از جنگ می‌گریزید... بعد هم با تعداد اندک جنگیدند و تعادل را چرخاندند.

این ماجرای یوم حنین بود، حالا شما می‌گویید ما اشرف بی‌شکستیم، چرا بی‌شکستید؟ آخر پیامبر خدا هم که بود، شکست می‌خورد. با بالاترین نیرو که رفت به حنین، اول شکست خورد، بعد خودش و مجاهدانی که همین آرامش و سکینه و طمأنینه بر آنها مسلط شد، تعادل را چرخاندند و دومرتبه پیروز شدند.

حالا سؤال از تو: چرا اشرف بی‌شکستیم؟

سحر: به خاطر انقلاب

- بله من هم همین را می‌گویم. حتی اگر در یک حرکت اشتباه کنیم و به طور مقطعی و موضعی شکست هم بخوریم، در حرکت بعدی تصحیح می‌کنیم و می‌چرخانیم.

رمز پایداری

جهانگیر: الان شما بحثی کردید با خواهرمان، راستش من هم ذهنم این بود که الان در شرایطی که ما ۱۵ دسامبر را پشت سر گذاشتیم، تنها چیزی که توانسته ما را تا این نقطه این طور سرفراز جلو بیاورد، چیزی جز همان انقلاب نیست که شما همواره گفتید اگر این انقلاب برای مسیری که در پیش داریم ضروری نبود، اصلاً وارد چنین موضوعی نمی‌شدیم.

خوب در این سالیان، از همان سال تا الان، هر روز و در هر مرحله و سرفصلی ضرورت آن را دیدیم و روزانه واقعاً باید برای آن، نماز شکر به‌جای آورد، به‌دلیل این‌که این سرمایه ما را در برابر همه توطئه‌ها و توفانها حفاظت کرده و مسیرمان را رو به جلو همیشه باز نگاهداشته است. واقعیت این است که سنگ بنا و پایه همه پیروزیها که در همین دوران هم به آن رسیدیم، ورودیه و «بیا، بیا» است که تابشی از انقلاب است، یعنی کسی

می‌تواند ورودیه بدهد و وارد این حیطه شود که با انقلاب حرکت کند. در حقیقت ما از ۱۵ دسامبر وارد مرحله جدیدی شدیم، کمالین که ۶ و ۷ مرداد را که پشت سر گذاشتیم وارد یک مرحله جدید شدیم. آدم کاملاً می‌بیند که یک جهشی واقع شده، در داخل ایران و در همین جا همه مجاهدین جهشی به جلو می‌کنند، در فضای سیاسی عراق هم صورت مسأله در حال تغییر است. من خودم فکر کنم همه ما باید یک آمادگی جدیدی برای قدم برداشتن در مرحله جدید پیدا کنیم.

- کمی صبر کن، من به همین برادران گفته‌ام و باز می‌گویم، همه‌تان بدانید؛ به‌قدیمیترین و پرسابقه‌ترین مسئولان چه خواهر و چه برادر، چه بالا چه پایین، چه آنکه فردا می‌آید، چه آن که ۴۰ سال پیش آمده، چرا که ۲۰ سال پیش ما این راه را رفتیم.

الان اواخر سال ۲۰۰۹ میلادی هستیم، با ۶ کارزار بهار، خوب، در سختترین سال... با آن ۱۰ ماده‌یی موفق ربیعی، با آن تحریم خانواده و خبرنگار و وکیل، با تحریم غذایی و دارویی، با ۶ و ۷ مرداد، با اعتصاب غذا و گروگانگیری که خودتان در نشستهای قبیل گفتید انقلاب در آن موج می‌زد و با این کارزار ۷ شروزه، (۲ ماهه اخیر) و با آن مصاحبه‌های حقوق بشر و با خانواده‌های وزارتی و با کولاک تبلیغات رذیلانه و کثیف. در تمام این یکسال، ۹۹ درصد این مجاهدین، روزبه‌روزشان را اثبات کردند، یعنی تعداد بریده و مزدور و خائن را که سرجمع کنید، حدود یک درصد می‌شود، در سختترین سال! که زمان مصاحبه‌ها در اوایل همین امسال (۸۸) امار آن را اعلام و علنی کردیم. اگر به‌من بگویند که ارتجاع چه چیز را از مجاهدین نمی‌فهمد که این طوری طرح و برنامه‌هایش ابلهانه از آب درمی‌آید که به‌قول خودتان، خنده‌دار و مضحک بود، می‌گویم انقلاب مریم.

چرا این تومار محاسبات ارتجاعی و طرح و برنامه‌های ارتجاعی و ضدبشری، یکی بعد از دیگری، درهم پیچیده می‌شود؟ انقلاب مریم.

چه چیز را نمی‌فهمد؟ همین را، چون مرتجعین و سرکوبگران که تجربه کم ندارند، اینها تجارب جهانی دارند که چگونه می‌شود جنبشهای ترفیخواه را درهم شکست، شقه کرد، در درونشان نفوذ کرد، فاسدشان کرد، تکه‌تکه کرد و قطعه‌قطعه کرد. چگونه می‌شود در آن «طعمه» پرورش داد و چگونه می‌شود در درونش نفوذی و جاسوس پرورش داد... در این زمینه‌ها بسیار تجربه دارند.

ولی دشمن همین را نمی‌فهمد و نمی‌تواند بفهمد، چون فراتر از عقل و فراتر از سقف اندیشه و تفکرش است. مثل زمانی که هسته اتم شکافته نشده بود، کسی نمی‌توانست بفهمد که در یک گرم ماده چه میزان انرژی نهفته است. وقتی هسته اتم شکافته شد، معلوم شد که یک گرم ماده، اگر بتوان انرژی را استخراج کرد، چه ابعاد عظیمی از انرژی در درون دارد. قبل از آن بشر و دانش بشری هنوز به این مرحله نرسیده بود.

حالا به حیطة مبارزه و مجاهدت، به همان حیطة عقیده و جهاد (به قول امام حسین اما الحیات عقیده و جهاد) می‌آییم. این انرژی و توانمندی و «می‌توان و باید» انسانی و مبارزاتی در انقلاب مریم برای مجاهدین کشف شد. در مهار کردن فردیت و جنسیت افسارگسیخته کشف شد. انقلاب درونی مجاهدین از روز اول برای سرنگونی و در راستای سرنگونی همین رژیم دجال و ضد بشر بود.

یک دگرگونی کیفی ایدئولوژیکی و دقیقاً همان چیزی که ارتجاع نمی‌تواند بفهمد. با منطق استثمار نمی‌توان فهمید. به همان میزانی که قبل از شکافتن هسته اتم، کسی نمی‌توانست اصلاً به ذهنش خطور کند که در یک گرم ماده، چه میزان انرژی نهفته است.

این آن چیزی است که دست ارتجاع از آن کوتاه است. توپ می‌آید، تشر می‌آید، محدودیت ایجاد می‌کند...

بارها گفته‌ایم که اگر فقط یک درصد از این فشارهای روی مجاهدین را روی رژیم بگذارید، پودر می‌شود. اگر ۱۰ درصد آن را روی هر ساختار شناخته شده انقلابی بگذارید، دود می‌شود. می‌گویید نه، بیایید افراد رژیم را بگیرید، همه را خلع سلاح کنید، محاصره کنید، بپندازید آنها را در یک موضوعی مثل ۱۷ ژوئن، ۱۲ دولت بریزند سرش، این همه برایش پرونده بسازند، این همه لجن پراکنی، این همه دروغ و... ببینید چه می‌شود؟ نتیجه: حرفم را کوتاه می‌کنم، در پیروزی‌تان شک نکنید. با هر قدرتی، بی‌سلاح، با سلاح.

معیار سنجش مجاهدین

جدا از سن، جدا از سال، جدا از سابقه، جدا از رده، جدا از پایین، جدا از بالا، جدا از خواهر، جدا از برادر، اصل موضوع، انقلاب است. معیار یک مجاهد را این‌طور می‌سنجند

شما همه یادتان هست، ما خودمان بعد از «استاتو» (اعلام موقعیت قانونی مجاهدین در اشرف به عنوان افراد حفاظت شده طبق کنوانسیون چهارم ژنو در ۲ ژوئیه ۲۰۰۴) اطلاعیه دادیم و با سربلندی عذر ۲۰۰ نفر را خواستیم. تا وقتی که «استاتو» نبود، از آنها حفظ و نگهداری کردیم، چون معلوم نبود چه بلایی سرشان بیاید. بعد، واضح است که تصفیه صفوفمان، ما را رشد می‌دهد، بالا می‌برد، پایین که نمی‌برد. کسی در هر مقامی، در هر رده‌یی، با هر سابقه‌یی، اگر انقلاب نکرده باشد، به درد ما نمی‌خورد. یک روزی هم، بالاخره ضرباتش را به ما می‌زند. به همین خاطر به محض این که «استاتو» مشخص شد، من با اصرار گفتم، تو را به خدا اینها را بفرستید بروند. چون خیری در آنها نیست. اگر خیری داشت که انقلاب می‌کرد.

در آینده هم این را بداتید که همین‌طور خواهد بود. از قضا در اوج پیروزی‌تان می‌گویم، در اوج فتح مبین می‌گویم. اگر حرف مرا بپذیرید، اگر حرفم حق است، اگر این حرف را و این خط را قبول دارید، زمانی هم که انشاءالله دشمنان را سرنگون کردید، کسی که اهل ورودیه نیست، اهل بیا بیا نیست، از الان بداتید یا للمجاهدین، در اوج پیروزی‌تان می‌گویم، آن زمان هم دوباره من خواهم گفت از تو! از بالا نه از پایین...

می‌گویم برادر احمد مجاهدی؟ بیا ثبت نام کن. مجاهد خلق انقلاب کرده‌ای؟ برادر رحمان، یاالله، برادر جهانگیر یاالله! جهانگیر با این موافقی یا نه؟ فردا نگویی من جهانگیرم. من این همه در ۶ و ۷ مرداد خون از فرقم جاری شد، این را که به من نمی‌گویی؟!

جهانگیر: بله با کمال افتخار. فکر کنم این بالاترین افتخار است برای هر کس که در صف اول این تعهد باشد و من هم افتخار می‌کنم که در چنین موقعیتی باشم.

- اگر که شما به این افتخار بکنید، من هم قاطعانه می‌گویم، کمالین که یادتان هست، قبل از جنگ هم گفتم، مجاهدین صدبار هم که شرایط پرفتنه‌تر باشد، عزم جزم کرده‌اند که در سهای جدیدی از ایستادگی و فدا ارائه دهند...

السلام علیک یا ناراالله.

خروش مجاهدین: حاضر، حاضر، حاضر!

- به خصوص، اینجا اشرف است!

اینجا ارض امام حسین است!

مغزهای کودن و فرسوده ارتجاعی چه خیال کرده‌اند؟ با چه کسی طرفند؟ به خدا ۳۴۰۰ مجاهد، اگر انقلاب کرده و بیشکافند، اگر اهل «بیا، بیا» و پرداخت قیمت‌اند، سوگند می‌خورم که حتی نصفشان دنیایی را دگرگون می‌کنند.

الان وارد سال ۱۴۳۱ هجری قمری شدیم. داستان امام حسین و عاشورا مربوط به ابتدای سال ۶۱ هجری است. ۱۳۷۰ سال پیش، پیشوای آرمانی ما این بذر را کاشت. کدام قدرتی در جهان، کدام نیرویی در جهان دیگر از پس او برمی‌آید؟

این را به لق‌لق زبان نمی‌گویم. برای کسانی می‌گویم که خودشان در این ۷ سال و به‌خصوص این یکسال، لحظه‌لحظه‌اش را دیدند و بودند و چشیدند و با همه‌التهاب‌اتش لمس کردند. مگر کرسپهای ارتجاعی، لاشخورهای سواحل دور، در هر قدمش در این سال ۲۰۰۹ منتظر این نبودند که سر مجاهدین به‌سنگ بخورد و منهدم بشوند و از بین بروند؟ مگر به‌خط شما، به‌ربط شما، به‌استراتژی شما، به‌تاکتیک شما، به‌ایستادگی شما، خرده نمی‌گرفتند؟

آیا چیزی و کاری بود، که شما کرده باشید، حتی اغتصاب غذا، و رژیم و دم‌ودنبالجه‌هایش و کسانی که حرف او را رله می‌کنند، علیه شما ایراد نگرفته باشند؟ لجن پراکنی نکرده باشند؟

اما، اشرف بر جای ماند و قدر خودش را ثابت کرد، قدری که سرچشمه آن صندوق صدق مجاهدین و انقلاب مریم است.

بنابر این، می‌ادا انقلاب مریم را با چیز دیگری قیاس کنید. سیاست و خطوط جای خودش، ولی این است آن گوهر ماندگار، این است آن جوهر مجاهدی. این، آن چیزی است که با آن به‌خاک پای امام حسین سر می‌ساییم. این، آن چیزی است که مردم ایران و جوانهایش را به پیش می‌راند. این، آن چیزی است که باید به قیام هم تزریق کرد تا پیش برود و به ارتش آزادی ارتقاء یابد. این، آن موتور محرکه است.

گوشه‌یی از جنایت مافوق تصور رژیم در ۵ مهر ۱۳۶۰

محمد: آن چیزی که شما می‌خواهید یک مجاهد تمام عیار است که انشاءالله لایقش باشیم، چون واقعیتش این است که اگر انقلاب نباشد که مجاهدی وجود ندارد. مسأله همین است که شما می‌گویید؛ انقلاب، و این که با خود انقلاب چگونه تنظیم کنیم...

- احسنت، تو محمد هستی و معنی و بهای کلمات را درک می کنی. ۱۰ سال در زندان این رژیم بودی. خوب معلوم است، معنی اش را می فهمی که چیست...

محمد آنچه را که در یکی از نشستها، آن بار به من آمار دادی و شاهد آن بودهای در مورد تعداد اعدامهای ۵ مهر در عرض چند ساعت، آیا دوباره می توانی بگویی؟ تو در ۵ مهر شاهد و گواه اعدام چند مجاهد بودی؟

محمد: گفتم که ۳۰۰ تا ۴۰۰ نفر در عرض ۳ تا ۴ ساعت بود و تا فردا صبح می گفتند حدود ۱۸۱۰ نفر شده بود. البته آمار سازمان ۱۴۵۰ است. چون ما را برده بودند در یک اتاق و تا صبح صدای تیرباران را می شنیدیم، یکسره بود و اصلاً قطع نشد. آنروز ۱۰ تا ۱۲ هزار نفر دستگیر شده بودند. اصلاً فضای عجیبی بود. شما که می دانید، اوین و دادسرایش در مهرماه سرد است.

تمام سه طبقه پر شده بود، طوری که آنجا که همیشه سرد است، گرم شده بود، اصلاً جا نبود، بقیه را در فضای بیرون نشانده بودند که ناد می زدند داریم از سرما می میریم...

- پس ای خواهران و ای برادران، مجاهدی دارد حرف می زند که در سال ۱۳۶۰ (۲۸ سال پیش) شاهد چنین صحنه هایی بوده، فقط یک قسمت از اوین، فقط در زندان اوین و نه کل زندانهای رژیم. آمار سازمان ۱۴۰۰ نفر است ولی آمار سازمان کامل نیست، معلوم است که خیلی از اسامی را ما نداریم یا اسم کوچک داریم. آنموقع در سازمان رسم نبود که اسم اصلی کسی را ببرند، با یک اسم مستعار همه چیز حل و فصل می شد. چون فرم پرسنلی و ارتش آزادیبخش نبود، اصلاً قرارگاهی وجود نداشت، هرکسی در خانه خودش بود. برای همین حتی در فاز سیاسی، حداکثر مخفیکاری مراعات می شد. پس معلوم است که آمار تو درست تر و دقیقتر است. چون تو شاهد صحنه بودی.

می گوید که رژیم از بعدازظهر تا صبح روز بعد، ۱۸۱۰ نفر را اعدام کرده است. ای خدا، اللهم فاشهد.

۱۰ تا ۱۲ هزار دستگیری بوده؛ شعار «مرگ بر خمینی» و «شاه سلطان خمینی مرگت فرا رسیده» این طوری اجتماعی شد، و الا چه کسی می توانست به خمینی چپ نگاه کند، عکسش را در ماه می دیدند، نگو که جواب تاریخش مجاهدین و انقلاب مریم بوده است. به همین خاطر رژیم را بر زمین خواهید زد، صبر کنید و ببینید...

حالا پس از ۷ سال، اشرف قدر خودش را شناساند، تثبیت کرد، در چشمها فرو کرد؛ بازو

در بازوی قیام و خیزش عمومی برای سرنگونی در مسیر ارتش آزادی. در عراق هم، امروز سفیر رژیم بود که گفت در عراق انتخابات است و مجاهدین در انتخابات دخالت می‌کنند و خطرناک هستند. در حالی که ما محصوریم و هیچ رفت و آمدی نداریم. ولی او بهتر از همه می‌داند که چه می‌گوید. والا چرا باید سفیر رژیم بعد از آن همه تیغ و تبر و شلیک و محاصره و خط و نشان، به زبان اشهدش این را بگوید؟ این یک اقرار و تصدیق ناگزیر به قدر اشرف به عنوان کانون استراتژیکی نبرد رهایی بخش است.

نمی‌دانم چه مشیتی در کار است، ولی فقط یک چیز را می‌دانم. می‌دانم که حق تعالی بنابر آزمایش، چیزی را خلق می‌کند که بعد وقتی سیاه و تباه می‌شود، خمینی و رژیمش می‌شود، جوابش، یعنی ضدش را هم به گونه‌ی دیالکتیکی در آستین دارد. جواب و پاسخ تاریخی خمینی، یعنی آنتی تز او در مجاهدین است و انقلاب مریم.

بارخدا یا مجاهدین را نصرت کن. الذین یشرون انفسهم ابتغاء مرضاتک آنهایی که نفسهای خویشتن را پرداختند به خاطر رضای تو و خلق بدون این که کسی بداند و بفهمد...

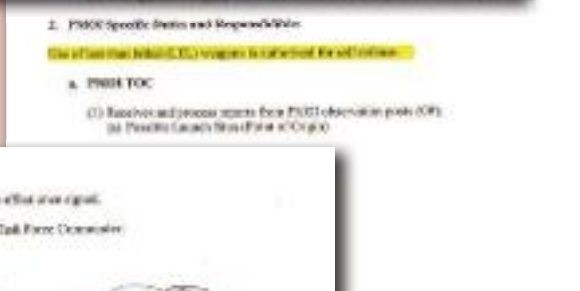
کارزار پیروزمند اشرف، مبارک!

فصل ششم

ضمایم

- موافقتنامه روش جاری برای دفاع از خود در اشرف-نوامبر ۲۰۰۶
- دعوت و نتیجه بازرسی سه روزه از اشرف با یکان سگهای پلیسی-آوریل ۲۰۰۹
- اسناد استقلال و سرفرازی مجاهدین و ارتش آزادی-نشریه مجاهد شماره ۹۱۵

موافقتنامه روش جاری برای دفاع از خود در اشرف



استفاده از سلاحهای غیر مرگبار برای دفاع از خود
در شمار مسئولیت ها و وظایف سازمان مجاهدین خلق ایران

دعوت مجاهدين برآى بازرسى مجدد از اشرف پس از انتقال حفاظت به دولت عراق
مارس ٢٠٠٩

الأستاذ المحترم

٣٠ آذار (مارس) ٢٠٠٩

تحية طيبة

خلال اللقاء فى الليلة الماضية تحدثت سيادتكم عن ضرورة التأكد من عدم إخفاء وتكديس أسلحة فى «أشرف» وأن هناك حاجة ليوم واحد للتدقيق فى هذا الموضوع. أطلعت سيادتكم على أنه وبعد الحرب قامت القوات والوكالات الأمريكية بتدقيق وفحص واختبار وتفتيش معسكر «أشرف» من الأرض والجو وبصنوف الأجهزة المتطورة. ألفت انتباهك إلى تقرير العقيد فيليبس فى هذا المجال وهو تقرير تم تسجيله فى نشره الكونغرس الأمريكى. وفى رسالته أخري بتاريخ ٢٧ أيار (مايو) ٢٠٠٥ أيضاً أكد العقيد فيليبس أنه قاد فرق التفتيش فى زيارات مفاجئة لمنشآت منظمة مجاهدى خلق الإيرانية إثر تلقى تقارير كثيرة حول سوء المعاملة وأسلحة مختفية فى «أشرف». مع ذلك ولطمأنه الحكومة العراقية المحترمة نحن مستعدون لإجراء التفتيش عن جميع أماكن «أشرف» بحثاً عن مخازن أسلحة وعتاد فى أى يوم تحدده سيادتكم. وفى الموعد الذى تحدده سيادتكم سنبدل قصارى جهدنا لكى لا يمنعكم أحد من هذه العمليات ولأن يتعاون جميع الأفراد معكم. كما إننا نطالب القوات الأمريكية بأن تتواجد فى المواقع عند عمليات التفتيش هذه وتقدم مساعدات وتبدي التعاون من جميع الجوانب لتسهيل أعمالكم.

إن مطلبنا الوحيد هو أن تعلن سيادتكم النتيجة لنا ولل قوات الأمريكية خطياً (تحريراً) فى ختام عمليات التفتيش لتسجيلها فى الملف.

مع فائق الاحترام

مهدي براعى

رسائل الجنرال فيليبس مرفقة طياً

استاد گرامی

۲۰ آذر ۱۳۸۶

با سلام

در ملاقات شب گذشته از ضرورت اطمینان یافتن از اینکه در اتراف تسلیحات ذخیره و پنهان نشده باشند این که به به روز وقت برای چله این موضوع نیاز است گفتگو کردید.

به اطلاق رسنم که بعد از جنگ نیروها و آژانسهای آمریکایی فرارگاه اتراف را از زمین و هوا با انواع و اقسام تجهیزات پیشرفته چک و آزمایش و بازرسی کردند. توجه شما را به گزارش کتل فیلیس در همین رابطه که در رکورد کنگره آمریکا هم به ثبت رسیده است جلب می کنم. او در نامه دیگری به تاریخ ۲۷ می ۲۰۰۵ نیز تصریح کرده است که تیمهای بازرسی را در دیدارهای از پیش اعلام نشده از نوسبات سازمان مجاهدين خلق ایران بدندان در بهت گزارشهای بی شمار در باره سوءقتل و سلاحهای مخفی شده در اتراف فرمادهی می کرده است.

با این همه برای اطمینان خاطر دولت محترم عراق هر روزی را که چنانچه معین کنید ما برای بازرسی کلیه نقاط اتراف از جهت ذخیره و اتمار سلاح آماده ایم و در زمانی که شما معین کنید حد اکثر تلاش را بعمل می آوریم تا کسی ممانعت نکند و افراد همکاری کنند. همچنین از نیروهای آمریکایی می خواهیم در این بازرسی حضور پیدا کنند و از جمع جهات کلاه و همکاری کنند تا کار شما تسهیل شود.

نتها حواسنه ما این است که در حلقه بازرسی نتیجه را برای ثبت در پرونده به ما و نیروهای آمریکایی کتبا اعلام کنید.

با احترام مهدی بر اسی

- نامه های ژنرال فیلیس ضمیمه است

Mr. Kenneth Roth
Executive Director
Human Rights Watch
350 Fifth Avenue, 34th floor
New York, NY 10118-3299 USA

27 May 2005

Reference the recent Human Rights Watch report on alleged conduct by the Mujahedin e-Khalq (MeK) / People's Mujahedin Organization of Iran (PMOI) at Camp Ashraf Iraq.

I am the commander of the 89th Military Police Brigade and in that role was responsible for the safety and security of Camp Ashraf from January – December 2004. Over the year long period I was apprized of numerous reports of torture, concealed weapons and people being held against their will by the leadership of the Mujahedin e-Khalq. I directed my subordinate units to investigate each allegation. In many cases I personally led inspection teams on unannounced visits to the MeK/PMOI facilities where the alleged abuses were reported to occur. At no time over the 12 month period did we ever discover any credible evidence supporting the allegations raised in your recent report. I would not have tolerated the abuses outlined in your report, nor would I have sanctioned any acts on the part of the MeK/PMOI to hold people against their will. Each report of torture, kidnapping and psychological deprivation turned out to be unsubstantiated. The MeK/PMOI in fact notified us on a routine basis of people who desired to leave the organization and then transported them to our gates. At your request, I can explain in detail specific allegations and the subsequent investigation by my units. To my knowledge, as the senior officer responsible for safeguarding and securing Camp Ashraf throughout 2004, there was never a single substantiated incident as outlined in your report.

I am very familiar with the leadership of the MeK/PMOI and personally know many of the 3000+ protected people. I've visited male and female units on a routine basis. Sometimes these visits were announced, but most frequently they were unannounced inspections. My subordinate units would randomly select billets, headquarters, warehouses and bunkers for no-notice inspections. Not one time did they discover any improper conduct on the part of the MeK/PMOI. Also, the MeK/PMOI never denied entry to any of their facilities.

I believe that your recent report was based on unsubstantiated information from individuals without firsthand knowledge or for reasons of person gain. I personally spent a year of my life in Iraq with the responsibility for Camp Ashraf. I have very extensive first hand knowledge of the MeK/PMOI and the operations at Camp Ashraf. My comments are based on a full year of on location experience. I look back with satisfaction knowing the my unit did an exemplary job and maintained the safety and security of not only the coalition forces at Ashraf, but also the 3000+ protected people.

نامه کلنل فیلیپس، به مدیر اجرایی دیدبان حقوق بشر (صفحه ۱)

I have spoken to large groups of MeK/PMOI members and have also had one on one private conversations with individual members. At no time did any member, ranging from young male and females to the very senior leadership, ever report any of the type conduct outlined in your recent report.

Iraq was very dangerous throughout 2004. In my opinion, Camp Ashraf was the safest place within my area of responsibility. There was not one incident or combat injury to my forces at Camp Ashraf. I personally felt safe even when surrounded in a room by hundreds of Mujahedin. We always had open dialog and debated difficult subjects. I was exceptionally impressed with the dedication of the female units. These units were professional and displayed strong support for freedom, democracy and equality for women. The dedication of these female members was inspirational. In the entire year only four female members asked to depart the MeK/PMOI. In one case a young woman requested to leave the MeK/PMOI, but first wanted to complete her responsibility as a singer in one of the holiday festivities. One of my subordinate commanders encouraged her to depart immediately as opposed to returning to her unit. She emphasized that she wanted to participate as a singer in the festival and would then depart from the organization in order to return home to her mother. Several days after the festival we were notified by the MeK/PMOI that the young woman was ready to leave and we picked her up at a hotel type facility. The other three females also voluntarily departed the MeK/PMOI. I never discovered a single incident where a female or male was held in the organization against their will. I observed a total freedom of choice on the part of the members to either remain or depart from the MeK/PMOI.

As I previously mentioned, I was very impressed specifically by the all female units. I would like my own daughters to someday visit these units for the cultural exchange. Were it not for the ongoing insurgency throughout Iraq, I would sanction my daughter to travel to Camp Ashraf and meet these very dedicated and professional female members of the Mujahedin e-Khalq.

Thank you for taking the time to read my comments as your report was a direct affront to the professionalism of my units. We maintained the safety and security of Camp Ashraf and can look back in years to come knowing that we made a difference.

Respectfully,

COL David Phillips "Griffin-6"
89th Military Police Brigade
Fort Hood, Texas 76544
Duty: 254-287-3700 Cell: 254-289-4989
"Proven in Battle"

نامه کلنل فیلیپس، به مدیر اجرایی دیدبان حقوق بشر (صفحه ۲)

EXTENSIONS OF REMARKS

HUMAN RIGHTS WATCH'S REPORT
ON THE MUJAHIDEEN KIBRAHAQ

HON. THOMAS G. TANCREDO

OF COLORADO

IN THE HOUSE OF REPRESENTATIVES
Tuesday, June 21, 2005

Mr. TANCREDO. Mr. Speaker, I would like to bring to Congress's attention the following letter from COJ David Phillips "Griffin-G" of the anti-Hillary Police Brigade, sent on July 27, 2004, to Mr. Kenneth Rich, Executive Director of Human Rights Watch, regarding Human Rights Watch's recent report on Sudan rights abuses within the Mujahideen Kibrahq (MKK).

To do the commander of the 10th Military Police Brigade and to that role was responsible for the safety and security of Camp Adnan from January December 2002. Over the next long period I was assigned numerous reports of various, unexplained weapons and people being held against their will by the members of the Mujahideen Kibrahq. I received the information about to determine such allegations. In many cases I personally did investigations on unexplained visits to the MKK POLICE BATTAL where the alleged abuses were reported to occur. As to the case of the 10 cases, I was not able to see any way to verify evidence supporting the allegations raised in your recent report. I would not have believed the abuses outlined in your report, nor would I have questioned my role as the chief of the MKK POLICE to hold people against their will. Such reports of torture, kidnapping and psychological operations carried out to be conducted. The MKK POLICE is not divided up as a number of units of people who failed to have the information and then transferred their to our unit. As your request, I would like to detail specific allegations and the allegations responsible for my unit. The my knowledge, as the senior officer responsible for such reports and because of the nature of the MKK POLICE, there was never a single unexplained incident reported on within your report.

I am very familiar with the leadership of the MKK POLICE and personally know many of the MKK POLICE personnel. The claims made and made upon of a number of cases, however those who were interviewed, but most frequently they were unexplained allegations. My subordinate units would regularly inform them, but they were not reported to our unit. The MKK POLICE never denied entry to any of their facilities.

I believe that your recent report was based on unexplained allegations from individuals without relevant knowledge at the time of your visit. I personally spent a year of my life in Iraq with the responsibility for Camp Adnan. I have very extensive first hand knowledge of the MKK POLICE and the operations at Camp Adnan. My conclusions are based on a full year of on location experience. I look back with satisfaction knowing that my unit did no contribute to and maintain the safety and security of not only the civilian forces at Adnan, but also the MKK POLICE personnel.

I have spoken to large groups of MKK POLICE members and have also had one on one con-

versations with individual members. As we discussed my recollections, hearing from young men and women in the MKK POLICE, over reports and of the MKK POLICE that occurred in your recent report.

This was my experience throughout 2002. In my opinion, Camp Adnan was the safest place within my area of responsibility. There had not one incident of conflict in Iraq in my time at Camp Adnan. I personally did not even allow unexplained in a report by individuals at Adnan. The areas had open areas and secured BILKOTI schools. I was exceptionally impressed with the dedication of the BILKOTI units. These units were professional and displayed strong respect for freedom, democracy and security for women. The dedication of these BILKOTI members was, in fact, the reason I was able to see the BILKOTI members to report the MKK POLICE. In addition a young woman reported to have the MKK POLICE but that seemed to contradict her report as a major in one of the BILKOTI battalions. One of my subordinate members contacted her to report information as reported to me. She said she was surprised that she wanted to participate as a major in the BILKOTI and would then report from the organization in order to return back to her family. Several days after the hearing we were notified by the MKK POLICE that the young woman was ready to leave and we picked her up at a hotel in Iraq. She later stated she was thinking about a single incident where a BILKOTI member had held in the unexplained incident that will. I observed a total freedom of choice on the part of the members to either remain or depart from the MKK POLICE.

In I previously mentioned, I was very impressed specifically by the BILKOTI units. I would like my own questions in meeting with these units for the national commander. When I met for the country commander throughout Iraq, I would certainly try to get to know the BILKOTI units and meet those who reported the professional BILKOTI members of the Mujahideen Kibrahq.

Thank you for taking the time to read my comments as your report was a direct threat to the professional reputation of my unit. We maintain the safety and security of Camp Adnan and we will have to react to such allegations that are made a difference.

SIGNED: DAVID PHILLIPS,

Commander, 10th Military Police Brigade.

CONGRESSIONAL TRIBUTE:
RETIREMENT OF PAUL BLEWETT

HON. BART STUPAK

OF MICHIGAN

IN THE HOUSE OF REPRESENTATIVES

Tuesday, June 21, 2005

Mr. STUPAK. Mr. Speaker, I rise today to pay tribute to Mr. Paul Blewett, a public school teacher who has served the young people of the Bark River Hills School District in Michigan's Upper Peninsula for the past 42½ years and has made a significant contribution to the professional education.

Paul Blewett was born in Ishpeming, Michigan on January 23, 1940 to the late Fred and

Evelyn Blewett. He graduated from Ishpeming High School in 1958 and received his BA and Master's Degree from Northern Michigan University in Marquette, Michigan. After being awarded his Professional Teaching Certificate in 1963, he entered the challenging and rewarding field of teaching in the Bark River Hills Public School System in Bark River in Michigan's Upper Peninsula.

Mr. Blewett's first position at Bark River Hills Schools began a very long and successful career and a true commitment to his community. Mr. Blewett taught Algebra I and II, General Math, Geometry, and Advanced Mathematics for over 42 years to students in the Bark River Hills High School along with being the driver education instructor for 20 of those years. Paul made a commitment to his students in the classroom and to their activities outside of the regular classroom. They reported him as a teacher and appreciated the guidance and counseling that he provided.

Aside from his full time teaching responsibilities, Mr. Blewett also made a major commitment to his professional organization and contributed to the development and the building of the Michigan Education Association as one of the leading professional education organizations in the nation. Mr. Blewett was recognized by his colleagues for his tenacious hard work and willingness to participate because they clearly felt it was on the local Education Association President, Negotiator, Regional Council President, President and Treasurer of the Upper Peninsula Education Association, a member of the Board of Directors for the Michigan Education Association for three years, a delegate to National Education Association Representative Assembly and a delegate to the State Representative Assembly for 20 years. He was also involved in the Political Action Committee of the Michigan Education Association. While doing all of this, Mr. Blewett had many other tasks within his professional educational organization.

With so much time contributed to his teaching, community and professional development, Mr. Blewett extended family was his students and colleagues and he met a lovely nurse from Wisconsin. In April of 2003 he married Vicki and gained a wonderful daughter, Lyndee. Mr. Blewett made time to pursue his love for photography. As a special project, he made a photographic record of many events in school to capture certain moments in the spirit of preserving history. In addition to capturing the staff through creative means, his natural talent made him in-demand for weddings and social events.

Mr. Speaker, it is time to say "Thank You" and recognize this teacher for his dedication to his students and his professional commitment with the Michigan Education Association at all levels of responsibility. Paul's involvement in public education and his professional organization made a difference in the delivery and development of public education for the Upper Peninsula and the State of Michigan. We thank Paul for his commitment, his friendship and we wish him and his wife Vicki the best in retirement.

* This "bullet" symbol identifies statements or questions which are not spoken by a Member of the House on the floor. Matter set in **THIS BOLD** indicates words inserted or appended, rather than spoken, by a Member of the House on the floor.

بسم الله الرحمن الرحيم

باسم الله الرحمن الرحيم
 در تاریخ ۱۳۹۰/۰۹/۲۰ در محل آتش نشانی شهرک صنعتی کاشان
 در جریان بازدید از کارگاه تولیدی مواد پلاستیکی و پلیمری
 در محل کارگاه مذکور یک دستگاه پمپ آب (موتور ۲۰ کیلووات) و یک
 دستگاه برش ورق پلاستیک (موتور ۱۰ کیلووات) مشاهده گردید.
 در ادامه بازدید از کارگاه مذکور، یک دستگاه پمپ آب (موتور ۲۰ کیلووات) مشاهده گردید.



در ادامه بازدید از کارگاه مذکور، یک دستگاه پمپ آب (موتور ۲۰ کیلووات) مشاهده گردید.

نتیجه و صورت جلسه بازرسی سه روزه در اشرف با یگان سگهای پلیسی - اورینل ۲۰۰۹

بسم الله الرحمن الرحيم

در تاریخ ۱۳۹۰/۰۹/۲۰ بازرسی از کارگاه اشرف را توسط سگ های پلیسی وزارت کشور شروع کردیم
 و در تاریخ ۱۳۹۰/۰۹/۲۰ کازمان را به پایان رساندیم. هیچ ماده منفجره و هیچ سلاحی پیدا نکردیم
 مگر ۲۲ بسته فشنگ آتش بازی که برخی فاسد و برخی خالی بودند پیدا کردیم و در ساعت ۱۳ روز
 ۱۳۹۰/۰۹/۲۰ از کارگاه را ترک کردیم. بیه همین دلیل این را مشاهده کردیم.

مهدی برانی	سروان پسراندین طه محمود
نماینده ساکنین اشرف	از مدیریت سگهای پلیسی وزارت کشور
۲۰۰۹/۲۲	۲۰۰۹/۲۲
علی بهاری جوان	
نماینده ساکنین اشرف	
۲۰۰۹/۲۲	

اسناد استقلال و سرفرازی مجاهدین و ارتش آزادی نشریه مجاهد شماره ۹۱۵-۵ تیر ۱۳۸۷



ISSN 2228-2424 (Print) 2228-2432 (Online)

نشریه مجاهد منتشر می‌گردد:

اسناد استقلال و سرفرازی مجاهدین و ارتش آزادی

بخشی از اسناد هزینه‌های مجاهدین و ارتش آزادیبخش ملی ایران در عراق تا سال ۲۰۰۳ از اسناد و مدارک به‌جای مانده از بهاران فرار گاهها

اتحادیه اروپا رژیم ایران را تحریم کرد

۳۰ ژانویه ۲۰۱۲

اتحادیه اروپا رژیم ایران را تحریم کرد. این تحریم‌ها شامل ممنوعیت صادرات تسلیحات، ممنوعیت سفر برای مقامات ایرانی و ممنوعیت سرمایه‌گذاری در بخش انرژی ایران است. این تحریم‌ها در پی گزارش‌های مبنی بر نقض حقوق بشر و حمایت از تروریسم توسط ایران صادر شد.



سمینار لیگ حقوق بشر در تالار فرانسوا میتران در سنای فرانسه در پنجمین سالگرد ۱۷ ژوئن

سمینار لیگ حقوق بشر در این سمینار برای ابطال اتهام تروریسم علیه مجاهدین خلق، لزوم دست‌نکشیدن پرونده‌های آزادی و بر حمایت از مقاومت انقلابی مردم ایران برای تحقق آزادی و عدالت اجتماعی تأکید کردند.



جمعیتی از سناتورها و نمایندگان پارلمان این کشور حمایت خود را از مقاومت ایران اعلام کردند

در مجلسین در حال پارلمان اسرائیل، جمعیتی از سناتورها و نمایندگان پارلمان این کشور حمایت خود را از مقاومت ایران اعلام کردند. این اقدام در راستای حمایت از حقوق بشر و آزادی بیان صورت گرفت.

به سوی قله پیروزی

این بخش شامل چندین تصویر و متن کوتاه است که به موضوعات مختلفی مانند ورزش، فرهنگ و اجتماعی می‌پردازد. تصاویر شامل ورزشکاران، گروه‌های فرهنگی و صحنه‌های اجتماعی است.

زنده باد ارتش آزادیبخش ملی بازوی استوار و پراقتدار خلق قهرمان ایران

پرداخت ۸ میلیون دلار از سوی جاهدین به حساب دولت عراق به ازای دریافت ۴ میلیون دلار عراقی در سال ۱۳۸۷ (فروردین ۱۳۶۶) طبق نرخ دولتی



استاد پرداخت بابت خرید سلاح و مهمات

رسید پرداخت ۳۳ میلیون دلار از سوی سازمان جاهدین خلق ایران به ارتش عراق بابت تسلیحات و مهمات ۳۰۰ میلیون دلار در روز خرداد ماه سال ۱۳۸۲ و نیز از ارتش عراق بابت خرید مهمات و تسلیحات در تهران به قیمت کرگانه شده بود

رسید پرداخت ۱۰۰۱۲ دلار از سوی سازمان جاهدین خلق ایران به وزارت سلاح عراق بابت خرید سلاح و مهمات

رسید پرداخت ۱۰۰ دلار از سوی سازمان جاهدین خلق ایران به ستاد نظامی دولت عراق بابت خرید مهمات و تسلیحات که جاهدین عراقی بابت فتح تهران به قیمت کرگانه شده بود

رسید پرداخت ۱۰ میلیون و ۲۰۰ هزار دلار از سوی جاهدین به حساب دولت عراق به ازای دریافت ۴ میلیون دلار عراقی در سال ۱۳۸۲ (فروردین ۱۳۶۱) طبق نرخ دولتی

رسید پرداخت ۱۰ میلیون و ۲۰۰ هزار دلار از سوی سازمان جاهدین خلق ایران به ستاد نظامی عراق بابت خرید سلاح و مهمات و تسلیحات

رسید پرداخت ۳۰۰ دلار از سوی ارتش عراق بابت خرید سلاح و مهمات

رسید پرداخت ۱۰ میلیون و ۲۰۰ هزار دلار از سوی سازمان جاهدین خلق ایران به ستاد نظامی عراق بابت خرید سلاح و مهمات و تسلیحات

**قسمتی از اسناد و جدولهای خرید
اقلام مختلف پوشاک و وسایل انفرادی از کره جنوبی
در فاصله سالهای ۱۹۸۶ - ۱۹۹۳ میلادی
به مبلغ ۴,۱۰۴,۴۰۶ دلار**

ردیف	شرح اقلام	تعداد	واحد	قیمت واحد	قیمت کل
۱	پوشاک	۱۰۰	تک	۱۰۰	۱۰,۰۰۰
۲	وسایل شخصی	۵۰	تک	۵۰	۵,۰۰۰
۳	سایر اقلام	۲۰	تک	۲۰	۲,۰۰۰
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰
۳۱
۳۲
۳۳
۳۴
۳۵
۳۶
۳۷
۳۸
۳۹
۴۰
۴۱
۴۲
۴۳
۴۴
۴۵
۴۶
۴۷
۴۸
۴۹
۵۰
۵۱
۵۲
۵۳
۵۴
۵۵
۵۶
۵۷
۵۸
۵۹
۶۰
۶۱
۶۲
۶۳
۶۴
۶۵
۶۶
۶۷
۶۸
۶۹
۷۰
۷۱
۷۲
۷۳
۷۴
۷۵
۷۶
۷۷
۷۸
۷۹
۸۰
۸۱
۸۲
۸۳
۸۴
۸۵
۸۶
۸۷
۸۸
۸۹
۹۰
۹۱
۹۲
۹۳
۹۴
۹۵
۹۶
۹۷
۹۸
۹۹
۱۰۰



۱۰۱ میلیون دینار اجاره سالانه ساختمانهای دفتر مرکزی مجاهدین در بغداد

اسناد استقلال و سوزناری مجاهدین و ارتش آزادی - در راستای آمادگی برای مبارزه با رژیم بعثی و استقلال ایران، مجاهدین و ارتش آزادی در بغداد، عراق، ساختمانهای دفتری را اجاره کردند. این اجاره نامه‌ها به شرح زیر است:

ردیف	نام ساختمان	نام صاحب ملک	پلاک قرارداد	مبلغ اجاره
۱	مجاهدین	فرات احمد محمدتقی	۹۰۰۲۰۸۳۴	۱۰۰۰۰۰۰۰
۲	مجاهدین	زکریا حسن حسن	۹۰۰۲۰۸۳۳	۱۰۰۰۰۰۰۰
۳	مجاهدین	زکریا احمد محمدتقی	۹۰۰۲۰۸۳۲	۱۰۰۰۰۰۰۰
۴	مجاهدین	احمد محمدتقی محمدتقی	۹۰۰۲۱۱۰۲۵	۱۰۰۰۰۰۰۰
۵	مجاهدین	احمد محمدتقی محمدتقی	۹۰۰۲۰۸۳۱	۱۰۰۰۰۰۰۰
۶	مجاهدین	احمد محمدتقی محمدتقی	۹۰۰۲۰۸۳۰	۱۰۰۰۰۰۰۰
۷	مجاهدین	احمد محمدتقی محمدتقی	۹۰۰۲۰۸۲۹	۱۰۰۰۰۰۰۰
۸	مجاهدین	احمد محمدتقی محمدتقی	۹۰۰۲۰۸۲۸	۱۰۰۰۰۰۰۰

مجموع اجاره سالانه ساختمانهای دفتر مرکزی مجاهدین در بغداد: ۸۰۰۰۰۰۰۰۰

اسناد استقلال و سوزناری مجاهدین و ارتش آزادی - در راستای آمادگی برای مبارزه با رژیم بعثی و استقلال ایران، مجاهدین و ارتش آزادی در بغداد، عراق، ساختمانهای دفتری را اجاره کردند. این اجاره نامه‌ها به شرح زیر است:

اسناد استقلال و سوزناری مجاهدین و ارتش آزادی - در راستای آمادگی برای مبارزه با رژیم بعثی و استقلال ایران، مجاهدین و ارتش آزادی در بغداد، عراق، ساختمانهای دفتری را اجاره کردند. این اجاره نامه‌ها به شرح زیر است:

اسناد استقلال و سوزناری مجاهدین و ارتش آزادی - در راستای آمادگی برای مبارزه با رژیم بعثی و استقلال ایران، مجاهدین و ارتش آزادی در بغداد، عراق، ساختمانهای دفتری را اجاره کردند. این اجاره نامه‌ها به شرح زیر است:

اسناد استقلال و سوزناری مجاهدین و ارتش آزادی - در راستای آمادگی برای مبارزه با رژیم بعثی و استقلال ایران، مجاهدین و ارتش آزادی در بغداد، عراق، ساختمانهای دفتری را اجاره کردند. این اجاره نامه‌ها به شرح زیر است:

اسناد استقلال و سوزناری مجاهدین و ارتش آزادی - در راستای آمادگی برای مبارزه با رژیم بعثی و استقلال ایران، مجاهدین و ارتش آزادی در بغداد، عراق، ساختمانهای دفتری را اجاره کردند. این اجاره نامه‌ها به شرح زیر است:

اسناد استقلال و سوزناری مجاهدین و ارتش آزادی - در راستای آمادگی برای مبارزه با رژیم بعثی و استقلال ایران، مجاهدین و ارتش آزادی در بغداد، عراق، ساختمانهای دفتری را اجاره کردند. این اجاره نامه‌ها به شرح زیر است:

اسناد استقلال و سوزناری مجاهدین و ارتش آزادی - در راستای آمادگی برای مبارزه با رژیم بعثی و استقلال ایران، مجاهدین و ارتش آزادی در بغداد، عراق، ساختمانهای دفتری را اجاره کردند. این اجاره نامه‌ها به شرح زیر است:

خرید ۹ لامپ ویژه فرستنده رادیو موج کوتاه ۵۰۰ کیلوواتی صرفاً برای رله «صدای مجاهد» و اسناد تحویل لامپها به وزارت فرهنگ و تبلیغات عراق در فاصله سالهای ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۷ میلادی هزینه خرید و حمل و نقل هر لامپ بیش از ۱۰۰ هزار دلار جمعاً نزدیک به یک میلیون دلار

تصاویر لامپهای ویژه فرستنده و مشخصات آنها



جدول مشخصات لامپها و سامانتهای استاندارد آنها

ردیف	شرح	مقدار	واحد	توضیحات
۱	لامپ ویژه فرستنده رادیو موج کوتاه	۹	تک	برای رله «صدای مجاهد»
۲	سامانتهای استاندارد لامپها	۹	تک	برای رله «صدای مجاهد»
۳	هزینه خرید و حمل و نقل هر لامپ	بیش از ۱۰۰	هزار دلار	جمعاً نزدیک به یک میلیون دلار

مهره ای که در تصویر بالا به نظر می آید استاندارد نیست و در این اسناد مزبور ذکر شده است.

مستند اسنادی

اسنادی که در این پرونده قرار دارد، شامل اسنادی است که در تاریخ ۱۳۸۲/۰۹/۰۱ در اختیار این مرکز قرار گرفته است.

این اسناد شامل:

- اسناد خرید و حمل و نقل لامپها
- اسناد تحویل لامپها به وزارت فرهنگ و تبلیغات عراق
- اسناد فاصله سالهای ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۷ میلادی

این اسناد در تاریخ ۱۳۸۲/۰۹/۰۱ در اختیار این مرکز قرار گرفته است.

مستند اسنادی

اسنادی که در این پرونده قرار دارد، شامل اسنادی است که در تاریخ ۱۳۸۲/۰۹/۰۱ در اختیار این مرکز قرار گرفته است.

این اسناد شامل:

- اسناد خرید و حمل و نقل لامپها
- اسناد تحویل لامپها به وزارت فرهنگ و تبلیغات عراق
- اسناد فاصله سالهای ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۷ میلادی

این اسناد در تاریخ ۱۳۸۲/۰۹/۰۱ در اختیار این مرکز قرار گرفته است.

مستند اسنادی

اسنادی که در این پرونده قرار دارد، شامل اسنادی است که در تاریخ ۱۳۸۲/۰۹/۰۱ در اختیار این مرکز قرار گرفته است.

این اسناد شامل:

- اسناد خرید و حمل و نقل لامپها
- اسناد تحویل لامپها به وزارت فرهنگ و تبلیغات عراق
- اسناد فاصله سالهای ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۷ میلادی

این اسناد در تاریخ ۱۳۸۲/۰۹/۰۱ در اختیار این مرکز قرار گرفته است.



کارخانه سوزنی و آفرین